



# جامعہ شناسی عوام

دکتر نصر اللہ - پور افکاری

اسٹیشن - ۱۳۵۴

۱۷۰۲۳۵  
GR290 RF  
۰۰۸

مجموعه کتابخانه

مختصات کتاب  
جامعه شناسی عوام  
نسراله بودا افکاری  
چاپخانه ربانی  
چاپ اول  
پانز سال ۵۴  
استهان

بجای مقدمه

گر بریزی بحر را در کوزه ای

چند گنجه قسمت یک روزه ای

(مولوی)

کتاب حاضر که نام «جامعه شناسی عوام» بر آن نهاده ایم، مجموعی است مقدمه‌مانی و مدرسی، با معایب و نقایصی که شاید نویسندگان آن نیز، کم و بیش بدان واقف باشد. این مجموع در فرصتی کوتاه فراهم آمد، لذا مؤلف را توفیق استفاده از بسیاری مآخذ اصیل و مایه‌ور، دست‌نهاد، نیز بعضی از مباحث و فصول بناگزیب، موجب بر گزار گردید، و چه بسا که این ایجاز مختل نیز بوده باشد. باری امید می‌ورزم که اگر کتاب طبع دیگر یافت کاستیها و کژیهای آن تدارک کرده آید و طرحی گسترده‌تر و پخته‌تر گیرد.

در تألیف این مجموع پایمردی و دانش بسیاری از عزیزان و سروران، حامی و دستگیر من بوده است، که از بن گروه همکاران گرامی ام، آقایان دکتر سیروس شفقی، بهروز نوین و دکتر سیدرضا انزایی به سیاس مخصوص نرند.

پورافکاری

## بخش اول

- فصل اول - تکرشی کوتاه در فولکلور ایران - فولکلور بعد از مشروطیت ۱-۲۰  
 فصل دوم - زمینة اجتماعی فرهنگ - فرهنگ مادی و معنوی - فرهنگ عامیانه و فرهنگ مهاجمی - فولکلور چگونه بوجود می‌آید ۲۱ - ۳۵  
 فصل سوم - فولکلور در ارتباط آن با مردم‌شناسی و جامعه شناسی ۳۶-۴۰  
 فصل چهارم - روش پژوهش - الفبای صوتی ۴۱ - ۴۹

## بخش دوم

- عوامل و شرایط محیط‌های جغرافیائی - شناخت محیط و مسائل روستا - سکونت و مسائل آن - مشاغل - پوشاک - خوراک - ابزارهای خانگی آرایش - مقیاسها ۵۰ - ۹۱

## بخش سوم

- فصل اول - عرف و عادات ۹۲ - ۱۰۰  
 فصل دوم - اختصاصات دوره‌های مختلف زندگی - عادات مربوط به زایمان - خرافات - سفره و انواع آن - نخود مشکل گشا ۱۰۱ - ۱۲۴  
 فصل سوم - جشنها و آداب و رسوم آنها - چهارشنبه سوری - نوروز - فاشق زنی - سیزده بدر - حاجی فیروز ۱۲۵ - ۱۳۰

فصل چهارم - آداب و رسوم خواستگاری و ازدواج ، همسرگزینی ، عقد و مراسم آن	۱۶۰ - ۱۲۵
جشن عرسی ، مرگ و مراسم آن	
فصل پنجم - آداب و رسوم زایمان - خفته سوران	۱۶۷ - ۱۶۱
فصل ششم - باورهای گوناگون عوام	۱۷۲ - ۱۶۸
بخش چهارم	
فصل اول - شعر عامیانه ، شاعران روستا ، لالائی ، داستان ، منشأ داستانهای عامیانه	
داستان و قصه ، داستان و حکایت ، قصه و روایت ، قصه و مقل ، سرگذشت	
	۱۹۸ - ۱۷۴
فصل دوم - تمثیل و مثل ، چیستان ، معما ، دعا های عوام ، ثنا ها ، سوگند ها ،	
نفرین ها	۲۰۶ - ۱۹۹
فصل سوم - موسیقی عامیانه ، رقص ، اصطلاحات فرودندگان دوره گرد ، شوخی و	
طنز ، تئاتر و بازیهای محلی ، زبان و لهجه های بومی ، زبان لوئر ۲۱۸-۲۰۷	
فصل چهارم - مسائل حقوقی ، تعبیرات و تفسیرات ، فحش ها ، تکیه کلام ها ، القاب ،	
اصطلاحات و مشاغل و حرف	۲۲۲ - ۲۱۹
فهرست اعلام ( نام اشخاص و جایها )	۲۲۷ - ۲۲۲
کتابنامه	۲۳۸ - ۲۲۸

## بخش اول

## فصل اول

### نگرشی کوتاه در فولکلور ایران

بسیاری از دل انگیزترین داستانها و خیال انگیزترین افسانه های جاودانی که هنوز هم زندگی اندوهبهار و یا نشاط پسر در قهرمانانشان با حیات انسانها آمیخته است ، از گنجینه ی مرغی دانش عوام نشأت گرفته است .

دانش عوام زائیده و تراویده انسانهایی است که با همه عدم مهارت در خواندن و نوشتن ، دارای روحی بلند و اندیشه ای شگرف بوده اند . این انسانها با ستارگان یرفروغ و درخشان آسمان ، با سحرگاهان شور انگیز بهار و با قهر و می خرمی طبیعت زیسته اند ، به سبب کمی باران به درگاه خدایندی پناهنده شده اند . گاهی با نیروی اندیشه و انسانی خود راهی گشوده اند و گاهی نیز بعد از سالها انتظار در فراز و نشیب یرغبار زندگی گم شده اند . باز روزی از تو ، روزگاری از تو ، انسانهایی دیگر و از پس آنها دیگر کسان .

حاصل این تلاشها مجموعه ییچیده ای از دعاهای باران ، لالاییها ، مثلها داستانها و مثلثاتی است که سینه به سینه تا به امروز به زندگی خود در زبان و سینه انسانها ادامه داده است . از ظلم و ستم قنودالها ، از قدرت کاذب ، نامحدود و فریبنده اربابان ترانه های خراشنده ای به جای مانده است که توان شنیدن

دوباره بر آنها نیست .

انسان بی آلابش روستائی گذشته همیشه نمی گرییده ، بلکه گاهی باشکوفائی طبیعت و با درجشهای ملی انبساط خاطری می یافت ، با تمام درون به آذین بندی جشنها میپرداخت و از آنها بعنوان یادبود گذشتگان پاسداری میکرد . او نیز به مقتضای زندگی مثل دیگر انسانها دلی آکنده از مهر و عاطفه بود ، او نیز دوست میداشت ، فراق و دوری عزیزان خود را احساس میکرد و حاصل آنها ترانه هائی است بر سوز .

همانگونه که به مبارزه با بلاهای آسمانی میپرداخت ، با روح پر عظمت و اندیشه خود ، دردهارا تحمل مینمود و گاه با آنچه طبیعت به رایگان در اختیارش نهاده بود به معالجه خویش میپرداخت .

این اندیشه ها ، حرکات ، فریادها ، سکوت ها موجد فرهنگی شده است که به آن دانش توده میگوئیم این دانشها بین ملل دیگر بعلت نیاز و ضرورت علمی و ادبی جمع آوری شده است و در ایران نیز بعلت وجود يك فرهنگ و تمدن بسیار قدیمی ، این گنجینه یرغنا بیشتر از ممالک دیگر است ، ولی تاکنون کاوشها و بررسیهای گوناگون مردم در مقابل کلی آنها در مرحله بسیار ناچیزی قرار میگیرد ، چه بسا که تحقیقات بی اسول و روش نامطلوب آن نیز گزندی به عناصر فولکلوریک ما زده است . ضبط و تقریر داستانهای محلی بدست ناتوانان و بی اطلاعات ، تفسیر های ناروای ضرب المثلها ، مخلوط نمودن بسیاری از مواد خام کتابهای ادبی در شمار مواد فولکلوری ، ازین مقوله اند . نظری کوتاه بتاریخ ادب ایران نمایشگر این واقعیت است که بسیاری از نویسندگان و شعرای ما نیز اضطراراً از دانش عوام سودجویی کرده اند ، که در بعضی جاها بسیار ناسواب مینماید .

توضیح اینکه کلیه سخنان حکمت آمیز دیوانهای شعری و ابعارات شعری

را نمیتوان در شمار مواد فولکلوریک آورد، چرا که مواد فولکلوریک خود حدود  
و مشخصات بخصوصی دارد.

نظامی (۱) شیخ عطار (۲) سعدی (۳) مولوی (۴) فردوسی، اسدی طوسی  
عبید زاکانی، ادبیات شفاهی را با ادبیات کتبی آمیخته اند.

عطار از روی مثل و کرم بیله خود، کفن خود تند، شعر:

کفن بر تن تند هر کرم بیله بر آرد آتش از خود هر چناری

نظامی از روی مثل و کاری بکن بهر ثواب، نه سیخ بسوزد نه کیاب، شعر:

میاجی چنان کن ز بهر ثواب که هم سیخ برجا بود هم کیاب (۵)

که امثال و حکم دهخدا زمینه مساعدی برای بررسی این مسائل است.

اما معلوم نیست که آیا کلیه اینها پیش مردم متداول بوده است یا نه؟ و بعکس

۱ - نظامی طاق و ترناب را بمعنی بانگ و آواز آورده. در لیلی و مجنون گوید:

آمد ز پی عروس خواهی یا طاق و ترناب پادشاهی

۲ - شیخ عطار نیز در تذکره الاولیاء (طاق و ترناب) را بکار برده است.

فرهنگ لغات عامیانه - جمالزاده ص ۱۳.

۳ - سعدی، کلمه شنگول را بکار برده است.

غلام حسرت شنگولیان و رندانم نه زاهدان که نظر میکنند پنهانم

فرهنگ لغات عامیانه - جمالزاده ص ۱۲ - ۱۳

۴ - به فرهنگ لغات عامیانه جمالزاده ص ۷ مراجعه شود. خصوصاً به استعمال

کلماتی مانند دنگ، کاغ کاغ (قارقار) - کز مژ (کج میج) - جیک جیک - تی تی  
(تانی کردن) راه رفتن).

۵ - مثالها و تمثیل های قاری و ضرب المثل های روسی، خ کج، کودادغلی

ترجمه صادق سرایی نشریه شماره ۵۱ اشعارات گوتمیرک بدون سال چاپ ص ۹ یا امثال  
و حکم دهخدا جلد ۳ ص ۱۲۰۰.

نیز مقداری زیاد از کلمات قصار شعرا وارد زبان شفاهی مردم شده است مانند:

که کار بد از مردم بد سزد (فردوسی)

قطره قطره جمع گردد وانگهی دریا شود (سعدی)

هر بیشه گمان مبر که خالی است شاید که پلنگ خفته باشد (سعدی)

کند همجنس با همجنس پرواز (نظامی)

کس اندر جهان دشمن خویش نیست (مولوی) (۱)

با ملاحظه مطالب بالا نتیجه میشود که بررسی ریشه و خصوصیات اجزاء

مواد فولکلوری بسیار مشکل و در خور دقت و تأمل است. بدینجهت شناخت و

پژوهش فولکلور ایران نیز مشکل جلوه مینماید ولی بهر حال برای سهولت کار،

بررسی سرگذشت فولکلور ایران را از نظر زمانی در دو قسمت متفاوت مطالعه میکنیم

۱ - آثار فولکلوریک ایران قبل از مشروطیت.

۲ - فولکلور بعد از مشروطیت.

به قسمت اول، باید تبیعات صادق و یا ناروای جهانگردان، مستشرقین و

سیاحان را نیز علاوه نمود. ایشان در مورد لهجهها، داستانها و آداب و رسوم ایرانیان

مطالعه نموده اند که بسیاری از آنها مفید و عده ای نیز بسیار ناگوار است. از مستشرقین

و سیاحان غرب میتوان از تارویه (۲) شاردن (۳) مادام دیولاقوا (۴) ادوارد -

۱ - همان اثر ص ۸ و ۹

۲ - به سفرنامه تارویه ترجمه ابوتراب نوری ۱۳۳۶ اسفهان مراجعه فرمائید.

این سفرنامه جامعه عهد صفوی را با آداب و رسوم محلی و مراسم آنها نشان داده است.

۳ - سیاحتنامه شاردن ترجمه عباسی - تهران - امیرکبیر ۲۵ - ۱۳۳۵ (عهد

صفویه را تشریح نموده است)

۴ - سفرنامه مادام دیولاقوا (ایران و کلهه) ترجمه و نگارش فروشی (مترجم

همایون سابق) ۱۳۳۲ تهران.



براون (۱) کریستین سن نام برد (۲).

پتی دولاکروا (۳) مجموعه ای بی عنوان و به ظاهر مجهول المؤلف را که به سبک هزار و یکشب بوده بنام هزار و یک روز (۴) ترجمه و منتشر کرده است (۵). درویل کاسپارد در سفرنامه درویل که بسال ۱۱۹۱ بعدت ۳ سال در ایران توقف نموده بود، عرف و عادات، آداب و رسوم ایرانیان را تشریح کرده است (۶) سرمرتیمر در سفرنامه ویل دورانت نیز نمونه‌هایی از زندگی اجتماعی در شهرهای ایران و مخصوصاً بمسائلی مانند کرسی زمستانی در ایران - درازیش، مناره‌های نانوائی پرداخته است (۷).

ژوکوفسکی نیز در سال ۱۹۰۱ کتاب نمونه‌های آثار علمی را منتشر نموده است. (۸).

اسکارمان (۹) در زبان کردی بررسی کرده و کتابی بنام *Kurdisch Persian*

۱ - ازادوارد براون مستشرق مشهور انگلیسی کتابهایی مانند از سعدی تا جامی یکسال در میان ایرانیان و . . . چاپ شده است.

۲ - از کریستین سن دانمارکی کتاب تاریخ کیانیان: توسط دکتر ذبیح الله صفا به سال ۱۳۲۶ ترجمه و در تهران منتشر شده است.

۳ - (سالهای ۱۷۱۰ - ۱۷۱۲) *Pétits de La croix*

۴ - *Les Milles et un jours*

۵ - قصه‌های ایرانی جلد اول انجوی شیرازی ص ۱۷

۶ - سفرنامه درویل - ترجمه جواد محیی - تهران ۱۳۳۷ مطبوعاتی گوتمبرک

۷ - نام اصلی کتاب سفری پامیزی در ایران باختری است که بوسیله زوجة سر

مرتیمر دورانت وزیر مختار سالهای (۱۸۹۴ - ۱۸۹۰) انگلیس نوشته شده است.

ترجمه علی محمد ساکی - خرم آباد لرستان ۱۳۲۶.

۸ - قصه‌های ایرانی - جلد اول - انجوی شیرازی - مقدمه کتاب.

۹ - *Oskar Mann*

*Forschungen* را منتشر کرده است که سه جلد از این کتاب را خود، و سه جلد دیگرش

باهتمام ك. هادانك (۱) چاپ شده است (۲).

در سال ۱۸۲۴ نیز بشهر کلکته مجموعه امثال و تمثیلات بزبان فارسی و هندی

زیر نظر ویلسون چاپ شد که اثر توماس روبک و دکتر گوئتر، اعضای انجمن آسیائی

بودند (۳). در ۱۹۱۳ مجموعه‌ای نیز بنام مثللهای فارسی بزبان روسی در روسیه توسط

میرزا عبدالله عفاروف چاپ شد، که در این کتاب بیشتر از گلستان سعدی و دیگر

اشعار استفاده شده است.

د. س. فیلوت (۴) نیز با *كعك يك* ایرانی متن پنج مجلس از مجالس پرده

گردانان را جمع آوری نموده به‌مراه ترجمه انگلیسی آن در ۱۹۰۶ منتشر نموده

است (۵) بریکتو نیز قصه‌های ایرانی را جمع آوری نموده و بسال ۱۹۱۰ بزبان

فرانسه ترجمه و چاپ نموده است. (۶)

د. ل. ر. لوریمر. و ا. ل. لوریمر به لهجه‌های رایج در کرمان و ناحیه بختیاری

۱ - *K - Hadank*

۲ - قصه‌های ایرانی - انجوی شیرازی جلد اول مقدمه ص ۱۸.

۳ - *T. Roebuck Accollection of Proverbs and Proverbial phrased in the Persian and Hindustance - languages - calcutta 1824.*

۴ - *D. C. Phillot*

۵ - *Some Errent Persiantales memoris of the Aciatic - Society of Bengal - I - No 18 calcutta 1906*

۶ - *Contes Persans ' Par A Bricieux Paris 1910*

وا با ترجمه انگلیسی آن عرضه داشته‌اند (۱). هابری ماسه بسال ۱۹۲۵ در پاریس مجموعه قصه‌های خوشمزه ایرانی را بنام داستانهای عامیانه فارسی انتشار داده است (۲).

روماسکوویچ (۳) نیز در سال ۱۹۳۳ مجموعه‌ای از افسانه‌های عامیانه ایرانی را بررسی نموده است.

از آ. آ. روماسکوویچ و آ. ز. روزنفلد قصه‌های فارسی و از رودنکو قصه‌های کردی را میتوان دید. باز آداب و رسوم ایرانیان را در سفرنامه اوژن فلائدن که بسال ۱۸۴۲-۱۸۴۰ به ایران آمده میتوان یافت (۴). طیب ناصرالدين شاه بنام فوریه که سه سالی در دربار ایران بوده است ضمن عبور از شهرهای خوی، تبریز، میانه، سلطانیه، قزوین، ری، سمنان، دامغان، نیشابور، مشهد... گوشه‌ای از زندگی مردم و باورهای دوره ناصری را ذکر نموده است (۵).

سفرنامه کلاویخو که مقارن سالهای ۱۴۰۳ - ۱۴۰۶ بوده اطلاعاتی در مورد

---

۱ - 'Persiantales' written down for the first time in the original kermani and Bakhtiari, and translated by D. L. R. Lorimer and E. O. Lorimer. London 1919.

۲ - H. Masse. Contes en persan populaire Paris 1925

۳ - A. A. Romaskewitsch

۴ - این کتاب به ترجمه حسین نوری صادقی در اسفهان بسال ۱۳۲۴ به چاپ دوم رسیده است.

۵ - این کتاب بنام سه سال در دربار ایران به ترجمه عباس اقبال بسال ۱۳۲۶ در تهران به چاپ رسیده است.

مردمان خوی، تبریز، میانه، سلطانیه، قزوین... ارائه نموده است (۱). سفری به زمین دلاوران (۲) و سیاحت درویشی دروغین در آسیای میانه که در اواسط قرن ۱۹ توسط وامبری، آرمینیوس در مورد زبانهای شرقی و آداب و رسوم شهرهای مختلف نوشته شده است تعابشگر، گوشه‌ای از زندگی این مرزوبوم است (۳) ایرانیان در گذشته و حال اثر وولفسن که اطلاعاتی در مورد لباس و تربیت اطفال و مرگ و میر مردم بدست میدهد (۴) باز به اینان باید ادوارد براون (۵)

---

۱ - سفرنامه کلاویخو ترجمه مسعود رجب تیا توسط بنگاه ترجمه و نشر کتاب بسال ۱۳۳۷ در تهران به چاپ رسیده است.

۲ - سفری به سرزمین دلاوران اثر مریان سی، کوپر که سی کوپر به هنگام مطالعه ایلات بختیاری بکمک خانم هاریسون ولومونت شود ساک مشاهده نموده و بعد آنرا به چاپ رسانده اند. این کتاب بسال ۱۹۳۵ با ترجمه امیرحسین ظفر ایلیخان بختیاری توسط امیرکبیر به چاپ رسیده است.

۳ - سیاحت نامه درویشی دروغین در خانات آسیای میانه از وامبری - آرمینیوس به ترجمه فتحعلی خواجه نوریان که بسال ۱۳۳۷ توسط سازمان نشر کتاب در تهران به چاپ رسیده است.

۴ - ایرانیان در گذشته و حال از وولفسن، مادام، ترجمه میرزا حسین خان انصاری مؤسسه خاور سال ۱۳۰۹ تهران.

۵ - براون مستشرق معروف، کتابهای متعددی در مورد ایران نوشته است که بیشتر آنها به چاپ رسیده است.

ساتون ، ل ، ب ( ۱ ) ایوانف ( ۲ ) بیات اروج بیک ( ۳ ) را علاوه نمود و بسیار کسان دیگر که چون کلام را بدر از میکشاند از ذکر آنان خودداری میکنیم ( ۴ ) .

۱ - افسانه های ایرانی از ساتون ، ل . ب - ترجمه علی جواهر کلام ، شهیدی  
بنگاه ترجمه و نشر کتاب سال ۱۳۴۱ ، تهران . ساتن این افسانه را از زبان زنی بنام  
کلین در تهران ضبط کرده است .

۲ - ایوانف ، و . د . مجموعه رسائل و اشعار اهل حق ، توسط انتشارات انجمن اسماعیلی  
بسال ۳۸ در تهران بچاپ رسیده است .

۳ - دون ژوئن ایرانی از بیات اروج بیک ترجمه مسعود رجب نیا ، تهران مؤسسه  
نشر کتاب سال ۱۳۳۸ . این کتاب نمونه هایی از مراسم ازدواج و نیز در مورد طبقه  
اشراف مطالبی دارد .

۴ - برای اطلاع بیشتر به آخر کتاب مراجعه فرمائید .

## فولکلور بعد از مشروطیت

انقلاب مشروطیت به آگاهی مردم در زندگی اجتماعی و برخورداری از آزادی و تحرک و جنبش همگانی کمک بسیار نموده است و در این میان بعزت گرایش مردم به دانستنیها و اخبار ایران و دست یابی مردم به فرهنگ ممالک دیگر از طریق مسافرت ، تحصیل و ترجمه آثار بزرگان و دانشمندان اروپائی بخصوص فرانسویان ، راه را برای تحقیق و بررسی به برخی از موضوعات باز نموده است . در اثر این تحرک اجتماعی ، تغییرات گسترده ای نیز در ادبیات حاصل گردید و آسان نویسی به سبکی جدید که توانست زبانهای محلی را در متن داستانها بگنجانند ، پدید آمد تا جائیکه بیشتر موضوعات منشاء وریشه اجتماعی یافتند و در این میان باید ابتدا نام دهخدا و هدایت را بنام پیشاهنگان این نوع داستان نویسی متذکر شد . و آنگاه بعدها گرایش شگرف به جمع آوری مواد خام این داستانها بوجود آمد .

البته باید گفت تا اوایل مشروطیت ، بقارسی معمولی و رایج در میان مردم چیز مهمی نوشته نشده ، حتی اشخاصی مانند طالب اوف ( ۱ ) و میرزا ملکم خان ( ۲ )

۱ - عبدالرحیم طالبوف تجار تبریزی کتابش بنام « کتاب احمد یاسفینه طالبی » که  
بسال ۳۶ در تهران چاپ شده است .

۲ - میرزا ملکم خان ملقب به ناظم الدوله ( ۱۳۲۶ - ۱۲۴۹ هجری قمری ) از  
پیروان نهضت مشروطه بود که روزنامه قانون را در لندن چاپ میکرد . از نوشته های ایشان  
دفتر تنظیمات را میتوان نام برد .

و میرزا فتحعلی آخوند اوف (۱)، میرزا آقا خان کرمانی (۲) و مولف کتاب سیاحتنامه ابراهیم بیگ (۳) و ترجمه حاجی بابای اصفهانی (۴) هر چند بفارسی ساده و بی تکلف چیز نوشته‌اند، باز بزبان معمولی مردم فارسی زبان نیست و کلمات و اصطلاحات و ضرب المثلهای عامیانه کوجه ویا بازاری کمتر و حتی میتوان گفت بندرت استعمال کرده‌اند. اصلاً میتوان گفت که نویسندگان از استعمال این گونه کلمات عامیانه پرهیز داشتند و آوردن آنها را کسر شأن و تنزل خود میدانستند و برسم و شیوه کلاسیک‌ها کار میکردند (۵).

مطلبی که باید توضیح داد این است که برای روشن شدن اذهان مردم در دوره مشروطه به زبان ساده‌تری که قابل فهم عوام باشد ضرورتی بود و اگر به ترتیب کلاسیک عمل میشد، قهراً کمتر مؤثر واقع میشد. آسید جمال الدین

واعظ مشهور به اصفهانی اولین کسی بود که قبل از مشروطیت درمنابر متعدد وعظ وخطابه‌های خود درپایتخت و قبل از آن در اصفهان، شیراز، تبریز و مشهد منحصرأ بزبان عامیانه صحبت میداشت. (۱) روزنامه‌های عصر نیز در ترویج زبان عامیانه مؤثر واقع شدند. شیخ احمد کرمانی روزنامه فکاهی (کشکول) را بزبان فارسی معمولی چاپ کرد. روزنامه فکاهی حشرات الارض منطبقه تبریز و سرمقالات دهخدا بعنوان چرند و پرند در روزنامه صور اسرافیل که بهترین انشای عوامانه است. پس از او سید اشرف الدین مدیر روزنامه فکاهی نسیم شمال (۲) بعد تقی آقاوی (بینش) (۳)، درهمان دوره ایرج میرزا (۴) و ملا نصرالدین در قفقاز و آذربایجان (۵) و روزنامه شاهسون چاپ استانبول و... (۶) به پیشرفت ساده نویسی و استفاده از لغات عامیانه کمک نموده است. (۷). آنگاه دهخدا امثال و حکم را تألیف نمود (۸)

۱ - همان اثر ص ۲۴

۲ - نسیم شمال ابتدا در رشت و سپس در تهران چاپ میشد از سید اشرف الدین رشتی جلد ۱ و ۲ نسیم شمال بسال ۱۳۲۶ در بمبئی بچاپ رسیده است.

۳ - بینش در آغاز مشروطیت روزنامه فکاهی بهلول را منتشر میکرد.

۴ - ایرج میرزا (جلال الملك) متولد تبریز دارای اشعار ساده و روان غاری از تصنع. در اشعارش مسائل اجتماعی را مطرح کرده و با خرافات مبارزه نموده است. دیوان ایرج میرزا به کرات بصورت گلچین و کلی چاپ شده است.

۵ - این روزنامه در قفقاز و آذربایجان (تبریز) با تصویر و گاهی بی تصویر چاپ میشد.

۶ - این روزنامه با چاپ ژلاتینی بقلم طالب اوف (حاجی عبدالرحیم) و سید محمد شبستری در سال ۱۳۰۶ در استانبول انتشار یافت.

۷ - فرهنگ لغات عامیانه ص ۲۹

۸ - در چهار جلد بسرمایه امریکبر در سال ۳۹ - ۳۷ چاپ شده است.

۱ - از آثار میرزا فتحعلی آخوند اوف سرگذشت مرد خسیس به ترجمه احمد مهدوی (تهران سال ۵۰). حکایت ملا ابراهیم کیمیاگر و ستارگان قریب خورده را میتوان نام برد.

۲ - (۱۳۱۴ - ۱۲۷۰) از کتاهايش تاريخ باستان و آئینه اسکندری و خود در تبریز بدست عمال مظفرالدین شاه اعدام شده است.

۳ - سیاحتنامه ابراهیم بیگ اثر حاج زین العابدین مراغه‌ای بسال ۴۴ در تهران بچاپ رسیده است.

۴ - سرگذشت حاجی بابای اصفهانی اثر جیمز موریه، ترجمه میرزا حبیب اصفهانی به کوشش دکتر یوسف وحبلمو سال ۵۱. در این کتاب از آداب و رسوم، عرف و عادات ایرانیان بخصوص لباس پوشیدن، آداب محرم، زیارت، سازمانهای حکومتی و شیوه‌های حکومتی سخن رفته است.

۵ - فرهنگ لغات عامیانه، تألیف سید محمدعلی جمالزاده بکوشش محمد جعفر، محجوب

سال ۴۱ تهران ص ۲۵۱.

امیرقلی امینی ، هزار و یک سخن در امثال و حکم و فرهنگ عوام را (۱) صبحی داستانهای عامیانه را جمع آوری نمود (۲). جمالزاده یا بیای دهخدا و هدایت در ادبیات عامیانه (۳) و سپس محمد مگری (۴) کسوهی کرمانی (۵) پسر وین گنابادی (۶) محمد بهمن بهمن بیگی (۷) محمود دانشور (۸) دکتر صادق

۱- فرهنگ عوام در تهران توسط موسسه انتشارات علی اکبر علمی چاپ شده است. هزار و یک سخن در امثال و حکم ، ۱۳۳۹ . ازین محقق و پژوهشگر مشهور ، داستان های امثال، چاپ سوم ۱۳۵۱ وسی افسانه از افسانه های محلی اصفهان جدا گانه چاپ شده است.

۲- از صبحی افسانه های بوعلی سینا (هنرهای زیبای کشور) - افسانه های کهن ۲ جلد ۳۹، چاپ چهارم، - افسانه های تهران ۳۸ و... چاپ شده است.

۳- از جمالزاده یکی بود و یکی نبود چاپ ششم ۱۳۳۹ و فرهنگ لغات عامیانه، صحرای محشر - سر و ته یک کرباس - تلخ و شیرین - راه آب نامه - کهنه و نو... چاپ شده است .

از هدایت، نیرنگستان در ۱۳۴۲ چاپ سوم توسط امیر کبیر تهران . مجموعه نوشته های پراکنده صادق هدایت (گردآوری توسط حسن قائمیان) تهران سال ۳۴ و علویه خانم وولنگاری در سال ۴۲ تهران - سه قطره خون - گیاهخواری - بوف کورو اوسانه بکرات چاپ شده اند .

۴- از دکتر محمد مگری کتاب گورانی یا ترانه های کردی سال ۲۹ در تهران چاپ شده است.

۵- از کوهی کرمانی - هفتصد ترانه - تاریخ تریاک و تریاکی در ایران سال ۴۲ و... چاپ شده است .

۶- از آثار پرارزش پروین گنابادی: ترجمه مقدمه این خلدون ۲ جلد سال ۳۶-۳۷ تهران اندیشه در ۲ جلد ۱۳۱۶ مشهد .

۷- عرف و عادات در عشایر فارس از انتشارات بنگاه آذر ، تهران سال ۲۴

۸- دیدنیها و شنیدنیهای ایران جلد اول سال ۳۶ جلد دوم ۲۹ تهران -

کیا (۱) زبده سواد دکتر محمد جعفر محبوب (۲) ذکاء (۳) بلوک باشی (۴) صادق همایونی (۵) فرزانه (۶) آل احمد (۷) انجوی شیرازی (نجوا) (۸) هاشم پور کریم (۹) دکتر جاوید (۱۰) منوچهر ستوده (۱۱) .

۱- از کیا میتوان واژه نامه گرگانی انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۳۰ . گویش و فسی و آشتیان - واژه های محلی ایران - واژه نامه طبری را ملاحظه نمود .

۲- دکتر محبوب در زمینه فولکلور مطالعات ارزنده ای دارند که همه آنها را به چاپ رسانده اند به آخر کتاب مراجعه فرمائید .

۳- از ذکاء، یحیی گویش گلین قیه ( هرزندی ) سال ۳۶ تهران . گویش گرنیکان در ۱۳۳۲ - کولی و زندگی او ۳۷ - لباس زنان اسلام از سده ۱۳ هجری تا امروز سال ۳۶ چاپ شده است .

۴- از بلوک باشی - مقالات ارزنده ای در کتاب هفته، در زمینه فولکلور، در هنر و مردم پیام نوین ، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بچاپ رسیده است .

۵- مقالاتی در مجله موسیقی ، فردوسی ، سپاه ، دانش در زمینه فولکلور و کتاب یک هزار و چهارصد ترانه محلی شیرازی را در ۴۸ و ترانه های از جنوب رادر ۴۵ به چاپ رسانده اند

۶- از فرزانه دو بیٹی ها ( بایا تیلار ) ، چند داستان از محمد قلی زاده ( ملانصرالدین) را میتوان دید .

۷- آثار مشهور آل احمد اورازان - جزیره خارک در یقیم خلیج - حسی در میقات - سه تار - مدبر مدرسه .

۸- از نجوا به جز مقالات بسیار ارزنده ای که در زمینه فولکلور در مجلات مختلف کشور بچاپ رسیده است ، کتابهای زیر را نیز میتوان مشاهده نمود - جشن ها و آداب و معتقدات زمستان جلد اول امر کبیر ۵۲ - قصه های ایرانی ۵۲ - بازیهای نمایشی ۵۲ - تمثیل و مثل جلد اول ۵۲ .

۹- از پور کریم، فشنک (موسسه تحقیقات اجتماعی) - آلاشت، زادگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر، ۴۷ و مقالاتی تحقیقی در مجله فرهنگ و هنر -

۱۰- نمونه های فولکلور آذربایجان ۴۴ - تهران

۱۱- ازین پژوهشگر ترانه های گیلانی، امثال سمناوی - فرهنگ کرمانی - فرهنگ گیلکی چاپ شده است .

ساعدی (۱) و بهرنك (۲) كنيرائى (۳) ابو القاسم فقيرى، على اصغر مجتهدى  
آذربىدى - ح . سديق ، محمد على هبله رودى (۴)، احمد اخگر (سال ۱۸ و ۱۹  
امثال منظوم دو جلد شامل ۵۰۰۰ مثل) شاملو، ابرج - گلرخى . و بسيار كسان  
ديگر كه در زمينه هاى مختلف دانش عوام راهكشا بوده اند .

با همه اين گرايشها بايد علاوه نمود كه فولكلور ايران در بررسى و روش  
پژوهش صحيح آن ، مديون صادق هدايت است . هدايت زمينه بررسى علمى  
اين راه را بر مردم كشور ياد آورده است (۵) .

با توجه به گذشته ادبى ايران . مطالعه ايام فراغت مردم ، بخصوص مطالعه  
داستان گويان و داستانهاى آنها نيز روشن ميگردد كه داستانهاى ما بجز در چند  
مورد استثنائى مانند سمنك عيار - داراب نامه - ابو مسلم نامه در داخل ادب رسمى

۱ - از دكتر ساعدى، منوگرافى هاى با ارزشى مانند ايلخچى - خياو - اهل هوا توسط  
موسسه تحقيقات اجتماعى چاپ شده است .

۲ - از بهرنك كند وكاو در مسائل تربيتى - افسانه هاى آذربايجان ( دو جلد )  
داستان ماهى كوچولو . . . چاپ شده است .

۳ - كتاب يا ارزش از خشت تا خشت ( از انتشارات مؤسسه تحقيقات اجتماعى  
سال ۴۸ ) تصحيح عمادالفساه و مرآت الابلها ۴۹ ، تهران

۴ - محمدعلى هبله رودى ، مجمع الامثال ( ويراسته دكتر صادق كيا ) تهران ۴۴  
كه بيش از دوهزار امثال را آورده است .

۵ - در زمينه تحقيقات فولكلور بايد از احسان يارشاطر - معينى - دانش پژوه - عباس  
زربابخونى - مصطفى مقرئى - ابرج افشار - ماهيار نوابى - اديب طوسى دكتر منوچهر  
مرضى، كارنك كه در لهجه هاى زبان فارسى تحقيقاتى داشته اند نام برد و بسيار كسان،  
كه اسامى آنان به بيان نيامده است .

نيستند و همه آنها ادب عوام محسوب ميشود .

( اسولا داستانرئائى در ميان نفلان و قصه گويان بوجود آمده و اگر چه  
اين گونه داستانها در قديم رنك و روغنى داشت ، و يا قصه هاى كه در قرن هاى  
ششم و هفتم نوشته شده است اهميت و اعتبار بيشتري دارند ، اما در قرن هاى بعد  
خاصه از دوره صفوى به اين طرف در داستانهاى عوامانه نيز ابتدال و بى مايگى راه  
يافت ، و قصه هاى كه در اين روزگاران نوشته شده است مانند ( اسكندرنامه ، رموز  
حمزه و شيرويه هفت جلدى ، امير ارسلان ، حسين كرد ، ملك جمشيد و ملك بهمن و  
غيره ) همه يرازدروغهاى شاخ دار و صحنه هاى عجيب و غريب و غالباً مكرروملاط  
خيز است ، تا جائيكه هيچ تحصيل كرده رغبت نمي كند داستانهاى از نوع بديع الملك  
و بديع الجمال و شاهزاده هرمز و چهار درويش و سليم جواهرى را بخواند . (۱) با همه  
اين ، چه قبل از مشروطه و چه بعد از آن ، داستان ها و نوشته هاى مورد توجه مردم بوده  
است و اين توجهات به علل فراوانى بوده است كه يكي از آنها بعلت اين بود كه  
مردم بسيارى از مشكلات و يا آرزوهاى خود را در متن اين داستانها ميديدند .  
شاهنامه (۲) ، مختارنامه (۳) ، خاورنامه (۴) ، موش و گربه (۵) ، مسيب -

۱ - فردوسى شماره ۹۰۱ سال ۴۷ ( گفتگوئى با دكتر محمد جعفر محبوب ) .

۲ - شاهنامه فردوسى نيز پراز مواد فولكلورى است ، براى اطلاع بيشتر به مقاله  
صادق همايونى ( شاهنامه و فولكلور ) فردوسى شماره ۱۰۵۸ مراجعه فرمائيد .

۳ - مختارنامه از داستانهاى مذهبى و تاريخى است .

۴ - داستان مذهبى است كه زن در آن راه نيافته است .

۵ - اثر مشهور عبید ذاکالی .

نامه (۱)، چهل طوطی (۲)، ملا نصرالدین (۳)، فلک ناز (۴)، کوراوغلو (۵)، عاشق غریب (۶)، اصلی و کرم (۷)، دده قورقوت (۸)، کلثوم ننه (۹)، کتاب احمد (۱۰) خلسه مشهور به خردنامه (۱۱)، هزارویکشب (۱۲)، از کتابهایی بودند

۱ - داستانی مذهبی نظیر مختارنامه و خاورنامه .

۲ - نویسنده چهل طوطی معلوم و مشخص نیست ولی سه نسخه از آن موجود است .

۱ - طوطی نامه ضیاء نخشی ۲ - طوطی نامه قادری ۳ - چهل طوطی معمولی و معروف

۳ - شخصیتی که به سرزمین های ترك نشین نسبت داده میشود و در بعضی جاها بنام

حجی مشهور است .

۴ - فلک ناز از ندریمه های شیرین، معشوقه فرهاد و خسرو پرویز است و داستانی

نیز به همین نام آمده است .

۵ - عسبانگر مشهور تاریخ آذربایجان بر علیه ظلم و ستم ترکان عثمانی .

۶ - عاشق غریب از - ام - یو - لر مونتق - ترجمه صادق سرابی سال ۵۰ .

۷ - اصلی و کرم یکی از اصیل ترین و کهن ترین داستانهای مشهور آذربایجان است .

۸ - دده قورقوت مجموعه ای از قدیمی ترین و باارزش ترین داستانهای آذربایجان

است ، این کتاب يك مقدمه و ۱۲ داستان دارد .

۹ - کلثوم ننه نوشته خوانساری به تصحیح محمود کنیرائی ۴۸ تهران .

۱۰ - کتاب احمد با سغبه طالبی نوشته عبدالرحیم طالب اوف سال ۴۶ تهران .

۱۱ - بکوش محمود کنیرائی، توسط انتشارات زبان و فرهنگ ایران سال ۴۸

چاپ شده است .

۱۲ - نویسنده هزارویکشب معلوم نیست مترجمش عبداللطیف طسوجی تبریزی است .

درین کتاب دختری بنام شهرزاد، داستانهایی به خواهرش دینارزاد و شامی گوید، که از

داستانهای مشهور آن، چراغ سحر آمیز ، علی بابا و چهل دزد بغداد است .

که خزینه داستانی ما را تشکیل میدادند. (۱) بهر حال امکان بررسی تک تک اینها ، فرصت بیشتری میخواهد ، تا بطور کلی آنچه را که در اندیشه و جهان بینی گذشتگان بوده بخوبی نشان دهد . با این توضیح ابتدائی و نارسا خواننده محترم خواهد توانست چهار چوبی از سرگذشت فولکلور و ادب عامیانه ایران در گذشته برای خود بسازد .

\* \* \*

آنچه باید گفت :

۱ - نحوه بررسی این نوشته مبتنی بر اطلاعات دانشمندان و محققینی است که

در این زمینه کار کرده اند و من با ذکر منابع از آنها استفاده کلی نموده ام .

۲ - در امثالی که جهت بعضی از مسائل بدون ذکر ماخذ آمده ، تحقیقات

و بررسیهای شخصی است که طی سالها اقامت در روستاها جمع آوری و ضبط شده است .

۳ - غرض از این نوشته ، جمع آوری داستانها و امثال و ... نیست چه

اینکار پر دسر را محققینی بینا و صادق همچون انجوی شیرازی که خود از پیش

کسوتان فولکلور در ایران است انجام میدهند ، بلکه اشاره ناقصی به بعضی از

مطالب و خمیره مواد فولکلوری است که هنوز از آنها صحبتی بمیان نیامده است .

۱ - بعضی از این داستانهای عامیانه و امثال آنها مانند هزارویکشب - سلیم جواهری

اسکندر نامه - کلثوم ننه - موش و گربه و ... دارای تصویرهای عامیانه ای نیز هستند . برای اطلاع

بیشتر به هنر و مردم شماره ۸۹ ( نقش های عامیانه ایران از خانم نوشین نفیسی مراجعه

فرمائید ) .

۴ - سخن آخر اینکه چگونه از این فولکلورها باید استفاده نمود، یعنی از مطالعه داستانها و مثلها و ... چگونه میتوان از دیدگاه جامعه شناسی به خصوصیات زندگی انسانهای آندوره پی برد، بعنوان نمونه مطالبی از داستانها و مثلها و ... بدین جهت بررسی شده است. دردنیای فولکلور با اینهمه مطالب سلامت در رفتن از میان نوشته‌ها محال بنظر میرسد، لذا امکان خطا و نقص فراوان است. امید است با تذکر محققین و دوستان کاملتر گردد.

## فصل دوم

### زمینه اجتماعی فرهنگ

جامعه‌شناسان فرهنگ را بآن معنی که در نظر انسانها در ابتدا متبادر بذهن میگردد، در نظر نمیگیرند، بلکه مفهوم اجتماعی آن را مطالعه میکنند. فرهنگ در لغت به معانی مختلفی آمده است.

۱ - در معنای دانش و حکمت

۲ - در معنای آموزش و پرورش.

۳ - در معنای لغت نامه.

۴ - در معنای مظهر آب.

۵ - بعنوان اسم خاص

۶ - ریشه خوابانده‌ای که شاخکهای آن بوجود آمده باشد.

۷ - مرادف رای و هوش و عقل و خرد.

۸ - بمعنای هنر.

اما فرهنگی که جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان تأیید میکنند در معانی



بالا نمی‌گنجد بلکه مفاهیم دیگری را پیشنهاد می‌کنند.

بمقیده جامعه شناسان فرهنگ عبارت است از يك مجموعه درهم و بهم‌تافته‌ای که شامل کلیه سنتها و قوانین، عادات، آداب و رسوم، اعتقادات، هنر و اخلاق است که يك فرد در جامعه خود بارث دریافت میدارد و بهیچوجه این توارث جنبه بیولوژیکی ندارد بلکه انسانها در نتیجه تماس متقابل از هم‌دیگر دریافت میدارند:

برای تعریف فرهنگ باید کلیه خصیصه‌های فرهنگی را در نظر گرفت تا بتوان تعریف جامعی بدست داد. مشخصاتی که يك فرهنگ میتواند داشته باشد عبارتست از:

۱ - به سبب اشتراك انسانها در پاره‌ای از نهادهای اجتماعی مانند نهاد ازدواج و مقررات آن، دین، هنر، و... توان گفت که فرهنگ صورت عامی دارد ولی عملکرد تك تك آنها در جوامع ممکن است متفاوت باشد، چنانکه هنر موزیک و بافتاشی در بسیاری از جوامع وجود دارد ولی در خط مشی خود، بنابراین روشن می‌گردد که فرهنگ با همه تظاهرات متفاوتی که در نهاد انسانها دارد، عام است.

یا اینکه:

همه مردم يك فرهنگی وابسته‌اند و هر فرهنگی در داخل يك مكان معینی رشد می‌یابد و وحدت خاصی به قلمرو خود می‌بخشد (۱)

۲ - چون معیارهای انسانی مداوم تغییر پیدا میکند پس عناصر فرهنگ نیز متغیر خواهد بود مانند تغییراتی که يك زبان طی سالها بخود دیده، رشد و تکامل می‌یابد. مقایسه زبان کلمات سعدی، خاقانی و با زبان و ادبیات مشروطه با امروز، با اندکی دقت تغییرات بسیار کندی را نشان خواهد داد پس جوامع رشد و تکامل

۱ - فلسفه جغرافیا، حسین شکویی انتشارات دانشگاه تبریز ص ۱۳۶

می‌یابند اما بسیار آرام.

۳ - انسانها بطور غیر ارادی در محیطی که زیست میکنند فرهنگ همان محیط را می‌پذیرند ولی گاهی در نتیجه تماس و آمیزش با گروهی دیگر، فرهنگی تازه دریافت میکنند که بعلت وجود خصیصه فرهنگ پذیری انسانهاست. پس هر شیئی، اثر و رسم، اندیشه‌ای، هرگونه، بیان و رفتاری که به جامعه مربوط باشد جزو فرهنگ است. (۱)

بعلاوه:

- فرهنگ نیازمند بهای اساسی حیاتی را تأمین میکند.

- فرهنگ از نوع تصورات اجتماعی است.

- فرهنگ با محیط و شرایط آن سازگاری میکند.

- عوامل يك فرهنگ بتدریج بصورت يك مجموعه بهم پیچیده‌ای درمی‌آید. (۲)

هر فرهنگی متضمن خصوصیتی است که متذکر گردید و با توجه بآنها،

فرهنگ با دیدهای متفاوتی تعریف میشود. از آن جمله:

۱ - تیلور (۳) فرهنگ را در معنای مجموعه پیچیده‌ای که شامل دانش،

اعتقادات، هنر، اخلاق، قانون و آداب و رسوم و هر توانائی و عادات دیگری است

که انسان بعنوان يك عضو جامعه کسب میکند، تعریف می‌کند (۴).

علاوه می‌نماید که فرهنگ از جمله اصطلاحاتی است که بر سر آن هنوز هم

۱ - فرهنگ و زندگی ناصر نیر محمدی شماره ۱ صفحه ۱۵

۲ - فلسفه علوم دکتر علی اکبر ترابی ص ۱۵۴

۳ - Tylor

۴ - فرهنگ و زندگی شماره ۲ مقاله Harry Hoiyor ص ۷۷

میان علما و متفکران بحث و جدل وجود دارد.

یکی از محققان بیشتر از ۲۵۰ تعریف گوناگون از این کلمه را نزد صاحب نظران مختلف گردآوری کرده است. (۱)

فرهنگی که مردم شناس از آن سخن میگوید با فرهنگی که مد نظر فیلسوف یا هنرمند است و فرهنگی که دستگاههای اداری برای آن برنامه ریزی میکنند بظاهر فرق بسیار دارد و هدف هر يك از آنها، نمایاندن جنبه خاصی از زندگی اجتماعی انسان است و هر يك در قبولاندن تعریف خود از فرهنگ، میکوشد و تمایل بقبول تعریف دیگری ندارد. (۲)

بنظر مردم شناس، جامعه انسانی بدون فرهنگ وجود ندارد و انسان بودن مترادف فرهنگ داشتن است در حالیکه فیلسوف، رسیدن به حد عالی از پرورش روانی را، دارا بودن فرهنگ می داند و دستگاههای اداری توسعه آنچه را که قابل عرضه باشد فرهنگ میخوانند و عالم منکر وجود نظام منطقی در فرهنگ شده و آنرا نقطه مقابل علم میداند. (۳)

بنا به تعبیر مالینوسکی و عده ای دیگر از فونکسیونالیست ها فرهنگ پاسخ گوی نیازهای اساسی جامعه است. (۴)

جوزف روسک گوید، فرهنگ به نحوه زیستی گفته میشود که هر جامعه ای برای رفع احتیاجات اساسی خود از حیث بقا، ادامه نسل و انتظام امور اجتماعی

اختیار میکند. پس بر اثر پیوستگی و اجتماع انسانهاست که اشیاء مادی، آثارهای سازمان اجتماعی، شیوه های اکتسابی رفتار، معرفت، اعتقادات و کلیه فعالیتهای دیگر به منصفه ظهور میسرند و تکامل می پذیرند.

بنابر این فرهنگ عبارت است از تأثیراتی که آدمی در محیط خود میکند. (۱) بعضی ها فرهنگ را جلوه های گوناگون شعور و فهم و ذوقیات يك ملت در طول يك دوره تاریخ دانسته اند. (۲)

Kardiner و Linton نیز فرهنگ را رفتاری آموخته و میراث اجتماعی و شاخص گروهی در افراد خوانده اند. (۳)

متفکران رمانتیک آلمان نیز معتقد هستند که فرهنگ بیان و جلوه ژرفنای روح آدمی است. (۴)

گفته شد Tylor فرهنگ را در معنی آموخته های جامعه بکار میبرد ولی در عصر ما، این کلمه دلالت دارد بر همه ابزارهایی که در اختیار ما هستند و همه رسوم و معتقدات و علوم و هنرها و سازمانهای اجتماعی که در جامعه وجود دارند. انسان بوسیله فرهنگ خود، موجودی اجتماعی میگردد و با مردم پیرامون خود، از صدها جهت، هم رنگی و هماهنگی می یابد و از مردم جامعه های دیگر متفاوت و مشخص میگردد (۵) پس فرهنگ به تمامی مظاهر زندگی اطلاق میشود

- ۱ - مقدمه ای بر جامعه شناسی ترجمه دکتر نبوی ص ۶ و ۹
- ۲ - نجوا، اطلاعات شماره ۱۴۱۸۵ -
- ۳ - آیا فرهنگ آینده ای دارد، دکتر راسخ نکین شماره ۹۴
- ۴ - همان مقاله
- ۵ - زمینة جامعه شناسی آریان پور ص ۹۴

- ۱ - نکین شماره ۹۵ مقاله دکتر راسخ
- ۲ - فرهنگ و زندگی مقاله نریاشیبانی شماره ۲
- ۳ - همان مقاله
- ۴ - نکین شماره ۹۴

با توجه به مطالب بالا بطور کلی فرهنگ را مجموعه شناسایی، اعتقادات، آداب و رسوم، نهادها و هنر و سایر خصوصیات میدانییم که فرد بمنوان عضو جامعه کسب میکند و بکلامی دیگر میراثی اجتماعی که فرد از گروه خود بدست می آورد. (۱)

### فرهنگ مادی و معنوی

نخستین کوشش که برای تدوین سیر تاریخ بشریت و یافتن اصل و ریشه جوامع صورت گرفت، در اواخر قرن ۱۸ در آلمان بود و هدف آن مطالعات، بیشتر باز یافتن آداب و رسوم و هنرها و علوم بود.

البته کلمه فرهنگ Culture از فرانسه به آلمان راه یافته بود که بعدها دوباره به فرانسه برگشته است، و این موقعیتی بود که کلمه Culture معنی اساسی خود را در کشاورزی یافته بود و منظور از آن آباد کردن و کشت زمین بایر و بارور ساختن آن بود و این مفهوم بتدریج در علوم و ادبیات بکار رفت.

در قرن هیجده نویسندگان آنرا بمعنای پرورش روانی و معنوی بکار بردند و از این زمان فرهنگ برای بیان پیشرفت فکری شخص متفکر Intellectuelle بکار میرفت.

بر اساس تعریف فرانسوی، فرهنگ عبارت است از پرورش جسم و روح. در پذیرش مجدد این کلمه در زبان آلمانی، فرهنگ بعنوان پیشرفت فکری و اجتماعی انسان و جوامع و بشریت بطور کلی تلفی گردید. (۲)

۱ - فرهنگ و زندگی مقاله جمشید بهنام شماره ۶ ص ۹۱

۲ - فرهنگ و زندگی مقاله ثریا شببانی شماره ۲ ص ۱۱۶

در همین زمان در آلمان تمایزی بین کلمات فرهنگ و تمدن بوجود آمد و دوگرایش کاملاً متضاد در تعریف آن نمودار گردید. گروهی معتقد بودند که فرهنگ مجموعه وسائل جمعی است که انسان برای تسلط به محیط طبیعی پیرامون خود، بکار میبرد و هدف اصلی از آن علوم و فنون است و منظور از تمدن وسایل جمعی است که انسان بآنها متوسل میشود تا روانش را پیرو راند و بدینگونه هنرها، فلسفه، مذهب، قانون، جزئی از تعریف تمدن می شود. اما گروهی گویند که تمدن به همه وسایلی که برای هدفهای مادی بکار برده میشود اطلاق میشود و از خصوصیات آن منطقی بودن شرایط مادی کار و تولید و فن و پیشرفت است، و فرهنگ شامل معنوی ترین جنبه زندگی جمعی و محصول تفکر مطلق يك جامعه است. بعضی از جامعه شناسان تظاهرات مادی يك جامعه را از تفکرات و معنویات آن جدا نمیدانند و هر تجربیدی در این زمینه را بپهوده می شمارند، بطوریکه امروزه کلمه تمدن و فرهنگ به يك مفهوم بکار میرود. (۱)

بهر حال فرهنگ مادی (تمدن) قسمتی از فرهنگ است که انسان در کاربرد تکنیک و ابزار و ادوات، برای بهتر زیستن کمک و همراهی می کند و بعد از رواج شاید ما بتوانیم نام تمدن بر روی آن بگذاریم.

اما فرهنگ معنوی مستقیماً با مادیات سروکار ندارد مانند آنکه بیل برای کشاورزی و زبان برای تفهیم و تفاهم، هر دو ابزار هستند اما یکی زندگی مادی ما را برآورد میکند و دیگری زندگی معنوی را. (۲)

دانشمندان آلمان تمدن را بیشتر زائیده علم و ترقیات فن و توسعه ماشینی

۱ - همان مقاله (ثریا شببانی).

۲ - هنر و مردم شماره ۸۳

در تعریفی دیگر باید گفت که تمدن انعکاس کوشش آدمی برای غلبه بر طبیعت به مدد عقل و هوش است حال آنکه فرهنگ بر تحقیق و اجسام روح بشر دیروز و ظهور (من) فلسفی و عاطفی انسان نهاده شده است .

بنابراین تفاوت‌های اساسی فرهنگ و تمدن را چنین خلاصه می‌کنیم :

۱ - فرهنگ علمی است ولی تمدن بین‌العلمی است .

۲ - فرهنگ معنوی است ولی تمدن مادی است .

موس Mousse دانشمند فرانسوی گوید تمدن پدیده ثانوی است ولی

مثل هر پدیده اجتماعی دیگر دارای مرز و روح خاص خودش می باشد (۲)

H . Co . odum آمریکائی در مورد تمدن پنج سنجیه را ذکر کرده که

عبارتند از :

۱ - جنبه شهری تمدن .

۲ - آمیختگی مفهوم تمدن با توسعه صنعتی و پیشرفت علم و فن ماشینی، و وجود نظم و سازمان اجتماعی .

۳ - جنبه عقلی و رونق تخصص و اومانیزم علمی در آن .

۴ - گرایش آشکار تمدن به تمرکز و اقتدار .

۵ - تمایل به حاکمیت مطلقه .

در مقابل آن، فرهنگ ارزش نوع والائی است که ثابت و دائم است و ممکن است ملتی با ترقی و انحطاط جنبه‌های فنی جوامع متمدن، توسعه یابد و پخته‌تر

### فرهنگ عامیانه و فرهنگ مهاجمی ( تولیدی و صنعتی )

گفته شد که فرهنگ را عده‌ای منحصرأ چیزهایی از قبیل هنر، ادب، موسیقی و فلسفه میدانند . با اینکه اینگونه مطالب اجزاء فرهنگ محسوب میشوند ولی تمام آنرا تشکیل نمیدهند زیرا که فرهنگ به مفهوم فنی و دقیق خود، نه فقط شامل اشیاء و هنرهای مستظرفه است بلکه هرگونه تغییری را که بشر در محیط خود پدید می‌آورد، در بر میگیرد . از قبیل خیش، مراسم و آداب قبیله‌ای، احداث سد و شبکه توزیع برق، تابلوهای نقاشی، سمفونی، قصیده و غزل (۲)

تاکنون فرهنگی که درباره آن صحبت شده، فرهنگی است که بیشتر سازندگان آنرا اشخاص با سواد تشکیل میدهند . ولی به غیر این فرهنگ، فرهنگی نیز وجود دارد که اختصاص به طبقه ای خاص از مردم داشته که از نعمت سواد محروم بوده‌اند بنابراین اعتقادات، جهان بینی، ادبیات، آداب و رسوم ایشان نیز با طبقه تحصیل کرده متفاوت خواهد بود . در این نوشته اساس و پایه سخن بر گفته‌ها و جهان بینی‌های اشخاص بی‌سواد است که فرهنگ آنها را عامیانه نامگذاری می‌کنیم .

فرهنگ مهاجمی ( تولیدی و صنعتی ) که مخصوص طبقات تحصیل کرده و جهان صنعتی است، پیوسته در معارضه دائمی با فرهنگ عامه است، و بقا با کسی خواهد بود که بتواند یابدار بماند . لذا برای بقای این میراث کهن اضطرابی باید

۱ - نکین شماره ۹۴

۲ - جوزف روسک مقدمه ای بر جامعه شناسی ترجمه دکتر نبوی ص ۱۰

۱ - نکین، مقاله دکتر راسخ شماره ۹۴

۲ - طرح مسائل جامعه شناسی امروز ترجمه نیک گهر ص ۲۲

آنها را که در دل روستاها مدفون است گرد آوری نموده و از گذرند زمان محفوظ نگاه داشت. خصوصاً بعلمت نزدیک شدن راههای ارتباطی روستا و شهر، صدمات جبران ناپذیری بسلامتی این دانش عوام وارد خواهد شد، و تا کنون آثاری که از این عوامل مصون بوده و تغییر نیافته است نباید از فراموشی و انهدام آنها جلوگیری نمود.

## فولکلور

کلمه Folklore را، به عقیده صادق هدایت محقق بنام آمبرواز مورتن (۱) در سال ۱۸۸۵ هنگامی که مشغول جمع آوری ادبیات عوام بود، بکار برده است و به اعتقادی دیگر در سال ۱۸۱۶ توماس (۲) عشیقه شناس انگلیسی، در مورد دانشی که اعتقادات، عادات و آداب و رسوم مردم عوام را مطالعه می کرد، آنرا بکار برده است. این کلمه از دو جزء Folk بمعنی توده و مردم و Lore بمعنی دانش درست شده است و امروزه بنام دانش توده یا فولکلور گفته میشود (۳) و آلمانیها بجای Folklore لغت Volkskunde را بکار بردند.

ابتدا کلمه فولکلور تنها به حکایات و ترانه ها اطلاق میشد ولی بعدها مسائل دیگری هم بآن اضافه گردید و از قرن هیجدهم به بعد حرکت و تحول سریعی گرفت تا جائیکه امروزه بیشتر ممالک کلیه فولکلورهای کشور خود را جمع آوری نموده اند.

نهضت جمع آوری فولکلور ابتدا بسال ۱۷۱۰ در انگلستان بوجود آمد و

۱ - Ambroise Morton اسم میسر W.J. Thomas

۲ - W. J. Thomas

۳ - علی بلوک باشی کتاب هفته شماره ۲۹

آنگاه در فرانسه بالارد (۱) در سال ۱۷۱۱ مجموعه ای از ترانه ها و عادات شفاهی مردم را جمع آوری نمود. در آلمان هر در (۲) شاعر و منتقد و فیلسوف، و بعدها در اسپانیا و ایتالیا و معالک دیگر گرایش شگرفی در زمینه بررسی و جمع آوری فولکلور بوجود آمد. بهر حال منظور از فولکلور کلیه مفاهیمی است که زندگی توده واقعی مردم هر کشوری را در بر می گیرد و مراد از زندگی واقعی، آن جنبه ها و خصایص و ویژگیهای زندگی است که از بدو طفولیت تا زمان مرگ شخص را چون دایره ای در بر می گیرد از زمانی که زنی باردار میشود، تا زمانی که طفل زاده میشود، غذاهائی که باید باور دهند، نحوه و مدت شیرخواری، عوارضی که هنگام دندان درآوردن پیش می آید، تدابیر و درمانهایی که عامه برای رفع آن در نظر میگیرند، لباس پوشاندن به طفل، لالائی ها بگوشش خواندن، قصه و ترانه برای تسکین و بازی و حرف زدن، باور آموختن و بالاخره نحوه آموزش غذا، لباس، آداب و رسوم مربوط به ازدواج، خانه ها و شکل خانههایی که باید در آن زیست کنند، رسومی که جامعه خواه و ناخواه باور و تحمیل می کند، تا مراسم تدفین، جزو فولکلور تلقی می کنیم. (۳)

( فولکلور نشان دهنده و منعکس کننده احوال، افکار و آرزو های طبقات محروم و پائین اجتماع است و گاهی که از بالاتر و اشراف صحبت میشود هنگامی است که طبقات محروم به ناچار ضمن اصرار معاش و تحصیل روزی با آنها برخورد می نمایند (۴)

Balard - ۱

Herder - ۲

۳ - دفتر روستا - صادق همایونی شماره ۷ تهران سال ۵۲

۴ - افسانه های آذربایجان - سمدبهرنگی - جلد اول ص ۶۵ و ۶

فولکلور در حقیقت منبع و سرچشمه ذوق و هنر يك ملت است. دوبیتی ها ترانه های غم انگیز، یا نشاط آور، داستانهای خیال انگیز، همگی تجلی و نمودار فولکلور يك ملت است.

مل ویل. ج. هرث کوت (۱) گوید: فولکلور اساساً مطالعه فرهنگ و زندگی دوره ای در تاریخ ادبیات ملل متمدن می باشد و بیشتر بر مطالعه ادبیات غیر کتبی گروه ها دلالت دارد (۲)

( هرزو (۳) مسائل و عباراتی از فرهنگ را که ابدی شده و بوسیله حکایات شفاهی، انسانها، آواز های عامیانه، رقص ها بیان می گردد فولکلور می نامند و علاوه می نمایند که فولکلور ها به همان زیبایی که در روستاها وجود دارد در شهر نیز موجود است (۴).

کورات (۵) گوید فولکلور حکایات، افسانه ها، معجزات و باورهای مردم عوام است که بصورت های کتبی و شفاهی عرضه میشود و عموماً فولکلور ناحیه ای است که ممکن است ریشه و اساس حقیقی نیز داشته باشد (۶).

Melville. J. Herskoutts - ۱

Standard Dictionary of Folklore, Mythology and Legend vol 1, 1950 P. 400 - ۲

George Herzoe - ۳

۴ - همان اثر P. 400

P. kurath - ۵

۶ - همان اثر P. 401

لیچ (۱) و می ش (۲) تعاریف مشابهی دارند که مضمون و مفاهیم بالا را دارد. لومالا (۳) گوید: فولکلور امروز مهم است و مجموعاً به داستانهای شفاهی مردمان اولیه و متمدن گفته میشود. (۴)

بطور کلی باید گفت تفکر و عادات خانوادگی و عوامل عدیده دیگر، در شخصیت و تفکر انسانها مؤثر است. بنابراین فولکلور نواحی مختلف با هم دیگر متفاوت خواهد بود، حتی این مسائل در مورد مشاغل نیز مسداق پیدا میکنند. ساده تر اینکه مشاغل متعدد، فولکلور متفاوت دارند. بنابراین میتوان حدس زد که تا چه اندازه فولکلور و خمیرمایه فولکلوری وجود دارد. فولکلور يك میوه فروش دوره گرد بجز فولکلور کسی است که به دامپروری مشغول است.

### فولکلور چگونه بوجود میاید

فولکلور هر کشوری حاصل اندیشه و تجربه گذشتگان است که در سینه ها بزندگی خود شفاهاً ادامه داده و از فرهنگی کهن ریشه گرفته اند. فولکلور هر محل متناسب با اوضاع و احوال جغرافیائی خویش است، بدین ترتیب که انسان بسوی خاک، بوی گل، بوی گیاه، طعم خاس اغذیه، نیاز مردمش و صدای جاندارانش را در خلال فولکلورش می شنود (۵). بنابراین همانطوریکه قبلاً نیز

Macdward Leach - ۱

John. L. Mish - ۲

Katharine Luomala - ۳

P. 401 اثر - ۴

۵ - دفتر روستا، نشریه سپا، دانش بهار ۵۲ مقاله صادق همایونی.

اشاره شده، فولکلور از فلسفه های کهن و احیاناً از عقاید خاص و نمصب آید. با این نسل های پیشین سرچشمه گرفته است.

بطور کلی منابع اصلی فولکلور بدو صورت دیده میشود:

۱ - آنتهایی که در کتابها ضبط شده اند.

۲ - آنتهاییکه در بطن روستاها یا شهرها مدفون شده اند.

در قسمت اخیر بعلمت فراوانی و بکر بودن آن در روستاها، اساس کار ما در بررسی های بعد بر پایه روستاها متکی خواهد بود.

## فصل سوم

## فولکلور و ارتباط آن با مردم شناسی و جامعه شناسی

( فولکلور شاخه ای از علم مردم شناسی است و مردم شناسی نیز رشته‌ای از جامعه شناسی است ) که فرانسویها و هلندیها و اروپائیان باختری بجای کلمه مردم شناسی ( آنترپولوژی ) ( ۱ ) ، کلمه قوم شناسی ( اتنولوژی ) ( ۲ ) بکار برده اند . کلمه اتنولوژی از دو کلمه Ethnos بمعنی ( خلق و مردم ) و Logia بمعنی دانش تشکیل شده است . اتنولوژی در آمریکا و انگلستان بصورت دیگری یعنی بنام ( آنترپولوژی اجتماعی ) ( Social Anthropology ) مطالعه میشود . عده ای از دانشمندان و متخصصین جامعه شناسی در معنای اصطلاح مردم شناسی Ethnologie توافق نظر ندارند و اشتقاق کلمه اتنولوژی هم مشکل را حل نمیکند زیرا کلمه مردم شناسی در اصل بمعنی مطالعه ملل است . ولی کدام ملل ؟ در جواب ، بعضی ها معتقدند همه ملل بدون استثناء ولی عملا استفاده از این علم معمولاً محدود به مطالعه علمی است که با ما کاملاً متفاوت هستند ، که در گذشته وحشی و یا ابتدائی نامیده میشدند ( ۳ ) .

Anthropologie - ۱

Ethnologie - ۲

۳ - مردم شناسی ، ژان کازنو ترجمه تریا شیبانی من ۱ سال ۳۹ تهران .

آنچه امروزه مردم شناسی مینامیم در گذشته انسان شناسی مینامیدند . با این همه کلود . لوی استرواس ( ۱ ) در College de France کرسی خود را آنترپولوژی اجتماعی نامید و منظور او از بکار بردن این اصطلاح جستجوی مشخصات کلی ممیزه فرهنگ است .

در اواخر قرن نوزدهم دو کاتر فافز ( ۲ ) اولین مدرس آنترپولوژی این کلمه را برای یکی از رشته های تاریخ طبیعی که به مطالعه حشرات و پستانداران می پرداخت در مورد انسان نیز بکار گرفت . زیرا بگمان او تنها بررسی مشخصات بدنی و آناتومی انسانها کافی نیست بلکه باید زبان ، تمدن و آداب و رسوم آنها را نیز مطالعه نمود ( ۳ ) . اما در عمالک متحده رسم است که میان دو بخش عمده مردم شناسی ، مردم شناسی فیزیکی ( ۴ ) و مردم شناسی فرهنگی ( ۵ ) تمیز قائل شوند . مردم شناسی فیزیکی توجه اصلی خود را به تکامل انسان از نظر زیست شناسی و اختلافات فیزیکی میان افراد و اجتماعات ، همبستگی میان سن و جنبه جسمانی ، رابطه میان بدن و بیماری و غیره معطوف داشته است . مردم شناسی فرهنگی به کالبد شناسی چندان توجهی ندارد و بیشتر با سلوك رفتار انسانی سروکار دارد ( ۶ ) . در میان علومیکه با

۱ - Claude Levi Strauss

۲ - A. de Quatrefage

۳ - مردم شناسی ژان کازنو - ترجمه تریا شیبانی من ۲ سال ۳۹ تهران .

۴ - Physical anthropology

۵ - Cultural anthropology

۶ - مقدمه ای بر مردم شناسی از : داگلاس الیور Douglas Oliver -

ترجمه دکتر علی برزگر من ۱۳ تهران ۵۲



مردم شناسی ارتباط دارد میتوان از باستانشناسی - انسانشناسی فیزیکی ( انسان - شناسی بدنی که بوسیله این علم میتوان مهاجرت ها و حرکات ملل را مطالعه نمود ) بیولوژی - جغرافی ( جغرافیای انسانی ) - تاریخ - جامعه شناسی - روانشناسی - ( روانشناسی اجتماعی ) زبان - فولکلور - دین - حقوق - فرهنگ مادی - هنر - موزیک را نام برد (۱) .

( هدف مطالعات مردم شناسی در حقیقت شناخت بهتر سنت ها و آداب و رسوم اجتماعی است ، خصوصاً منشاء این سنتها و فرهنگ اجتماعی این کتبخانوی در بشر همیشه بوده است که میخواسته بداند ، که فرهنگ از کجا بوجود آمده است و آداب و رسوم و سنتها بوسیله يك نفر یا عامه ، با دانشمندان و خود بخود بوجود آمده است ؟

عده ای عقیده مندند که مطالعات مردم شناسی در جوامع ابتدائی است و جامعه شناسی به مطالعه گروههای متمدن می پردازد ، حال آنکه درست نیست زیرا با همه آنکه مردم شناسی در جوامع ابتدائی مطالعه نموده ولی همه آنها نیست و جامعه شناسی هم تنها بمطالعه گروههای متمدن نمی پردازد بلکه اختلاف این دو در چیز دیگری است . مطالعه مردم شناسی میتواند سنن و آداب و رسوم مختص جوامع پیشرفته باشد مانند مطالعه يك ( گاردن پارنی ) در شهر . ولی مسئله مهم این است که مقدار زیادی از آداب و رسومیکه در شهرها برگزار میشود برای مردم جنبه عادی دارد و محققین انسان شناسی میخواهند به مسائلی که جامعه از آن مطلع نیست بپردازد ، یعنی به بررسی آداب و رسوم جوامع ابتدائی . بهر حال مردم شناسی

Etnoloji Sozlugu. Dr. Sedat veyis ornek. Ankara - 1  
1971, P. 81.

مطالعه زندگی و سننهای عامه مردم در اجتماعات است ولی نباید شود زیرا :

هر مطالعه فولکلوریک يك تحقیق مردم شناسی است ، ولی هر مصد تحقیق مردم شناسی مطالعه فولکلوریک ، ممکن است نباشد . مردم شناسی آنچه را که در جامعه امروزی وجود دارد مورد مطالعه قرار میدهد نه آنچه را که قبلاً بوده . مردم شناس از واقعیت عکس بر میدارد ، صحنه را نمی سازد ، صحنه طبیعی را در نظر دارد ولی فولکلور صحنه را میسازد . مثلاً با فراد میگویی که لباس مخصوص را بپوشند ( مانند لباس قاسم آبادی ) که فولکلوریک است چون ممکن است مردم قاسم آبادی لباسهایشان همگی آنطور نباشد .

بنابراین فولکلور بمسائلی که احتمالاً در گذشته وجود داشته است میپردازد و در مقابل مردم شناسی به جمع آوری کلیه آثار و علائم يك تمدن مانند آداب و رسوم ، عقاید ، اشیاء مادی و بطور کلی آنچه امروز فرهنگ می نامیم میپردازد (۱) مردم شناسی با قوم نگاری (۲) نیز تفاوت دارد و میتوان گفت که قوم نگاری جزو قوم شناسی قرار میگیرد . موضوع قوم نگاری بیشتر در مورد تحقیقاتی بکار برده میشود که موضوع آنها منحصر آ حیات مادی قبایل و اقوام می باشد یعنی طرز لباس پوشیدن ، وضع اقامت ، خانه های مسکونی ، نوع غذا ، طبخ و غیره و اصطلاح قوم شناسی نیز بیشتر در مورد تحقیقات مربوط به نهاد های اجتماعی و آداب و رسوم قبایل مستعمل بوده است (۳) .

۱ - نقل از صفحات مختلف مقدمات انسان شناسی - روح الامینی تهران سال ۵۱

۲ - Sociograme

۳ - روشهای جامعه شناسی - دکتر جمشید مرتضوی تبریز سال ۵۲ ص ۱۷۷

مردم شناسی ارتباط دین نوع مطالعات باید عواملی را که بر جوامع انسانی تأثیر  
شناسی بدنی کرد که آنها را در سه دسته مشخص میکنند .

بیولوژی - عامل نژادی

( ۱ ) ۲ - عامل طبیعی : در عوامل طبیعی باید اثرات محیط جغرافیائی مانند آب  
وهوا، پستی و بلندی زمین در روی خصوصیات انسان مطالعه نمود ، نوع گیاهان ،  
فراوانی یا کمی آنها همانطور . همچنین از نظر اقتصادی اثرات مقدار محصول  
و نوع محصول روی خصوصیات فردی که در نتیجه آداب و رسوم و سنتهای مردم  
بملت متفاوت بودن محل و یا محیط طبیعی و جغرافیائی مختلف خواهد بود . مثلاً  
مردم دشتها بیشتر روحیه جنگجویی و حادثه جوئی دارند چون چشم انداز و دیدشان  
در ایام طفولیت و بزرگی بیشتر از دیگران است . در جنوب ایران چون بارندگی  
کم است سالی یکبار در زمستان گندم جمع کرده و آتش پخته بدعا میپردازند تا  
باران بیاید ، در صورتیکه مسلماً در شمال اینطور نیست ( ۱ ) .

۲ - عواطف اجتماعی ( محیط اجتماعی )

تأثیرات معتقدات مذهبی بر روی سنت ها و آداب و رسوم در تمامی ادیان و  
مذاهب روشن و واضح است .

با يك بررسی کوتاه مشخص میشود که مردم شناسی شامل فولکلور است و  
مردم شناسی نیز خود رشته‌ای از جامعه شناسی است و آخر الامر برداشت جامعه -  
شناسی نیز از فولکلور شناسائی جوامع و مطالعه نهادها و ارتباط و همبستگی آنها  
با یکدیگر است .

۱ - مقدمات انسان شناسی روح الامینی این مطلب در نوشته‌های پراکنده سادی هدایت  
ص ۲۲۶ نیز دیده میشود .

## فصل چهارم

### روش پژوهش

شیوه کار و تذکری چند به گروه آورنده

جوینده و پژوهنده مواد فولکلوری ناگزیر است با توجه به اصول و روش  
کار ، راهی را دنبال نماید که منتج به حصول نتیجه ای باشد . این نتیجه حاصل  
نمی گردد مگر با رعایت قوانین و دانستن روش کار . برای اینکه پژوهندگان  
جوان را راهنمایی ابتدائی موجود باشد ذیلاً نکاتی از آنها را یادآور میشویم :

۱ - در ابتدا باید اسناد و مدارک لازم را جهت بررسی آماده نمود .

۲ - گردآورنده نباید در اسناد مربوطه دست برده تغییراتی بدهد و حتی  
حق ندارد نوشته را آراسته نموده ادبیاتی نماید .

۳ - تاریخ ، ساعت تحقیق ، نام مصاحبه شونده ( با مشخصاتی نظیر : سن -  
مذهب - سواد - شغل - مقام و منزلت اجتماعی اسی در روستا ، درجه دقت و تیز-  
هوشی ) نام محل ذکر شود .

۴ - گردآورنده اضطراراً باید در محل اقامت نماید ، تحقیقات فولکلوریک  
بدون اقامت غیر ممکن مینماید .

۵ - باید هدف و سبب جمع آوری آنها روشن باشد و مخصوصاً بدانند که در

تحقیق چگونه ارتباطات و همبستگی های مسائل اجتماعی را پایدار خواهد کرد .

۶ - محقق و گرد آورنده را ایمانی راسخ لازم است ، بررسی های جبری ناقص خواهد بود .

۷ - محقق و گرد آورنده از حدس و گمان باید بگریزد زیرا تحقیقات علمی از گمان برکنار است .

۸ - قضایا را از دیدها و قول های مختلف بررسی نماید .

۹ - در مسائل دقیق باشد ، از سستی و شنا نزدگی پرهیزد .

۱۰ - با حوصله باشد . مثلاً توان شنیدن شرح حال و زندگی يك انسان را از ابتدا تا به امروز داشته باشد .

۱۱ - داشتن اطلاعات عمومی و آگاهی های علمی ، تفکر دقیق از ضروریات است .

۱۲ - در مقابل کلیه مسائل نظیر زبان ، مذهب ، اخلاق ، نژاد و حقوق بی تعصب باشد .

۱۳ - باید از تحقیر و تمسخر پرهیز نموده به افکار و عقاید روستائی اگر چه ناصواب باشد احترام بگذارد .

۱۴ - باید در محل تحقیق ، طرز بکار بردن همه اشیاء را ببیند و در مورد تکنیک های مختلف ، خصوصاً در زمینه ساخت صنایع دستی و بسومی ، بدقت جنبه های فنی آنرا یادداشت نماید (۱) .

۱۷ - امروزه تحقیقات گروهی پسندیده است و یک نفر قادر به جمع آوری کلیه مسائل فولکلوری نیست لذا کوشش نماید بکمک دیگران و علاقه مندان در

۱ - روش بررسی و شناخت کلی ایلات و عشایر - دکتر پرویز ورجاوند - تهران سال ۴۴ س ۹۰

بررسیها شرکت نماید .

۱۸ - جستجو دو نوع است یکی کاوش مستقیم که محدود بیک ده یا شهر

کوچک و یا يك محله بزرگ میشود و دیگری کاوش غیر مستقیم که شامل يك استان و یا يك کشور میشود . در صورت دوم ، جستجو کننده متوسل به تحقیقات عمده زیادی از پژوهندگان دیگر میشود که شاید شخصاً کسی آنها را ندیده و نمی شناسد (۱) .

۱۹ - گرد آورنده باید برای تهیه مطالبی به چندین نفر مراجعه نماید ، به ترتیبی که سؤال نسبت مستقیمی با سؤال شنونده داشته باشد . مثلاً برای فراهم آوردن لالائی ها بمادران و دایگان ، برای اصطلاحات موسیقی به موزیک دانسان و جهت تهیه اصطلاحات مشاغل بر صاحبان حرف .

۲۰ - گرد آورنده باید بی طرف باشد . مثلاً راجع به شرایط زندگی ارباب و رعیت عین واقع را بنویسد و از دلسوزی بحال رعیت و یا طرفداری از ارباب خود داری نماید . (۲)

۲۱ - برای یادداشت مراسم عروسی باید در عروسی شرکت کرده از نزدیک جنبه های مختلف مراسم و برگزاری آنرا مورد مطالعه قرار داد (۳) .

۲۲ - یکی از اصول مهم برای ضبط فولکلور پرسش از این و آن است . گرد آورنده ای موفق تر است که روایات خود را از اشخاص بیشتری بپرسد تا همه

۱ - صادق هدایت نوشته های پراکنده ( جمع آوری حسن قائمیان ) سال ۴۴ چاپ دوم س ۴۷۰

۲ - صادق هدایت نوشته های پراکنده ( گرد آورنده حسن قائمیان ) سال ۴۴ چاپ دوم س ۴۷۵

۳ - بامدی ، طایفه ای از بختیاری زیر نظر دکتر پرویز ورجاوند تهران ۴۶ مقدمه ص هفت

نکات مهم روشن شود (۱) .

۲۳ - محققین جهت تحقیق باید محیطی خودمانی فراهم نمایند در غیر این صورت رازهای نگفته و نشنیده فراوان خواهد بود .

۲۴ - سؤالات را طوری تنظیم نماید که وجودش قطعی باشد .

۲۵ - در پذیرش و دریافت جوابهای روستائیان مردد نباشد آنها را بهمانگونه که گفته میشود قبول نماید .

۲۶ - موقع شناس باشد، یعنی هر سؤالی را در جای خود، در موقع معینی و مقتضی بنماید .

۲۷ - محقق و گردآورنده باید تشخیص دهد که مساله‌ای، اندیشه‌ای، همگانی است و یا بچند نفر مربوط است (۲) .

۲۸ - بعلا اینکه بسیاری از مسائل مخصوصاً در روستاها آشکار نیست لذا باید در بررسی مسائل دقت بیشتری نماید .

۲۹ - نتایج تحقیقات خود را با بررسیهای دیگران تطبیق نماید .

۳۰ - هیچکسی به تنهایی قادر به جمع آوری فولکلوریک محل نیست زیرا هرگز نمیتواند همه چیز را تهیه و مشاهده نماید .

۳۱ - فولکلورهای هر ناحیه‌ای بعلا اختلافات جغرافیائی و شرایط زندگی متفاوتند، بنابراین در هر منطقه باید با مقتضیات و اطلاعات محلی شروع بکار کرد .

۳۲ - پرسشجو نباید مداوم بسؤالات خود ادامه دهد زیرا شتابزدگی تولید

۱ - صادق همایونی، مجله فردوس، شاهنامه و فولکلور شماره ۱۰۵۸

۲ - برای اطلاع بیشتر از وظایف محقق به جامعه شناسی روستائی نگارنده ص ۲۳ و

۲۵ مراجعه شود .

بدگمانی خواهد کرد .

۳۳ - پرسشنامه ممکن است بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم (بصورت پستی)

باشد اگر غیر مستقیم انجام می‌گیرد بهتر است غرور انسانی جوابگو را تحریک نموده با ارسال هدیه‌ای بتوان یادبود از ایشان تشکر نماید (۱)

۳۴ - مشاهده یکی از اصولی ترین روش تحقیق است . محقق جهد نماید که تمامی مسائل را خود از نزدیک مشاهده نماید، البته مشاهده همان تماشا کردن نیست بلکه خود حدود و مشخصاتی دارد (۲) .

۳۵ - مطالب جمع آوری شده باید فیش بندی شود و نحوه یادداشت روی فیش مهم است (۳)

۳۶ - بسنیه برای محقق مردمشناسی سه دسته صفات قائل شده است .

۱ - صفات انسانی .

۲ - صفات عقلی

۱ - جامعه شناسی روستائی ( روش پژوهش روستاها ) دکتر نصرالله پور انکاری سال ۵۲ چاپ دوم ص ۲۵

۲ - جهت اطلاع بیشتر از طریق مشاهده به کتابهای زیر مراجعه شود :

۱ - جامعه شناسی روستائی ، دکتر ترائی ، سال ۴۲ تبریز

۲ - روشهای جامعه شناسی ، دکتر جمشید مرتضوی ، فصل دوم .

۳ - روشهای تحقیق در علوم اجتماعی ترجمه دکتر خسرو مهندس سال ۴۶

جلد اول ص ۱۰۴

۳ - برای اطلاع بیشتر به کتاب روشهای تحقیق در علوم اجتماعی ترجمه دکتر خسرو مهندس ص ۱۰۴ مراجعه شود

۳ - صفات روانی و اخلاقی (۱) .

۳۷ - جامعه شناس و محقق فولکلور باید بدرون جامعه نفوذ کرده خود را

به افراد آن به پذیراند (۲) .

۳۸ - محقق باید به وسایل و ابزارهایی نظیر: دفتر یادداشت، قلم، ضبط صوت

دربرین عکاسی، فیلم برداری و . . . مجهز باشد .

۳۹ - پژوهشگر نباید حتی حومه محلی را مخلوط در تحقیقات خود بکند.

( مانند اسفهان و حومه ) بلکه باید نام اصلی منطقه و تحقیق نوشته شود .

۴۰ - باید از ذکر جملات پیچیده و مبهم خودداری کرد. زیرا ممکن است

مطلب را عوضی جلوه دهد.

۴۱ - محقق اضطراراً جهت درک کلیه مفاهیم باید بزبان محلی و اصطلاحات

آن آشنا باشد در غیر این صورت به سئوالات مجدد ویا تکرار مطالب بیشتر برخورد

خواهد کرد. (۳)

۴۲ - کلیه اصطلاحات، داستانها، افسانه ها باید در اولین فرصت یادداشت

شود، زیرا حافظه نوان نگهداری همه آنها را نخواهد داشت .

۴۳ - اگر ترانه ای ضبط شده است، نت آن نیز تهیه شود .

---

۱ - Dr. P. Bessagnet - روش مردمشناسی ترجمه دکتر علی محمد

ناردان سال ۳۰ ص ۹

۲ - همان اثر ص ۱۵

۳ - Cushing برای مطالعه بومیان زونی Zuni در مکزیک جدید، بزندگی

با این اقوام پرداخته و عضو قبیله شد و حتی توانست در ردیف معتمدین قبیله درآید .

( مردمشناسی ژان کازلو - ترجمه نریا شیبانی ص ۳ )

۴۴ - محققین باید به الفبای صوتی آشنا باشند والا در تلفظ و ضبط کلمات

اشتباه خواهند کرد .

۴۵ - اگر به الفبای صوتی آشنائی نداشته باشد حداقل باید با فرار دادن

ضمه، فتحه و کسره وضع کلمه را تثبیت نماید.

۴۶ - آنچه باید با الفبای صوتی نوشته شود بقرار زیر است :

۱ - تمام لغات و اصطلاحات، لهجه ها و زبانهای بومی

۲ - ذکر عقاید و اوهام و رسوم . کلمات و عباراتی که با زبان ادبی و رسمی

فارسی فرق دارد و اگر با الفبای فارسی بنویسند ممکن است در خواندن اشتباه شود.

۳ - در امثال . عبارات و کلمات، که یکی از لهجه های گوناگون زبانهای که

در ایران رایج است مانند لری - ترکی - کردی - گیلکی - مازندرانی و غیره . .

یا به لهجه عامیانه باشد بطوریکه آن عبارات و کلمات را در فرهنگ و کتاب های

فارسی نتوان یافت .

۴ - در ترانه ها و لالائیها . همه اشیاء و عباراتی که بزبان ادبی فارسی نیست

و در همه اینها البته باید عین تلفظ عوام نوشته شود .

۵ - در افسانه ها و اوهام مربوط به مکانها و چیزها . عبارتهائی که به لهجه

های محلی یا بزبان عامیانه است .

۶ - در قصه ها. اگر قصه به لهجه عامیانه یا یکی از زبانهای بومی ایرانی

است بهتر است که با دقت همه آنرا به این الفباها بنویسند و گرنه فقط کلمات

عامیانه یا محلی یا اصطلاحات مخصوص که در زبان فارسی ادبی نیست به این

الفبا نوشته شود . ترجمه تحت اللفظی این متن ها یا لغات مشکل ممکن است با

الفبای معمولی فارسی باشد. (۱)

### الفبای صوتی

برای اینکه علاقمندان گردآوری آثار فولکلوریک بتوانند با روشی درست، فولکلورهای محلی را ثبت نمایند، در پائین الفبای لاتینی را که جهت ثبت ترانه ها، مثلها و اصطلاحات محلی درست شده است می آوریم (۲)

حرف فارسی	حرف لاتین	نمونه کلمات
فتحه	A a	Abr ابر
کسره	E e	Emruz امروز
ضمه	O o	Omid امید
ضمه باواوکنگ	Ô ô	dô دو (دویدن)
آ	Â â	âb آب
او	U u	U یا او
ای	I i	Dust دوست
ب	B b	Imân ایمان
پ	P p	Barg برگ
ت، ط	T t	Peder پدر
س، ص، ش	S s	Tur تور
ج	J j	Sols تلک
		Jalal جلال

۱ - این قسمت از کتاب نوشته های پراکنده صادق هدایت م ۴۷۷ - ۴۸۷ نقل

شده است .

۲ - نقل از کتاب هفته شماره ۱۲ نوشته علی بلوک باشی .

حرف فارسی	حرف لاتین	نمونه کلمات
چ	C c	Carb چرب
ح، ح.	H h	Hanuz هنوز
خ	X x	Xâb خواب
د	D d	Del دل
ذ، ز، ض، ظ	Z z	Zalil ذلیل
ژ	Ž ž	žâle ژاله
ش	W w	Wâl شال
غ، غی	Q q	Qolam غلام
ف	F f	Farq فرق
ک	K k	kar کار
گ	G g	Gol گل
ل	L l	Mesl مثل
م	M m	Wâm شام
ن	N n	Honar هنر
و	V v	Vazn وزن
ی	Y y	Yek يك

سکته ( صدای بی مجزوم ) ' ' معلوم Ma'lum یا بیع 'Bey یا اختراع 'Extera  
 ضمناً I ( i بدون نقطه ) جهت حروف ساکن و کشیده انتخاب شده است که در  
 زبان ترکی استانبولی این حرف وجود دارد . مانند : Balık بمعنی ماهی که  
 پالک تلفظ میشود .

## عوامل و شرایط محیطهای جغرافیائی

محیط جغرافیائی چیست و چرا موضوع فولکلور قرار میگیرد

عواملی که در سیاره زمین جدا از اثرات انسانی بوجود آمده و تحت شرایط و امکاناتی تغییر می یابد، محیط طبیعی خوانده میشود. اقلیم، خاک، کوهها، آبها، گیاهان طبیعی، حیوانات، تغییرات حاصله از فصول، گردباد، زلزله و آتش فشان از آن جمله است. از طرفی تغییراتی که بوسیله انسانها در سیاره زمین در مزارع و جنگلها، باغها، فنائتها، معادن، کوهها و درهها صورت میگیرد، میتواند موضوع انسان شناسی اجتماعی (۱) قرار گیرد (۲). بنابراین انسان در چهارچوب شرایط و عوامل محیط طبیعی، فعالیتهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی خود را انجام میدهد و با این عوامل پیوند میخورد و از این پیوند و همبستگی مساوی بوجود می آید که میتواند موضوع فولکلور قرار گیرد.

طبیعت همانطوریکه از شعور اجتماعی انسانها متأثر است از بسیاری جهات در انسانها و زندگی آنها نیز مؤثر واقع میشود. امروزه بسیاری از جامعه شناسان

## بخش دوم

۱ - Anthro - Social

۲ - Sosyoloji tarihi Prof.N.S Kosemihal. Istanbul

1968 p. 50

طرفدار مکتبهای جغرافیائی حتی خوراک ، آشامیدنی ، لباس و مسکن انسانها را نیز تابع محیط جغرافیائی میدانند .

ژان برون (۱) از این هم پا فراتر نهاده ، ساخت و چگونگی خانواده ها ، تشکیلات سیاسی ، قوانین دینی و ادبیات را نیز بی ارتباط با محیط جغرافیائی نمی داند (۲) دیگر جامعه شناسان و جغرافییدانان مانند ربنر (۳) بوکله (۴) لویله (۵) تورویل (۶) دموان (۷) مچنیکف (۸) کیرشف (۹) راتزل (۱۰) موژولر (۱۱) ماتوزی (۱۲) ویدال دولابلانش (۱۳) والو (۱۴) هاتینگتون (۱۵) دکستر (۱۶) سمیل (۱۷)

Jean Brunhes - ۱

۲ - برای آگاهی بیشتر به جغرافیا و هنر ، حسین شکویی نشریه شماره زمستان ۵۲ دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز مراجعه فرمائید .

Ritter - ۳

Buckle - ۴

Le play - ۵

de Tourville - ۶

Demolins - ۷

Metchnikoff - ۸

Kirchoff - ۹

Ratzel - ۱۰

Mougeoller - ۱۱

Mattenzi - ۱۲

Vidal de la Blache - ۱۳

Vallaux - ۱۴

Huntington - ۱۵

Dexter - ۱۶

Semple - ۱۷

مورسلی (۱) له من (۲) شیتن (۳) مور (۴) بهوریج (۵) نیز از این دسته اند .

بوکله - تردمندی را با شرایط مکانی از نظر جغرافیا مربوط میدانند . لویله و دموان وجود صنعت را با شرایط جغرافیائی مطالعه میکنند و عده ای توازن و هم آهنگی زندگی اقتصادی انسانها را با شرایط و عوامل محیطی گوشزد می کنند چنانکه استانی جی ون (۶) خورشیدرا ، کلایتون (۷) در آمریکا مساله باران را ، شاو (۸) هاتینگتون ، بهوریج ، مور ، افلیم را عامل اصلی میندازند (۹) لویله جامعه شناس مشهور فرانسوی ارتباط انسانها را با محیط جغرافیائی

چنین می پندارد :

شکل خانواده	شکل اجتماعی	شکل جغرافیائی	سمت و جهت
پدرشاهی	چوبانی	ساحل	شرق و اروپای شرقی
خانواده های اصیل	ماهگیری	ساحل	شمال
خانواده های بی ثبات	شکارچی	استپ و منطقه ساحلی	غرب

Morcelli - ۱

Lehmann - ۲

Chyten - ۳

Moore - ۴

Beveridge - ۵

Stanley Jevons - ۶

Clayton - ۷ (بدین جهت روستائیان دامنه های کوهستانها را جهت بیشتر استفاده از تابش خورشید برای سکونت انتخاب مینمایند .

Show - ۸

Sosyoloji tarihi Prof. Kosemihal Istanbul p. 50 - ۹



بنابر این نواحی ساحلی، چوپانی و در بعضی جاها ماهیگیری و نواحی استپ هم معیشت شکار باقی بوجود می آورد. دمولین با پیروی از لویله حتی ماهیت قوانین موجود بین حیات اجتماعی و معنوی انسانها را با شکل و شرایط جغرافیائی مربوط دانسته و نتیجه زیر را ارائه نموده است.

۱ - در زندگی صحرا نشینی و استپ، فعالیتهای ذهنی، انسانها را به تجرید و مخصوصاً به پیشگوئی و کشفکتهای دینی سوق میدهد، در غرب آسیای میانی این قانون هر زمان حکمفرما بوده است.

۲ - در زندگی صحرا نشینی و استپ بر اثر مناقشات و بحث های دینی و فلسفی ما بین سرمایه داران و روستائیان و طبقه ای از مردم انکشافات ادبی و بدیعی بوجود می آید. یونان قدیم مثال زنده بر این گفته است.

۳ - ذهن انسان در محیطهای زراعی به فعالیتهای ادبی روی می آورد که بعنوان نمونه بریتانیای کبیر را میتوان نام برد. البته علاوه میگردد که برتری و تفوق ذهنی و ادبی دلیل بر تری اجتماعی نیست. همچنانکه یونانیان در فرهنگ ادبی در سطح بالاتری قرار میگرفتند ولی از طرف کشاورزان روم محکوم میشدند. همانطور غلبه فرانسه شمالی بر فرانسه جنوبی (۱) بود، این جبر جغرافیائی را که لویله و تورویل بر آن تکیه کرده بودند اندکی تعدیل داده است. البته این طرز تفکر در مورد جبر جغرافیا سخت تعصب آمیز و بیک جانبه است زیرا جبر جغرافیائی نباید ما را بر آن رهنمون شود که انسان را اسیر و مقید در محیطهای جغرافیائی بدانیم، بلکه انسان خود عامل سازنده و اجرا کننده بشمار میرود ولی

۱ - E Demolins. L'etat actuel de la Science Sociale  
Paris 1904. S.9

بستر این سازندگی امکانات محیط طبیعی است و اگر در جوامع پیشرفته دنیای ما فنون انسان در برابر عوامل طبیعی و مهار کردن نیروهای سرکش آن، روز افزون است در مقابل، در جوامع عقب مانده نیروهای طبیعی عامل تعیین کننده در شیاهای زندگی است (۱)

(این خلدون و مونتسکیو نیز شرایط جغرافیائی را مهم میدانند. توماس باکل (۲) محقق و مورخ انگلیسی نیز چنین مینویسد: آب و هوا، خاک، غذا، چهره های طبیعت در تاریخ حیات هر قوم مؤثر بوده است. چهره طبیعی و پرشکوه و جلال هند، مغز و جسارت هندیان را زیر تأثیر خود قرار داده و آنها را معتقد به خرافات بار آورده است؛ اما چهره ساده اروپا، اروپائیان را نهراسانیده و آنان را بجای پرستش مظاهر طبیعت، آماده نموده است که بر آن مسلط گردند (۳).

از آنچه گذشت روشن میگردد که انسان و طبیعت بعنوان عناصر جامعه بوده و در همدیگر مؤثرند. برای این منظور شواهد زیادی از زندگی انسانهای روی زمین میتوان برشمرد. مطالعه در آنچه که در صحاری و ساکنین استپ ها دیده میشود روشن میکند که ساکنین این منطقه، فعال تر از آنهائی هستند که در منطقه مرطوب و استوائی بسر میبرند. با نظیر آنکه نواحی پر جمعیت، بیشتر در منطقه معتدله و مناطقی که دارای آب و هوای موسمی میباشند، متمرکزند. از نظر قرار گرفتن روستاها نیز بصورت مجتمع و یا پراکنده می بینیم که بعلا جغرافیائی و با طبیعی برخورد میکند زیرا در جاهاییکه جنس زمین سخت و یا آهکی است و

۱ - فلسفه جغرافیا حسین شکومی تبریز سال ۱۳۳۹ ص ۲۴۱

۲ - Thomas Buckle

۳ - فلسفه جغرافیا حسین شکومی چاپ تبریز سال ۲۹ ص ۱۵۰

جریان سطحی دیده نمیشود بوسیله حفر چاه مساکن روستائی گرداگرد منابع آب مجتمع گردیده اند و برعکس در اراضی غیر قابل نفوذ پراکندگی مساکن زیاد دیده میشود البته با اینکه این امر را تعمیم نیاستی داد باز باید گفت که در مناطق خشک و کم باران ، تجمع مساکن حتمی است، در صورتیکه در نواحی پر باران چندان مؤثر نیست (۱).

پس شکل مسکن و مصالح بکاررفته و تشکیلات داخلی آن بر حسب شرایط و عوامل طبیعی نیز فرق مینماید. مانند کلبه‌های ساخته شده با برگ درختانی از نوع خرما در جنگلهای استوائی یا چادرهای پوستی نزد چادر نشینان و یا مساکن زیر زمین اسکیموها (۲).

در روستاهای ما اگر دقت شود استیلا و غلبه انسان بر طبیعت چندان محسوس نیست ولی در روستاهای اروپا، پیشرفت صنعت این موضوع را بیشتر نمایان میسازد. با همه این نوسانات انسان ناگزیر از انطباق خود با طبیعت است. همچنانکه در انطباق مساکن انسانی و طبیعت در بسیاری از محله‌ها این موضوع را روشن نموده است. مانند، شمال روسیه یعنی ناحیه تووندرا که کلبه‌های محقر و منفرد پناهگاههای انسان را تشکیل میدهند. در جنگلهای خوب عامل اصلی ساختمان است و حال آنکه در استپ‌ها مساکن کاهگلی و یاد در کوهستانهای قفقاز مساکن سنگی دیده میشود (۳) با ملاحظه این مطالب مشخص میگردد که طبیعت بستر اصلی انسان است. بستری که همیشه با آن و عوامل آن در تماس است، بنابراین همه

۱ - انسان و طبیعت. دکتر جهانگیر صوفی تبریز ۳۷ ص ۵-۳

۲ - دکتر جهانگیر صوفی - انسان و طبیعت سال ۳۷ تبریز ص ۱۵

۳ - همان اثر ص ۱۵

وجود طبیعت و مسائل آن، بعلاوه ارتباط با انسان، موضوع فولکلور در يك روستاست. در اینجا ابتدا مسائل مربوط به شناسائی موقع جغرافیائی يك محل پرداخته و آنگاه به ارتباط آنها با مسائل دیگر می پردازیم. سؤالات و مطالب زیر در این مورد میتواند نمودی از محیطهای جغرافیائی و مسائل فولکلوریک را نشان دهد.

### شناخت محیط و مسائل روستا

- ۱ - نام روستا - نام سابق - ریشه و افسانه مربوط به آن.
- ۲ - بررسی جهات اصلی روستا،
- ۳ - بررسی زمینهای محدود (مطالعه قطعات زمین در روستاها)
- ۴ - بررسی بعضی از محلهای جغرافیائی، دره، تپه، آبسها، چشمه‌ها، رودخانه‌ها، دریا و دریاچه.
- ۵ - افسانه‌هایی که در مورد نامگذاری این مناطق طبیعی گفته شده است.
- ۶ - کوچه و محله‌های روستا - دربند و محلهای پر پیچ و خم.
- ۷ - بازار روستا و اختصاصات آن. تذکر این که بازار روز خاصی از ایام هفته برگزار می‌گردد یا همه روزه، ضروری است.
- ۸ - تکیه‌های روستا.
- ۹ - شکل ساختمانها و خانه‌ها. (کلیه مناطق يك ساختمان با تمام جزئیات آن باید تشریح گردد و طرح کلی آن نیز تثبیت شود.)
- ۱۰ - آگر در روستا رودخانه و قنات مقدس وجود دارد کدامند؟ و علت مقدس بودنشان و افسانه‌هایش.

توضیح اینکه در بعضی از روستاها فتائی و یا رودخانه ای را میردم مقدس میدانند. در این صورت جنبه و علت تقدسی آن را همراه با مراسم و آداب و رسوم ویژه آن با افسانه‌هایی که در باره آن گفته شده باید ذکر کرد.

۱۱ - آب و هوای روستا و اختصاصات آن

۱۲ - چه افسانه‌هایی در مورد باد، باران، آب، ملك و باغات، بارندگی، برف و سیل در روستا گفته میشود.

۱۳ - روستائیان چگونه و در چه زمانی به روستا آمده‌اند.

۱۴ - ساخت روستا.

۱۵ - نسبت به تاریخ روستا و گذشته آن چه روایتهای و اطلاعات تاریخی نقل شده است.

### آثار تاریخی روستا :

۱ - چه آثار و بناهای تاریخی در روستا وجود دارد ؟

۲ - اسامی آن آثار و ذکر جنبه دینی و تاریخی آن و نیز بناهایی که بدیع و یا خیلی قدیمی اند قابل یادآوری است.

۳ - افسانه‌هایی که در مورد هر یک از این آثار تاریخی گفته شده است.

۴ - ترسیم طرح هر یک از آنها.

### زیارتگاهها و گردشگاههای روستا

۱ - چه کسانی از ارباب ( امامزاده ) در آن روستا وجود دارد ؟

۲ - نام و مشخصات و شرح و عکس آنها.

۳ - زیارت آنها و روزهای زیارت .

۴ - جاهای تفریحی روستا ( قدمگاه ) زمان تفریح .

۵ - چه افسانه‌هایی در مورد زیارت وجود دارد، چگونه انجام مراسم مربوط

به زیارتها و یا چگونه تفریح آنان

### حیوانات و مزارع روستا

۱ - نوع کشت و زمان کشت .

۲ - اگر در مدت سال دوبار کشت میشود، سبب و اختصاصات زمین چیست؟ دیمی است یا آبیاری میشود ؟

۳ - جدا کردن گیاهان هرزه و افسانه‌هایی که در این مورد رایج است .

۴ - آیش چگونه است ؟ امکان و سبب و حکایتهای آن

۵ - چه اصولی در کشاورزی بکار میرود

۶ - ابزار و آلات کشاورزی ( با نام محلی و رسم شکل هر یک از آنها).

۷ - چه حیواناتی در روستا و اطراف آن زندگی میکنند. وحشی - اهلی -

( نام و مشخصات حیوانات و افسانه‌ها - اعتقاداتی در مورد آنها - زنبور عسل - کرم ابریشم

قوچ بازی - قناری - بلبل - خروس ( جنگ خروس ) و کفتار . و حیواناتی نظیر

جغد ، کلاغ ، پرنس ، ابابیل و حیوانات خوش بطن و بد بطن - باز در مورد گربه

سیاه ، مار خانگی ، صدای حیوانات و افسانه های آنها مانند زوزه گرگی ، غارغار

خواندن مرغ ، جستن سنگ از سم اسب و شیشه اسب ، رعد بی بدان - برق بی

رعد - باد مشرق، مغرب .

۸ - چه گیاهانی در روستاها و اطراف آن وجود دارد .

۹ - حیوانات شکاری کدامند ؟ حلال گوشت یا حرام گوشت . چرا ؟ با ذکر افسانه‌های مربوطه .

۱۰ - گیاهان و درختان مقدس ، با افسانه‌های مربوط به آنها با ذکر نام محلی آنها .

۱۱ - سنگهای مقدس روستا با ذکر نام محلی و شکل آنها ( مانند سنگ سیاه مسجد صاحب الامر تبریز ، سنگ شیر در همدان - سنگ سیاه در مراغه ) نام و مشخصات سنگهای قیمتی مانند یاقوت ، زمرد ، عقیق ، فیروزه ، انواع خاک‌های زراعتی .

۱۲ - انواع گلها و میوه‌های روستا - نوبری - خاصیت و محل استفاده از آنها  
۱۳ - گیاهان سنتی روستا ( نباتاتی که بیشتر بعلت عادت و سنت کاشته میشود )  
۱۴ - شکل خانه و مسکن از قبیل آلونک - منزل اربابی - مسجد - حمام کاه دان - طوبله - لانه لک‌لک و لانه کبوتر .

۱۵ - مشکلات کشاورزی - دامداری و باغداری در روستا .

۱۶ - نوع مالکیت روستا .

۱۷ - زمینهایی که با یکی از ائمه یا امامزاده‌ها و مقدسین جنبه اشتراکی دارد (۱) .

۱ - در بعضی از روستاها صاحب مزرعه در کشت محصول با حضرت ابوالفضل شریک میشود که مثلاً به نسبت ۲۵ دهزار در وجه حضرت قرار دهد . از منافع آن یکی این است که مردم بعلت ترس از حضرت ابوالفضل (ع) بآن دست نخواهند زد . ثانیاً چون شریک حضرت ابوالفضل است عتیبه دارند که محصول پر برکت خواهد بود .

۱۸ - طرز تهیه کود ( طبیعی - مصنوعی ) اگر از کفتر خان یا کبوتر خان کود تهیه شود توضیح داده شود (۱)

۱۹ - وسایل آبیاری با نام محلی

۲۰ - لانه‌ها و چیرهای مرغ و خروس و حیوانات خانگی با رسم شکل .

۲۱ - راههای اصلی روستا و جاده‌های روستا

۲۲ - روستا اگر بی‌عمارستان - شهرداری - خانه انصاف - دبستان - کودکستان دبیرستان داشته باشد توضیحات کافی داده شود .

۲۳ - آیا زورخانه در روستا وجود دارد ، آهنگها ، اشیاء ، مراسم .

۲۴ - آیا در روستا سقاخانه وجود دارد ؟ ذکر نام بانی و قصدینا - دعای بعد از خوردن از آن آب .

۲۵ - خانقاه ، کلیسا اگر در روستا وجود دارد داشتن اطلاعات کلی در زمینه‌های مختلف از ضروریات است .

۲۶ - کودکستان روستا - شکل مقابر - سنگ قبرها - نوشته‌هایشان .

۲۷ - آتشفشان و زلزله و عقاید مردم در این مورد .

### موقع جغرافیائی

۱ - در کدام استان - شهر - بخش قرار دارد .

۲ - از نظر طبیعی ، موقع طبیعی وضعیتش چگونه است

۱ - جنگلی است ۲ - بیابان ۳ - کوه ۴ - دره ای

۱ - برای آگاهی بیشتر در مورد کبوتر خان به مقاله دکتر آذری دمیچي ، شماره ۱۱۵ مجله هنر و مردم مراجعه فرمائید .

۳ - حدود اصلی روستا از

شمال جنوب مشرق مغرب

۴ - روستاهای همجوار روستا .

۵ - نقشه روستا در مقیاس ۱:۵۰۰۰۰ زکروکی روستا و راههای داخلی ، بناهای مهم ( مسجد ، قبرستان ، کارخانه ، مزارع ، رودخانه ) .

۶ - فاصله روستا از بازار عمومی ، راههایش ، فاصله اش :

۷ - منازل روستا بصورت پراکنده است یا مجتمع .

۸ - شکل ساختمانها ، طرز ساخت ( آجر ، خشت ، سنگ یا مخلوط سنگ و خشت ، آجر و خشت ، آجر و سنگ ) .

### خصوصیات روستا

۱ - آیا روستا کاملا روستای کشاورزی است ؟ ( کدام ماده زراعتی بیشتر بوجود می آید ) و مواد دیگر را از کجا می آورند ؟

۲ - آیا روستا کاملا صنعتی است ؟ ( کدام ماده صنعتی بیشتر بوجود می آید ) و مواد دیگر را از کجا می آورند ؟

۳ - آیا روستا هم زراعتی و هم صنعتی است ( سایر مواد صنعتی و کشاورزی را از کجا وارد میکنند ) .

### عوامل بوجود آورنده روستا

۱ - آیا روستا در اطراف يك چشمه قرار گرفته است ؟

۲ - آیا روستا در سر راهی قرار گرفته است ؟

۳ - آیا روستا بعلت کشاورزی بوجود آمده است ؟

۴ - هنگامیکه روستا بوجود آمده از نظر دینی و سر بازی چگونه بوده است

۵ - آیا محل روستا تغییر کرده است یا نه ؟

۶ - اگر تغییر کرده است سببهایشان

### از نظر اقلیم

۱ - مقدار باران های سالانه

۲ - باد های حاکم

۳ - بلندترین و پست ترین محل روستا

۴ - طول تابستان و زمستان

۵ - درجه حرارت در تابستان ( تیرماه ) و در زمستان ( بهمن ماه )

### زندگی و معیشت روستائی

زندگی زراعی

زمین

۱ - از نظر باروری چگونه است

خوب بد متوسط

۲ - مناسبتهائی که ما بین زمینهای بزرگ و کوچک وجود دارد .

۳ - نسبت مالکان ، کرایه کنندگان ، کشاورزان ، آنها که بعنوان

کمک کار میکنند نسبت بهم چگونه است ( یعنی کدامیک از نظر زمین موفقیتشان

خوبست و بهره فراوان میبرند )

- ۴ - چه تغییراتی تقسیم اراضی در این محل بوجود آورده است ؟
- ۵ - ورود ماشین آلات چه تغییراتی داده است .
- ۶ - مدیریت قطعات زمینهای روستا فردی است یا با همدیگر همکاری دارند ؟
- ۷ - اشکال مزارع
- ۸ - مزارع بزرگ را یک نفر اداره میکند یا با همکاری و مشترك هستند ؟
- ۹ - چه نسبت از کل زمینهای روستا زیر کشت می رود .
- ۱۰ - از مابقی زمینها که زیر کشت نرفته چه مقدارش جنگل ، رودخانه و مرتع است ؟

- ۱۱ - زمینها به چه نسبت به کشت مواد  
زیر اختصاص یافته است .
- ۱ - به حبوبات  
۲ - به مواد صنعتی  
۳ - به دیگر مواد

- ۱۲ - مواد زیر کشتی آیا از ۵۰ سال به این طرف عوض شده است ؟
- ۱۳ - آیا در این تغییرات کدام يك  
از عوامل زیر دخالت داشته اند
- بحران زراعتی  
رقابت  
احتیاج بازارها
- ۱۴ - آیا تاریخ قطعی و مشخصی به این تغییرات وجود دارد ؟ و یا در مدت چند سال .

- ۱۵ - مقدار محصول در این ۵۰ سال اخیر چه مقدار اضافه گردیده است .
- ۱۶ - مقدار کودی که مصرف میشود و نتیجه اش در روستا چقدر مصرف میشود .
- ۱۷ - خرید کود فردی است و یا مشترك .
- ۱۸ - تراکتور از چه تاریخی وارد روستا شده .
- ۱۹ - ورود تراکتور چه تغییراتی در کارهای دستی داشته است .

- ۲۰ - آیا در اشخاص مسن بیکاری تولید کرده است ؟
- ۲۱ - شکل طویل - ساختمان ،
- ۲۲ - کار سالانه روستائی نسبت به ماهها .
- ۲۳ - هر هکتار زمین چقدر محصول میدهد .
- ۲۴ - چگونگی حمل محصولات کشاورزی به منزل روستائی .
- ۲۵ - آیا اشخاص ر ثابتی دارند ؟
- ۲۶ - نسبت به موسم جابجائی مردم چگونه است ؟
- ۲۷ - اعتقادات و مراسم مربوط به مسائل بالا .

**حیوانات**

- ۱ - چه تعداد اسب ، گوسفند ، بز و گاو موجود است .
- ۲ - کدامیک بیشتر است و آنرا بچه طرزی میپروراندند .
- ۳ - طرز استفاده از آنها و هزینه هایشان .
- ۴ - آیا محصول در کجا بفروش میرسد ؟ در محل یا جای دیگر . در حالت دوم بچه وسیله بآن منطقه نقل میشود .

**نیازهای اولیه**

- ۱ - احتیاجات اولیه ، اسامیشان - قیمت تقریبی آنها
- ۲ - تراکتورها گرایه اند یا شخصی ، از چه کسانی و با چه قیمت
- ۳ - قیمت محصولات ، خرید و فروش

**زندگی صنعتی**

- ۱ - آیا صنعتگران در اختیار زراعت هستند ؟ مانند آهنگران و سراج ها

و یا اینکه بطور مستقل کاری را انجام میدهند؟ مانند نجارها.

۲ - اگر این صنعتگران در روستا وجود ندارند روستائیان، هنگام احتیاج به کجا مراجعه میکنند .

۳ - آیا در روستا خیاط ، کفاش ، و . . وجود دارد ؟

۴ - آیا صنعت روستا در حال ترقی است یا انحطاط ؟

۵ - آیا صنعتگران محلی هستند یا غیر بومی ؟ چگونه یاد گرفته اند ، شاگرد دارند یا نه .

### سکونت و مسائل آن

اشکال واحدهای مسکونی روستائیان به علل طبیعی و یا به سببهای دیگری مانند اعتقادات و سنت آنان بستگی دارد . شکل ساختمان و پنجره ها ، طویله حیوانات، شکل چادرهای ایلات نیز به اعتقادات روستائیان و کوچ نشین ها مربوط میگردد . اصولا روستائیان بعلمت سنت پرستی به بیشتر مسائل و آداب و رسوم وفادار مانده اند و این وفاداری در پایداری آن سنن و رسوم نقشی مهم داشته است و همین امر در شکل گیری مسکن آنان نیز بی تأثیر نبوده است . مثلا شکل گیری این ساختمانها نسبت به مناطق جغرافیائی محل طوری شکل گرفته اند که بر عکس شکل گیری ساختمانهای شهری کمتر تغییر حالت داده اند . روستائی علاقہ دارد که طویله اش دیوار بدیوار اطاق نشیمن خود باشد و سخت بآن وابسته است و به این علت اشکالی که ساختمانها بخود گرفته اند با هم دبگر شباهت کلی دارند . ثانیاً وجود محللهائی مانند رفی و دولابچه و جالی که رختخوابهایشان را در آن میچینند، در خانه ها یک همشکلی با نهاد داده است . تغییر پذیری شکل مسکن نیز در روستا مشکل است هم بعلمت مالی و هم بعلمت اعتقادات اصلی .

روستائی در محلی که هست نسبت به همسایگان خود مأنوس شده و ترك آنها را مانند جدائی از افراد خانواده خود میداند ، این كوكلیتیویزم در روستا های ایران بیچشم میخورد و از اینجا بود که در گذشته بزرگترین تنبیه در مورد يك روستائی اخراج او از روستا بود . بهر حال در خود محل سکونت ، بمسائلی بر میخوریم که موضوع فولکلور قرار میگیرد و نمونه هائی از آنها را چنین خلاصه میکنیم .

۱ - چه موادی و مصالحی در ساختمان منازل بکار گرفته شده است ؟

سنگ ، چوب ، آجر ، خشت ، گل ، سیمان و . .

۲ - چه علل طبیعی و سنتی سبب شده است که ساختمانها بنا این مواد

بنا گردد ؟

۳ - شکل و طول خشت ، قالب خشت ، انواع آن ، قیمت آن (۱)

۴ - طول تیرهای چوبی اطاق

۵ - شکل در و پنجره ها و ابعاد آنها .

۶ - رنگ شیشه های پنجره

۷ - نقشه اطاقها ( طول و عرض ، بلندی ) ایوان ، دالان ، مهتابی ، هشتی ،

دهلیز ، طاق نما ، مطبخ سرا ، بادگیر و امثال اینها اگر وجود داشته باشد . محل

آنها را نیز باید تعیین نمود (۲) .

۸ - علت کوتاهی و یا بلندی دیوار های روستا چیست ؟

۱ - جمالزاده در فرهنگ عوام ص ۶۹ از انواع آجرها بدین ترتیب نام میبرد : ستید ، ابلق ، جوشی ، نظامی ، ختائی ، دوجوش ، آمریکائی بزرگ ، قزاقی ، گرد بزرگ ، شش ، تراش جو ، فرشی ، ختائی شکسته ، خاقانی ، فتیله ای بزرگ ، فتیله ای کوچک ، حصیری ، منگ نما ، الماس تراش و غیره .

۲ - عباس اسد زاده - کتاب روستا شماره ۵ سال ۴۸ ص ۲۴ .

۹ - وجود محللهائی مانند سندرفخانه، اطاق مهمان

رف - و روایت هائی که در این مورد گفته میشود

۱۰ - پله‌های منازل و بلندی آنها و بطور کلی وظایف هر قسمت از محل سکونت.

۱۱ - ماهها و روزهای خاصی که خانه تکانی با اسباب کشی و تغییر مسکن

در آنها صورت میگیرد.

۱۲ - بچه علت لوحه هائی نظیر: یا هو، یا الله، بسم الله، آیه ای از قرآن

در سر درها قرار داده میشود؟

۱۳ - علامات و نشانه هائی که جهت میمنت و تبرک در آستانه درها می‌کوبند.

۱۴ - چشم زخمهای مربوط به منازل کدامند؟ مانند آویختن اسپند در

توبره در مدخل منازل، یا نعل اسب، گل میخ و انواع آن، و اگر علل دیگری دارد

باید ذکر شود.

۱۶ - تحفه‌ها و چشم روشنی‌ها که موقع خرید منزل از طرف بستگان فامیل

فرستاده میشود، و محل قرار دادن آنها.

۱۷ - محل طویله و مرغدانها. آیا همگی در يك محل قرار دارند؟

۱۸ - يك روستائی میخواهد منزلش در کجا باشد؟

۱ - نزدیک مسجد و منازل روحانیون ۲ - کنار چشمه ۳ - نوبی باغ

۴ - دور از مرکز روستا ۵ - دور از قبرستان، چرا؟

۱۹ - آیا محلی که قبلا گورستان بوده است، دوباره میتوان ساختمان کرد؟

۲۰ - روستائیان هر روز صبح جلو خانه خود را آب می‌پاشند و جارو میکشند

و برای این کار افسانه‌ها و روایت‌هایی دارند که باید ذکر شود.

۲۱ - در جارو نمودن منزل چند نفر میتوانند کمک کنند ( آیا تعداد اینها

باید زوج باشد یا فرد؟ (۱)

۲۲ - بچه علت در بیرونی بزرگ یا کوچک ساخته میشود؟

۲۳ - آیا بزرگی در بیرونی نشانه تشخیص و تفریق است؟ و آیا برای رفت و آمد

راحت حیوانات در نظر گرفته میشود.

۲۴ - انواع کلید هائی را که در در ورودی کار گذاشته میشود؟

۲۵ - کلید «ماره» را با شکل و طرز کار آن تشریح نمائید

۲۶ - روایت‌هایی که در مورد نیمه باز و یا بسته ماندن در بیرونی

وجود دارد؟

۲۷ - اگر جفدی بر بام منزلی بنشیند چه تغییری در آن خانه روی خواهد

داد؟ درایتها و سببهایشان.

۲۸ - علل وجودی رف‌ها در ساختمان منازل.

۲۹ - چرا ایستادن در میان در اتاق و با دست باز در طرف در را گرفتن بد

شگون است؟ از کجا ناشی شده و چه روایت‌هایی در این مورد وجود دارد.

۳۰ - چه درختان و گیاهانی را در منزل میکارند، سبب انتخاب آنها.

۳۱ - سمت استقرار ناودان، علت و افسانه‌هایش.

### صنایع دستی و مشاغل

منظور از کارها و صنایع دستی در روستاها، فرآورده های صنایع ماشینی

نیست، بلکه حاصل کارهای دستی ساکنین در روستاهاست. در روستاها معمولا

۱ - مرحوم آل احمد و دکتر ساعدی طرحی برای جمع‌آوری فولکلور آذربایجان

آماده کرده بودند که اجرا نشد ولی عنوانهای مطالب که باید تحقیق گردد مانند کار

شده جهت اطلاع بیشتر به فصلنامه هنر و ادبیات تبریز - دفتر اول بهار ۴۹ مراجعه فرمائید



بعثت اینگونه تقسیم کار کم صورت گرفته شده است بدینجهت تعداد مشاغل نیز محدود است.  
 با وجود این روستائی بعثت بیکاریهای فراوانی که داشته است بنا بمقتضیات و برکت  
 طبیعی محلی خود را با کارهایی مشغول کرده است که نخستین پایه های صنعت اصلی  
 روستاها را تشکیل داده است. عدمای معتقدند که در بعضی جاها، کارهای دستی و  
 صنایع آنان، تابع محیط جغرافیائی است. مثلاً در محلی که گل رس فراوان بوده  
 روستائیان بیشتر به کوزه گری پرداخته اند و یا حصیر بافی در جاهائی انجام میگرفته که  
 فی فراوان یافت میشده است. همینطور رواج فرش بافی در جاهائی بوده است که مردم  
 با کمبود آب روبه روبرو بوده اند و چون روستائی بدون آب نمیتوانسته به کشت بپردازد  
 ناگزیر جهت ادامه زندگی به فرش بافی روی آورده است و این موضوع عملاً در بیشتر  
 روستاهای آذربایجان و فلات مرکزی ایران صادق است. مشاغلی که روستائیان انتخاب  
 نموده اند همانطوریکه مذکور افتاد محدود است و نمونه های آن سفال سازی (نور  
 سازی) (۱) پارچه های اولیه - دگمه سازی - چاقو سازی - کارهای چوبی - گلیم و  
 جاجیم بافی، نجاری، آهنگری (۲)، مثنی گری (۳) تهیه جوراب و بند شلوار

۱ - در مورد چگونگی ساختن تنود به شماره ۸۸۲ فردوسی مقاله فاطمه حسنی  
 پازوکی مراجعه شود و یا به شماره ۸۷۴ فردوسی مقاله تهینه جلالی و یا هنر و مردم  
 شماره ۷۵، ۷۴ مقاله ع بلوک باشی در مورد واژه سنگک و پیشه سنگک پزی در ایران  
 مراجعه شود.  
 ۲ - در قدیم عقیده داشتند که آهنگر با ارواح و اجنبه سروکار دارد و آنها را در  
 اطاعت او هستند تقریباً در بیشتر جوامع وجود دارد. در ایران نیز قراردادن آهن، دشیر  
 سیخ - سنجاق و غیره نزد او جهت دفع آل اذهمین ریشه است.  
 ۳ - در آذربایجان کان کن (کن کان) گفته میشود که کلمه فارسی و بقول جمالزاده  
 بجای کلمه به این خوبی مثنی گری را انتخاب کرده ایم. مثنی گری اصطلاحات پشمرسی  
 دارد و در هر منطقه فرق میکند. ضمناً به مقاله مثنی گری در زفره اسفهان نوشته محمد حسن  
 رجائی، فردوسی شماره ۸۷ مراجعه شود.

دستکش و چارق، تنبان و بند تنبان، شال کردن شال کمرو میج بیج است که توضیحات  
 ضروری داده خواهد شد.

محل مصرفی کارهای دستی: (۱)

- ۱ - کارهای دستی در روستا جنبه خود مصرفی دارد، مانند دستگاہ های  
 نخ ریزی و انواع آن.
- ۲ - کارهای دستی که جهت فروش در بازارها، ساخته میشود.
- ۳ - روشهای خرید و فروش که در این نوع بازارها معمول است
- ۴ - کارهای دستی که تنها در مقابل وجه ساخته میشود.
- ۵ - عادت و سنتهایی که در خرید و فروش این نوع معاملات وجود دارد.

کارهای دستی و وسایل ضروری

- ۱ - کارهای دستی که از گیاهان مانند کتان، کتف و پنبه ساخته میشود.
- ۲ - کارهای دستی که از فرآورده های حیوانی مانند پوست، استخوان،  
 پشم ساخته میشود.
- ۳ - فلزاتی مانند قلع، مس و آهن در ساختمان کدامیک از کارهای دستی  
 بمصرف میرسد؟
- ۴ - کارهای دستی که در نتیجه ضرورت اقلیمی و جغرافیائی و اجتماعی  
 رواج یافته مانند بافتن شال - جوراب - عرقچین و . . .

۱ - اصولاً فولکلور مناطق با هم فرق میکنند مانند آنکه فولکلور روستاها با  
 فولکلور سرزمینهای صنعتی یکی نیست و همچنین فولکلور مشاغل با هم تفاوت دارد یعنی  
 فولکلور یک چوپان و یا یک نجار با ماهیگیر و یا صنعتگر یکی نیست هر کدام طبیعت و  
 مسائل را بصورتی جدا از هم میخواهند و بنابراین محقق می باید با این مشاغل آشنا باشد.

## درمورد مشاغل

- ۱ - چه مشاغلی مقدسند؟ دلیل تقدس آنها و روایتهای مربوط.
- ۲ - مراسم شروع بکار.
- ۳ - مراسم و اعتقادات در مورد ختم آن.
- ۴ - درمورد شغل چوبانی چه اعتقادات و خرافاتی دارند.
- ۵ - چه مراسمی بعد از شاغل شدن یکتفر برپا میگردد؟
- ۶ - مراسم پیش بند چگونه است (توضیح اینکه در روستاها وقتی شاگردی بر حله استادی رسیده طی مراسمی پیش بندی از استادش دریافت مینماید).
- ۷ - چه تکالیفی درمورد اخلاق شاغلین يك گروه مشخص وجود دارد. (۱)
- ۸ - در مورد مشاغل چه امثال و حکمی گفته شده است.
- ۹ - مردم چه عقیده‌ای در مورد مشاغلی مانند کف بینی و سحر بازی دارند.
- ۱۰ - صاحبان مشاغل اخیر در روستاها تا چه حد موفق بوده‌اند.
- ۱۱ - مردم چه اعتقاداتی در مورد طاس بازی دارند.
- ۱۲ - این نوع مشاغل چه مزایایی بصاحب شغل دارد.
- ۱۳ - تعیین موقعیت دارندگان شغل و برخورداریشان از این مشاغل.
- ۱۴ - صاحبان مشاغلی مانند عاشق‌ها (۲) - دف زن‌ها چه موقعیتی دارند؟
- ۱۵ - چه نوع مشاغلی مذموم است؟ علت و روایتهایی که در این مورد گفته

- ۱ - دورکیم در این زمینه کتابی دارد بنام (مسلك اخلاقی) - La Marale Professionelle این کتاب تا آنجا که نویسنده اطلاع دارد بفارسی ترجمه نشده است و خلاصه ترجمه این کتاب در کتابنامه آمده است.
- ۲ - به فصل ادبیات و فولکلور مراجعه شود.

میشود: مانند شراب سازی، عرق کشی، گلاب گیری. (۱)

- ۱۶ - موقعیت صاحبان مشاغلی که در بازارهای هفتگی (مانند جمعه بازار یا شنبه بازار) شرکت میکنند. موقعیت بازار، مواد فروشی و قیمت آنها.
- ۱۷ - آیا در روستا به صاحبان مشاغل زیر برخورد میکنید؟
- معرکه گیری - ولگردی - پرده گردانی (۲) (شمایل امام‌ها را در روستا میگردانند و بعد از نشان دادن آنها از مردم پول میگیرند.) درویشی، قلندری، گدائی، چاقو کشی، کلاه برداری. (مشخصات کلی در مورد هر يك ذکر شود.)
- ۱۸ - آیا روستا لوطی (دانش) دارد یا نه؟ اصطلاحات، اشعار آداب و رسوم مخصوص آنها با تعیین محل (پاتوق) ذکر شود.
- ۱۹ - اگر قالی بافی یا جاجیم و گلیم بافی وجود دارد، مشخصات دستگاه‌ها و تعداد آنها روشن شود.
- ۲۰ - در کارگاههای قالی بافی چه ترانه‌هایی خوانده میشود. (۳)
- ۲۱ - میزان دستمزد کارگران.
- ۲۲ - انواع دستمزد.
- ۲۳ - بیکاری روستائیان.

۱ - در مورد شراب سازی و عرق کشی و انواع آن توضیحات کلی با رسم شکل داده شود. در مورد گلاب گیری به مجله فردوسی شماره ۹۱۳ مقاله علی محمد خودکار مراجعه فرمائید.

- ۲ - برای اطلاع بیشتر به شماره ۳۳ کتاب هفته مراجعه شود.
- ۳ - اشاره به ترانه‌ها و اشعار جالبی است که قالی بافان ضمن قالی بافی در آذربایجان و فلات مرکزی ایران می‌خوانند. (به بخش ترانه‌ها مراجعه شود)

- ۲۴ - شکار و ماهیگیری وجود دارد یا نه ؟ اندازه و چگونگی وسایل شکار .
- ۲۵ - کرم ابریشم ( اگر موجود باشد توضیحاتی داده شود ) .
- ۲۶ - زنبور عسل ( اگر موجود باشد توضیحاتی داده شود ) .
- ۲۷ - اعتقادات مردم در مورد سه شغل اخیر .
- ۲۸ - گندم کاری ، برنج کاری ، نون پزی (۱) ، ترشی سازی ، سرکه اندازی ، شیره سازی و امثال اینها . ( اسباب و آلانی که در این موارد بکار میرود ، نام محلی و رسم آنها .
- ۲۹ - از باغات میوه چگونه نگهداری میشود ؟
- ۳۰ - محصولات نجارها چیست ؟
- ۳۱ - آهنگری روستا .
- ۳۲ - در روستا سقا وجود دارد یا نه ؟ کارش چگونه است .
- ۳۳ - قند چگونه است ؟ با چه وسیله ای .
- ۳۴ - در مورد مشاغل گرمابه داری ، کوره پزی ، کفشدوزی ، گیوه دوزی ، قهوه چینی ، کباب پزی ، سوهان و حلوا پزی ، خراطی ، مسگری ، خوار و بار فروشی ، کلاه دوزی ، سلمانی ، روغن کشی ، شیرینی پزی . اگر این مشاغل موجود باشد در مورد هر کدام توضیحات کلی داده شود .
- ۳۵ - مشاغل مربوط به کشاورزی مانند برنج کاری ، چای کاری ، توتون کاری ، کشت خشخاش ، پنبه کاری ، سیب زمینی کاری ، صیفی کاری و کتان کاری . با ذکر مشخصات و ابزار و وسایل لازم آبیاری و تقسیم آب .

۱ - برای اطلاع بیشتر به مقاله تاقنون پزی در ایران، از علی بلوک باشی، به مجله هنر و مردم شماره ۸۱ سال ۴۸ مراجعه شود .

### پوشاک

تن پوش انسان ها در هر منطقه ای به علل جغرافیائی و اجتماعی و عوامل دیگر از هم دیگر متفاوت است. از نظر جنس ، رنگ و دوخت هر محلی اختصاصاتی بخود دارد . بلندی و کوتاهی لباسهای مردانه، وجود روسری ، چادر و انواع آن در هر ناحیه ای خاصیت ویژه ای دارد که با خصوصیات جغرافیائی محل بستگی دارد . در گذشته همانطوریکه تاریخ ایران باستان نشان میدهد تن پوش ایرانیان کامل بوده و تنها صورت و دست انسان دیده میشد (۱) و پس از ظهور اسلام طرز لباس زنان ایران تغییر یافت و تقریباً بطرز عربها لباس میپوشیدند. اما زنان ایران زیر حجاب نرفتند و لباسشان تغییر نکرد . ایلاتی که در ایران قبل از اسلام تاکنون در ایران مانده اند بهمان لباسهای باستانی ملبس هستند . ممکن است در این اواخر که پای تمدن به آن دور دستها رسیده تغییراتی بدهد (۲) . در بیشتر روستاها پیراهنی که میپوشند تا زانو میرسد و آنگاه شلواری که بند و لیفه دارد و تا میچ یا دهانه آن تنگ میشود به پا میکنند . روی آن پیراهن ، یک نیم تنه آستین بلندی به تن میکنند که خودشان پل میگویند .

از آنجائیکه زردشتیان اصرار دارند که موهایشان دیده نشود روسری (لیک) به سر می بندند، این شیوه را ایلات ما هم از اینها گرفته اند . فقط در مورد عزاداری و امثال آن سرشان را باز میکنند و گاهی دستمال می بندند که ممکن است

۱ - از اشعار فردوسی هم چنان برمی آید که بانوان در گذشته کلاه بسر میگذاشته اند همانطور که در مورد ازدواج انوشیروان و آرایش عروس گوید :

کلاهی بگردا، ز مشکین زره  
چو زنجیر گشته گره بر گره

۲ - روزگارتو، ج ۵ شماره ۲ .

تعداد آن هم به چند برسد آرخالیق هم نامی دیگر از لباسهای روستائیان است که در زمرستان بکار میرود. تنبان هم نوعی تن پوش است که در ایران بلند جلوه مینماید که بعدها عده ای بجای آن تنبان، دامن های بسیار کوتاهی بنام شلیته میپوشیدند شلیته با دامن های ساده امروزی بعلمت داشتن چین های فراوان متفاوت بود. در مورد البسه روستائیان به انواع و اقسام لباسها بر میخوریم که بعضی از آنها احتیاج بتوضیح دارد تا محقق بتواند آنها را از همدیگر مجزا سازد: (۱)

۱- جبه: نوعی پیراهن بلند و بی آستین است که بر روی لباسهای دیگر میپوشند بیشتر مردان از آن استفاده میکنند و در بعضی از انواع آن جلو بسته است و از سر پوشیده میشود.

۲- پوستین: لباسی گشاد و بلند است که از پوست حیوانات پشم دار بخصوص گوسفند دوخته میشود. بعضیها به این پوشاک کول و کبل میگویند.

۳- عبا: پوششی از پشم که بر روی لباسهای دیگر میپوشند. بیشتر آستین ندارد. این لباس بلند است و برعکس جبه قسمت جلوئی آن باز است.

۱- سبب بوجود آمدن لباس را بعلمت محافظت از هوای ناسالم، یا جهت آرایش، یا به سبب اعتقادات جادویی و یا به علت احساس شرم می دانند و مسلم است که هر کدام سهمی دارند. ولی آب و هوا در آرایش مهمترین آنهاست. در جوامع ابتدائی با لباس خود را می پوشانند تا قدرت بدنی شان محفوظ بماند. ستر عورت در مرحله ای بعدی می آید. اولین لباس از پوست و برگهای درختان بود و آنگاه شلوار نیز در نواحی سردسیر بوجود آمد. بعضی از قبائل بدوی جهت محافظت پاهای خود از گرما و سرمای صحراها جوراب استعمال کردند که بعداً به چرم تبدیل شد و نام کفش پخود گرفت. ضمناً یاد آوری مینماید که لباسهای شب امروزی نماینده لباسهای رسمی قدیمی است که شوالیهها میپوشیدند و در اسب سواری از همین لباسها استفاده میشد.

۴- دستار که نوعی دستمال، شال، عمامه است و بدور سر بسته میشود.  
۵- آرخالیق یا ارخالق: جامه بلند که لابه و رویه و آستر آن از پنبه است. تقریباً نوعی نیم تنه ضخیم که مردان و زنان در قدیم میپوشیدند و امروزه هم مثل جلیقه است که قسمت پشت آن ضخیم است و در روستا بیشتر اهالی از آن استفاده میکنند. (۱)

۶- چاقچور یا چاخچور، چاقشور، دولاغ، شلواری دوپاچه و بهم پیوسته است که از کمر تا نوک انگشتان پای را میپوشاند و زنان هنگامیکه از خانه بیرون میرفتند، میپوشیدند (۲).

۷- شلیته: نوعی دامن چین دار کوتاه است که از روی شلوار میپوشیدند از آن سبب شد و شلیته فجری مشهور است. علاوه مینماید که بعد از شلیته چادر نماز کمری مدشد و بعد از آن دامن بوجود آمد.

۸- یل: یل نیز نوعی نیم تنه ساده زنانه است که در قدیم میپوشیدند. تقریباً شبیه پیراهنهای آستین دار پشمی امروزه زن و مرد از آن استفاده میکنند

۹- تنبان: نوعی زیر جامه است شبیه تنبانهای چرمی کشتی گیران. تقریباً نوعی دامن پلیسه بود دارای بقیه و وقتی آنرا بند میکشیدند چین میخورد و حتی تا روی پا میآمد.

۱۰- لباده: بالا پوشی دراز است که جنسی آن نمود مانند است و بیشتر

۱- بمبارت دیگر آرخالیق نوعی قبای بی آستین بود که تا روی زانومی آمد اطراف آنرا ملبله یا گلدوزی و با منجوق دوزی میکردند  
۲- البته چاقچور با دولاق فرق میکرد. این دولاق را زنها گاهی علاوه بر چادر بپوشیدند. همچنین چاقچور چین داشت ولی دولاق مثل دولنگه جوراب خیلی گشاد بود که بپوشیدند.

در مواقع بارانی از آن استفاده میکنند .

۱۱ - ردا : تن پوش مخصوصی است که از روی لباسهای دیگر میپوشند و

شبهه جبه است .

بطور کلی با توجه به انواع لباسها در روستاها باید به مسائل زیر توجه نمود. (۱)

موقعیت لباس نسبت به فصول :

۱ - اسامی آنها - انواع مختلفشان .

۲ - عادات و عقایدی که در مورد استفاده از آنها گفته میشود .

۳ - چه لباسهایی در روز پوشیده میشود .

۴ - لباسهای شب .

۵ - لباسهای شب نشینی .

۶ - لباسهای خواب ( طرح قلمی و انواع آن )

چگونگی لباسها نسبت به سن :

۱ - نام لباسها .

۲ - نوع لباسها .

۳ - لباسهای بچه ای که در فنداق پیچ است .

۴ - لباسهای بچه های پا گرفته

۵ - لباسهای بچه های تو رس ( ۱۲ ساله )

۶ - لباسهای دختران جوان .

۱ - برای اطلاع بیشتر در مورد پوشاک بمنابع زیر مراجعه فرمائید : هنر و مردم

دوره جدید شماره ۱۸ ، ۱۹ ، ۲۱ ، ۲۳ ، ۲۶ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۶ و مجله باستانشناسی

پائیز سال ۳۸ .

۷ - لباسهای جوانان ۲۴ - ۲۰ ساله .

۸ - افسانه هایی که در مورد اولین لباسی که بچه بتن میکند .

۹ - چه تعابیری در مورد اولین لباس کودک گفته میشود .

۱۰ - رنگ لباسهای کودک - علت انتخاب .

۱۱ - اولین لباس کودک از طرف چه کسی باید آماده شود .

۱۲ - علت انتخاب پارچه های رنگی برای لباس ( مخصوصاً قرمز ، زرد ، آبی )

۱۳ - زردوزی و حاشیه دوزی لباسها و اعتقادات مربوط به آن .

۱۴ - دگمه ها و اعتقادات مربوط به آن .

۱۵ - به چه انگیزه ای چند دست لباس را رو بهم میپوشند ؟

۱۶ - علت استفاده از کلاه پشمی حتی در تابستان از طرف روستائیان .

۱۷ - شال کمر - کت پشمی و انواع آن چگونه تهیه میشود .

### در مورد لباسهای مخصوص اعیاد و جشنها

۱ - نام لباسها

۲ - عاداتهای مربوط به آنها .

۳ - رنگ - شکل - طرح - دوخت - قیمت .

### در مورد لباس مردگان و اعتقادات مربوط بآن

۱ - روپوشی که روی مرده کشیده میشود ، جنس ، رنگ ، علتشان و اعتقادات

مربوط به آن .

۲ - بچه علت کفن برنگ سفید انتخاب میشود؟ ( گویند بیغمبر فرموده است

که خداوند البسه سفید را دوست دارد و بهشت را هم سفید آفرینده است (۱) .

۱ - فرهنگ البسه مسلمانان تالیف ربی آزری ترجمه حسینعلی مرادی تهران ۴۵ ص ۹

۳ - لباسهای مخصوصی که طبقه‌ای برای خود برگزیده اند چگونه است ؟  
۴ - لباسهای پلوخوری .

۵ - افسانه و اعتقاداتی در این مورد .

### رنگ و آرایش لباس نسبت به سن، جنس، فصل، اعیاد و مراسم

۱ - رنگ و علت انتخاب آن

۲ - رنگ بخصوص برای آنان چه نقشی دارد ؟

۳ - چه تزیین‌هایی بکار میرود .

۴ - این تزیین‌ها در کجای لباس قرار داده میشود ؟

۵ - سببهایشان چیست ؟

۶ - اسامی قسمتهای مختلف لباس بزبان بومی .

### طرح، رنگ، جنس و علت انتخاب تن‌پوش‌های زیر

۱ - کلاه

۲ - دستار

۳ - شب کلاه

۴ - دستکش

۵ - جوراب

۶ - شال

۷ - پوستین

۸ - ردا

۹ - عبا

۱۰ - لباده

۱۱ - جبه ( بختیارها بجای کت و شلوار از تن پوشی از پشم استفاده می‌کنند

که چوقا نام دارد (۱)

۱۲ - چارق

۱۳ - نعلین

۱۴ - گیوه

۱۵ - کمر بند

۱۶ - زیر جامه

۱۷ - تنبان

۱۸ - شلوار

۱۹ - آرخالق

۲۰ - لچک ، چارقند ، روسری ، که به انواع مختلف دیده میشود . ( مانند :

چارقد بنارسی که از هند می‌آوردند . )

۲۱ - چاقچور

۲۲ - شلینته

۲۳ - کفش ( بختیارها نوعی کفش دارند که پاپوش گفته میشود ) ( ۲ )

۲۴ - میج پیچ

۲۵ - کلیچه ( نوعی قبا )

۲۶ - عرقچین ( که گاهی ملبله دوزی میشود . )

۲۷ - روبنده ( بعدها بجای روبنده نقاب و پیچه معمول شد . ) پیچه برنگ

سیاه از موی دم‌اسب بافته میشود و نوعی از آنرا از عراق عرب به ایران می‌آوردند .

۱ - بامدی طایفه‌ای از بختیاری . زیر نظر دکتر ورجاوند ص ۱۵۴ .

۲ - همان اثر ص ۱۵۴ .

## خوراك

بشر بگمان از ابتدا با گیاهان آشنا بوده ، حتی قسمتی از بقا و حیات خود را مدیون این منابع زمینی میداند و بداند جهت از ابتدا با گیاه و فرآورده های آن آشنا بوده و بآن بادیده احترام نگریسته است و هنوز هم نان و گندم اگر روی زمین و یا زیریا ریخته شود ، جهت احترام و دوری از گناه آنها را بسرداشته و از زیر پای مردم دور نگه میدارند . قطع درخت و گیاهان مذموم و مکروه بوده و میدانیم زردشت نیز مردم را به زراعت و امثال آن تشویق و دعوت نموده است . بهر حال بعللی بعضی از این درختان مقدس در آمده اند ، و هنوز هم در ایران درخت توت سهم سید و یا اولاد پیغمبر است (۱) و با درخت کاج که نزد مسیحیان مقدس است . البته پرستش مظاهر طبیعت با انواع مختلف در نزد تمام ملل دیده میشود که بصورت گیاه پرستی ، جانورپرستی و سنگ پرستی جلوه میکند .

دنباله و بقایای احترام و پرستش گیاهان و درختان کم و بیش ، نزد همه ملتها دیده میشود . امروزه تهیه و آرایش درخت در عید میلاد مسیح از این گونه است . در اروپا هنوز هم بعضی از هیزم شکنان وقتی میخواهند درخت تنومند کهنی را قطع کنند در برابر آن ایستاده در زیر لب دعای عفو و غفران میخوانند و در بعضی نقاط دیگر هم دختران نازا را به ازدواج درختهای معین درمی آورند و معتقدند که آن زن صاحب فرزند خواهد شد . (۲) سنگ پرستی هم با انواع مختلف در مکانهای

۱ - در مقدس بودن درخت توت گویند :

درخت توت در ایوان زهرا	پلنگ و شیر در فرمان زهرا
همه گویند که نرخ قن گرونه	زقن شیرین تره بوسای زهرا

۲ - تاریخ ادیان علی اسفر حکمت تهران ص ۱۵

مقدس دیده میشود . مانند سنگ سیاه مسجد صاحب الامر تبریز و یا همانطور پرستش شیر در آفریقا ، گاو در هندوستان و کبوتر و مار در بعضی از ممالک . بر این بیفزائیم که عده ای از گیاهان هم بعلمت داشتن خاصیت درمانی دارای ارجح و حرمت بوده و بنابراین مختلف پیرایههایی بر آن بسته و افسانه هائی ساخته اند . بعضی از غذاها هم بر روزهای معینی اختصاص داشته و با تکیه بیک اعتقاد خرافی مانده گار شده است . بهر حال در فولکلور انواعشان موضوع سخن ماست ، که ذیلا آورده میشود :

## غذاهای گیاهی

- ۱ - انواع غذاهای گیاهی
- ۲ - آتش و نوع سوپی که از گیاهان درست میشود
- ۳ - انواع پخت
- ۴ - وجه تسمیه آنها مانند آتش امام رضا - آتش حضرت ابوالفضل (آشهای نذری) - حاجت طلبی مردم از آتش - دعاهائی که خوانده میشود روزه خوانی پای دیگ - آیا در تقسیم آتش رقابتی هست ؟
- ۵ - اعتقاداتی که در مورد تهیه این آتشها دارند با روایتهایشان .

## غذاهای گوشتی

- ۱ - غذاهای تلپت دار و آنچه از فورمه درست میشود .
- ۲ - فورمه چگونه تهیه میشود ، چرا ؟ و اعتقاداتی در این مورد .
- ۳ - گوشت چه حیوانانی مکروه است ، چرا ؟
- ۴ - در مورد خاریشت چگونه می اندیشند ؟ و آیا فقط بعلمت استفاده گوشت آن یا جهت مداوا ؟

۵ - چه اعتقاداتی در مورد این نوع حیوانات وجود دارد .

۶ - ماهی

### غذاهائی که از حبوبات درست میشود

- ۱ - غذاهای خمیری و گندمی که از آنها آش درست میشود؟ در آذربایجان آش اوماج که ترکیبی از خمیر و سبزی و سایر مواد اولیه آش معمولی است درست میکنند ( ویاخشیل ، هورا (۱) و یا کله جوش (۲) .
- ۲ - کدامیک از غذاها زمستانی و کدامیک تابستانی اند؟
- ۳ - انواع رشته - حلیم - بلغور در غذاها .
- ۴ - عادات و اعتقادات و خرافاتی که در مورد شیرینیهای خمیری گفته میشود (۳) .

### غذاهای شیری

۱ - انواع غذاهائی که از شیر درست میکنند (۴)

- ۱ - خشیل نوعی غذا از آرد و شیر است که بیشتر متروک شده است .
- ۲ - در مورد کله جوش یا کله دوش به مجله هنر و مردم شماره ۱۰۹ ص ۴۵ مراجعه شود
- ۳ - در مورد حقایق و خرافات در مورد غذاها به تلاش شماره ۱۶ صفحه ۵۷ نوشته بهرام تدین مراجعه نمایید .
- ۴ - علاوه مینماید که روستائیان خاور دور شیر ، کره و پنیر مصرف نمیکند ، سبزی و میوه خیلی کم مصرف میشود . مصرف قند نیز در نزد روستائیان هیچ است ، مثلا در نقاط کوهستانی بطور کلی قند یافت نمیشود قطع گاهی اوقات قند بوسیله دوره گردانی بفروش میرسد . شیر ، کره و پنیر نیز همین وضع را دارند و اغلب روستائیان از خوردن آنها کراهت دارند . عقیده ای که روستائیان درباره خوردن شیر دارند این است که معتقدند خوردن شیر گاو ایجاد یکنوع خویشاوندی بین اسان و حیوان مینماید و بدین طریق مقام انسان ناسرحد حیوانی پائین می آید (نقل از ص ۴۵ انسان و طبیعت از دکتر جهانگیر صوفی)

۲ - غذاهائی که همراه شیر مصرف میشود . غذاهائی که در آن از شیر هم استفاده میشود .

۳ - انواع غذاهای تابستانی و زمستانی که با شیر تهیه میشود .

۴ - انواع ماست ، کره و روغن .

۵ - دوغ .

### ارتباط غذاها با زمانهای خاص

- ۱ - انواع غذاهای روزانه .
- ۲ - غذاهائی که جهت خیرات درست میکنند
- ۳ - غذاهائی که در عروسی درست میکنند - مواد اولیه و چگونگی آن .
- ۴ - غذاهای دندان در آوردن کودکان - اگر نخورد است مراسم آنرا نیز بنویسید .
- ۵ - اوما یعنی چه .
- ۶ - غذاهای شب عزا .
- ۷ - غذاهای شب جمعه .
- ۸ - غذاهای روز عید .
- ۹ - طرز خوردن غذا در روستا ، آیا با دست میخورند یا با قاشق .
- ۱۰ - ترشی و مر با را چگونه درست میکنند .
- ۱۱ - غذاهای روزها و شبهای میهمانی .  
بچه علت مر با و ترشی بعضی از میوه ها را خوب نمیدانند؟
- ۱ - شراب و انواع آن ( انگور - توت - آلبالو ) .
- ۲ - چگونگی و انتخاب انگور
- ۳ - طرز تهیه مر با ، ترشی و شراب .



۴ - انواع آنها در روستا -

۵ - چه اعتقاداتی نسبت به آنها دارند

باز در مورد مسائلی مانند :

۱ - گسترده سفره حضرت ابوالفضل علیه السلام که باید کلیه مراسم و موادی که

سفره را تشکیل داده تشریح گردد - دعاها - چگونگی طلب - مراسم ختم

آن - غارت سفره (۱) -

۲ - مشکل گشا و انواع آن - که باید مواد اولیه روشن شود - چگونگی

تقسیم آن -

۳ - حلوهای امام -

۴ - سمنو - چگونه تهیه میشود و اعتقادات مردم نسبت به این غذای باستانی

و اشعاری که در این مورد خوانده شده -

۵ - شله زرد ( شیله زرد ) برای چه و چگونه تهیه میشود -

۶ - در مورد غذاهایی مانند قره قوروت - قاروت - لبو - لرزانک - ترشی

مربا - شربت وپلو -

۷ - دوپماج (در آذربایجان مخلوطی از نان و پنیر و با نان و روغن که در دست

گلوله شده و آنگاه مصرف میشود) -

### ابزارهای خانگی

همانطور که محیط طبیعی و محل سکونت ، منبع بزرگی برای فولکلور است

اسباب و ابزارهای خانگی نیز موضوع فولکلور واقع میگردد ، مخصوصاً به سبب

وجود لوازم و ابزاری که با اعتقادات سنتی روستائیان - روکار دارد - روستائی هائی

۱ - سفره های فراوانی بنام انبیاء و آل محمد و اولیاء برپا میشود و بیشتر مربوط به

حضرت عباس (ع) می باشد شبیه ، حضرت رقیه و یا خضر است و علل نذر باید روشن باشد -

برای اطلاع بیشتر از سفره حضرت عباس و انواع سفره ها به مقاله ابوالقاسم فتیری

هنر و مردم شماره ۱۰۶ ص ۵۴ مراجعه فرمائید -

عقاید بخصوصی در مورد لوازم خانگی نظیر شمعدان ، آفتابه لکن ، یاتیل و خمره

و غیره دارد که همگی موضوع بحث است و چه بهتر که بنمونه هائی از آن اشاره کنیم -

۱ - اسامی ، تعداد و اشکال وسایل خانگی مانند صندوق ، چهارپایه ، فرش

و زیرانداز ( در صورت امکان عکس و شکل آنها ) -

۲ - اگر لوازم بالا محل استعمال خاصی دارند کدام است ؟

۳ - ظروف چینی گلدان - بی گل - شمعدان - ابریق - اشکدان - یاتیل

پیه سوز - چراغ موشی ، لامپا - این وسائل بهتر است که طراحی شود تا

اگر اختلافی با وسائل روستاهای دیگر وجود دارد مشخص گردد -

۴ - دیزی ، شکل و علت انتخاب آن -

۵ - آسیای دستی ( با تمام مشخصات ) منقل ، سه پایه ، هاون ، چمچه ،

کفگیر و مشخصات آنها ، دیگ ، کماجدان ، آبکش ، ترازو ، بخاری ، کرسی ،

بادیه ، سینی ، طاس -

۶ - گاو دوش ، کوزه ، خمره ( شکل و محل استعمال آنها ) گلابدان ،

تشت ، بادیه ، هاون ، تغار ، تله ، آینه ، قلبان ، جام چهل کلید ، تنک ،

غربال ، لاوک (۱) -

۷ - آیا آداب و رسوم برای اینها موجود است ؟

۸ - آفتابه لکن ( رسم شکل ) طرز استعمال و نحوه استفاده از آن - شیوه

هائی که هنگام آوردن آن بداخل اطاق و در موقع نشستن ، شخص باید رعایت کند

حوله بردار ، نوع آب ( سرد یا گرم ) چه کسی جهت استفاده بعنوان اولین نفر

۱ - برای اطلاع بیشتر به نوشته های پراکنده هدایت ص ۴۵۶ ( اسباب خانه )

مراجعه شود -

انتخاب میشود؟ و چرا؟ (از نظر سنی، دارائی، قدرت، مهمانی خارج از روستا کدامیک؟)

۹ - چه آداب و رسومی بر وسایل بالا وارد است؟

۱۰ - چه اشیاء زینتی و یا چه نوع زمین بملی هرگز مورد استفاده قرار

نمیگیرند؟

۱۱ - چه وسایلی از پدر بزرگ و یا مادر بزرگ به ارث میرسد.

۱۲ - حکایتها و روایاتی که در مورد اشیاء موروثی گفته میشود.

۱۳ - انواع ظرفها.

۱۴ - نام ظرفها.

۱۵ - چه آداب و رسومی در مورد ظرفها بیادگار مانده است؟

۱۶ - محل نگهداری این وسایل کجاست؟

۱۷ - آیا محل وسایل ارثی موجود در اطاق بعد از مسرک صاحبش عوض

میشود؟ بچه علت؟

۱۸ - عکسهای دیواری - عکس اشخاص مرده و اعتقاداتشان در این مورد (۱).

## آرایش

آرایش یکی از خصوصیات جوامع اولیه بود، اسانها بهر تریبی بود می خواستند با بکار بردن وسایل زینتی و آرایش خود را در دل دیگران جای دهند. این آرایش ممکن است جنبه مذهبی نیز داشته است. اگر به گذشته بنگریم و نگاهی به سنگهای حجاری شده دوره کوروش و داریوش بیندازیم موهای بلند و

۱ - مثلاً در آذربایجان میگویند وقتی یکی مرده رنگ عکس هم میبرد و چشمهایش بی فروغ میشود، مثل اینکه از مرده عکس گرفته اند.

و فرزند و آرایش شده مردان نیز نظرتان را جلب خواهد نمود.

این آرایش منحصر بجوامع مخصوصی نبوده بلکه همگان از آن استفاده می کردند. مانند آنچه که در زمان کلتویاترا برای آرایش سر از روستای استفاده می کردند. بدین ترتیب که در زیر آن چوبهای مخصوصی قرار داده و آرایش جالبی بآن میدادند. رومی ها موهایشان را جمع میکردند و حتی مردان پیش از زناش به آرایش میپرداختند. (۱)

در این آن نیز آرایش بمشابه دیگر ممالک متغیر بوده، زیرا با اعتقادات و حرکت زمان، با ایجاد مدها و غیره عوض میشد تا وقتی که آرایش منحصر به استحمام و یا احیاناً استفاده از حنا، برای تغییر رنگ موهای سر شد. اما در دوره قاجار استفاده از رسمه، بنداندازی و گاهی بندرت در مجالس عروسی استفاده از سرخاب و سفیداب معمول بود (۲). در روستاها کمتر باین کارها دست می زدند بلکه آنان با گوشواره و النگو و گردن بند و مدالها و با طرح لباسهای رنگی خود را جلوه می دادند و یا به جهت مذهبی از مشك، عطر و حنا استفاده مینمودند بهر صورت بمسائل زیر در بررسی باید دقت نمود:

۱ - حنا، اعتقادات مردم بآن - چگونگی موارد استعمال و چه موافقی؟ برای جشنها یا جهت تقویت انگشتان.

۲ - رسمه، از چه ماده ای درست میشود و طرز استعمال آن و وسایلی که بآنها احتیاج دارد.

۳ - سفیداب و جمبه های مخصوص آن.

۱ - تلاش شماره ۳۷ ص ۵۹.

۲ - تلاش شماره ۲۴ ص ۵۰.

۳ - سرخاب

۵ - سرمه و سرمه دان

۶ - خال

۷ - خضاب

۸ - عطر و عطردان ، مشک و عنبر ، چگونگی تهیه و موارد استعمال آنها

۹ - گوشواره ، انواع آن ، جنس ، تعیین قیمت تقریبی آنها

۱۰ - آئینه و اعتقادات آنان درین مورد

۱۱ - شاه

۱۲ - طرح آرایش مو

۱۳ - انگشتری

۱۴ - النگو

۱۵ - کردن بند

۱۶ - مدالهای کردن

۱۷ - سنجاق سینه

### مقیاسها

در بعضی جاها مخصوصاً در روستاها واحد های اندازه گیری ویژه ای وجود دارد که نامهای محلی دارند و برای اندازه گیری طول زمین ، پارچه ، مایعات و اجسام بکار میرود در برخورد باین مسائل باید اندازه ، بزرگی ، جنس ، نام محلی آنرا ثبت نمود :

۱ - واحدهای طول مانند : ارش ، گز ، وجب ، طول آرنج - طول قد انسان

۲ - واحدهای وزن مانند : دانك ، سیر ، درم ، مثقال ، پونز ، سیه ،

چارك ، من

انواع من مانند : من تبریز ، من دلیران و معروف به من هشت عباسی ،

من مراغه ، من خوی ، من رضائیه ، من هاشمی . (۱)

۳ - پیمانه و انواع آن و نام های محلی

۴ - در تقسیم بندی زمینها باید دانك ، شمیر ، جفت بندی ، نقشبندی ،

تقسیم آب نسبت به ساعت ، استخر ، حوض ، گل (به ضم گاف) . . . (۲)

۱ - رجوع کنید به اوزان و مقادیر قدیم ایران ، جهانگیر قائم مقامی بررسیهای تاریخی سال ۴۷ شماره ۲

۲ - رجوع کنید به اصطلاحات و روشهای معمول در تقسیم بندی املاك - قره گوزلو حسن - کاوش شماره ۱۰ سال ۳۲ و یا به ( بنه ) از صفی نواد

## فصل اول

### عرف و عادات

بنا به نظر جامعه شناسان عادات نوعی وقایع اجتماعی هستند که بصورت قوایی از طرف اجتماع بانسان تحمیل میشوند وانسان ناگزیر از انجام آنهاست این قوانین از روزگاران بسیار قدیم ماندهگار شده اند و شایسته ارزش و احترام اند. برای اینکه مسأله ای با چیزی عادت شود باید سه شرط زیر را داشته باشد .

۱ - از نسل گذشته رسیده باشد .

۲ - قابلیت گسترش و شیوع داشته باشد .

۳ - فشاری و یا جبری همراه داشته باشد (۱)

در ایران به جز اینکه بعضی ها عرف و عادت را با هم مخلوط نموده اند حتی گاهی سنت و آداب و رسوم ، اعتقادات را نیز در هم ادغام نموده اند که بعلمت این نزدیکی در بررسی آنها مشکلائی ایجاد شده است . باید گفت که عادت کل است و از همه وسیعتر ، سنن و آداب و رسوم از آن منشعب گشته است .

۱ - Sosyolojik acidan Din . Ahlak , Laiklik ve Politika

Prof Dr. Cahit Tanyol Istanbul 1970 , p. 40

## بخش سوم

عرف شکل و مظهر خاصی از عادات است که جنبه حقوقی دارد و آنچه عرف

از آن بوجود می آید ازین قبیل است:

۱ - طرز لباس پوشیدن و خوردن و خوراک خوردن و ترتیب ملاقاتها و کیفیت معاشرت ها،  
وضع گفتگو و بر خورد با هم و چگونگی پذیرائی .

۲ - اعتقاد به تأثیرات بر خلاف عقل و منطق ، از قبیل تأثیر جن و پری  
شیاطین ، ملك ، کواکب ، مقارنات و تراجمت ستارگان و ترس و وحشت از مخالفت  
با آنها ، اقدام به تهیه وسایل استرضای اینگونه مؤثرات خرافی بدست جن گیر و  
دعا نویس ، متجمین و غیره .

۳ - تبعیت از عادات و احکامی به نام دین و اعتقاد به انجام تکالیفی برای  
مردمها و همچنین برپا داشتن مراسمی در عزا و عروسی ، که عقل و دین آنها را  
تأیید نکرده است . (۲)

بعضی از عرفها مذموم و بعضی ها بسیار معقول و ستوده است . اشخاصی  
هستند که در هزینه تربیت اطفال اسماک میکنند ولی برای عروسی با عزای  
عزیزان متحمل مخارج گزافی میشوند و برعکس در بعضی جاها هنگام مرگ  
آشنايان جمعاً متحمل مخارج او میشوند و یا در عروسی بنحوی کمک می کنند .  
از طرفی بسیاری از اعمال مردم از روی تقلید است و بهر طریقی که محیط و  
عرف آنها را بکشاند ، کشانده میشوند و حتی ممکن است سفید را سیاه و سیاه  
را سفید انگارند هر ملتی عرف خاص بخود دارد که خیر و صلاح را در پیروی آن  
میداند و اطفال خویش را با آن شیوه تربیت می کند . معلوم است که برخلاف  
عرف و عادات قوم و ملتی اقدام کردن ، درست مخالف جریان سیلاب قوی شنا

۱ - علم اخلاق یا حکمت عملی . دکتر محمود بامداد سال ۲۲ تهران س ۳۱۱

کردن است .

در هر ملت و جامعه متفکرین صاحب تشخیصی هستند که با قسمتی از عرف و  
عادات قوم خود مخالفند ولی جرأت و شهامت قیام برضد آنها را ندارند . یعنی آن  
خصلت شجاعت و فداکاری در ایشان نیست . وجه تمایز بزرگ مصالحین ، همین از خود  
گذشتگی است که برای مقصود مقدسی چشم از راحت و فراغت حتی از حیات  
پوشیده اند .

بهر حال همانطوریکه بعضی از عرف و عادات ، زشت و برداشتنی نیست یاره ای  
از آنها هم هر چند دور از منطق و عقل است ولی شعار ملی و نشانه قومیت  
می باشد و تا جائیکه مانع ترقی و تکامل جامعه نشود باید آنها را نگه داری کرد  
از این قبیل است : عید نوروز و جشن مهرگان و پاره ای از ایام تاریخی و ملی  
و دینی . (۱)

بنابر این عاداتی که جنبه حقوقی دارند و می توانند منبع قانون بشوند ،  
عرف نام میگیرند .  
بدین ترتیب میتوان گفت تمامی عرفها ، عاداتند ولی همه عاداتها عرف نیستند  
بعضی از عادات که مؤیده ای دارند می توانند منبع اخلاق شوند که آنها را  
سنت می گوئیم . عاداتهای اخلاقی در مقابل عقل بست اند و در مقابل کثرت گناه  
سست میشوند و علم و تکنیک هم می تواند آنها را عوض کند و آن جامعه ای که سنت  
و عادت آن عوض نشود ضایع شده و خواهد یسوسید . (۲) پس اخلاق همان  
عادت است از حیث صلاح و فساد و خیر و شر اعمال انتظام فکر و دقت در مسائل ،

۱ - علم اخلاق یا حکمت عملی . دکتر بامداد س ۳۱۴

San'at ve Ahlak Prof. Dr. Cahit Tanyol İstanbul p. 13-14-2

عجله در حکم و تشخیص، صبر و نیت و... پس عاداتی مانند تکلم، خوردن، نوشتن، راه رفتن، پوشیدن، می توانند موضوع عاداتی اخلاقی قرار گیرند. (۱) نظر عوام در مورد عفت ظاهری نیز تا اندازه ای تابع عادت بوده، و عوض میشود، مانند لباسهای امروزی زنان و مردان که همواره بصورت مد عوض می شود. یکروز کت و دامنهای بلند و روزی دیگر دامنهای بسیار کوتاه.

باز فرقی بین عادت و بدعت هست. باید دانست بعضی از مسائل با آن که از روزگاران خیلی گذشته بما نرسیده ولی در اثر تکرار بصورت عادت در آمده است و آنرا بدعت نام نهاده اند. عادات غالباً خیلی دیر و بدشواری تغییر می یابند و یاترک میشوند، چرا که عادات با کل جامعه ادغام شده است مگر اینکه با تغییرات و دیگر گونیهای اجتماعی عوض شوند و حال اینکه مدها و طرحها برعکس آنست. بدین معنی که مد همواره بر مبنای سن، جنس، موسم و طبقه عوض میشود. بیفزائیم که قوانین اخلاق دینی همگی از طرف خداوند وضع و بنا نهاده شده اند ولی اخلاق اجتماعی شاخه ای از عادات میباشد که قوانین آن از اجتماع گرفته شده است بنا بر این منظور از اخلاق، اخلاق دینی نیست، بلکه آن چیزی است که با خوبی و بدی مردم و اجتماعات ارتباط دارد و اساس چنین اخلاقی بر مسئولیت قرار دارد. پس منبع این اخلاق، دین و عقل نیست، بلکه سنتهای اجتماعی است (۲). می توان گفت، آداب و رسوم اجتماعی، اعتقادات، عادات، کلا در رفتار و نمایان فرد اثر می گذارد و ناگفته نماند که این رفتارها از طرف اجتماع جبراً بر فرد تحمیل می شود.

۱ - علم اخلاق یا حکمت عملی، دکتر محمود باعداد ص ۸۰  
 ۲ - با توجه به آنکه کلیه جسامه شناسان منبع اخلاق را اجتماع می پندارند. سقراط می گفت خطا و اشتباه بعلم نادانی ماست یعنی بدی از نادانی است پس منبع اخلاق عقل است چون اخلاق دانایی است.

کلمه **Moeurs** بمعنی عرف به آن عاداتی که مؤیده دارند گفته میشود یعنی همان سنن و آداب و رسوم است نه عرفی که ما میگوئیم.

در اسلام حقوقدانهای اسلامی بجسای عرف، عادات و بجای عادات، عرف بکار برده اند. بنابراین عرف، اخلاق و سنن و آداب و رسوم از عادت پدید آمده اند.

عادت ← عرف

عادت ← اخلاق

عادت ← سنن و آداب و رسوم

عرف، عاداتی است که معمولاً قوانین از آنها نشأت می گیرد. این عرف و عادت در اروپا جنبه اخلاقی دارد. اخلاق هم آن عاداتی است که دارای يك مؤیده است. البته عادات اخلاقی، از اخلاق دینی جداست. در مورد سنن و آداب و رسوم باید گفته شود که به عاداتی اخلاقی جمعاً سنن گفته میشود اینک بجاست که به مناسبات اخلاق اجتماعی و دینی اشاره رود،

۱ - دین و اخلاق با هم ارتباط جبری ندارند فقط بعضی قواعدشان گناهی بهم نزدیک و یا از هم دور میشود.

۲ - دین فقط اخلاق نیست ولی کلیه مسائل اخلاقی مربوط به نیک و بد و با خیر و شر است.

۳ - در دین، فرد در مقابل خدا قرار دارد ولی در اخلاق در برابر اجتماع.

۴ - هم دین و هم اخلاق از شبهه گریزانند.

۵ - از نظر دین، برای اعمال بد پاداش و مکافاتی پیش بینی شده. مثلاً در اسلام گزاردن نماز در قیامت پاداش و اجری دارد و ترك آن سبب عذاب است. ولی پاداش رفتار و اعمال در جامعه زندگی دنیائی است و با بهشت و جهنم کاری ندارد.



کتابخانه مرکزی دانشگاه

روشن بوده است و ازین نظر دقت آنها را به خود جلب نموده است. اسپنسر (۱) ه. تن (۲)، وسترمارک (۳)، برول (۴)، سمنر (۵)، وگورویچ (۶) درین زمینه کار کرده اند.

اسپنسر در کتاب «اصول جامعه‌شناسی» (۷) در بخش چهارم و کوالوسکی (۸) در کتاب «عادات معاصر و قوانین قدیم» ارتباطات و مناسبات موجود میان عادات و قانون را تشریح نموده است. عده دیگری نیز در ریشه و چگونگی آنها. لوی برول در کتاب «علم عرفیات» (۹) چگونگی تبدیل اخلاق اولیه بر عرف و عادات را نشان داده است. همچنین واکس ویلر (۱۰) در مورد منشأ عرفیات و عادات و سمنر در کتاب «Folkways» بعد از آنکه از چگونگی وجود آمدن عادات و عرف صحبت مینماید، گوید بعضی از عادات ممکن است همگی از بین بروند و جای آن عادت دیگری بوجود آید.

«علم عرفیات» برول از ۹ فصل تشکیل یافته است به ترتیب زیر:

- ۱ - Spencer
- ۲ - H. Taine
- ۳ - westermarck
- ۴ - Levy Bruhl
- ۵ - Sumner
- ۶ - Gurvitch
- ۷ - Prencipes des Sociologies
- ۸ - Kovalevsky
- ۹ - Science des Moeurs
- ۱۰ - Waxweiller

یعنی اگر کسی کلاه بلند و قرمزی بر سر گذاشت و یا خود را به لباسی نامطلوب ملبس کرد و یا آرایش نمود، خنده و استهزای مردم همان جزای اوست (۱).

باید متوجه بود که روستائیان مردمانی سنت پرستند. ارزشها و مخصوصاً ارزشهای اجتماعی در جوامع روستائی، غالباً رنگ و بوئی از سنت ها داشته و حتی هزاران سال رسوم و عادات و آداب، بدلیل ثابت بودن محیط و عوامل تشکیل دهنده آن، دوام یافته و بیش از قوانین و آئین نامه و نظارت رسمی بر تصمیمات و تحرکات و اقدامات اجتماعی مؤثر افتاده اند، و چه بسیار قوانین کشوری که هرگز بر روستا نفوذ نکردند و بسا روستاها که در تمام موارد، عرف را جای قانون مجری داشتند این سنت ها غالباً از سه عامل: منشأ و ریشه نژادی - معیشتی و محیط جغرافیائی الهام گرفته و پس از آن ناشی از رژیم سیاسی و ملکداری بوده هستند. از جمله مظاهر سنت پرستی در جامعه روستائی، حرمت خانواده و اقتدا به بزرگ و رئیس خانواده است (۲) اما در بعضی مواقع این مظاهر سنت پرستی جای تکلیف را می‌گیرد. مانند رعایت اصول و آداب ظاهری از جمله سلام‌های پی در پی روستائیان که از ترس از تنبیه و یا گرسنگی و در بدری ناشی شده و نباید آنرا بحساب سنت پرستی روستائیان گذاشت. این رفتارها و با استعمال این کلمات نشانه روستا زدگی است (۳)

اثرات عرف و عادات و آداب و رسوم در اجتماعات از قدیم نزد فیلسوفان

۱ - Sosyal Ahlak Prof. Dr. Cahit Tanyol Istanbul  
1960 p. 29

- ۲ - مقدمه، روستا شناسی ایران، دکتر کاظم ودیعی ص ۱۹۳.
- ۳ - جامعه شناسی روستائی - دکتر خسرو خسروی ص ۱۲۱.

خواسته و قصد اخلاق ثنوری - اخلاق ثنوری امر و نزی چیست - اصول مسلم  
 اخلاق ثنوری - اعمال اخلاقی به کدام قوانین عملی مربوط است - جواب به بعضی  
 از اعتراضات - علم آداب و رسوم - اخلاق طبیعی - احساسهای اخلاقی - نتیجه عملی (۱)  
 برول بطور کلی میخواهد اخلاق ثنوری را کنار گذاشته و اخلاق علمی را  
 بجای آن نهد و درین مورد اضطراراً اضافه مینماید که گورویچ با انتشار کتابی بنام  
 اخلاق ثنوری و علم عرف و عادات (۲) بعد از بررسی کلیه نظرات دیگر مانند :  
 روسو ، پاسکال ، دکارت - فیخته ، دورکیم ، بوکله ، برکسون ، نظر خود را تشریح  
 نموده است ، برول نیز در چاپ سوم کتاب خودش به اعتراضات به لو (۳) پارودی (۴)  
 روش (۵) جواب داده است (۶) .

۱ - Sosyologi Tarihi Prof. N. S. Kosemihal ,  
 Istanbul 1968 , p 261  
 ۲ - Morale Théorique et Science des Moeurs  
 Belot , G. - ۳  
 Parodi - ۴  
 Rauch - ۵  
 ۶ - Sosyologi tarihi P. 262

فصل دوم

اختصاصات دوره های مختلف زندگی

ایام کودکی

عادات مربوط به زایمان :

درین مورد به مسائل زیر باید توجه نمود :

ناف بری کودک توسط چه کسی انجام می گیرد ؟ چطور ؟ ، نوزاد بعد از  
 تولد در کجا قرار داده میشود ؟ پوشش نوزاد - پرورش و تغذیه نوزاد - قنداق و امراض  
 ناشی از آن و نامهایی که روستائیان بآن می دهند - بازدید کلی ماهانه کودک از  
 نظر غذا ، لباس ، نظافت و خواب ، در چه محلی ؟ دندانهای شیری - نحوه مواظبت  
 از کودک ( ۵ - ۲ سالگی ) ، ( ۱۰ - ۵ سالگی ) ، ( ۱۴ - ۱۰ سالگی ) - ختنه  
 در چه سنی و به چه وسیله ای انجام می گیرد - اصولی که برای زبان باز کردن کودک  
 سورت می گیرد - مراسم و آئین و افسانههایی که در موارد بالا گفته شده است .



## اختصاصات دوره جوانی :

عاداتهای زمان بلوغ و کمال - مراسم و آئینها و افسانه‌هایی که در این زمینه موجود است .

## دوره نامزدی

آمادگی دختر و پسر جهت نامزدی در چه سنی است - آمادگی از طرف پدر و مادر است یا از طرف خودشان اعلام می گردد؟ در مورد نامزدی کدامیک از مسائل زیر اهمیت بیشتری دارد :

- ۱ - نروتمندی ، ۲ - داشتن اصالت ( معیار اصیل بودن ) ، ۳ - زیبایی
- ۴ - داشتن قدرت ، چه کسی اول بار مسأله خواستگاری را مطرح می کند ؟
- ۱ - پدر ۲ - مادر ۳ - پدر و مادر ۴ - خاله و عمه ۵ - فامیل - بزرگ خانواده ، آیا خواستگاری با تعیین وقت قبلی است ؟ - در چه محلی مطرح میشود؟
- نمونه‌هایی از سؤال و جواب آنها - چه کسی موضوع را به دختر اطلاع می دهد ؟
- آیا خواستگاری بعد از مشاهده دختر است یا قبل از آن ؟ آیا شورائی جهت این کار در منزل دختر تشکیل میشود ؟ دختر تا چه اندازه در تعیین نامزد خود مختار است ؟ مراسم دختر دیدن چگونه است .

۱ - با چه کسی به دختر دیدن می روند ؟

۲ - بعد از آنکه داماد به خانه عروس آمد ، عروس توسط چه کسی باطاق

احضار میشود ؟

۳ - با خودش چه چیز می آورد ؟ چای ، میوه ، سبزه و گردو و ...

۴ - به دستور چه کسی داخل اطاق خواهد ماند ؟

۵ - آیا عروس و داماد به تنهایی به گفتگو می نشینند ؟ صحبتشان از چه

مقوله‌ای است ؟

۶ - چه مدت زمانی باهم تنها می مانند .

هنگام خروج داماد از منزل عروس ، اگر مورد پسند او واقع گردد چکار

خواهد کرد ؟

۱ - موافقت خود را به کسی که او را همراهی می کند خواهد گفت .

۲ - بمادر دختر .

۳ - به خود دختر .

۴ - به خانواده خود .

۵ - با هدیه‌ای مانند جوراب و ادوکلن و غیره موافقت خود را اعلام میدارد .

در مورد مدت نامزدی چه اعتقاداتی دارند و چگونه می اندیشند - عاداتی

که در فاصله مراسم نشان و عروسی وجود دارد . ازدواج های فامیلی مانند عروسی دختر

عمو و پسر عمو ، دختر خاله و پسر خاله وجود دارد یا نه - نامزدی و شیرینی خوران

خرج بری - عقدکنان - حنا بندان - پا تختی داماد - حمام رفتن عروس ( با موسیقی

یا بی موسیقی ) و چه کسانی اجباراً باید همراه عروس باشند . ( ۱ )

پا تختی عروس - هدایایی که از طرف دوستان و آشنایان به عروس و داماد

هدیه میشود .

## عادات مربوط به عروسی

زمان عروسی ، روز ، شب ، روز مهبت ، مولود و ... این روز از طرف چه

۱ - در بعضی از شهرها و روستاهای آذربایجان کارگر آتش خانه حمام ، میله

تافته و سرخ شده‌ای را جلو در حمام قرار می دهد و مانع خروج عروس از حمام میشود .

خانواده عروس با پرداخت چیزی و یا پولی بعنوان انعام راه را برای خروج عروس

آزاد می سازند .

کسی تعیین میشود .

عروسی سر خرمن وجود دارد؟ چه روزهایی از ماه عروسی انجام نمی‌گیرد؟  
چه اعتقاداتی از ابتدای خواستگاری تا پایان مراسم عقد و عروسی وجود  
دارد؟ نقش مشاطه. چه اختلافاتی شب عروسی ممکن است پیش بیاید؟ چه تعابیر  
مذهبی و اجتماعی در مورد عروسی وجود دارد؟ چه تفریبهایی در روز و یا شب  
عروسی برپا می‌شود؟

### زندگی خانوادگی

گفت و شنود ها در مورد زندگی زن و مرد - عادات و آداب و رسوم که در  
مورد وظایف داخلی و خارجی زندگی زن و مرد وجود دارد - معاشرتهای خانوادگی  
موقعیت کودک در میان خانواده ، ارزش کودک از نظر دختر و یا پسر بودن - بزرگ  
کردن - آماده سازی - چگونگی و اشکال مناسبتهای موجود میان زنهای متعدد  
یک فرد - آیا زندگی عروس و داماد در منزل پدری عروس خواهد بود . رابطه  
عروس و مادر شوهر چگونه است . مناسبتهای خانوادگی چگونه است . آیا ازدواج  
در نفر در تحکیم مناسبات دو خانواده تا چه حد تأثیر دارد؟ حدود و ارزش  
فامیل های دور و نزدیک ، افراد خانواده چه تمهیدی در زندگی روزانه خود دارند  
در محیط خانوادگی تربیت و تنبیه افراد به عهده کیست ، عاداتهای دیگری که به  
خانواده مربوط است .

عرف و عاداتی که خارج از محیط خانواده نیز وجود دارد .

نحوه سلام کردن - اصول و روش احترام کردن - چه عرف و عاداتی در  
مراسم تمزیه و سوگواری افراد انجام می‌شود . در مورد هدیه چه عاداتی و آداب  
و رسوم موجود است . در مورد خود هدیه .

### غذا و عادات و مراسم مربوط بان

هر روز چند وعده غذا خورده میشود؟ بطور عمومی هر وعده چه غذائی  
خورده میشود؟ سفره نشستن - برخاستن از سر سفره ، اصول و عاداتشان .  
آفتابه لکن و مراسم آن - آرایش سفره - چگونگی شروع غذا در مهمانی  
( چه کسانی باید به خوردن غذا قبل از همه شروع کنند ) ، دعاها قبل از غذا و  
بعد آن ، اختصاصات سفره مهمان ، چگونگی خدمت به مهمان سر سفره -  
ترتیب آوردن غذاها به سفره - غذاها و تفریحی - غذاها و سرحمام - شب چره -  
و میان غذاها صبح و ظهر و شب - عادات و آداب و رسوم موجود در این موارد .  
غذاهای سفر - بارداری - سقط جنین - شب سوم - شب هفتم ، چهلم - سال و ایام  
خیراتی با ذکر جزئیات مراسم آن .

### اعتقادات و خرافات

باورها و خرافات از عوامل جغرافیائی و محیطی و روحی مخصوص هر محیط  
حاصل می‌گردد و همین عوامل نیز باعث گوناگونی آن می‌گردد گاهی باورهای حقیقی  
بقدری با خرافات ادغام و یکی شده اند که جدا کردن آنها از هم خالی از اشکال نیست . ما  
برای حصول به هدف ، خرافات را جدا مطالعه می‌نمائیم تا با این اطلاعات اولیه  
تمایز دیگر باورها با باورهای خرافی ممکن گردد .

### خرافات

خرافات جمع خرافه است و خرافه لغتی عربی و بمعنای حکایت ، قصه و یا  
عقیده ای فاسد و رأیی باطل می باشد ، و جمع آن خرافات است . تقریباً معادل

Superstition که عقاید بی اساس و تو خالی را معنی می دهد بنابراین نباید خرافات را مجموعه ای از عقاید باطل و بی اساس که بکلی خلاف منطق و واقعیات است ، دانست . و از لحاظ عمومیت و شمولی که در مبنای وسیع خرافات میباشد به اساطیر یا حکایات افسانه ای نیز که ناشی از اوهام عامیانه و جاهلانه باشند و بر مبنای منطق و واقعیتی استوار نیستند اطلاق میگردد در واقع اساطیر را ، قصص خرافی یا خرافات تاریخی میتوان نام نهاد مانند داستانهای الهه قدیم و اساطیر آنها ، که در عقاید هند قدیم و یونان باستان و ژاپن فراروان بوده است . (۱)

### ریشه خرافات

خرافات و اساطیر از نظر کلی مولود بی اطلاعی و خامی بشر است . بهر نسبت که آدمی با حقایق و واقعیات آشنا گردد ، نسبت اهم خرافات کمتر میشود . عده ای عقیده دارند تا قوه و اهمه و متخیله در آدمی وجود دارد (که طبق موازین خلقت تا بشر هست وجود دارد) خرافات و خرافه پرستی نیز وجود خواهد داشت . عده ای گویند خرافه پرستی از خواص روح آدمی است حتی با پیشرفت علوم نیز از بین نمیرود . بعبارت دیگر جای خرافات و اباطیل کهنه را خرافات و اباطیل تازه تری می گیرد ، یا دورانهای جدید ، خرافاتی جدید با خود همراه می آورند . در هر صورت میتوان اعتقاد حاصل کرد که ظهور خرافات در نتیجه عدم گسترش فرهنگ است (۲)

۱ - جاهلیت و اسلام ص ۴۸۰

۲ - جاهلیت و اسلام ص ۴۸۰

### اقسام خرافات

عوامل خاص بوجود آورنده هر عقیده خرافی در محیطهای مختلف یکسان نیست . عوامل جغرافیایی و محیطی و روحی خاص هر محیط گوناگون بودن خرافات را باعث می شود ولی مثل امراض مسری بهمه محیطها سرایت می کند ، مانند نحوست سیزده بونابیان که با کشورگشایی اسکندر به بسیاری از ممالک و جوامع بشری سرایت کرده و مزمن ماند (۱)

خرافات به دسته های تاریخی - اقتصادی - مذهبی - علمی - اجتماعی -

ادبی و ... تقسیم میشود . خرافات تاریخی بیشتر در مورد ریشه ملت ها و امثال اینهاست که از این گونه است ، بجهای که شیر را می کشد یا اعمال مجیر العقول پهلوانهای ملی - عمر طولانی و نیروی بدنی و هفت خوان رسم که در شاهنامه آمده است . خطرناکترین خرافهها و اساطیر ، خرافات اعتقاداتی است که منشأ اثرات زبان بار و شوم فراوانی در عرصه حیات مادی و معنوی میباشد مانند این خرافه که دوشنبهها نباید سفر کرد و امثال آن .

خرافه های علمی را محققان و دانشمندان به تدریج تقلیل داده و ما بقی

نیز رو به نقصان است . بطور کلی ادیان گوناگون خالی از خرافات نیستند و این امر منحصر به شرق نیست ، بلکه عمومی و همگانی است (۲)

موضوعهای بسیاری وجود دارد که خرافه های آنها بصورت ضرب السئل

در آمده و جنبه همگانی پیدا کرده است .

۱ - جاهلیت و اسلام ص ۴۸۰

۲ - جاهلیت و اسلام ص ۴۸۲

البته هر موضوع و مسأله ای نسبت به خود خرافاتی میتواند داشته باشد ولی تعدادی از اینها جنبه همگانی پیدا کرده که عموم بر آن واقف اند. بعضی از آنها جنبه منفی ندارد مانند آنکه گویند: سحر خیز باش تا کامروا باشی. که این ضرب المثل حاکی از آنست که سحر خیزی سلامتی انسان را در آن هوای سالم صبحگاهی تضمین می کند و ضمناً به کارهای خود بهتر میتواند رسیدگی کرد.

خرافات را نسبت به مسائل و موضوعات زندگی می توان جمع آوری کرد مانند خرافاتی که بهنگام ناخوشی - مرگ - تولد - هروسی و مسافرت وجود دارد در اینجا بعنوان نمونه از آنها یاد می کنیم.

در مورد کودک اعتقادات خرافی فراوان است مانند:

اعتقاداتی در مورد تعیین جنسیت کودک قبل از تولد - علت شباهت - شکل صورت کودک - نامگذاری کودک - زمان نامگذاری - اصول آن - علل نامگذاری بعضی اسامی بخصوص مانند اولمز Olmez و یاشار در آذری که معنای آن پاینده و جاوید می باشد و یا در فارسی بمانعلی - بمان عباس و امثال آن.

- خرافات درباره سلامتی و ناخوشی

علت سلامتی افراد - چه دعاهائی با سلامتی انسانها ارتباط دارد؟ از عواملی که موجب ناسلامتی می گردد چگونه می توان پیشگیری کرد؟ یعنی با دعا یا با دستگیری از فقرا. (بهمین جهت است که بعضی از مردم هنگام خروج از منزل چند ربالی به فقرا اختصاص می دهند) سحر و روابط آن با سلامتی - علت امراض - سببهای مادی و معنوی که موجب مرض می شوند - تأثیر جن و پیری - اعتقاداتی مبنی بر اثر قدرتهای فوق طبیعت - آل زدگی.

مهمترین اعتقاد خرافی آل است که تقریباً در همه نقاط ایران به يك نسق

وجود دارد. زنی است نحیف و لاغر، دراز قد، با دست و پایی استخوانی که گویند عاشق دل و قلوبه کودک است! و بدانجهت میخواهند زائو را از خطرات آن محفوظ نگه دارند. وجود آهن، شمشیر، سنجاق در اطراف زائو، همراه پیاز نشانی از این است چنانکه کثرت نته در وصف او گویند:

آل بشناختن بود مشکل      کیس اوسرخ و بینیش از گل

گر بینی بسگیر بینی او      تا ززائو جگر ندد و دل

عقیده دارند که آل از آهن می ترسد و کسانیکه با آهن سر و کار داشتند از نیروی ما فوق طبیعت برخوردار بوده، با ارواح خبیثه در ارتباط بوده اند. مردم عامی یا پرداخت پولی خود را از خطرات ارواح مسون نگه می داشتند و آهنگر با ارائه قطعه آهن نشان دار، مردم را از خطرات احتمالی ارواح محفوظ نگه میداشت و مردم آن قطعه را همراه خود و یا در خانه نگه میداشتند، در این حال ارواح خبیثه قادر به ورود منزل نبوده اند. بنابراین وجود شمشیر، سیخ، تزدائو از ورود ارواح جلوگیری می کرد و آهنگری شغلی مقدس بود و یا خط کشیدن بدور رختخواب زائو، فرو کردن سنجاق و سوزن در گهواره کودک و دوختن مهره های رنگین به لباس و کلاه کودک، گرفتن دعا برای بیمار مبتلا به غش (صرع) بهمین منظور بوده است.

یکی تعریف میکرد که روزی در صحرا بودم و ناگهان دیدم که موجودی شبیه به یکن بزه برهنه، با موهای طلائی و دراز، سبیدی بر سر پدیدار شد، دانستم که (آل) است فرمان دادم بایستد نتوانست فرار کند، موی او را بریدم و مونچوق آبی رنگی را که در دست داشت گرفتم. در سبیدی که بر سر داشت جگر زنی بود که

می برد بدربیا بیاندازد، برای اینکه او را نکشم فول داد که زن را برگرداند و جای خود فرار دهد. در هر حال معتقدند وجود و حضور کسانی که در سلسله اجناد آنان یکتفر موفقیتی داشته است که بتواند جن طسلائی معروف به آل را احضار نموده باشد مفید است البته حضور ایشان آل را مرعوب می نماید ولی چنانکه آل تردستی نموده و از وجود آنان نهراسد یا قبل از ورود آنان کار خود را کرده باشد ایشان به مداوا و معالجه می پردازند. بدین ترتیب که ابتدا هیاهو و قشقرق ای بیا نموده ضمن یکمده فرمان هائی که با صدای بلند خطاب به آل صادر می کنند، او را به ترك مكان و شیطنت خود امر می دهند و متعاقب این فرمان ها امریسه ها که در میان ترك زبانها با کلمات قج قره قج توأم است با تمام قوا زن زائو را که از حال رفته است می زنند و بر صورت بی رنگ او آنقدر سیلی می بوزانند که سرخ گمبود شود. درین بین به کسی دستور میدهند که دهان خود را پر از باروت نموده بر روی او فوت نماید و چنانکه با باروت و چیزهای دیگر در اغلب نقاط بدنش دایره ها و علامت های سیاهی پدید آورند ضمناً معتقدند که آل از سیاهی میترسد (۱)

- ۱ - عرف و عادات ده عشایر و ایلات فارس بهمن بیگی سال ۱۳۲۸ م ۸۱-۸۲ در مورد آل به منابع زیر نیز می توان مراجعه کرد.
- ۱ - تجزیه و تحلیل از آل، داویدیان، ه. (و) خ. ساعدی سخن شماره اول سال ۴۴
- ۲ - عقاید النساء و مرآت البلهاء مشهور به کلثوم ننه به کوشش محمود کنیرائی - سال ۴۹ م ۱۴ و ۱۵
- ۳ - از خشت تا خشت - محمود کنیرائی - تهران ۴۸ م ۲۷۲-۱۸۷
- ۴ - نیرنگستان هدایت م ۷-۳۵
- ۵ - فرهنگ عوام امینی م ۲۶
- ۶ - خیاریا مشکین شهر - دکتر غلامحسین ساعدی سال ۴۴ م ۱۴۲

چه اعتقاداتی در مورد مرگ دارند - سببهای مرگ - اعتقاداتی در مورد جادوگری - اعتقاداتی در مورد چاره جوئی از مرگ - چه نشان هائی بمزارهای زن و مرد گذاشته می شود؟ و دعا هائی که بر مزار مرده میخوانند - عزاداری و مراسم آن - تا روز چهل چه اعتقاداتی وجود دارد - اعتقاداتی در مورد یا گرفتن بچه - ختنه کودک در تربیت کودکان، به مکتب و مدرسه رفتن - بلوغ و کمال.

در مورد بعضی از مسائل متوسل به سوال می شویم که البته همگی علتی دارند مانند فعالیت در روزهای جمعه و سه شنبه (در بعضی محل ها در روزهای معینی از ایام هفته کار کردن محس است) صدای حیوانات و تفسیرهای مختلف آن.

باز درباره سقط جنین - زائو - مرده شوئی و دفن و کفن - علت انتخاب رنگ سفید کفن - شکل قبر - سوگواریها - فقر و ثروت - مهمانی - همسایگی - ناموس دروغ گوئی - دزدی - خون بها.

درین موارد باید کلیه آنچه را که مثلا در مورد زائو ممکن است مطرح شود، بررسی کامل نموده و مختصات منطقه ای هر ناحیه را مورد توجه قرار داد.

آبستن بودن زن و آنچه در آن مورد گفته میشود - نوزاد - ناف بری - ناف را باید کجا دفن کرد و علت آن - چله بری - شیر دادن بکودک - شب ششم - روز دهم - مرگ و میر - بد قدم بودن و خوش قدم بودن - جن زدگی و جن گیری بخت گشائی - سوراخ کردن گوش - عروسی - نام گذاری کودک - عوض کردن نام کودک (۱) استخاره - ماه دیدن - باید به چه چیز و بچه علت نگاه کرد.

۱ - مانند آنکه مسلمانان در موقع نامگذاری اسامی ائمه را در گوش پسران و دختران می گویند و بعد نام دیگری را بر آنها می نهند.

ماه گرفتگی (۱) سفره انداختن - سفر کردن - شور چشمی - خواب دیدن و چگونگی خواب گزاری - سیزده بدر - سیزده ماه صفر - اسیند دود کردن - خوشبختی و بدبختی - نذرو نیاز - فالگیری (۲) بر آوردن آرزوها - سفر انداختن بیماری ها .

۱ - در خارك شهبائي كه ماه مي گيرد و خسوف رخ ميدهد در ميدان دهكده يادم در بعضي از خانهها دهل ميزنند تا و سپاه زنگي ، ماه را رها كند . در اعتقاد آنان ماه نخست زن زيبائي بوده است وزن پدرش چوب تنور در چشمش كزرد ، و او را كور نموده است . لكه و پيس صورت ماه مربوط به كوري او است .

( نقل از خارك خسرو خسروي ص ۹۱ )  
۲ - تفال در همه جاي ايران رايج بوده است و هم اكنون نيز در بيشتر روستا و درميان ايالات بقوت خود باقي است افراد ايالات به تفال عقیده کامل داشته و علاوه بر تفال با كتابهاي مختلفه ، به فال نخود علاقه وافري ابراز مي نمايند و در اغلب خانه ها و چادر ها ، دانه هاي درشت نخود دوي غربال در كنار زمينهايي كه قليا مي كشند جلوه مي كند . بخصوص افراد برخي از طوايف ، تخصص و ايمان كامل درين مورد داشته و غير ممكن است كه قبل از هراقدام و تسميمي بدان استشاره ننمايند

اينها ۴۰ نخود انتخاب و حداثاً آنها را به سه قسمت تقسيم مينمايند باقيمانده تقسيم هريك از اين سه قسمت را به چهار، درسه خانه و دريك خط افقي روي غربال يا چيز ديگر مي گذارند . بقيه نخودها را بار ديگر مخلوط و حداثاً به سه قسمت منقسم و باز باقيمانده تقسيم اين سه قسمت را به چهار ، زير همان خط افقي درسه خانه قرار مي دهند ، بقيه نخودها را بار ديگر مخلوط و همين عمل را براي مرتبه سوم تكرر مي كنند و بالنتيجه سه خانه افقي و عمودي تشكيل مي يابد كه تعداد نخود هاي آنها مختلف است . از روي تناسب و اختلاف تعداد نخودهاي اين خانه ها نسبت بيكديگر ، آينده مبهم ، پرده از رخ خود برداشته و آشكار جلوه مي كند و پيشگويي و قايع آسان ميشود مثلاً اگر مجموع نخودهاي ستون افقي اول پنج شود ، فال را خوب و نيت را بر آورده ميدانند بويژه خانه وسطی يك نخود و خانه هاي طرفين هريك دو نخود داشته باشد . ستون عمودي سمت راست را صاحب نيت فرس نموده و ستون وسطی را خانه او و ستون عمودي دست چپ را دشمن او مي دانند . فال نخود را منتسب به حضرت فاطمه پنداشته و به آن يك نوع جنبه مذهبي بخشیده اند .

نقل از عرف و عادات در عشاير فارس ص ۸۰ - ۷۹

خرافات نجومی خرافاتی هستند که از آنها نجومست را از طلوع و غروب ستاره ها يا از روز و شب و با از ساعات بدو خوب در مي يابند چنانچه در بعضي از روستاها و شهرها مردم به وجود يك ستاره شوم معتقدند ، كه اين ستاره هر شب در نقطه اي از آسمان گردش مي كند و مسافرين را چنانچه بسوي او حرکت نمايند سرگردان و تيره بخت مي سازد . (۱)

خرافات در مورد حيوانات : رنگ ، مكان و غذا هاي آنها - و خواص آنها چيزهائي كه خوش شگون و بدشگون هستند . امامزاده ها - دخيل بستن - دعاها و مراسم زيارت امامزاده ها - نفرينها ، پيشگوئي ها - قحطی - دلاورپها - قرآني شقاوتها - نگر بستن در آب - شيشه - استخوان مرده - شاه - آينه - پسر بودن و يا دختر بودن - باران - رعد و برق - سنگهاي آسماني و اشكال آنها - صدای حيوانات مانند قارقار كلاغ - جغد - زوزه گرگ - شيه مكرر اسب - گربه سپاه خواندن مرغ (۲) چستن جرقه از سم حيوانات - بادی كه از مشرق به مغرب بوزد در مورد اعضای بدن ، مانند دندان (۳)

عقايد خرافتي در بيشتر نقاط ايران وجود دارد . در آذربايجان اگر زني

- ۱ - براي اطلاع بيشتر به عرف و عادات در ايالات و عشاير فارس بهمن بيگي سال ۲۴ تهران ص ۷۸ مراجعه فرمائيد .
- ۲ - در آذربايجان اگر مرغ کسی مانند خروس بخواند ، آنرا بايد به سيد دهد .
- ۳ - در بعضي از روستا ها و شهر ها گویند وقتی دندان کشیدی آنرا به پشت بام بينداز تا نصيب كلاغها گردد . در بعضي از اقوام و قبایل براي دندان اصولا يك اثر جادويي و مرموزي قائل هستند .

چادرش را وارونه به سر کنند شوهرش او را طلاق خواهد داد - شعاع آفتاب را که به آئینه می خورد و منعکس میشود نباید به خانه کسی انداخت زیرا آن خانه ویران میشود . (۱) در بعضی جاها مخصوصاً در آذربایجان مرد نباید از میان دوزن در کوچه‌ها عبور کند . یا در بعضی از روستاها ، بالای منازل خود گل ( باکسرگاف ) و چند بوته خار می چینند و اعتقاد دارند تا وقتی این گل در آنجا وجود دارد ، نوزاد پسری که در آن خانه متولد می شود از بین نخواهد رفت .

در منطقه ارسباران برای اسپند ارزش زیادی قائل اند حتی در بعضی از منازل اسپند را در نوبه ای می آویزند تا چشم وارد شونده بآن برخورد کند و نگاه بد و چشم زخم را از آن خانه دور نماید (۲) .

در خارك عقیده دارند که هیچ نوع سفیدی مانند تخم مرغ ، شکر ، پارچه سفید و ماست را اول غروب نباید از خانه بیرون برد که شوم است (۳) .  
در خراسان نیز نوزاد را گاهی تا سه روز و گاهی فقط تا ( سه اذان ) شیر

۱ - م . ع . مهیار . عقاید و خرافات در توفارقان آذربایجان . مجله فردوسی

شماره ۱۰۵۸

۲ - جهت آگاهی به خرافات به دوره های مختلف کتاب هفته و فردوسی سال

۴۷ - ۴۸ مراجعه فرمائید . در مورد خرافات و باورها به منابع زیر مراجعه فرمائید

الف - خرافات در باره غذاها ، بهرام تدین تلاش شماره ۱۶ ص ۵۷

ب - در مورد باورهای عامیانه مردم سنگسر ، چراغعلی افغانی ، هنر و مردم

شماره ۹۲ و ۹۳

ج - فرهنگ ایران باستان ، ۲۰۶ ، سال ۴۷

د - سخن . احمدی الف ۷ ، ۸ ، سال ۱۳۳۵

۳ - جزیره خارك - خسرو خسروی ۴۲ تهران ص ۹۵

نمی دهند . زیرا معتقدند که قبل از هر چیزی باید اندرون طفل را از خون و کثافات قیل ( qil یعنی مدفوع نوزاد در روز های اول تولد ) خالی کرد ) برای این منظور مقداری کره و بارهنگ و نبات را با هم مخلوط میکنند و در هاونی میکوبند و اندک اندک با انگشت سیاه از آن برداشته به دهان نوزاد میگذارند تا بخورد و مزاجش ( کار کند ) و آنچه خون و کثافت در شکم یا در روده او جمع شده است بیرون آید .

گاهی پس از مخلوط کردن بارهنگ و نبات و کره و کوبیدن آنها در هاون بقدر یک فندق از آنرا در تنزیب کوچکی میریزند و سر تنزیب را از چهار طرف جمع کرده با پنجه میزنند و آنرا به صورت یک گلوله غذایی کوچک در می آورند و در دهان نوزاد میگذارند تا بمکد و عصاره بارهنگ مزاج او را از هر گونه خون و کثافت پاک گرداند (۱) .

اگر در آنچه به عنوان نمونه آمد ، دقت شود ملاحظه خواهد شد که این اعتقادات مردم در مورد مسائل بسیار وسیع و گسترده است که حتی با يك الكو نمی شود آنها را جمع آوری کرد . این اعتقادات ریشه ای دارند که از گذشته آنها جان گرفته اند . در جامعه شناسی بررسی ریشه این اعتقادات خالی از فایده نیست .

### برداشتی از اعتقادات و خرافات

پندارهای نادرستی که پهنه زندگی انسانهای گذشته را دربر گرفته است ، میتواند نمودی از زندگی مردم آن سامان را در آن دوره بخصوص نشان دهد . برداشت های جامعه شناسی از خرافات تجزیه و تحلیل همین پندار هاست . موضوع

۱ - عقاید و رسوم عامه مردم خراسان - ابراهیم شکور زاده ۳۶ ص ۱۲۶ . اضافه مینماید که این عقاید وقتی برای پاک کردن درون کودک از آلودگیهای ذاتی باشد جزو خرافات قرار میگیرد .

خرافی نشان دهنده اندیشه یا فلسفه ای بوده است و خود این فلسفه ها نیز زائیده جهان بینی آنهاست انسان های گذشته بعلمت عدم توانایی در تجزیه و تحلیل مطالب علمی یا تاریخی و اجتماعی موجد فرهنگی شده اند که بیشتر خصوصیات آن با همه آنکه همگانی است ولی جنبه منطقه ای و زمانی دارند . بیشتر داستان ها زائیده همین برداشت های اشتباه گذشته است . و بهمان ترتیبی که بنیان گرفته اند ، بهمان صورت هم از هم می پاشند . از این داستانها و عقاید خرافی بریشه های نژادی - سنتی - زبانی و اجتماعی ملتها می برد .

برای مطالعه اینگونه داستانها باید انگیزه داستانها را پیدا نمود . مانند آنچه هنگامی قهرمانی با شمشیری چندین نفر را دو نیم نموده و یا در بچگی شیری را میکشد ، نشان دهنده چه مسائلی میتواند باشد ؟

بشر وقتی از ظلم و ستم قوی تر از خود رنج میبرد ، بی شك نمی تواند تظلم نماید زیرا گوسش شنوا نبود . اضطرار این رنجها را تحمل مینمود و ولی برای تسکین خاطر خود دنبال راهی بود که بتواند این عقده های درونی را بکشد بدین ترتیب از یک مسئله عینی با شاخ و برگ که بآن میداد خصوصیات قهرمان را را تقویت و یا تضعیف می نمود و اعمال قهرمانی را به پرسوناژهای طبقه یا این نسبت میداد . و در نتیجه به جوش و خروش درونی خود آرامش می بخشید و باین طریق انتقام خود را از ستمگرها می گرفت . باین توضیح و با توجه باین موضوع داستانها و ضرب المثلهای خرافی در گذشته میتواند نمودی از افکار و اندیشه های ملتی را در دوره بخصوص نشان دهد .

### آداب و رسوم غذا ها و انواع آشپزی نذری .

غذا های هر منطقه ای با خصوصیات طبیعی یا اقلیمی و امکانات فردی ارتباط دارد . و آداب و رسوم حوزه ها باهم متفاوت اند . بنا بر این بررسی این آداب و رسوم بسیار متفاوت و متنوع است و باید جداگانه و محلی ثبت گردد . در ایران بعلمت شباهت بیشتر اعتقادات و امکانات در بعضی از غذا ها آداب و رسوم باهم شباهت دارند حتی بیشتر ظرفی که جهت پخت و پز بکار میرفته تا حدودی باهم هم آهنگی دارند ، بهمین سبب محققین خارجی بیشتر آداب و رسوم ایرانی ها را کلی در نظر گرفته اند ادوارد براون مستشرق انگلیسی گوید : ایرانیها تا وقتی غذا ها روی سفره قرار نگیرد شروع بصرف غذا نمیکند و اساس فن سفره چیدن اینست که هر يك از مهمانان بهر نوع غذائیکه در سفره هست دسترسی داشته باشند ، چون رسم گردش دادن غذا اطراف سفره ، مثل اطراف میز از طرف خدمتگزاران متداول نیست و هر کس خود باید غذائیکه مایل است انتخاب کند . اشرافه ای که در سفره صرف میشود عبارت است از انواع شربتها و دوغها که همراه در کاسه های بزرگ می ریزند و در هر کاسه يك یا چند قاشق شربت خوری میگذارند و قاشق های مزبور از چوب معطری ساخته میشود و ظرفیت قاشق با اندازه يك فنجان بزرگ است . همین که مهمانها سیر شدند آفتابه و لگن می آورند و مهمانها می که با دست غذا میخورند دست خود را میشویند و آب در دهان می ریزند و دندانها را تمیز میکنند و آب مزبور را در لگن خالی میمالند ضمناً صرف قلیان نیز بعد از شام حتمی است (۱)

۱ - یکسال در میان ایرانیان - ادوارد براون . ترجمه ذبیح اله منصورى جلد اول چاپ دوم تهران ۴۳ ص ۱۶۹ و ۱۶۸



دکتر فوریه طبیب ناصر الدین شاه نیز در کتاب سه سال در دربار ایران به آداب و رسوم غذائی ایرانیان اشاره نموده و حتی غذا خوردن شاه را با دست و بدون چنگال و روی زمین روشن مینماید. (۱) بیشتر غذاها در ایران قابل بررسی است زیرا آداب و رسوم بخصوصی دارند مانند آشها و غذا های نذری روستا ها و شهرها. انواع که جهت نذر و نیاز آماده میشود بعلمت سادگی و کم خرج و عمومی بودن است و تقریباً در بیشتر نقاط ایران دیده میشود. علت نذر - زمان و مکان - جنبه اشتراکی بودن آن - مواد متشکله - چگونگی پختن - دعاهایی که خوانده میشود. روضه ها - مراسم و آداب غذا - چگونگی تهیه مواد اولیه و ظروف آن - بنام چه کسی از ائمه آتش تهیه میشود، از مسائلی است که دقت فراوان میخواهد. از انواع آتش های نذری آتش اماج کماج (۲) - آتش سرکوجه یا بلغور (۳) آتش ابودردا (۴) و همچنین دیگرچه حضرت زهرا (۵) حلوی دوازده امام (۶) مشهور ترند. ابودردا از صحابه حضرت رسول (ص) بود که آشی بنام او تهیه میشود. این آتش روز چهارشنبه آخر ماه صفر پخته می شود. در آذربایجان، اجزای آتش را، از مردمی که پاك و منزله باشند جمع کرده و آنرا بعد از یختن

۱ - سه سال در دربار ایران - فوریه ترجمه عباس اقبال تهران ص ۶۶

۲ - کماج (به ضم ک) به معنی نان و اماج (به ضم الف) نوعی آتش است

۳ - آشی است که مواد اولیه آن به کمک مردم در سرکوجه جمع آوری شده آماده و تقسیم میگردد.

۴ - گدائی برای آتش ابودردا - قدوت الله ثابت فردوسی ۸۷۳

۵ - برای آگاهی بیشتر به عقاید و رسوم مردم خراسان ص ۲۸ رجوع فرمائید

۶ - جهت تسکین زنان سخت زنا و یا آنها که زیاد سقط می کنند پخته میشود

ما بین مردم تقسیم میکنند. در خراسان هنگام طلوع آفتاب صاحب نذر، چادر بسر کرده، کسه ای بدست میگیرد و به هفت خانه که یکی از اعضاء آن فاطمه نام داشته باشد، میرود و ضمن بیان احوال خود و بیماری که دارد هفت رنگ آجیل (منظور از آجیل در خراسان نخود - عدس - ماش - لوبیا سفید - لوبیای چینی - باقلا - فلک) به ضم میم نوعی دانه بزرگتر از ماش میباشد از خانه ها گردائی میکند، از عطارد یا سبزی فروش رو به قبله مقداری سبزی، آرد خریده، آتش را آماده می کند تا بیزد. هفت بچه نابالغ نیز از خمیرها زواله رشته درست میکنند. صاحب خانه نیز دو عروسک مرد و زن از خمیر درست می کند. نام عروسکی که مرد است ابودردا و دیگری را زن ابودردا میگذارند و بعد عروسکها را با آرامی دردیگ می اندازند و در کت نماز حاجت دریای دیگ میخوانند و زنان دیگر هم که حاجتی دارند آتش را بهم میزنند. بعد که آتش پخت عروسکها را با فاشقی در کاسه سفالی قرار داده و به آب روان سر می دهند و میگویند: درد و بلای خندراه سر دادم به آب روان (درد و بلای خانه را سر دادم به آب روان) از این آتش قبل از تقسیم به مریض می خوراندند اگر مریض خوب شد تا آخر عمر باید همه ساله تجدید کند. (۱)

### سفره ها و انواع آن

بجز آشهای نذری، سفره هاهم اهمیت دارند. بدین ترتیب که شخصی با نیاز و نذر قبلی جهت بر آورده شدن آرزوهایش سفره ای را بنام ائمه برپا میسازد. در این سفره ها که عموماً دعوت می شوند، انواع و اقسام غذا ها پخته می شود از انواع آنها میتوان از سفره های حضرت ابوالفضل (ع) (۲)

۱ - نقل از عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ص ۱۲ و ۱۴

۲ - سفره حضرت ابوالفضل بیشتر جهت معالجه و شفا، سلامتی مسافر و رفع ←

سفره حضرت رقیه (۱) سفره بی بی سه شنبه (۲) و یا از سفره حضرت خضر - حضرت زین العابدین نام برد که پختن این آش نوعی سرگرمی نیز برای مردم بوده است (۳)

سمنو

بجز سفره ها باید از سمنو نیز یاد کرد - یکی از مراسم بسیار جالب ایام نوروز سمنو پزی است ، به علت نذر و نیاز و به جهت بر آمدن حاجان شان پخته میشود . و یکی از هفت سین سفره عید نوروز و غذای ملی و باستانی است . برای سمنو پزی ، از گندم استفاده میکنند . بعد از آنکه آبر را در آب خیس کردند

← نگرانی و گرفتاری بر پا می شود . و در آخر برای بر آمدن مطلب خود گویند :

عباس علی بردار ای شاه علم بردار

این غم که بدل دارم از روی دلم بردار

به مثاله ابوالقاسم قتیبری - هنر و مردم شماره ۱۰۶ ص ۵۴ مراجعه فرمائید

۱ - برای هر گونه حاجات بر پا میگردد .

۲ - بی بی سه شنبه زن مقدسی بود که چون این زن روز سه شنبه بدنیا آمده روز سه شنبه ازدواج کرده و روز سه شنبه هم فوت نموده بود بدان جهت نام او را بی بی سه شنبه نام نهاده اند .

۳ - صدای پا حمید شعاعی - تهران ۵۲ - ص ۳۴

ضمناً برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمائید .

۱ - بعضی از رسوم باستانی نصرت تجربه کار - مردم شناسی - سال اول شماره

۵ و ۴ سال ۳۵

۲ - سخن سال ۴۴ اسفند ماه

۳ - سخن سال ۴۵ ماه فروردین

۴ - سخن سال ۴۵ ماه اردیبهشت

۵ - سخن سال ۴۵ ماه خرداد

۶ - فردوسی : مراسم سفره بی بی سه شنبه - حکمت گلچهره شماره ۸۷۶

بهمان حال آزاد می گذارند تا نیش بزند و آن گاه گندم نیش زده را در هاون میکوبند و از صافی گذرانده شیرش را می گیرند و بعد با آرد مخلوط نموده و آنقدر روی آتش نکه می دارند که جوش بیاید . عبدالله مستوفی نیز درباره سمنو و سمنوپزان شرحی نوشته است (۱) . استاد یورداد نیز به این موضوع از قول جاحظ فیلسوف عرب که در کتاب (المحاسن والاضداد) آمده ، اشاره می کند . (۲)

سمنو پزی مراسم بخصوصی دارد و در بسیاری از شهرها بسیار جالب جلوه می نماید و از طرفی چون خاصیت غذایی دارد از آن بیشتر استقبال میشود . در کلثوم فته چنین آمده است . بدان که در وجه تسمیه سمنو اختلاف است ، بی بی شاه زینب و خاله جان آقا را اعتقاد بر آن است که وقتی سمنو را وضع کرده اند سی من آرد و یک من گندم بوده است و آن دو نفر قائلند سه منو است که از کثرت استعمال سمنو شده است .

جمعیت علمای اعتقاد بر آنست که از اعظام تذورات ، چهار چیز است : اول سمنو و در هر وقت هم میشود پخت ، دوم شله زرد است که در ماه محرم باید پخته شود و این قول ضعیف است و به اجماع علما هر وقت که خواهد تواند پخت سیم حلوائی سوهان که از سمنو پخته میشود و کلثوم فته گفته که به بعضی میافند خوبست و به بعضی نمیافند بد است ، چهارم آتش شله قلمکار و آن نیز مشهور است و احتیاج به ذکر ندارد . (۳)

تشریفات و مراسم سمنو پختن در يك شعر عامیانه چنین بیان شده است :

۱ - عقاید النساء و مرآت البلهای بکوش محمود کتیرائی ۳۹ ص ۵۷ .

۲ - برای اطلاع بیشتر به یشتها ، جلد اول ص ۷۷ مراجعه فرمائید .

۳ - باب دهم عقاید النساء ص ۲۴ .

اولا ديك بزرگی باید  
جمع باید بکئی مردم را  
ذره ای خاک تریزد در دیک  
کچل دزخمی از آن دور شود  
جمع گردد نذرسوان و بنات  
بنشینند همه سبجه بکف  
هی بخوانند چو شیخ و طلبه  
تا که دیک سمنو جوش کند

گندم سبز و سترگی باید  
آب باید بکشی گندم را  
چشم ناپاک لیتند بر دیک  
ورنه شیرین نشود شور شود  
دور دیک سمنو با صلوات  
بیش دیک سمنو صاف در صف  
کنه کات و کنه کوت و کتبه (۱)  
عم قزی خاله قزی نوش کند (۲)

در این مورد باید تهیه مواد اولیه، طرز پختن و نماز حاجت بر سر دیک و عقایدی که در این زمینه موجود است و ترانه های عامیانه ای که بر آن آمده است گفته شود.

- ۱ - که مقصود کتبا و کتب و کتب است
- ۲ - عقاید و رسوم عامه مردم خراسان به نقل از سید اشرف الدین حسینی مدبر نسیم شمال ص ۴۸ .
- منابع زیر در مورد سمنو اطلاعاتی دارند .
- ۱ - نامه فرهنگ تنقی بینش سال اول شماره ۱۴
- ب - منوچهر کلانتری سمنوپزان در تهران ، هنر و مردم سال ۴۲ شماره ۱۸
- ج - عقاید النساء بکوشش کتیرائی ص ۵۵
- د - فرهنگ لغات عامیانه جمالزاده ص ۱۰۰
- ه - ترانه های محلی - ابوالقاسم ققیری . واژه های مصطلح در شیراز ص ۱۴۶
- و - عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ، ایرامیم شکوئزاده ص ۴۶
- ز - طالب آباد جواد سنی نژاد ص ۴۰۴

نخود مشکل گشا

نخود مشکل گشا که در بعضی از جاها اختصاراً مشکل گشا و یا آجیل گفته میشود باز از این مقوله است که در بسیاری از شهرهای ایران معمول است و عدمای عقیده دارند که این نذر به قبل از اسلام مربوط است (۱) و کسانی که مشکلات مالی و گرفتاری های خانوادگی و مرضی دارند همراه مقداری آجیل که از پسته بادام ، نخود ، فندق ، کشمش و خرما و توت خشک و انجیر و تخمه تشکیل شده است می خردند و آنرا به چندین قسمت تقسیم میکنند و هر یکی را در کاغذی پیچیده و به بزرگترها میدهند . هنگام تقسیم بندی باید داستان پیر مرد خارکن گفته شود ( ۲ ) . در مورد آجیل مشکل گشا باید موارد نذر ، طرز تهیه ، قصه مشکل گشا ، دعا های پایان قصه و مراد خواهی آورده شود . بعضی از مشاغل نیز که باغذا ها ارتباط دارد ، آداب و رسوم بخصوص دارند . مانند سنگک یزی (۳)

- ۱ - شرح زندگانی من جلد اول ص ۷
- ۲ - داستان پیر مرد خارکن در عقاید و رسوم عامه مردم خراسان آمده است . این داستان در شهرها و روستاهای مختلف ایران شبیه هم است . به ص ۵۲ کتاب مزبور مراجعه فرمائید .
- ۳ - برای اطلاع بیشتر به سخن اردبیه ص ۱۳۴۵ مراجعه فرمائید .
- به آگاهی بیشتر در مورد نان سنگک منابع زیر مراجعه فرمائید :
- ۱ - تاقنون یزی در تهران علی بلوک باشی هنر و مردم سال ۴۸ شماره ۸۱
- ب - واژه سنگک علی بلوک باشی هنر و مردم سال ۴۷ شماره ۷۵
- ج - طرز پختن نان تبری بختیاری ها - بهرام سلیمانی فردوسی شماره ۸۷۴
- د - طرز پختن نان لوش - تهمنه اجلالی فردوسی ۸۸۷ .
- ه - شاعری در ایران - یحیی ذکاء ، مردم شناسی شماره ۴ سال ۳۷ . ←

عمل سازی (۱) پنبه سازی یا گلاب گیری، خورجین بافی، گلیم بافی، سبد بافی، سرکه اندازی، ترشی و مربا سازی، صنایع سفالی و امثال اینها.

## فصل سوم

### جشنها و آداب و رسوم آنها

جشنهای موجود ایرانی ما به چند دسته تقسیم میشود:

جشنهای ملی الف: چهارشنبه سوری - نوروز - سیزده بدر - سده -

مهرگان - شب یلدا - چهارشنبه آخر ماه صفر

ب: جشنهای مربوط به ختنه سوران - تولد - عروسی

مراسم زایمان .

جشنهای مذهبی قربان - غدیر - فطر - یازده شعبان - میلاد علی  $\frac{12}{15}$

میلاد امام حسن (ع) - میلاد امام حسین (ع) - روز مبعث .

کشته شدن ابن ملجم . قالی شوران .

جشنهای مربوط آخرین روز درو - کوبیدن خرمن - تیر بندی -

به پیشه ها جشن انگور (در رضائیه)

جشنهای ملی آنهاست که بیشتر ریشه باستانی دارند و سالیانی بس

دراز در کلیه نقاط مختلف کشور با آداب و رسوم خاصی برگزار میشوند . مراسم

— هاردن در سیاحتنامه خود از نوعی سنگک نام برده است . کسروی نیز سنگک را در کافنامه خود نانی دانسته که بروی سنگ ریزه می یزند . آند راج نیز از انواع نانها ، نان آبی ، پنجه کشی ، شیرمال ، تفتان ، خطانی را نام برده است . ایرج میرزا گوید :

نان ازین خوبتر و تردتر و نازکتر نان سنگک که اگر پشک و حلوان شود از کارگران سنگک پزی باید شاطر، خمیر گیر، موتورچی ، نانگیر پیشکار ، نان درآر را نام برد .

( تلاش شماره ۴۵ )

۲ - برای اطلاع بیشتر به عمل گهری در تجر - هنر و مردم ، مقاله بیژن کلکی

سال ۴۳ شماره ۲۸ مراجعه فرمائید .

هر يك از این جشنها در مناطق مختلف متفاوت است ولی چهارچوب آنرا موضوعاتی تشکیل میدهد که نشان دهنده همسان بودن خمیره آنهاست. در شهرها و روستاها بعضی از اینها تغییر شکل داده و بدین ترتیب موضوعی بآن اضافه یا کم شده است.

#### چهارشنبه سوری و مراسم آن

چهارشنبه آخر هر سال، نزد ایرانیان به اهمیت یاد شده و یکی از شبهای بسیار زیبا و پر نشاطی است که مردم بسر می کنند و برای اینکه بدیها و پلیدیها را از خود دور سازند، آتشی درست کرده و از روی آن دسته جمعی و یا تک تک می پرند و می خوانند:

زردی من از تو، سرخی تو از من

دروجه تسمیه آن به چهارشنبه سوری باید گفت که شاید چهارشنبه شادی بوده چون سور بمعنی شادی هم آمده است ولی چهارشنبه سرخی رساتراست زیرا با آتش افروزی همراه است. البته گمان می رود که تا دوره صفویه از چهارشنبه سوری صحبتی نشده است (۱)

از تاریخ بخارا چنین استفاد می شود که در زمان ساسانیان این جشن برپا میشده است و یکبار بموجب همان کتاب از آتشی عظیم که در این جشن افروخته بودند «پاره ای از آتش» بجست و سرای پادشاه سوخت. (۲)

بمقیده استاد پور:

«آتش افروزی ایرانیان در نوروز از آئین دیرین است و همه جشن های باستانی با آتش که فروغ ایزدی است پیشباز می شود.»

۱ - آئین چهارشنبه سوری در ایران هوشنگ پور کریم. هنر و مردم شماره ۷۸-۷۷

۲ - دائرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب جلد اول ص ۸۱۱

شك نیست که افتادن این آتش افروزی به شب آخرین چهارشنبه سال پس از اسلام است چون ایرانیان شنبه و آدینه را نداشتند و هر يك از دوازده ماه نزد آنان بی کم و بیش سی روز بود و هر روز به نام یکی از ایزدان خوانده میشد (۱) مراسم آتش افروزی درهند نیز انجام میگردد و نزد اعراب این روز به نحسی و شومی شهرت دارد.

در این شب مردم فعال می زنند، در اغلب دهات رسم است که پس از انجام آتش افروزی خاکستر آتش را دوشیزگان از خانه بیرون برده در کنار دیوار میریزند سپس آن دوشیزه به کنار درخانه آمده درمی زند، درین هنگام از درون خانه سؤال میشود، کیه درمی زند؟ آن دوشیزه جواب می دهد: منم از او می پرسند از کجا آمده ای؟ پاسخ میگوید از عروسی، دو باره از او سؤال میشود که باخود چه آوردی؟ آن دوشیزه میگوید که تندرستی (۲)

درین شب مردم ضمن اینکه کوچه و بازار را آذین بندی میکنند برای شب آجیل بخصوصی تهیه میکنند، شب هنگام بعد از خوردن کمی تیزبه چهار گوشه اطاق پخش میکنند که نشانه فراوانی است و بچه ها صبح ضمن جمع کردن آنها نشاطی دیگر می یابند. از مراسم دیگر چهارشنبه سوری فال گوش ایستادن (۳)

۱ - عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ص ۶۴.

۲ - جشنهای باستانی ایران - علی خوردش دیلمانی تهران ۴۲ ص ۱۰

۳ - در ادبایران دختران و زنان بعد از نیت به درخانه یکی از اهالی میروند و به آرامی کلید چوبی کلون (ماده) را بر میدارند و آنکاه در را می زنند و صاحب خانه دم درمی آید و بدنیال کلید میگردد و میگوید کیه؟ صاحب نیت از صدای صاحبخانه نتیجه فال خود را می فهمد یعنی اگر صاحبخانه زن بوده است صاحب نیت دختر بدنیامی آورد و الا پسر و یا اگر مرد و یا پسر بوده که نیت دختران هم بر آورده شده است که شوهر خواهد کرد و یا مریضش شفا خواهد یافت.

(راوی: عباسعلی حکیمی. ۷۰ ساله - اهر)

و فال گرفتن زنان در منازل است و قفل بخت گشائی کوزه شکنی - کلید گذاران  
بخت گشائی - توپ مروارید (۱) اسپند دود کردن ، شکستن طلسم و باطل کردن  
سحر و جادو - قرآن خواندن - کشتی گرفتن - بازیهای کودکان و اسباب بازیها -  
عروسی دامادها در چهار شنبه سوری و خوانچه - تزیین معازنه ها - حنا بندان  
و رسمه کشان پیر زنان - داروها - غذاها - ترانهها - افسانهها چهارشنبه خانون -  
آجیلها و شیرینیها (۲) - فاشق زنی یا کاسه زنی - فال کوزه - خانه تکانی -  
هدیه دادن - دفع نظر و چشم زخم - آتش دفع بیماری - رسم کوزه شکنی - تهیه  
آتش بیمار و . . .

با توجه به مراسم فوق ، بسیاری از آنها در نقاط مختلف با تغییرات اندک  
وجود دارد و هر يك از این مراسم جزئیات فراوان دارد که ارتباطی با باورهای  
آن ناحیه دارد .

در آذربایجان صبح روز چهارشنبه ظرفهای آب را برداشته و به کنار رودخانه  
و یا نهر آب می روند و چندین بار از روی آب نیز می پرند و ترانه ای میخوانند  
آئل بوتول چار شنبه بختیم آچل چار شنبه (۳)

۱ - توپ مروارید اشاره به توپ سابق میدان ارك تهران است که تهرانها معتقد بودند  
که دختران برای بخت گشائی و سفید بختی به آن متوسل میشوند و بان ده خیل می بسند.  
در تبریز هم گویا توپ مروارید بوده است ( برای اطلاع بیشتر به نیرنگستان هدایت  
مراجعه شود )

۲ - چهار شنبه سوری در ایران - جمشید مهر پویا - تلاش شماره ۲۷

۳ - در بعضی جاها بوتول را ماتل هم تلفظ میکنند مانند نان مان ، دست مست  
بخودش میگویی پیر وای چهار شنبه بخت مرا بگشا .

بخت من بخت سفید بختیم بارک الله  
آغ المره فرمزی حنایا خدییم بارک الله (۱)  
اصول اهالی آذربایجان از مدتها پیش خود را برای برگزاری جشن چهارشنبه  
سوری آماده می کنند برای آذربایجانیهها هر يك از چهارشنبههای ماه اسفند ، اسم  
خاصی دارد . چهارشنبه اول اسفند ماه را ، ( قره چهارشنبه ) یعنی چهارشنبه سیاه  
گویند تا آنروز خانهها گرد گرفته و غبار آلود است و پس از آنست که سفید کردن  
در و دیوار خانهها آغاز می شود . چهارشنبه دوم را ( خیرچی چهارشنبه ) می نامند  
و این چهارشنبه جار میزند که چهارشنبه سوری نزدیک است . در چهارشنبه سوم که  
کوله چهارشنبه نامیده میشود ( یعنی چهارشنبه کوتاه ) مردان و زنان مقداری از  
نوك موهایشان و ناخنهایشان را می چینند و بدور می ریزند و به اعتقاد خودشان  
باین ترتیب درد و بلا از جانشان دور می شود و روز چهارشنبه آخر اسفند که در  
تمام ایران چهارشنبه سوری نامیده میشود و آذربایجانیهها لباس نو بر تن میکنند و  
خانه دارها از کاغذهای رنگی ، گلپای کاغذی می سازند و برای فروش به بازار  
می برند . مردم آذربایجان معتقدند که درین روز ، خریدن کوزه آب ، نمک ، آینه  
و جارو شانس می آورد و در کوزه چهارشنبه سوری آب می خورند تا سال نو سلامت  
باشند . (۲)

در همین روز باز جوانها و خصوصاً دخترها ، از کاغذ کشتی درست کرده و با  
نیمه پوسته گردو را در آب روان چشمه رها می سازند و ابتدا تقال می زنند که اگر  
این کشتی یا پوسته گردو تا فلان جا برسد و از گون نشود مراد من بسر آورده  
خواهد شد .

۱ - آفرین بر بخت سفیدم - به دست های سفید ، حنای فرمز دم بارکاله

حیدر بابایه سلام - استاد شهریار سن ۶۰

۲ - کیهان شماره ۹۵۱۴ مورخ ۲۵ اسفند ماه ۵۳

ترانه‌های بسیاری در مورد مراسم چهارشنبه‌سوری آمده است که رنگ و بوی ناحیه‌ای دارد ولی این نکته پیداست که در همگی این ترانه‌ها سرخی آتش را می‌خواهند و زردی و فلاکت را می‌خواهند پس بدهند.

در جو پشت (واقع در بخش لشت نشاء رشت) برای پایدار نگه داشتن این جشن‌ها می‌رقصند و می‌کوبند و شوری بیا می‌کنند و جشن روستائی (گل‌گل‌چهارشنبه) و مراسم عروسی غوله را برپا می‌سازند و این مراسمی است که غولی عاشق دختری است و رفیقی بنام آفاکوسه دارد و دختر بی اطلاع وارد میدان می‌شود و به آفاکوسه می‌گوید اگر تو عاشق منی باید با غول کشتی بگیری. داوری کشتی را ساززن محل بعهده دارد. غول اعتراض می‌کند که پای قرارداد کشتی را باید دهیان و عروس امضاء کنند، که چنین می‌کنند. بعداً آفاکوسه فرار می‌کند و دختران وسط میدان آمده می‌رقصند و ترانه‌هایی می‌خوانند و حالا جشن چهارشنبه‌سوری آغاز شده است و شعله برپا می‌کنند و چهارده بار از روی شعله‌های سرکش می‌پرند و این شعر عامیانه را می‌خوانند.

گل گل چهارشنبه به حق پنجشنبه

زردی بینی سرخی بابی نیکبت بینی، دولت بابی (۱)

در مشکین شهر (خیابان) هر یک از روزهای سال مثل روزهایی که بهار با جلال و شکوه دخترانه آتش در راه است. برای مردم این دیار خوشی ندارد. هنوز برف‌ها آب نشده و پرده‌های سنگین بردر خانه‌ها آویزان است که زمزمه‌ای در می‌گیرد. این زمزمه ابتدا از نگاه منتظر کودکان جرقه می‌زند، یخ و برف محکوم شده

۱ - برای اطلاع بیشتر به هنر و مردم مقاله اصغر عسکری خانقاه شماره ۱۱۴

سال ۵۱ مراجعه فرمائید.

ساجستان بیهوده است و مردم برای نابودی سرما جشن می‌گیرند. همه از اواسط زمستان منتظر چهارشنبه‌های اسفندماه هستند.

در خیابان دومین چهارشنبه را «کول چهارشنبه» چهارشنبه خاکستر گویند، این تحقیر و توهین به زمستان است. سومی را گل چهارشنبه و چهارشنبه، که استمالت و دلجوئی است از زمستانی که در حال کوچ است و چهارشنبه آخر را نه‌کودکان، بزرگان هم باید جشن بگیرند، زیرا باور همه شده است که زمستان رفتنی است. صبح روز سه‌شنبه آخر، صدای ترقه از همه جا بلند است، جوانها رخت زمستان را با دریدن‌ها و پریدن‌ها از تن می‌رانند، پدرها در جنب و جوشند و آجیل تهیه می‌کنند. مادرها دود راه می‌اندازند، حتی اگر بشود تنها مرغ خانه را کشت که می‌کشند تا سفره شب رنگین باشد. دخترهای دم‌بخت را مادرها می‌فرستند پشت پنجره‌های همسایه که بیت‌کنند و خبر خوش بشنوند که می‌شنوند. پشت بام‌پای می‌شود از جوان‌هایی که شال و طناب به کمر دارند و می‌روند از سوراخ بام‌ها خم می‌شوند صاحب خانه که همه، خاله یا آشنا و فامیل نزدیک است بناچار هدیه کوچکی می‌بندد به گوشه شال یا کمند آن که پشت بام به تمنای هدیه‌ای آمده. هوا که تاریک شد، صد‌ها، هزارها آتش سرخ از وسط برف و یخ و بیشتر از پشت بام‌ها زبانه می‌کشد آنوقت باید از روی آتش‌ها پرید و بیماری و زردی و هر بدی را داد به آتشی که می‌سوزاند و پاک می‌کند (۱)

در خور از توابع اصقهان مراسم مربوط به چهارشنبه‌آخر سال را در آخرین چهارشنبه ماه سفر انجام می‌دهند و گویند مختار ثقفی می‌خواست روز پنجشنبه‌ای (که آخرین پنجشنبه ماه سفر بود) برای انتقام جوئی از کشندگان حضرت امام

۱ - خیابان مشکین شهر - دکتر غلامحسین ساعدی تهران ۲۲ ص ۱۵۰-۱۴۹

حسین (ع) قیام کند. اما شروع قیام را یکروز جلو انداخت و برای آنکه شیعیان با خیر شوند گفت که یارانش بر بامها آتش بیفزوزند. در مراسم چهارشنبه سوری وقتی آتش مقدس روشن کردند، کوزه‌ای یا ظرفی پر از آب را روی آتش می‌گذازند تا ظرف بشکند و آتش خاموش شود و در تمام مراسم می‌خوانند:

Alâ be dor	الا به در
Bala be dor	بلا به در (۱)
Dozd. o Hiz	دزد و میز
az dah be dor	از ده به در

در آذربایجان بقال‌های محلی که در بقای مراسم نقشی به عهده دارند، آجیل مخصوص چهارشنبه سوری تهیه میکنند. دکانهای خود را از انواع کشمش، سبزه‌های مختلف، مغز گردو، فندق، بادام، پسته، انجیر، میان‌پر، باسلق و سجوق و خرما تشکیل شده به نحوی می‌گسترانند که خود صاحب مغازه در آخرین طبقه که به سقف دکان نزدیک است، باشد او از چمچه‌های بسیار بلندی استفاده میکنند که از آن محل بتواند کلیه مواد بردارد. (۲) بعضی‌ها مغازه و اطراف آنرا هم از تابلو‌ها و پارچه‌های رنگی پر می‌کنند. بچه‌ها بعد از ظهر سه‌شنبه با گردش در شهر، با ایجاد سر و صدا هائی که از خرید جرجرا (قارقارک) و نفازه‌قاوال و یا پالچخ فشا (سوت گلی) شادی خود را باوج میرسانند

۱ - هنر و مردم - مرتضی هنری شماره ۱۱۴ ص ۳۳  
« درد و بلا دوا باشد »

۲ - آجیل چهارشنبه سوری که در آذربایجان چهارشنبه‌بیشی گفته میشود، درجا‌های دیگر آجیل هفت مغز می‌گویند. آجیل هفت مغز عبارت از پسته، فندق، بادام، توت، خرما، نخودچی و کشمش می‌باشد

شهر پرازصدای اینهاست در اغلب شهرستان‌ها باین موضوعات برخورد می‌کنیم که متأسفانه در اثر تغییرات بتیادی خانوادگی این مراسم هم محدود تر میشود (۱) دیگر از مراسم فالگوش ایستادن است که مردم جلو در خانه خود بعد از نیت می‌ایستند (گاهی زیر پای خود کلید می‌گذازند) و به گفت و شنود های مردم گوش می‌کنند و بعد آنها را با نیت خود مطابقت میدهند. در آذربایجان در همین شب‌ها، چون مردم وجود خانمها را جلو در منزل برای قصد و نیتی میداند لذا همگی صحبت‌های شادی آور و خوشحال کننده میکنند. (۲)

نوع تفأل دسته جمعی خانمها هم وجود دارد که بیشتر به خراسان محدود می‌شود که زن‌ها کوزه‌ای را وسط اطلاق می‌گذارند و هر کدام چیزی به کوزه می‌اندازند و بعد صاحب خانه آنرا در تنور می‌گذارد فردا صبح دوباره جمع میشوند

۱ - به اطلاع بیشتر از مراسم چهارشنبه سوری به منابع زیر مراجعه فرمائید.  
الف - طالب آباد. جواد صفی نژاد. تهران سال ۴۵ ص ۴۳۲  
ب - چهارشنبه سوری. علی اسلامی فردوسی شماره ۹۰۳  
ج - محله مقدم. دانشکده ادبیات تهران سال ۳۷ شماره ۵-۳  
د - سعید نفیسی. مهر سال ۱ شماره ۱۱  
ه - چهارشنبه و چهارشنبه سرخی، الف دادگر. پیام نوین سال ۴۰  
و - آتیل پاتیل در میلان تبریز. هاشمی میلانی. میر حبیب فردوسی شماره ۹۰۳  
ز - گل چهارشنبه در کلنخوران شیوخ اردبیل فردوسی شماره ۹۰۳  
ح - چهارشنبه سوری. ابراهیم یرهان آزاد. پیام نوین سال ۴۳ شماره های فروردین - اردیبهشت - مرداد  
ط - چهارشنبه سوری علی بلوک باشی. هنر و مردم سال ۴۶ شماره اسفند ماه  
۲ - به صدای پا، حمید شماعی تهران ۵۲ ص ۲۸ مراجعه فرمائید



و بعد از خواندن مطالبی بیک دختر نابالغ دست در کوزه کرده و یکی از آنها را خارج می کند فال نصیب کسی است که جنس مربوط به اوست (۱) در بعضی جاها فال را از حافظ یا قرآن می گیرند.

دختر های دم بخت هم ازین فال گوش ایستادن استفاده می کنند. در بعضی جاها دختران قفلی را بگردن می اندازند و در کوزه ای می نشینند در حالی که زیر پای راست کلید آن را و در زیر پای چپ آینه می گذارند و از مردم میخواهند که قفل را باز کنند و بعد بدون اینکه صحبتی بکنند کوزه را بر سر می کنند.

انواع بخت گشائی بیشتر و در هر محلی به نوعی است که جزئیات مراسم آن مهم است و از آن جمله بخت گشائی از طریق نشستن روی چرخ کوزه گری و شکستن گردو - بخت گشائی بوسیله گول زدن عطار سرگذر و خریدن و وشای عاقل و باطل، از عطار روبه قبله - بخت گشائی بوسیله بیرون کردن دختر از خانه و تعقیب او با نیمسوز - بخت گشائی بوسیله بستن نخ سفید به دوش و نشستن لب جوی آب - بخت گشائی از طریق نشستن پای منار مسجد و بستن قفل به گوشه چادر خود، بخت گشائی بوسیله روشن کردن شمع در سر چاههای دباغ خانه.

البته این مراسم بیشتر مخصوص خراسان است و در شهرستانهای دیگر روش های مختلفی هم وجود دارد.

در اسفهان در قریه مورگان محلی وجود دارد بنام ( سنگ سورخی ) در آنجا

۱ - عقاید و رسوم عامه مردم خراسان - ابراهیم شکورزاده ص ۷۲-۷۱

تخته سنگ مدور و عظیمی هست که در وسط آن سورخی تعبیه کرده اند بطوریکه یک انسان به آسانی در راحتی می تواند از وسط آن عبور کند. دخترهای دم بخت شب جمعه به آنجا می روند و سه بار از سوراخ سنگ عبور میکنند. بعد فاتوسی در آنجا روشن کرده و به خانه برمی گردند و عقیده دارند که بختشان بزودی گشوده خواهد شد (۱) و با در اسفهان برای بخت گشائی چهار طرف یک نخل را می بندند تا عابرین آنرا پاره کنند.

### قاشق زنی

در اسفهان ملاقه زنی گفته می شود و بدین ترتیب که اگر کسی مریض داشته باشد، با قصد و نیت قبلی به در یکی از خانه ها می رود و قاشق را به پشت کاسه مسی خالی می کوبد، بدون اینکه صحبتی کند، صاحب خانه اگر غذا داد به مریض می خوراند و اگر پولی داد یا آن برای مریض چیزی می خردند تا بخورد و شفا یابد. در بعضی جاها پسر بچه ها چادر بر سر کرده و به قاشق زنی می روند که خود انبساط خاطر می برای مردم و بینندگان می آورد. (۲)

### نوروز

یکی از کهن ترین و باستانی ترین اعیاد ایرانیان است که حتی در زمان زرتشت وجود داشته است. با اینکه در اوستا نامی از نوروز برده نشده است ولی در دینکرد (۳) اثری از نوروز است که پادشاهان پیشدادی مبنای شروع سال را ابتدای خلقت تعیین نمودند و جشن گرفتند که نوروز باشد. بلعمی در ترجمه تاریخ طبری

۱ - انواع بخت گشائی را هدایت در نبرنگستان ص ۷۳ آورده است

۲ - به اطلاع بیشتر به «صدای پا» حمید شامی ص ۲۹ مراجعه فرمائید

۳ - دینکرد یا دینکرت تألیف آذر فرنیغ، کتابی شامل قواعد و اصول و آداب زرتشتی می باشد.

(تألیف ابو جعفر محمد بن جریر یزید الطبری) به جمشید نسبت داده و ابوریحان  
بیرونی هم همانطور

در آئین مزدیسنا آمده است که علت بزرگ شمردن جشن نوروزی از این  
قرار است:

۱ - کیومرث نخستین پادشاه در روز نوروز متولد شده است .

۲ - هوشنگ پادشاه بیستادای نیز

۳ - قهقورث در این روز فرخ ، دیوان تبه کار و مردمان مردم آزار را به بند  
نهاده است .

۴ - فریدون شاه ، در این روز ایران را در میان فرزندان خود تقسیم کرده  
است .

۵ - سام نریمان ، در این روز در پی سر کوبی مردم آزاران بر خواسته  
و بنیان تبه کاری را و از گون ساخته است .

۶ - کیخسرو ، پور سیاوش از مادر زائیده شده است .

مسلمانان و زردشتیان هر دو نوروز را جشن میگیرند که دو هفته طول میکشد  
و با دید و بازدید های خانوادگی همراه است ، ایرانیان به سنت قدیمی علاقه مندند  
که هر کس در باعداد نوروز قبل از سخن گفتن ، دهان خود را شیرین کند و بدن خود  
را به روغن بیا لاید ، در آن سال اتفاقات ناگوار برایش پیش نخواهد آمد .

بهر حال در دوره هخامنشی اطلاعی از نوروز در دست نیست تنها با رعام پادشاهان

۱ - جشنهای باستانی ایران - علی خورش دیلمانی - تهران ۴۴ ص ۴-۵

۲ - سفرنامه فردریش چارلز - ترجمه مهین دخت سبا - تهران ۴۳ ص ۶۱

در این روز ها ماندگار شده ، ولی در دوره ساسانیان مراسم نوروز شش روز  
طول می کشیده است .

آداب و رسوم نوروز بسیار جالب و مشغول کننده است . شادی ها ، صرف غذا  
های قوی ، شیرینی ، دید و بازدید های خانوادگی ، رفع کدورت ها ، پوشیدن لباس  
های نو ، تمیز کردن خانه و . . . از مظاهر آنست .

یکی از مراسم نوروز هنگام تحویل سال برپا کردن سفره هفت سین است ،  
یعنی گرم آوردن هفت چیز که اول آنها سین باشد مانند : سنجد ، سبزه ، ساق ،  
سیب ، سرکه ، سکه ، سمنو ، البته انتخاب اینها علت و فلسفه ای داشته است . و  
باز به اینها قرآن و عاهلی را اضافه میکنند .

زمان ساسانیان هفت نوع غله می گذاشتند و بعضی ها عقیده دارند که هفت  
سین با هفت امشاسپند دین زرتشتی بی ارتباط نیست . در آئین زرتشت مراسم  
بود که بجای هفت سین ، هفت شین می گذاشتند مانند شکوفه یا شاخه گل - شمع -  
شراب - شکر و شیرینی - شربت - شاهدانه و شمشاد . بعضی عقیده دارند که از دوره صفویه  
به بعد هفت شین به هفت سین تبدیل شده است (۱)

۱ - اطلاعات هفتگی : نوروز ۵۴ مقاله حمید نیر نوری

برای اطلاع بیشتر از نوروز به منابع زیر مراجعه فرمائید :

الف - جشنها و اعیاد باستانی ایرانیان - وحید ، حقیقت ، عبدالرفیع بهمن وامند و  
فروردین ۴۷ و ۴۸

ب - دهکده سیاه مرز کوه - پور کریم هوشنگ هنر و مردم شماره ۸۰

ج - نوروز مهدی جويا ، مجله آموزش و پرورش شماره های سال ۳۸ و ۳۹

د - تاریخ جشن نوروز - سعید نقیسی - پیام نوین فروردین و اردیبهشت ۳۸

ه - جشن نوروز - محمد معین - جهان نو ، خرداد ۲۵

و - شناسنامه نوروز - محمد جعفر محجوب - خوشه ، نوروز ۳۵

ز - نوروز باستانی - دکتر محمد جواد مشکور - مهر - فروردین ۴۶

در بعضی جاها پدر خانواده سر سفره بولی قرار می دهد که بعداً مابین فرزندان تقسیم شود و باز برای فقرا و بیچارگان نیز سهمی قائل اند. از مزایای این سفره اینست که کلیه اعضای خانواده اگر چه از هم دور بوده اند ولی سنت بر این است در سفره هفت سین نزد هم باشند، بنا بر این عاملی برای تجمع افراد خانواده است.

بعد از تحویل سال که خود مراسم دارد، دید و بازدید های خانوادگی شروع میشود که بر حسب ارزش و احترام اعضاء مانند پدر و مادر و مادر زن و پدر زن، برادر بزرگ . . . . . انجام می گیرد و تماماً هدیه ای نیز همراه میبرند. بهر حال موضوعات زیر را از دیدگاه جامعه شناسی باید بررسی کرد:

تفریحات عید. تدارکات لباس - رقص ها - دود کردن اسفند - تخم مرغ بازی - خانه تکانی - تمیز کردن اسباب و وسایل منزل - سبزه ها - دعاها - مشک و عنبر سوزی. در زمان ساسانیان رسم بوده که در جشن نوروز مردم بروی یکدیگر آب می پاشیدند. این رسم کهن تا حال هم در میان زرتشتیان و ارمنه معمول است که در یکی از جشن ها مردم بروی هم آب می پاشند. (۱)

#### سبزه بدر

سبزه فروردین ماه هر سال برای ایرانیان روز نحسی است. در مورد نحوست این روز باید گفت که بعداً به مراسم عید اضافه شده است زیرا در کتب قدیمه در این مورد سخن نرفته است. بنا بر این مردم صحرا را، به خانه تر جیح می دهند. با ایجاد شادی و طرب نحوست را از خود دور میکنند. دخترانی که دم بخت قرار

۱ - جشن های باستانی ایران علی خورش دیلمانی ص ۱۵

دارند، سبزه گره می زنند تا سال بعد شوهر کنند. در این روز کسانی که سبزی در منزل سبز کرده اند با خود بخارج شهر برده و آن را دور می اندازند. (۱)

سده و مهرگان نیز از جشن های باستانی ایران است که در بعضی از شهرها به تریبی انجام میگردد.

مهرگان روز شانزدهم مهر ماه هر سال است که در ایران به شایستگی بر پا می گردید ولی بعد ها متروک شده بود و امروزه چندین سال است که دوباره برگزار میگردد (۲)

سده نیز از اعیاد قبل از اسلام است که دهم بهمن هر سال برگزار میگردد علت نامگذاری این روز به سده شاید این باشد که در صدمین روز زمستان باستانی واقع شده بود و به هوشنگ یی شدادی هم نسبت داده میشود و یابه پیدایش آتش، در این مراسم، مردم آتش افروزی می کنند و شادی ها برپا می کنند. این جشن

۱ - برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه شود

الف - آداب و رسوم سبزه فروردین در ایران - نجوا (انجوی) ابوالقاسم فردوسی شماره ۸۵۵

ب - سبزه فروردین - موسوی هفتادری - سعید - فردوسی ۹۰۴

ج - سبزه بدر و چارده بدر در ایرج اسفراين - سنگ سفیدی، علی اصغر فردوسی شماره ۹۰۴

د - مراسم عید نوروز و جشنهای باستانی در یکی از دهکده های مازندران پور کریم هوشنگ - هنر و مردم فروردین ۴۷

۲ - برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه فرمائید :

الف - جشن مهرگان - سقا - ذبیح اله. مجله مهر شماره های آذر - دی و بهمن و اسفند ۱۳۱۲ و فروردین و اردیبهشت ۱۳۱۳

ب - بهرام فره وشی - یثما، مهر ۴۳

هنوز هم پیش زرتشتیان ایران در روز دهم بهمن ماه هر سال برگزار میگرد (۱)  
حاجی فیروز

در تهران و در بعضی از نقاط ایران ، نزدیکهای عید ، عده ای از مردم یکی از جوانهای محل را بنام میر نوروز و یا حاجی فیروز انتخاب می کردند و آنکاه او را سوار بر اسب یا شتر می نمودند و دنبالش برآه می افتادند و کوچه ها و محل ها را می گشتند و همگی باهم می خواندند :

حاجی فیروزه - بله  
میر نوروزه - بله  
ساله یه روزه - بله

حاجی فیروز يك حلقه طناب بلندی در دست راست و يك بازشکاری سفیدی را بروی دست چپ خود داشت ، وقتی که از کنار دیوای خانه ای عبور می کرد . طناب خود را از روزه بخاری یا اطاق و یا بادگیر خانه و یا بالای در بداخل خانه می انداخت ، صاحبخانه یا مشاهده طناب در داخل خانه خود می دانست که حاجی فیروز چیزی طلب کرده است و صاحبخانه چیزی به طناب وصل می کرد و حاجی فیروز آنرا باطناب می کشید (۲) امروزه حاجی فیروز آن اصالت اولیه را از دست داده است و عده ای حاجی فیروز را ملعبه قرار داده و هرگونه اشعار مبتذل بنام او می خوانند .

برای اطلاع بیشتر از سده و مراسم آن رجوع شود به :  
سده یا جشن پیدایش آتش - رجوع کنید به رستم شهزادی - فرهنگ ایران باستان  
اردبیهشت ۱۳۴۷ -  
۲ - جشنهای باستانی ایران - مجله خورش دیلمانی ص ۱۳

در اراك و در بعضی از روستا های دیگر ، از اوائل بهمن ماه یعنی پنجشنبه روزمانده به عید عده ای که رشکی و ماسی (massi یعنی ماستی) ناهیده میشوند ، بدر خانه مردم میروند و به آخر رسیدن سال را نوید می دهند . اینان ملبس به پیراهن و شلوار قرمز رنگی هستند ، کلاه مقوایی زنگوله دار . همراه با داربزه زنگی وارد خانه مردم می شوند و بعد از چند دور رقص ، میخوانند :

رشکی و ماسی اومده      اوئی که میخواستی اومده  
روته و پوده اومده      هرچی که بوده اومده  
خال خال زنگی اومده      علی دو زنگی اومده  
بز بز قندی اومده      بیچه فرنگی اومده

از همه رنگی اومده

بعد از آنکه مدتی خواند و رقصید ، ضرب و آهنگ تغییر می کند و اینجور می خواند :

سالی به بار میابه      دعا گوی شمایه  
هر که دبه بیایه (دیگر بیاید) آقا ش سگ سیایه  
خانم بالا شمائی ؟      ازخونه در نیائی !  
عرق داری میچائی !

سلیمون آی سلیمون      قالی را بکش تو ایورون  
ریشه قالی کبوته      اسم عاموم محموده  
محمود بالا بالا      سر دسته شاغالا  
وقتی میری به بازی      نکنی زبان درازی

باز ضرب عوض می شود و این جور میخوانند :

سرتاسر بازار همه دود کبابه لب تشنه و دل گشنه و بغداد خرابه

اسم سکمون مالونه ، جاش به زیر پالونه ، پالون زیر دالونه

عقرب زیر قالی خسوره چه کارم داری ( مادر شوهر چه کارم داری)

دیشب چه دردی داشتی ؟ آفتا به ورمیداشتی دور حیاط میکشتی

اون شو که باران اومه یارم لب بون اومه

رفتم لوش بیوسم بازک بود و خون اومه

بعد با آهنک دیگر ادامه میدهند :

توی این همه کاسبا سلمونی دزده میاد ریشو بزنه سبیل امید زده

صغری خانم ... کبری خانم ... عذرا خانم ... سکینه خانم ... فاطمه خانم ..

سلام علیکم نکردم !

سلام علیکم یا اله

دختر من ماشاء اله

حال شما چطوره ؟

شوهر امسال شما چطوره ؟

سواد مواد داره یا بی سواده ؟

حجره میره یا که میره اداره ؟

برف اومده نم کشیده سوادش

از عمه جز ، چیزی نمونده یادش

زنی که جهاز نداره

این همه ناز نداره

مردی که بون نداره

یه زر زبون نداره

فاطمه خانم تمیزه

همیشه پشت میزه

چای شیرین میریزه

فوت می کند تو قلیون

صداش میره به تهرون

تهرونی ها می خندن

در اطاقا می بندن

کم کم موقعی می رسد که صاحبخانه باید شیرینی رشکی و عاسی را بدهد که شیرین زبانی نموده و چنین می خواند :

اراک و قلدراشون قنات و هندوناشون

سنجون و سبزیاشون هزاره و انگوراشون (۱)

کاشون و عقرباشون مشهد و زواراشون

تهرون و خانماشون شیراز و شاعراشون

اصفهان و خربزاشون

اگر صاحبخانه چیزی به او ندهد برای اینکه دلش را بدست بیاورد باز شیرین زبانی میکند و آوازهایی در می آورد که او را به خنده می اندازد و سر ذوق می آورد و دو باره میخواند و ضرب و دایره زنگی ادامه دارد .

ارباب خودم سلام علیکم ارباب خودم سرتو بالا کن

« « بزبز قندی چرا نمیخندی؟

« « مثل گل دسته مرتضی علی کمرشوبسته (۲)

باز مراسمی که بی شباهت با مراسم بالانست مراسم عروس گلی Arus Guley در مازندران است .

بدین ترتیب که چند روز مانده به عید تا روز سیزده دسته ای از مردان و جوانان زنده دل بنام دسته عروس گلی (نام محلی گیلانی است) دورهم گرد آمده و یک نفر را ملبس به لباس زنانه نموده و آرایشش کرده و بر او شاخه گل و برگهای سبز

۱ - قنات و سنجان و هزاره از آبادیهای اطراف اراک هستند .

۲ - نقل از جشنها و آداب و منقذات زمستان . سید ابوالقاسم انجوی شیرازی

می آویزند و یک نفر مرد دیگر به تن خود، لباسهای رنگا رنگ کرده بدور  
 کمرش رنگ می بندد و با تار و تنبور شبانه به حرکت می آیند البته سر و صدا  
 راه خواهند انداخت که در محوطه خانه ای داخل شوند. اغلب اتفاق می افتد  
 که صاحبخانه با خانواده خود، بی خبر از همه جا در بستر خود خوابیده اند که  
 يك دفعه ولوله و هیاهوی عجیبی در صحن خانه بر پا میشود و این دسته عروس  
 گلی که کمتر از دسته خردجال موعود نیستند در صحن خانه به چرخش در آمده،  
 تمام محوطه خانه را با سرعت سرسام آوری می دروند، صدای رنگها و تار و تنبور  
 گوش فلک را کر می کنند تمام اهل خانه از خواب می بیدارند، آنکاه دسته عروس  
 گلی این ترانه های محلی را میخوانند.

عروس گلی بیا ردیم  
 آرام دلی بیاریم  
 و نیز میخوانند؟ عروس گلی همینه  
 به بین چه تازینه (۱)  
 و اهل خانه خوشحال و عیدی مناسبی میدهد.

در روستا های دیلمان و آبادیهای کوهستانی بخش سیاهکل دیلمان و لاهیجان  
 رود سر - جفرود - عروس گلی یا عروس غول بدین ترتیب است که عروس  
 پسری است زیبا که لباس زنانه پوشیده است و به هر دو دست زنگ دارد که در حین  
 رقصیدن با به هم زدن انگشتان شست و وسطی زنگها را به صدا در می آورد. پیر  
 غول که صورتش را سیاه کرده و با ریش سیاه و انبوهی به کمرش زنگوله هائی  
 بسته است کلاهی مقوائی دارد. پیر بابو یا پیر بابا هم دست کمی از او ندارد اما  
 با ریش سفید.

اول غروب عروس گلی فانوس بدست با سازتها حرکت میکنند. پیر غول می  
 خواهد عروس را ببرد پیر بابو یا کوسه نمی گذارد. ضمن مراسم اشعاری میخوانند.

۱ - جشنهای باستانی ایران عمی خورش دیلمانی تهران ۳۲ ص ۲۹ و ۲۸

غولا بیدینا غولا  
 Qulá bidinà quia  
 غوله کله بوشون گورا  
 Qule kalle buwun gurā  
 غوله کمر بیجیر تولا  
 Qule kamar bijir tula

« دستجمعی » نوروز مبارک بی سال نو مبارک

Nōruz mobarak bi sal-e no mobārak

« غول را بین غول را، کله غول بگور برود، تا زیر کمر غول گل و  
 لجن است.

نوروز مبارک باد. سال نو مبارک

بعد غول از میدان بازی بیرون میرود و يك كنده هیزم پیدا می کند و دوباره  
 به میدان بازی آمده جلو پیر بابو یا کوسه می گذارد و خودش مشغول رقص می شود  
 و این کار نشانه آنست که من حاضرم با تو زور آزمائی کنم. کوسه از موقعیت  
 استفاده کرده و دست عروس را گرفته در گوشه ای پنهان می شود، غول متوجه شده  
 غش میکند. عروس بالای سرش آمده و لباسش را به بینی او می گیرد و غول از بوی  
 لباس بهوش می آید ولی عروس باز پنهان میشود. غول رده ساز زن نموده گوید:  
 عروس من گمشده. اوستا ساز زن گوید از صاحبخانه مزدگانی بگیر تا عروس را  
 پیدا کنم و چون صاحبخانه چیزی داد عروس را نشان می دهد و روانه منزل دیگر  
 می شوند (۱).

در هازندران و بخصوص شهسوار هم مراسم پیر بابو انجام می گیرد که شبیه

۱ - جشن ها و آداب و منقذات زمستان جلد اول گردآوری و تألیف انجوی  
 شوازی، تلخیص از عروس گلی ص ۱۱۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب مزبور مراجعه فرمائید

عروس گلی است با اشعار زیر :

خانه خنم آقاسی من در واکن برای من  
نم نس وارش واره تر کنه قیای من  
عروس تره مبارک با نوروز تره مبارک با

Xānexāh · āqāye Man

Dar vakon Baraye Man

Namnam Varewi vāre

Tar kone Qabaye Man

Arus tere Mebarak Ba

Noruz Tere Mobrāk Ba (۲)

در آذربایجان در بعضی جاها نورشید یا نوروزنامه (۳) مراسمی است باز شبیه عروس گلی که کوسا یا کوسه گویند. ووقتی وارد خانه مردم شدند کوسه یا چوبی که در دست دارد اشعاری را با بچه‌ها می‌خواند و می‌رقصد مانند :

۲ - نقل از همان اثر ص ۱۳۲

۳ - در آذربایجان قبل از عید بچه‌ها دور هم جمع شده و نوروزنامه خوانده و پول جمع میکنند .

سبزین بو تازه باپراموز مبارک آیوز ایلوز ، گرتوز هفتوز مبارک  
گشچیب فصل زمستانون جفاسی گلور فصل بهارون خوش هواسی  
چمنله کوهسارون وار سفاسی

Sizin bu tâze bāyrāmuz mobarak

Āyuz iluz · Gunuz haftuz mobarak

Gecib faşle zemestanun jafasi

Gelir faşle baharun xow havasi

Cemenle kuhsarun var safasi

این عید جدید شما مبارک ماه و سال و هفته و روز شما مبارک  
جفای فصل زمستان سپری شد نسیم خوش فصل بهار سر می‌رسد  
کوهساران و چمن ها صفائی دارند

آی کوسا کوسا گلشنه

گلیب سلام وئرسنه

چو میجه نی دولدورسانا

کو سانی یولا سالسانا

آی اویروغی اویروغی

ساققالی ایت قوربروغی

کوسام بیراویون ئیلر

قوردونا قویون ایلر

بیغار کیلان دو کوسین

محمودین قویون ائیلر

نوروز نوروز باهارا

گلکر گلکر تاھارا

باغچا نوزداگل اولسون

گل اولسون بلبل اولسون

باغ اولسون هم باغ اولسون

ائوده کیلر ساغ اولسون

وئر نه اوغول وئرسین

وئر میه نه قیز وئرسین

خانم دور سین آیا غا

کوسا نون پاین وئرسین (۱)

(۱) ای کوسا کوسا زود بیا

وقتی اومدی سلام یده

چمچات دا پرخواهم کرد

ترا براه خواهم انداخت

ای کسی که خودت را باین سروضع در آورده‌ای و پشت مثل دم سگ شده است .

کوسای من یه بازی در می‌آره

بازی گرک و میش را در می‌آره

برنج کیلانی را جمع آوری می‌کنه

عروسی محمود را راه می‌اندازه

نوروز در بهاران می‌آید

و گلها در روز می‌شکفتند

باغچه تان پر گل باشه

پر از گل و بلبل باشه

باغتان پر گل و ظرفهاتان پر روغن باشد - آنانکه در خانه هستند چاقی و سلامت

باشند .

هر خانمی که به کوسه چیزی بدهد

خدا به او پسر بدهد .

و به کسهکه چیزی ندهد ، دختر بدهد .

خانم از جا برخیزد و نیاز کوسه را بدهد .

نقل از نمونه فولکلور آذربایجان ، دکتر جاوید سال ۴۴ صفحه ۲۷۶ .

## آداب و رسوم خواستگاری و ازدواج

مراسم خواستگاری و عروسی ها خود نماینده خواسته ها و تمایلات مردم اند. ازدواج با همه آنکه يك فریضه مذهبی در اسلام است ولی با اعتقادات اقتصادی و اجتماعی بومی مردم آغشته شده و بصورت خاصی درآمدی است. کنکاشی عمیق از کلیه مراسم یعنی نحوه خواستگاری، نشست و برخاست ها، استقبال و پذیرائی ها، نقش مشاطه ها و عروسی و پانختی و... نمودار زندگی معنوی و اقتصادی انسانهاست. این مراسم روشنگر این واقعیت است که بعضی از موضوعات جنبه تقدیس یافته اند، مانند حنا، قند، شمع، که هر يك نشان دهنده نیازهای روحی مردم است.

در بررسی ها، ریشه و اساس و نحوه کاربرد وسائل و اعتقادات مردم نقشی ارزنده دارد. جزئیات این مراسم در نقاط مختلف مملکت متفاوت است برای دقت بیشتر در پائین چهارچوب و نمونه هایی از آنها آورده میشود:

تا چندین دهه گذشته و با در بعضی از جوامع امروزه، دختر توسط مادر پسر انتخاب میشد و بهترین محل حمام های عمومی بود چون می توانستند اندام دختر را بخوبی از نزدیک ببینند. مجالس روضه خوانی هم محیط مناسبی بوده است. اصولاً دختری که از بچگی نامزد نشده ولی یا به سن چهارده سالگی گذاشته باشد در مظان مردم قرار می گیرد. اگر چندین سال از این سن بگذرد از نظر مردم ترشیده حساب خواهد شد. برای اینکه همچون نظراتی پیش نیاید، مادرها توسط مشاطه ها و اقوام دست بکار شده و با برگزاری مهمانی ها، برای دختر شوهری پیدا میکنند اگر تا بیست سالگی این چنین موقعیت پیش نیاید آنکاه متوسل به بخت گشائی میشوند مانند تکان دادن سفره عقد بر سر دختر ترشیده که دختر بخت بسته را به مجلس عقد می بردند، هنگامی که دختر عقد کرده را از سر جانماز عقد بلند میکردند، دختر ترشیده را به جای او می نشاندند و نه سفره عقد را روی سرش تکان می دادند (۱)

بخت گشائی طرق مختلفی داشته است مانند آنکه عروس دست راست خود را به سر دخترها می کشید - عروس از جنای خود به سر دخترهای دیگر میمالید یا اینکه چادر نماز خود را وارونه سر می کردند و سبزه ها را گره می زدند و. (۲)

## خواستگاری

خواستگاری ها بعد از آنکه مقدمات کار توسط مشاطه فراهم شد ابتدا مادر پسر و عمه و خاله پسر که سنی از آنها گذشته است به منزل دختر می روند. در بعضی

۱ - از خشت تا خشت - کنترائی ص ۹۱

۲ - برای اطلاع بیشتر به همین کتاب ص ۹۰ به بعد مراجعه فرمائید.



مواقع بدون اجازه قبلی. و چون در را زدند گویند مهمان خدائیم ازینجا رد می شدیم، تشنه مان شده آبی اگر در حق ما ارزانی دارید خدا از شما خوشنودخواهد شد. صاحبخانه گوید مهمان عزیز خداست همین الان برایتان آب میآورم ضمن همین صحبت داخل منزل می شود. و منزل و اهل منزل را می بینند و سر صحبت را از مسائل غیر از خواستگاری باز می کنند و سپس از تعداد اعضای خانواده سؤال میکنند و تا مادر دختر وجود دختری بسن ازدواج را معرفی می کنند گویند ببینیم، آیا مثل مادرش زیبا و خوب است یا نه؟ و یا اجازه بدهید فردا بیائیم. در حالت دوم فردا وقتی وارد منزل شدند لباسهای پر زرق و برق خواستگاران و تعارف های پر چرب و نرم آنها حالتی خاص بوجود می آورد. ابتدا مادر دختر پذیرائی می کند و بعد از گذشت زمانی یکی از خواستگاران می گویند بفرمائید. لطفاً دختر خانمستان يك لیوان آب برای ما بیاورند. دختر بدستور مادرش آب می آورد. دختر که در مقابل چشمهای تیزبین و پردقت خواستگاران قرار میگیرد، سر بریزد، با رنگی برافروخته آب را بعد از ادای سلام تعارف می کند و می رود، که در این هنگام به راه رفتن او هم توجه میشود و بار دوم که برای بردن لیوان بر می گردد، یکی از خواستگاران از مادر دختر خواهش می کند که چند دقیقه ای اجازه دهند دختر خاتم بنشینند، درین موع دختر را به خوبی نگاه می کنند، سر صورتش را، بوی دهانش را... و بعد از بررسی اندام، مادر دختر می گوید اجازه بفرمائید دخترم برود چون خجالت می کشد. بعداً نیز خواستگاران با عده دیگری از اعضای فامیل خود بدیدن دختر می آیند. در انتخاب دختر مسائلی مانند زیبایی و سن متوسط، اصالت خانوادگی و پرکاری، سید بودن در نظر گرفته میشود.

در گذشته بسختی دختر دیر رسر هم دیکر را می دیدند گاهی مشاطه بخوبی با دریافت مبلغی این کار را انجام میداد.

### بله برون و خروج بری

عده ای از اعضای دو خانواده در منزل دختر جمع شده و از اوضاع کلی عروسی صحبت می کنند و چون بله از طرف خانواده دختر گفته می شود ممکن است بعنوان اطمینان يك انگشتر ( پنج تن ) بدختر بدهند. بعد از موافقت دو طرف، روزی را با تقاضای پدر داماد برای تعیین مهریه و خرید لباس و کارهای دیگر، برای ملاقات انتخاب میکنند. درین روز اقوام نزدیک هر دو طرف حاضر میشوند و مهریه ویا در صورت بودن ( باشلق ) ( ۱ ) و اشیائی را که باید برای دختر خریداری شود، تعیین می شود. البته میزان مهریه، کمتر بدون دعوا تعیین میشود. کشمکش های دو طرف با وساطت طرفین به جایی منتهی می شود. گاهی در خفا مقدار آن کم ولی در ظاهر میزان آن بیشتر گفته میشود. بعد از توافق شیرینی ای که از طرف خانواده داماد آماده شده خورده میشود.

دریوش با توجه به امکانات و همچنین به خوبی و بدی ساعات، از یک هفته تا سه ماه قبل. پدر عروس را خبر می کنند برای خرج بران. برای صحبت چند نفر از ریش سفیدان می آیند و همراهشان از طرف داماد قند و چای می آورند فردا یا پس فردای خرج بران، خرج بار را بار الاغها می کنند و می آورند خانه ی عروس. الاغها را زنگ می بندند و رویشان گلیم یا پارچه خوش رنگ می اندازند.

### عقد و مراسم آن

خانواده داماد يك آئینه - شمعدان - انگشتر - لباس مخصوص عقد - کفش

و چند خواجه شیرینی رگله قند ، حنا و چای و صابون و رنگ و پارچه تهیه نموده  
صبح قبل از عقد به خانه عروس می فرستند و خانواده عروس هم در قبال آن بعد  
برای داماد و کسان ایشان هدایائی ارسال می دارند و بدین ترتیب مراسم عقد  
برگزار می گردد .

در ( از خشت تا خشت ) آمده است که « تقریباً در حدود آغازهای سده  
چهاردهم يك دست لباس سر تا پای عروس عبارت بود از يك كفش زر دوزی ، يك  
جفت جوراب سفید ، يك تنبان نرمة گللی یا سبز یا مخمل سرخ یا اطلس سفید یا  
اطلس سرخ ، يك پیراهن ' يك آرخالق که رنگش سر تنبان بود ، یعنی مثلاً اگر  
تنبان سبز رنگ بود آرخالق را هم سبز می گرفتند ، يك روبنده  
با قلابه ، يك چارقد مشمش زری و يك چادر سفید یا مشکی یا سبز رنگ سبز  
را به ویژه اگر دختر سید بود ، بر رنگهای دیگر برتر می نهادند و درباره بکار بردن  
رنگ سبز میگفتند که دختر « سبزه بخت » خواهد شد ، یعنی دل زنده و بالان  
خواهد ماند و شویش او را به جان و دل دوست خواهد داشت و روزی هفت بار  
برایش خواهد مرد .

درازی تنبان تا سر زانو و گاه تا زیر زانو میرسید و دختر هنگام عقد سر تنبان  
می پوشید . بکی همین که یاد شد و دیگر تنبان چلو اروس می تنبان فنر دار یکی از  
چاقچورهائی که جزو لباس عروس میدادند ، از نافه آنچو چکی یا خارا بود . اهمیت این  
چاقچور این بود که در هنگام راه رفتن صدای خش خش میکرد ، ( ۱ )

بکی دوروز قبل از عقد کتان دختر را بند می انداختند البته بخاطر آنکه  
بعد از برداشتن موهای اضافی ابرو توسط نخ ، جای آنها جوش میزند بدنیست

دو سه روز قبل این کار را انجام می دهند تا روز معین جوش ها خوب شود .  
باز یکروز قبل از عقد دختر را به حمام میبرند و صبح روز بعد هم کاملاً  
آرایش می کنند . برای عقد نیز ساعت می بینند تا لحظه خوبی باشد مخصوصاً  
شبهائی را که مصادف با موالید است انتخاب می کنند . در اطافی که  
عقد در آنجا برگزار خواهد شد سفره ای روی زمین گسترده و سائل عقد را  
در آن پهن کرده و عروس و داماد با لباسهای مخصوص عقد روی تنستی که وارونه  
گذاشته شده می نشینند و آنگاه کایه گرمهای بند لباسها را باز می کنند و چون از  
خود دختر بله گرفتند سیغه عقد را جاری میکنند .

هنگام عقد دوسه نفر از خانمهای سفید بخت که فرزند پسر دارند سوزنی  
در پارچه سفیدی که بالای سر دختر قرار دارد فرو می کنند . در این موقع قامیل  
های داماد از او سؤال میکنند که چه می دوزی ؟

گویند بخت می دوزم ، اما دردش گویند که زبان شما را می بندم ، سپس می  
گویند که مبارک باشد بدوز . ( ۱ )

در همین زمان یکی دیگر از آشنایان قند می سایند که نشانه شیرینی و حلالت  
است . زیر طشت در بعضی از شهرهای آذربایجان غسل و تخم مرغ می گذارند و دوروز  
بعد از عقد از آن خاکینه درست کرده و به عروس و داماد می دهند .

البته بعد از آنکه عروس و داماد از روی طشت بلند شدند دیگر تا چند روز

۱ - در آذربایجان ضمن انجام مراسم يك زن از آشنایان با قامیل سوال می کند  
چه می دوزی ؟ آن دیگری جواب میدهد بخت می دوزم باز سوال میشود بخت چه کسی  
را جواب می دهند بخت فلان و فلان را . آنگاه دعا کرده گویند خداوند خوشبخت و  
و کامرانشان گرداند .

کسی روی آن نمی نشیند زیرا اگر زنی بنشیند، شوهرش او را طلاق داده و یکی دیگر خواهد گرفت و بعد از آنکه صیغه عقد جاری شد داماد و عروس یاسی مینشینند و بعد از مدتی عروس را به جمع مدعوین زن و داماد را به جمع مردان راجع می کنند و چون مجلس با آخر رسید، داماد هم بخانه خود میرود و روزهای بعد میتواند چند روز در میان بخانه عروس برود.

#### جهاز (جهیزیه) عروس

گویند جهیزیه باین علت به دختر داده میشود که چون دختر با نیروی انسانی خود در خانه پدری کار می کند و بهره آنرا پدر میبرد ضمناً پدر از این نیروی انسانی دخترش مقداری را نیز برایش پس انداز میکند که بعنوان جهیزیه باو میدهد. از طرفی شخصیت و راحتی دختر در گذشته در این جهاز خلاصه میشود. بدانجهت وسایل اولیه ای مانند رختخواب - متکا و پرده - بالش - صندوق - سماور - وسایل آشپزخانه قند و چائی و وسایل حمام - در صورت امکان قالی به دختر داده میشود صورت جهیزیه يك خانواده متوسط به قرار زیر است.

قرآن کریم يك جلد - آینه يك عدد - لامپا دو عدد - فرش یا گلیم يك عدد - پرده - رختخواب یکدست - متکا يك جفت - بالش دو عدد - کیف حمام - حوله حمام - صابون - لباس عروس - رختدان - سماور يك عدد - استکان شش یا دوازده عدد - نعلبکی و سوزنی - قوری يك عدد - ظرف غذاخوری - دیک سه عدد طاقچه پوش - گلاب پاش - جارو - خاک انداز - قند و چای - خلعت برای مادر و پدر و خواهر و برادران داماد - سوزن و نخ - کارد - مجسمه - آفتابه مسی - لکن حمام - چادر نماز - پیراهن - بلوز - شلوار - دامن - جوراب - روسری - بشقاب و کاسه شش عدد - شربت خوری - نمکدان - کفگیر - بقچه خیاطی - زیر

#### سیکاری - جای اسپند .

البته مراسم انتقال جهاز به خانهی داماد و دریافت رسید آنها شب عروسی (۱) و شب زفاف - نقش مشاطه و اوضاع او، همچنین مراسم خنابندان (۲) خوانندگی و نوازندگی از مراسم بسیار جالب و دیدنی خانواده است. در بررسی ها بخصوص در مسائلی مانند ورود عروس به منزل داماد و چگونگی سیردن او به پدر داماد باید کلیه نکات ضبط گردد. البته خصوصیات ویژه منطقه ای و متفاوت است.

#### جشن عروسی

جشن عروسی در بعضی از شهرستانها بعد از آنکه کلیه کارهای مقدمانی و عقد انجام شد بنا به توافق قبلی دختر و پسر جشن عروسی بر پا می گردد. بسیدن ترتیب که عده ای از فامیل و دوستان داماد به خانه عروس می روند بعد از آنکه عروس را به خانهی داماد آورده مراسم جشن با شرکت دو خانواده بر پا می گردد.

به هنگام ورود عروس، داماد جلو در خانه پنهان می شود و می خواهد پای

۱ - در روستاها عروس و داماد را قبل از عروسی باطاق و ترناب به حمام میبرند  
آشنایان و فامیل تا در حمام و دون حمام و همچنین تا رسیدن بمنزل به رقص و آواز مشغول بوده و داماد را همراهی می کنند.

۲ - در خنابندان عروس نهرانی نیز مراسم جالبی انجام می گیرد. در حمام مراسم ویژه ای برپا می گردد شربت و میوه بخش می شود و درین هنگام ترانه ای می خوانند مانند:

گل درآمد از حموم	مثیل درآمد از حموم
شاه دواماد را بگین	عروس درآمد از حموم
ای دست و پا حنائی	ای ماه گیس طلائی
یه ماچ بده نمیدم	پولت میدم، نمیدم

نقل از دختت تا خشت ، ص ۱۲۵

عروس را زیر بگیرد و به عروس هم این عمل را یاد داده‌اند و عقیده دارند هر کس زودتر پای دیگری را لگد کند تا آخر بر او حاکم خواهد بود. در اطراف بیجار وقتی عروس وارد منزل می‌شود، از بالای دوب و دودی‌شن و ماسه ریز بر سر عروس می‌ریزند، و چون خانواده عروس از آن اطلاع دارد لذا بایستی و یا چیزی شبیه بآن، از ریزش آن بر سر عروس جلوگیری می‌کنند. در بعضی جاها داماد میخواهد با یرتاب سیبی این برتری را حفظ کند. در ترکمانچای وقتی عروس را می‌خواهند از منزل، به خانه داماد ببرند سه بار دور تنور می‌گردانند (۱)

در تات نشینهای بلوک‌زها قافله عروس در خانه‌هایک از اقوام نزدیک داماد که رسد می‌ایستد باید برای عروس حق القدم بخوانند، کرسی را بغل اسب می‌گذارند که دائمی یا عمومی عروس از آن بالا میرود و درگوشش میگوید از صاحب‌خانه چه میخواهید؟ پارچه ای یا سراندازی یا پیراهنی از زنان، پولی یا حشمی یا به ندرت ملکی از مردها، به تناسب حال، و تا نگیرند قافله نمی‌گذرد. قافله عروس از دور که پیدا شد داماد و ساقدوشها میروند سر بام و داماد سه مرتبه انار یا تخم مرغ نیخته‌ای بطرف قافله یرتاب میکنند (۲)

در اورازان آمده است که: هیچ فراموش نمی‌شود که داماد از سر درخانه خود یک تکه بزرگ قند را چنان بطرف کاروان عروس، که به خانه‌اش می‌آمده انداخت که اگر به سر کسی می‌خورد حتماً می‌شکست (۳)

۱ - مراسم عروسی در ترکمانچای - ابوالحسن زنگی - تلاش، ششمه شماره ۲۳  
 ۲ - تات نشینهای بلوک‌زها آل احمد - چاپ دوم سال ۵۲ م ۸۱ - ۸۰  
 ۳ - اورازان آل احمد چاپ چهارم سال ۵۲ م ۵۱

در خارك نیز در عروسی‌ها قبل از آنکه داماد را به حجله ببرند، دوستانش او را بزیر درخت لیل در شمال جزیره می‌بردند و شستشو می‌دادند و سرش را می‌تراشیدند این درخت لیل بزرگ، که میان سه درخت لیل دیگر قرار دارد، لیل لنگک Langak خوانده میشود. پس از شستشو و سر تراشی، داماد را روی دست گرفته به خانه عروس می‌برند، هنگامی که داماد روی دست بود، دوستان وی با دستمال‌های رنگین او را توازش میدهند و رقص کنان تا به خانه عروس برسند (۱)

نماز شب عروسی و حاجت طلبی - رونما - دعوت فامیل جهت جهازدین چشم روشنی‌های فامیل پاسخی یا گشائی و یا زبان بندان (۲) هم مراسمی دارند که از دیدگاه جامعه‌شناسی قابل پژوهش است. در بیشتر روستاهای آذربایجان عروسی‌ها با عاشق‌ها (۳) و در استانهای دیگر با مطرب‌ها تشکیل می‌گردد.

۱ - جزیره خارك در دوره استیلای نفت خسرو خسروی سال ۲۲ تهران م ۱۰۴  
 ۲ - از مأموریت‌های زنانی که همراه عروس به منزل داماد می‌رفتند یکی این بود که يك دختر نابالغ را وادار می‌کردند يك قطعه چرم را با میخی که به طنابی وصل شده بدیوار بکوبد و آنگاه با بردن نام هر کدام از اعضای خانواده داماد به طناب يك گره می‌زند و گویند:

- بستم ، بستم ، زبان بد گو
- بستم ، بستم ، زبان حوا
- بستم ، بستم ، زبان سارا

بعد مادر شوهر و یا خواهر شوهر آنها را به خانه عروس می‌برند که سر فرصت در گورستان کهنه‌ای چال کنند و زبان بدخواهان عروس را برای همیشه می‌بندند، این کار را زبان بندان می‌نامند.

نقل از خشت تا خشت م ۱۹۰  
 ۲ - به فصل ادبیات عامیانه مراجعه فرمائید.

## مرگ و مراسم آن

بسیاری از مراسم مرگ چون از دیدگاه مذهبی انجام می‌گیرد شبیه همانند ولی بعضی از مراسم آن متغیر و گاهی کاملا متفاوت می‌تواند باشد. اصولا شخص در حال نزع را وقتی رو به قبیله نهادند و آب تربت باز خوراندند، جهد می‌کنند که اشهد ان لا اله الا الله را بگوید و آنگاه هر چند لحظه یکبار آینه جلوی چشم می‌گیرند تا بدانند مرده است یا نه؟ مسلم است که وقتی آینه بخار تزند، مریض مرده است آنگاه گریه و زاریها - و تحسر بخاطر نداشتن مادر، پدر یا برادر و خواهر و یا حاضر نبودن، در محل شروع میشود. فامیل و همسایه‌ها جمع می‌شوند و هر کس در حد فامیلی و آشنائی متأثر و در غم شریک می‌شود. مرده‌ها در اولین فرصت می‌خواهند دفن می‌کنند و این کار بیشتر در روستاها بصورت تعاونی سنتی انجام می‌گیرد، بطوریکه بیشتر مردم دست از کار کشیده و در دفن او شریک می‌شوند، البته اگر شب هنگام مرده باشد تا صبح او را در مسجد محل نگه می‌دارند.

در سوگواریها زنان سهم بیشتری دارند و بیشتر از مردان شیون راه می‌اندازند و آنگاه مراسم شستشوی مرده در منزل یا در غسالخانه انجام می‌گیرد خارج کردن مرده از منزل و تطهیر آن، کفن کردن و خطبه خواندن نماز وحشت و مجلس ترحیم، شام غریبان، روز اول - دوم و سوم مجالس ترحیم زنانه شب هفت، سوگواری نهمین عید - برگرداندن صاحب مرده به خانه‌اش و سرکاشی - خیرات هائی که داده میشود - سیاه پوش شدن اعضای خانواده سالروز مرگ از مسائلی است که کم و بیش در بیشتر خانواده‌ها انجام می‌گیرد.

ولی از دیدگاه جامعه شناسی باید آداب و رسوم این مراسم آورده شود. این آداب و رسوم و اعتقادات در جوامع متفاوت اند در بعضی جاها مرده‌ها را اگر بیشتر عزیز باشد در خود منزل خاک می‌کنند و این اصولا در خانواده‌های گسترده بعمل می‌آید که وابسته بهمه می‌گردد و عاطفه و علاقه خانوادگی نقشی بسزا دارد. بعضی‌ها قبل از مرگ لباس مرگ خود را تهیه می‌کردند و بیشتر از مرگ می‌آوردند، در گذشته بعضی‌ها حتی آن لباس را در منزل پوشیده و در گوشه‌ای از منزل محلی را قبر درست می‌کردند و در آنجا هر چند یکبار دراز می‌کشیدند و بدین ترتیب مرگ را بر خود هموار می‌ساختند. بعضی‌ها دارای وصیت نامه بودند که به دکات یک نفر عمل میشد و گاهی اثرات وصیت نامه عده در سوگ پرهیجان و عدم ای را ساکت می‌کرد.

در بررسی‌ها، آداب و رسوم و مراسم مربوط به مرگ از مسائل زیر و با شبیه آن آورده شود:

در حال جان کندن چه مراسمی انجام می‌گیرد؟ مانند چسباندن دستها به بدنش، احضار قاری قرآن - در آوردن دندانهای مصنوعی - خواباندن به پشت - انتقال میت به تابوت و حمل آن به غسالخانه بستن چشمان و دهان مرده - خارج کردن مرده از منزل روی دوش و بستن تابوت - فرستادن صلوات - کمک عابرین -

مراسم شستشو، که اگر میت مرد بود، مرد والا زن مرده را بشوید قرار دادن چوب زیر بازو و مالیدن کافور و مسدود کردن سوراخهای بدن. مراسم برداشتن و بخاک سپردن مرده - طول و عرض و گودی قبر - نماز میت - ریختن خاک بر روی قبر توسط عده‌ای که بر سر مزار آمده‌اند.

مرام ختم مردانه و زنانه - چکونگی برگزاری آن در منزل و مسجد -  
گسترده سفره که بر آن شمعدان و گلدان گلاب قرار داده اند .

سرسلامتی بخانواده میت - ( در بعضی از روستاها وقتی مردی بمیرد زن او را  
در وسط اطاق قرار داده و هر کس که می رسد دو بامپی به سر او می زند که بدبخت  
شده و شوهرت مرد )

- مراسمی که در شب هفت برپا می گردد - مراسم روضه خوانی - خیرات  
- چله مرده (شب چهل مرده) سال مرده - اولین عید بعد از مرگ -  
سیاه پوشیدن بازماندگان .

- زنان و مردان چگونه از سوگ در آورده میشوند ؟

- اشعار دوی سنک قبرها ، اشکال و نقاشی های آنها . (۱)

## فصل پنجم

### آداب و رسوم زایمان

( بررسی ضرب المثل ها و داستانها ، روشنگر این واقعیت است که در هر  
جامعه ای نیاز به داشتن کودک در بین انسانها وجود داشته است و بداندجهت بمداز  
مراسم ازدواج افکار خانواده در آستنی متمرکز میشد و چون زنی باردار میشد  
افتخاری نصیب خانواده مینمود و اگر نوزاد پسر می بود ، موجودیت خود را در  
آن خانه تثبیت میکرد . (۱) برای نیل به این مقصود از انجام هر کاری فروگذار  
نمی کردند و بدین سبب درین مورد به مسائل و مراسم جالبتری برخورد می کنیم  
که بیشتر رنگ محلی دارند . اگر زنی نمیتوانست باردار شود اعمال مختلفی انجام  
می دادند . )

۱ - گویند زن تا فراتریده بیگانه است ، هزارویک سخن در امثال و نمایح و حکم  
امیرقلی امینی سال ۳۹ ص ۴۳ .

۱ - جهت آگاهی بیشتر از این به منابع زیر مراجعه فرمائید .

الف - سوگواریهای ادبی در ایران - کوهی کرمانی - تهران ۱۳۳۳ .

ب - سنک مزارعای ایران - هوشنگ پورکریم - هنر و مردم سال ۳۲ شماره ۱۲

در تهران چله بری (۱) در آذربایجان با مشکل گشا و یا گیاهی که دارای سه برگ متصل بهم باشد جوشانده و به زن نازا میدهند. در مشهد هر وقت زائویی به حمام برود با او به حمام می‌روند و از آبی که بر سر زائو ریخته باشند چند مشت به سر و سینه و شکم خود می‌ریزند (۲)

در یوش برای اینکه زنی حامله شود باید پشم گربه و پنخ هفت رنگ و گوشت شکار را ببرد حمام و وقت بیرون آمدن بپندازد نومی خون حمام. (۳)

گویند خواجه نصیر الدین طوسی هنگام مراجعت به ایران روزی به دهی از کردستان رسید عدمای زن و مرد را بکران دید و چون از قضیه جو یا شد معلوم شد که زن روستائی چند روز است برای وضع حمل دچار سختی شده است و اکنون میان مرگ و میر دست و پا می‌زند... خواجه برای رفع درد وضع حمل بیمار تعلیمات لازم را داد و ضمناً دعائی نوشت و گفت این دعا را با مقداری گشنیز به ران چپ زائو بیندبید و بعد از وضع حمل باز کنید. پس از وضع حمل، دعا را

۱ - در تهران اگر زنی آبتن تمیض می‌گفتند چله به او افتاده است که چله بری باید کرد و برای اینکار او را به حمام بهودیان می‌بردند و سکه هائی زیر پای او قرار می‌دادند آنکاه زن نازا با دست خود چهل ساقه تره (گندما) را ریز ریز میکرد و توی خزینه حمام می‌ریخت و برمی‌خاست و یک مشت از آب خزینه حمام بر صورت خود می‌زد و از حمام بیرون می‌آمد و پولها را آیکور بر می‌داشت. باز با هزار پا ویا در مرد شوی خانه چله بری میشد.

و نقل از خشت تا خشت ۲ صفحه ۲

۲ - برای آگاهی بیشتر به عقاید و رسوم عامه مردم خراسان، ص ۹۲ مراجعه فرمائید.

۳ - یوش، سیروس طاهباز سال ۴۲ ص ۷۲

باز کردند، دیدند نوشته شده «خودم جا، خرم جا، زن صاحبخانه، خواه بزا خواه ترا» این دعا، عدتها قبل در قراءت غرب ایران برای زایمان های سخت بتکار می‌رفت. (۱) در خازک اگر کودک دیر بدیا بیاید یا زائو خود ریزی داشته باشد تیر انداز مخصوص دهکده را خبر میکنند تا سه تیر بهوا شلیک کند و از زائو رفع خطر شود. (۲)

بهر حال بهر وسیله ای که ممکن باشد و یا بتوانند با انکاء به اعتقاد خود از آن برخوردار باشند، مثلاً به مقابر و امامزاده ها و دعا نویسی و قال بینی (۳) رو می‌آورند.

در خراسان هم وقتی زنی باردار شود، ولی بعد دیگر حامله نشود گویند چله روش افتاده که چله بری می‌کنند. بدین ترتیب که زن از روی جسد یک حیوان مرده (موش یا کلاغ یا گربه) رد می‌شود. زنائی هم که سقط بکنند، باز ازین نوع اعمال به نحوی برخوردار می‌شوند. (۴)

۱ - نقل از داستانهای امثال. امیر قلی امینی - اسفهان - چاپ سوم سال ۵۱ ص ۳۱۳ و یا هنر و مردم شماره ۱۱۰ مقاله مهدی پرتوی.

۲ - جزیره خازک - خسرو خسروی سال ۴۲ ص ۱۰۳

۳ - در کتاب تفریح نامه، داستان زن نازائی که متصل به فالگیر شده، آمده است. زن گوید:

برده دورت ایلدی گلین کلیمش، اولمور اولماتیم

چوخ دوا لر بییشم اولمیوب اما اثری

ترجمه: یکی هم اینکه چهار سال است که مریض شده‌ام ولی بچه دار نمی‌شوم - بسیار دارو خورده‌ام. اما اثری نکرده است.

نقل از تفریح نامه - چاپ کتابفرشی فردوسی تبریز - بدون ذکر نام نویسنده و سال تاریخ ص ۲۹

۴ - عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ص ۹۶

بهر حال چون زن آبستن شده برای نکه داری بچه ازگزید شورچشمی ها  
 (۱) اضطراراً باید مسائلی را رعایت کند . باید با اشخاص خوب نشست و  
 برخاست کند از حرکات و تکانهای شدید دوری جوید و اگر موقعیتی پیش آمد  
 که موجب سقط گردد ، برای جلوگیری از آن ، اعمالی انجام میگیرد که  
 بررسی آنها در نقاط مختلف کشور جالب است . آنچه از ابتدای احساس  
 آبستنی در زندگی يك خانواده وفامیل تا آخر میگذرد میتوان چنین خلاصه  
 کرد ، که هر يك از اینها هم ضمن داشتن مراسمی ، از خصوصیات ویژه ای  
 برخوردارند :

- وبار ، حالت وبار ، چگونگی رفع آن ، عقاید وخرافات مربوط بان
- قفل کردن کمرزن .
- برای اینکه صاحب پسر و یا دختر باشند چه کارهایی انجام میدهند .
- چگونه وجود آنرا پیش بینی میکنند .
- چگونه و چه وسائلی برای شکم اول به منزل داماد می فرستند ؟
- با ذکر و توصیف آنها .
- زایمان و مراسم آن - چه کارهایی برای دیرزائی و سخت زائی انجام  
 می دهند ؟

- در طالع آباد از همان روزهای اول به تعداد بچه مهرهای رنگه  
 رنگ بنام نظر قربانی آویزان می کنند تا طفل از چشم زخم افراد و تضر خوردن مصون  
 باشد . معتقدند مهرها هفت عدد و هر يك به رنگی که اسامی بخصوصی دارند ، باشد :

۱ - مهره فیهه ۲ - مهره آل ۳ - مهره زردی ۴ - مهره حقه  
 ۵ - مهره بیج ۶ - مهره آب حیات ۷ - مهره نیلی م ۲۲۹

- ناف بری - اطاق زائو - غذای کودک - حمام کودک - حمام زایمان (۱)  
 لباس کودک - مهمانی های مربوط - سوراخ کردن گوش دختر - قربانی ها  
 چگونگی نامگذاری کودک ، دندان درآوردن (۲)

- ۱ - مراسم حمام زایمان در تهران جالب و در کتاب ازخشت تا خشت م ۶۳ آمده است ،  
 وقتی که زائو از خانه خارج میشد ، زنها دست می زدند هلهله می کشیدند دسته جمعی  
 این ترانه را می خواندند :

  - هد هد خیر آورده
  - مشک و عنبر آورده
  - بادام تر آورده
  - شمس و قمر آورده

که برگردان آن «قدش مبارک باشد ، است .

- ۲ - در آذربایجان وقتی بچه دندان در آورد برایش دندونی (دیشلیق) درست  
 می کنند . بدین ترتیب که نخود را در آب بعد از شستن می پزند تا حدی که بیار  
 نرم شود و آنکاه به بچه می دهند که با خوردن آن دندانهایش صفت شود .  
 در مورد زایمان و مراسم آن بمنابع زیر مراجعه فرمائید :

  - الف - تاریخ نائین - بلاغی ، سید عبدالحجّه - تهران ۱۳۶۹ قمری
  - ب - دیدنیها و شنیدنیهای ایران - محمود دانشور - جلد اول سال ۲۶ تهران
  - ج - نیرنگستان هدایت - چاپ سوم سال ۴۲
  - د - فرهنگ ایران باستان - دستم شهزادی - مقاله آداب و رسوم ایرانیان از  
 هنگام تولد تا گاه مرگ شماره شهرپور ۴۷
  - ه - آداب زایمان ، فروغ حیدری فردوسی شماره ۷۸۵
  - و - زایمان ، علی بلوک باشی ، پیام نوین مهرماه ۴۴
  - ز - آئین زایمان ، مظفر مجتوب ، ایران ، سخن بهمن ماه ۴۷
  - ح - شماره های ۹۱۲ - ۸۸۴ - ۸۷۵ فردوسی



ختنه سوران نزد بزرگان و اشراف قدیم با شکوه و جلال تمام برگزار و به مناسبت، هدایا و پیشکشها تقدیم می شده است. فی المثل در ختنه سوران احمد میرزا ولیعهد (احمد شاه قاجار)، محمد علی شاه که برای درهم کوبیدن انقلاب تبریز پولی نداشت از پیشکشها هدایایی که بوسیله رجال تقدیم شد، چندان پول بدست آورد که توانست به این لشکرکشی اقدام نماید (۱)

البته ختنه کردن ریشه قدیمی دارد و دختران نیز مانند پسران ختنه میشوند که با آوردن اسلام نزد دختران منسوخ شده است و چون يك فریضه دینی است باشکوه تمام در بعضی جاها برگزار می گردد و مراسم ختنه سوران مشهور است. انجام این عمل بدست دلاکها بود بعد از آنکه اقوام و خویشان طبق دعوت جمع میشوند و اسپند دود میشود، انجام می دادند و اهل خانه شادی نموده و ترانهائی می خواندند (۲) و سرسنتی بجه جمع آوری می شود بطور کلی در بررسیها باید در مراسم حمام بری کودک و مراسم مجلل ختنه سوران - طرب و نوازندگی

و اعمال بعد از ختنه و داروهای جای زخم، دقت شود. (۱)

برای اطلاع بیشتر به منابع زیر مراجعه شود.

- ۱ - ختنه - دکتر عزیزاله بلور، تهران ۱۳۳۷
- ۲ - از خشت تا خشت کنیرائی ص ۳۹
- ۳ - زایمان - علی بلوک باشی مجله پیام شماره ۸ سال ۱۳۴۴
- ۴ - نیرنگستان صادق هدایت
- ۵ - ختنه سوران در پیرچند عبدالله بهالگردی - هنر مردم شماره ۱۵
- ۶ - ختنه سورونی در دزفول، محمد رشیدیان فردوسی شماره ۹۲۹
- ۷ - مراسم ختنه سوران، نسیم وزیری فردوسی شماره ۸۹۱

۱ - دایرة المعارف فارسی، غلامحسین مصاحب ص ۸۱۴

- ۲ - مرد غریبم گل پنبه از راه رسیده گل پنبه
  - هیچچه ندیدم گل پنبه کنجه خزیده گل پنبه
- نقل از عقاید و رسوم مردم خراسان ص ۱۳۵ به متن مراجعه فرمائید.

## فصل ششم

### باورهای گوناگون عوام

مسائل عمومی به اندازه‌ای وسیع و دامنه دار است که ارائه نمونه آنها نیز نمیتواند جوابگوی گوشه‌ای از کل دانش عوام باشد لذا اسطراراً آنها را به موضوعات زیر تقسیم میکنیم.

مطالبی که با تجربه و عمل ارتباط دارد مانند:

شمردن اعداد هنگام خواب جهت خواب رفتن. (چگونه میشمارند آیا از يك شروع میکنند و به ردیف آنرا دنبال میکنند یا اینکه يك در میان از يك شروع مینمایند مانند ۱، ۳، ۵ و یا از ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰ و بعد در ۱۰، ۳۰، ۱۰۰ چهار ۱۰۰۰).

برای روستائی چه مزیتی دارد؟ و هنگام شمارش، اندیشه هایشان بیک نقطه معطوف میگردد یا نه؟ شدت سرمای زمستان را چگونه با ریزش برك های بعضی از درختان و یا باد حدس میزنند؟ شدت گرمای تابستان را چگونه با ریزش برك های بعضی از درختان و یا باد تخمین میزنند؟ شدت گرمای

تابستان را چگونه با گذشت زمستان تخمین میزنند؟ چگونه و چه عقیده‌ای در مورد درآوردن چوب (گرد و خاك) و یا يلك تا خورده دارند؟ چه اطلاعاتی در مورد شکسته بندی دارند؟ از کجا یاد گرفته‌اند؟ آیا واقعاً عملی است یا نه؟ چگونه درجه رطوبت را با فرود بردن کوزه‌ها در خاك اندازه گیری میکنند. موقعیت هوا را چگونه از اشکال ابرها حدس میزنند (اشکال ابرها تشریح گردد) موقعیت هوا را چگونه از مهاجرت‌های دسته‌جمعی پرندگان و حیوانات تشخیص میدهند؟ امراض کودکان شیرخوار را چگونه از گریه شان تشخیص میدهند؟ (۱) در اراضی چگونه بمنایع آب‌های زیرزمینی دسترسی پیدا میکنند؟

اطلاعات و اعتقادات در مورد دین و مذهب و آئین‌ها

مردم به چه دین و مذهبی و یا طریقتی اعتقاد دارند؟ چه اعتقادی در مورد بوجود آوردن جهان دارند. اطلاعاتی در مورد طریقتها؟ بدنای بعد از مرگ چه اعتقادی دارند؟ در مورد روح چگونه می‌اندیشند. درباره بهشت و جهنم چه اعتقادی دارند و آنها را چگونه توصیف میکنند؟ چه انیائی در نظر آنان مقدس است. چه محللهائی شوم شمرده میشود و بچه‌ها؟ آیا آئین‌های دیگری دارند اعتقادات مخفی آنها از چه نوع است؟ محل سکونت روستائیان بر حسب دین، طریقت و تعداد آنها؟ در مورد لباس سفید عروسی چه می‌اندیشند؟ در مورد کفن سفید مرده چه می‌اندیشند؟ در مورد لباس سفید حاجی‌ها چه می‌اندیشند؟

۱ - در طالب آباد اگر بچه‌ای زیاد گریه کند برایش دعا می‌گویند و یا چند نفر چادرشبی را پهن کرده اطرافش را گرفته از زمین بالا نگه می‌دارند، مادر بچه از بالا بچه را به وسط چادرش پرتاب میکند تا بچه آرام شود. اگر باز هم کودک آرام نشد دگر دست بچه را (رگی که خورد می‌شامند) می‌برند. طالب آباد سن ۳۱۰

فدیه چیست؟ قربانی گاو، گوسفند، شتر و غیره چه مزایائی دارد؟ در مورد آتش - روشنائی چه می اندیشند و چرا مردم آنها را دوست دارند. ستاره ها چیستند و زندگی چه ارتباطی با آنها دارد؟ کدام ستاره ها مبارک اند و کدامشان نامیمون؟ در مورد خورشید و ماه چه می اندیشند؟ آسمان چند طبقه است یا ذکر افسانه ها؟ گرفتگی خورشید برای چه کسی ضرر دارد؟ آیا ماه گرفتگی برای دوام دولت ضرر دارد؟ در مورد سرما، گرما، برف، رعد و برق چه عقیده ای دارند قوس و قزح چیست و بچه نامهایی خوانده می شود؟ تیر شهاب چیست و چه عقایدی در مورد آن وجود دارد؟ در مورد کوه قاف چه عقایدی وجود دارد؟ در مورد آتشفشان و زلزله چه عقایدی هست؟ راه مکه چیست؟

ماده تاریخ کدام است؟ تقویم عامیانه؟ چه خاطراتی از گذشته در مورد مسایل آتش سوزی، گرسنگی، خشکسالی و قحطی بیاد دارند؟ آیا تاریخ سال را به حساب آنها میدانند؟ افسانه هائیکه در این مورد میدانند. بعضی از حیوانات در زندگی مردم خواه ناخواه وارد شده اند که بعضی از آنها را عزیز میدانند و بعضی ها را خوار میشمارند نمونه هایی از آنها آورده شود مثلاً علتی که موجب احترام به کبوتر میشود؟ در آذربایجان میگویند هنگام مرگ امام حسین ع آنها آب آورده اند و پاهایشان بخون امام حسین آغشته شده و بدانجهت پاهایشان قرمز مانده است.

چلچله چرا پرند ای است مبارک. در آذربایجان گویند نوید عید میدهد و وقتی در روستا دیده شد نشانه عید است.

چرا شتر مقدس است؟ در مورد قیل - میمون - خرگوش - گنجشک - قناری - قورباغه - ماهی و .. چه می اندیشند. خر خاکی در وضعیت سال جدید

چه نقشی دارد؟ در مورد جغد و مرغ حق چه عقایدی هست؟ در مورد حاجی لك لك - مرغ و خروس چه می گویند؟ صدای حیوانات و آواز جانوران نمایشگر چه مطالبی هستند؟ شبیه اسب - عوعو سگ نشان دهنده چیست؟ در مورد صدای مار خانگی چه عقیده ای وجود دارد؟ آیا قطع کردن درخت گناهی دارد؟ در مورد درختانی که میوه کم می آورند چه میکنند؟ در مورد درخت نوت چه میدانند؟ ارزان و اندازه ها چگونه است؟ روستاها چه جشنی دارند، سده، نوروز، مهرگان، جشن خرمن، جشن محصول؟ در رمضان مراسم ماه بینی چگونه است؟ بدی و خوبی سال را چگونه پیش بینی میکنند؟ در مورد اعضاء بدن انسان چه مسائلی مطرح میشود؟ ( برای مثال خاریدن دست علامت پولدار شدن است )

دندان شیری، افتادگی دندان، دندان درد، دندان ۱۲۰ سالگی - گرم خوردگی دندان چگونه برطرف میشود؟

خاصیت مهره مار چیست؟ در مورد سنگهای قیمتی مانند زمرد - عقیق چه عقایدی وجود دارد؟ در مورد ویرانه های روستا چه می گویند؟ در مورد اشیاء قدیمی روستا چه عقیده ای هست؟ در مورد حضرت خضر چه عقایدی وجود دارد؟ در مورد عطسه چه می گویند؟ نظر زدن چیست؟ فال گرفتن و عقاید موجود در مورد آن؟ رویا و بارهای مردم درباره آن؟ در مورد مرگ و زندگی چه می گویند؟ در مورد غول بیابانی چه عقیده ای وجود دارد، در مورد سیمرغ و اژدها چه نظرهائی وجود دارد؟ شاه پریان کیست؟ افسانه های مربوط به شاه پریان. خر دجال چیست؟ عوج ابن عنق چیست؟ در مورد شیطان - قدرت شیطان - جن و دیو و فرشته مردم چه می گویند؟ ملائکه کدامند

احضار ارواح مردگان چگونه صورت می‌گیرد . مسائل خیر و شر کدامند ؟ روز قیامت چیست ؟ پل صراط کدامست ؟ تمثیه کودک یتیم چه عقوبتی دارد . در مورد اسب چه عقایدی هست ؟ آئینه و اعتقادات مردم در مورد آن ؟ چه روزهایی در مدت ماه نحس شمرده میشود چرا ؟ در مورد مهمان ، ناخن ، هوو ، خال ، شپش ، سفید بختی و سیاه بختی ، روگشائی و روگیری چه عقایدی هست . در مورد کارکردن زن - بزك زنان و پیرایه هائی كه بخود می آویزند چه میگویند حنا بستن به نوک انگشتان و اعتقادات مربوطه . دخیل بستن - معجزات امامزاده‌ها با نذر و قربانی و زیارت آنها . تخم مرغ نویسی برای افتادن زگیل . نف کردن به زگیل جهت افتادن آنها . اقسام سفره ها ، سمنو ، گدا ، درویش . چوپان - داروی عشق ، زهر ها و پاد زهر ها کدامند . ( مانند داروی عقرب زدگی و هار زدگی ) در مورد حمامها و خانه‌های جن دار ، گربه سیاه ، ارواح نیکوکار ، زیر پا گذاشتن مورچه . یشم چینی گوسفندان ، شاطری ، قهوه خانه نشینی ، قلیان ، بیکاری پنهانی ، ازدواجهای خانوادگی ، محدودیت ازدواج ، قمار ، بر خوردها و معاشرت ، تعبیر خواب ، دعای خواب ، یزشکی هایمانه ، مداراهای محلی مانند گلورد - موخوره - عقرب زدگی - کچلی ، زگیل ، حجامت ، پرده های نقاشی و تعزیه چه عقایدی دارند ؟

## بخش چهارم

## فصل اول

### ادبیات شفاهی

#### شعر عامیانه

شعر عامیانه شاخه ای از ادبیات شفاهی عوام است که بصورت‌های گوناگون و با مضامینی متفاوت دیده می‌شود این اشعار از دل‌هایی برخاسته‌اند که زخم‌های دل را بجز با این سوز و گداز مرهمی دیگر نمی‌بایست.

نواحی مختلف روستائی ایران، نسبت به موقعیت جغرافیائی و اجتماعی دارای اشعاری هستند که موضوع‌های آنها با همه سادگی آغشته پدردی است که ترکیب کلمات و حتی موسیقی آن نمایشگر سال‌های پررنج آنهاست. نشان دهنده زندگی انسان‌های حسرت کشیده‌ای که پرده سیاه و کدر نامرادیها و ناکامیها بر آنان سایه افکنده است و نشان دهنده نشاط‌های روستائیان ساده دلی است که به تلخی انجامیده و در بعضی جاها حتی خنده‌ها و نشاط‌ها هم در این ترانه‌ها صورت غم گرفته‌اند. خواندن این اشعار بهر صورتی و شکلی که باشد التیام بخش دل‌های زجر کشیده

و حسرت زده آنهاست. چه فراوان اشکها که از زمزمه این ترانه‌ها فرو می‌ریزد و آتش دل‌ها را موقتاً به سردی می‌کشد. این اشعار از صمیم دل با اعتقادی تمام به حقیقت آن خواننده میشود، زیرا این اشعار خود زندگی آنهاست.

اشعار عامیانه بر حسب نوع شعر متفاوت است که دوبیتی رایج ترین آنهاست شامل چهار مصرع که سومی آزاد است، بوزن مفاعیلن - مفاعیلن - مفاعیلن. دو بیتی‌ها در ایران، عموماً رنگ و بوی محلی گرفته‌اند و بدانجهت گنجینه عظیمی از مواد فولکلوری را شامل است) به این دو بیتی توجه کنید:

به فربون وفايت يار ، برگرد بیوسم هر دو پایت يار ، برگرد  
بیوسم هر دو پایت تا بزانو برای خاطر م این بار برگرد  
دل دیگر توانائی نگهداری اینهمه بارگران را ندارد و بی اختیار مانند  
بره‌ای که از رمه‌ای دور افتاده باشد ندا می‌دهد. تازه چه کسی میداند که این  
ناله يك روستائی ساده است و یا ناله چوپان که در حسرت و فراق دختری که از  
قبیله کوچ کرده است؟ بهر حال آنچه باقی است دنیائی حسرت است و سوز.  
و باز:

شب تاریک و مهتابم بیومد نشستم تا سحر خوابم نیامد  
نشستم تا دم صبح قیامت اوهد و یارم نیامد

□□□

مرا غم روز وشو اندر کمینه همیشه این دلم بی‌دل غمینه  
همه میکن که گرمای زمینه خردم دونم فراق نازینه

□□□

درعالم هرچه دیدم از تو دیدم دل از دنیا بریدم از تو دیدم

تو دادی شهرت بد نامی من      بهر خواری رسیدم از نودیدم (۱)

این دوبیتی ها همچون آئینه ای گذشته را در مقابل دیدگان ما قرار می دهد. سراسر حسرت و ناکامی، همه غربت و فراق در مقابل آن همه شدائد و خستگی های زنده ماندن، هنوز آن احساس های پاك و بی آرایش در سینه ها موج می زند و بصورت فریادی در شعرها جان می گیرد در گوشه و کنار ایران این دوبیتی ها فراوانند، بعضی ها گوینده مشخصی دارد مانند دوبیتی های باباطاهر. فایز دشتستانی و بعضی تنها فریاد هائی هستند که در جنگلها، کوهپایه ها شکل گرفته اند و این ها گوینده مشخصی ندارند بلکه درد همگانی را در کلامی خلاصه کرده اند.

در شهرها این دوبیتی ها به لهجه های محلی فراوانند اما تنها زبان آنها متفاوت است ولی درد همه آنان یکی است. در خراسان:

نگاری در سفر دارم خدایا      دوچشم در پوست در دارم خدایا (۲)  
دو چشمم شد سفید و او نیامد      نه کاغذ نه خبر دارم خدایا (۳)  
درگیلان:

کلاچ قارقار کون از کوه با مو      می بار سفید پیران از یورد با مو  
الهی من بیم آپور ده را دار      می یارا بیدبشم روزی هزار بار (۴)

۱ - هزار ترانه - گردآورنده ۱ - ع نام محل چاپ و سال ندارد ص ۱۹

۲ - دوچشم در پشت در ..

۳ - ترانه های روستائی خراسان - ابراهیم شکورزاده تهران سال ۱۳۲۸ دوبیتی

شماره ۱۳ .

۴ - ترانه های روستائی گیلک . علی اکبر مرادیان ، رشت سال ۳۷ ص ۳۱ .

ترجمه دوبیتی گیلکی:

کلاچ قارقار کن از کوه آمد      یارم با پیران سفید از پل آمد  
الهی من نکهبان پل گردم      تا یارم را روزی هزار بار ببینم

ترانه ای از جنوب شیراز:

خودت گفتی که وعده در بهاره      بهار اومد دلم در انتظاره

بهار هر کسی عید است و نوروز      بهار عاشقون دیدار یاره (۱)

در ترانه های محلی ایران گفته شد، آنچه بصورت دوبیتی است از چهار

مصرع بوزن عروضی مفاعیلن - مفاعیلن - مفاعیلن درست شده است ولی در نقاط

مختلف کشور همیشه باین وزن نیست مانند آنچه در آذری بصورت هزج محذوف

مفاعیلن - مفاعیلن - فعولن بوده است و یا بصورت های دیگر (۲)

دوبیتی های بومی شفاهی آذربایجان را بیاتی می نامند که شاید البته بوسیله

شاعران ساز زنی بنام عاشق سروده شده باشند، بیاتی های اصیل بر اساس وزن

هجائی (سیلابیک) استوار است.

آقام او نازلی قویون      قرقاول گوزلی قویون

بنیری کسمه کسمه      قانقی اوزلی قویون (۳)

فورمهای شعری آذربایجان عبارتند از - قوشما - گوزه لله مه - گرایلی -

بیاتی - قوشایارباق تجتیس و جز آن (۴) اصولا عاشق ها در آذربایجان بازگو

کننده موسیقی و ادبیات عامیانه مردم اند - مضامین اشعارشان بسیار متنوع و رنگا

رنگ است و صورت های عاشقانه ، انتظار و فراق ، مردانگی ، معتقدات و مسائل

۱ - یک هزار و چهارصد ترانه محلی - صادق همایونی ، شیراز سال ۴۸ ص ۱۳۱

۲ - آذری با زبان باستانی آذربایجان ، احمد کسروی ۵۲ چاپ پنجم تهران ص ۴۲

۳ - عزیزم آن گوسفند با ناز      گوسفندی که چشمش مانند قرقاول است

پنیر قطعه قطعه می دهی و ماستی که رویه دارد ( در این دو بیتی آ نام به معنی

مادر معنی مجازی عزیزم را دارد . )

۴ - واقف شاعر زیبایی ، حقیقت - حسن صدیق ص ۴۲

زندگی دیده میشود ولی در همه آنها زندگی روستائیان ساده نقش بسته است.

شاعران در این بیانی ها سخنی را با ساز درآمیخته اند که ادبیات مربوط به آنها را ادبیات عاشق گویند.

بنظر میرسد این نوع شاعران محصول زندگی کوچ نشینی و نیمه کوچ نشینی و یا زندگی روستائیان هستند که اشعارشان را با ساز می خوانند، در آذربایجان این ساز زلفای شاعر یعنی (عاشق) را می توانیم چنین تقسیم بندی کنیم:

#### شعرای روستا

شاعر روستا یا عاشق با اشخاص با سواد، در کوچ ها و یا در روستائی همنشین شده و به ملاحظه زندگی طبیعی و ساده آنان شعرهایی سروده اند که بررسی مضامین بیانی ها می تواند به جدائی این نوع دوبیتی ها کمک کند.

نوع دوم عاشقانهائی بوده اند که در روستا زندگی می کردند ولی بعلت اقامت همیشگی در روستا، اشعاری سروده اند که کاملاً رنگ و بوی محلی دارند مانند آنچه در مورد گاو، غربت، گرسنگی، توکل به خدا، بلاهای آسمانی و مانند آن سروده شده و در عروسی ها خوانده میشود.

بعضی از این عاشق ها در خدمت ایلات بوده اند و در اشعار آنها مضامین بیشتر در مورد جنگ و صلح - قحطی - سلامتی و مانند آن است که شاعر با استفاده از سخنان روزمره آنها را سروده است.

نوعی دیگر عاشق های مذهبی و طریقتی هستند که در اشعارشان به توصیف و درخواست کمک از قوای ما فوق انسانی پرداخته اند. اشعار علوی ها از این مقوله است.

بنابر آنچه آمد ملاحظه میشود که این بیانی ها را باید در دو مأخذ

جستجو کرد:

الف - حافظه عاشقانهائی که از روستائی به روستای دیگر این اشعار را با خود برده اند و بدین ترتیب نسل به نسل بما رسیده است.

ب - مطالبی که در قدیم بعضی ها اعم از شعر و یا داستان جمع می کردند که جنگ گفته میشود.

پس درگردآوری و طبقه بندی بیانی ها و اشعار باید به موضوع آنها توجه نمود و پس از جمع آوری آنها را طبقه بندی نمود.

اشعاری که موضوعات آنها کاملاً از زندگی داخلی سرچشمه گرفته اند عبارتند از:

۱ - شکایت از مادر شوهر

۲ - شکایت از بی وفائی زندگی

۳ - شکایت از فقر (این اشعار هم باز کم اند زیرا به داده های خداوند راضی بوده اند).

۴ - اشعار و بیانی هائیکه مورد حسودی و یا عواطف انسانی سروده شده است.

۵ - بیانی های محلی خانگی

ترانه ها و بیانی هائیکه از جنبه های مختلف زندگی سرچشمه گرفته اند مانند:

۱ - آنچه در مورد، جنگ، قهرمانی، لوطی گری، دزدی روستا، راهزنیها

۲ - بیانی و ترانه هائی در مورد سربازی و جنگ.

۳ - بیانی و ترانه هائی در مورد صفات مردانگی.

۴ - ترانه‌هایی که در جمع خانوادگی خوانده میشود

۵ - ترانه‌هایی که در بازیهای دسته جمعی خوانده میشود

۶ - ترانه‌هایی که در اغوای دختر خوانده میشود

۷ - لالایی‌ها

### بیاتی های تفریحی

۱ - اشعاری که در آنها فحش و بد و بیراه گفته شده است

۲ - اشعاری که بصورت هجو آمده‌اند

۳ - اشعاری که بصورت لطیفه آمده‌اند

۴ - موضوعاتی که مانند شعرند و در اول بعضی داستانها قبل از شروع خوانده

میشود. مانند:

اول زمان ایچینده      قالبور سامان ایچنده...

که در فارسی نیز شبیه به آن اینست:

اما راویان اخبار ، ناقلان شیرین گفتار . . .

بیاتی هایی در موضوعهای مختلف

۱ - بایاتی ها و اشعاری که مضامین آنها از زندگی تلخ اجتماعی گرفته

شده اند

۲ - مرثیه هایی که به بزرگان دین مربوط میشود

۳ - ترانه هایی در مورد مرگ و قتل و مانند آن

۴ - لوحها و مرثیه‌ها

۵ - ترانه‌ها و بیاتی هایی در مورد زندان

۶ - اشعار در مورد حوادث جنائی که در داستانها هم آمده است

۷ - ترانه‌هایی که به شخصیت‌های تاریخی ، افسانه‌ای و وقایعی مانند زلزله

و آتشفشان مربوط میشود

۸ - ترانه‌هایی که در مورد بلاهای آسمانی است

۹ - بیاتی های عشقی ، نامزدی ، عروسی - درو - خرمن

۱۰ - ترانه‌ها و بیاتی هایی که به شخصیت‌هایی مانند خضر و الیاس ارتباط

دارند . (۱)

### لالایی ها

لالایی ها نوعی دو بیته هستند که دارای مضامین ویژه ای هستند . عموماً

غم انگیزند کسی چه می‌داند شاید خواندن این لالایی‌ها بر فرزندانشان بهانه‌ای برای

خالی کردن عقده های دل مادران بوده است . شاید وسیله ای برای چکاندن چند

قطره اشک!

در لالاییها عموماً توبه آمدن پدر ، زندگی بهتر و یا شهادت دادن کودک به

انواع گلها مطرح میشود مانند:

۱ - در مورد عاشق از آنسبکلویدی اسلام چاپ آنکارا استفاده شده است .

در مورد ترانه‌ها و دوبیتی‌ها به منابع زیر رجوع نمائید:

الف - کورانی یا ترانه‌های کردی - دکتر محمد مکرری تهران سال ۱۳۲۹

ب - شیراز در گذشته و حال - حسن امداد - شیراز ۱۳۳۹

ج - گزارش گویشهای لری - علی حصودی - تهران ۴۲

د - رابطه اوزان شعر فارسی یا اوزان ترانه‌های محلی - ادیب طوسی ۳۲ تهران

ه - ترانه‌های محلی - ابوالقاسم فقیری شیراز ۴۲

در مورد عاشق های آذربایجانی:

۱ - عاشق ها و ترانه‌هایشان محمدزاده صدیق - پیام نوین دوره دهم شماره ۴ ص ۲۹

۲ - مجموعه مقاله‌ها صد بهرنکی ، تبریز سال ۴۸ ص ۱۵۷ و ۱۵۶ و ۱۶۸



گل لاله

لا لا لا - گل لاله

پلنگ در کوه می ناله

گل پونه

لا لا لا گل پونه

گدا آمد در خونه (۱)

در بعضی مواقع گاه به گاه ریشه خیالی داشته است مانند :

لا لا لا ای گل آهن - بابات را دشمن کشتن

در آذربایجان نیز لالائی وجود دارد که بعنوان نمونه ذیلا آورده میشود :

با صدای بلند برایت لالائی گفتم صدایم از درون در نمی آید

خداوند ترا نکه دارد از آبله و سرخک (۱)

۱ - قسمتهائی از لالائی های شیراز - فقیری - کتاب هفته شماره ۳۱

در شماره ۱۷ کتاب هفته به نقل از علی بلوک باشی چنین آمده است :

لا لا گل پونه

گدا اومد در خونه

نوشت دادم بدش آمد

پولش دادم خوشش آمد

خودش رفت وسکش آمد

چخش کردم بدش آمد

نازش کردم خوشش آمد

۱ - در ترکی آدری چنین است :

لای لای دندیم اوجادان

تا ری سنی ساخلاسون

مسیم چیخماز با جادان

چیچکدن قسز یلجادان

و به يك لالائی از شیراز و خراسان توجه کنید :

لا ، لا ، لالا گلم باشی تمنای دلسم باشی

بمونی همدم باشی گل و ناج سرم باشی (۱)

۵۵۵

گلم در خواب ، گلم بیدار گلم هرگز نشه بیمار

اگر خواهه شوه بیمار خداوندا نگاهش دار (۲)

دعای باران

( در گوشه و کنار شهرها و روستاهای ایران به علت کمبود آب و بی بارانی متوسل به درگاه خداوند شده و طلب باران می کردند. این دعا در مشهد، شیراز، آذربایجان و پاره ای از نواحی شمال که مقدار باران آن کم نیست وجود دارد. این بی آبی اعتقادات مردم عوام را برانگیخته و در نتیجه اشعار و مثلها و قصه های بیشماري بجا مانده است .

این نوع باورها ریشه قدیمی دارد همانطور که زردشتیان نیز اوراد خاصی برای طلب باران داشته اند . یعنی هنگام بی بارانی مردم به خارج از ده می رفتند و در محلی می ایستادند و ادعیه مخصوصی قرائت می کردند و از آسمان طلب باران می کردند (۱) .

در مورد باران ادوارد براون گوید : من تا آن موقع نمیدانستم که ایرانیان هوای بارانی را در فصل بهار و پائیز دوست می دارند و بعد فهمیدم که حق دارند

۱ - یک هزار چهارصد ترانه - سادق همایونی - شیراز ص ۲۲۰

۱ - عقاید و رسوم مردم خراسان ص ۴۵۲

۳ - آب و باران - محمد زهری - ایران آباد شماره ۲ سال ۳۹

زیرا در ایران در فصل تابستان هیچ باران نمی بارد و هر گاه در فصل بهار و پاییز هم باران نبارد دیگر گیاهی نخواهد روئید و نه فقط مزارع بلکه نهرها و قنات ها خشک خواهد شد بنابراین آمدن باران به نفع تمام طبقات می باشد و برای همین علاقه حیاتی به باران ، ایرانی ها هوای بارانی فصل بهار را دوست می دارند و برای آنها هیچ لذتی بالاتر از این نیست که یکروز بارانی بهار در آلاچیق باغ بنشینند و جام های شراب را بنوشند و فروریختن باران را روی سبزه ها ، گلها و درختها تماشا کنند (۱)

در نی ریز هنگام بی بارانی مراسمی بجای می آورند بنام شله شل بارون بیچه ها هم یکدیگر را خیر می کنند عده ای با خود کیسه ، بعضی هازنک ، از همان زنگهائی که بگردن کوسفندان آویزان می کنند ، چند نفری هم کاسه بدست سر دکه محل جمع می شوند . بعد در حالیکه زنگه را به صدا در می آورند در کوچه ها راه می افتند و در خانه ها رفته اینطور میخوانند :

شله شل بارون - ای خدا بده بارون - بارون نمی یاد بارون - از دست گنه کارون - گندم به زیر خاکه ، از تشنگی هلاکه .

بیت آخری را دو مرتبه می خوانند . معمولا صاحب خانه چیزی به آنها می دهد که بعنوان تشکر می گویند :

ای خونه ، شربت قنده که خدا درش نهنده

و اگر چیزی ندهد و مایوس شوند چنین می خوانند :

کتمه و کتمه شاه اله خونت بتمبه (خراب شود)

۱ - یکسال در میان ایرانیان - ادوارد براون - ترجمه ذبیح اله منصورى جلد ۲

درممنی چنین می خوانند :

می خواهم بریم قبله دعا بلکه خدا رحمتش بیاد

سی بندگان رو سیاه یه قطره آبی بیات

بسیاری از این ترانه های باران بسیار لطیف و شاعرانه هستند مانند آنچه در خراسان اگر مدتی باران نیامد و یا خشک مالی باشد بجهها چوبی بلند بدست گرفته پارچه ای بر آن می بندند و در کوچه ها می گردانند و این شعر را می خوانند:

چولی قزک بارون کن بارون بی یایون کن

گندم به زیر خاکه از تشنگی هلاکه

گلهای سرخ لاله از تشنگی مناله

چولی قزک بیا بیا با ابرای سیا سیا

بارون بیا جر جر تو تودرنا شر شر (۱)

و وقتی باران بیشتر شد باز برای بند آمدن آن می خوانند :

چولی قزک بارون به بارون بی یایون به

ابرا برن به کو سیا بارون بیا بیا

چولی قزک افتو ک شب که مشه مهتو ک

خانه ی ما خراب رفت تال بوم تا آب رفت

چولی قزک برو خنت پیش برار دیبوت

آتیش به جون بارون به بارون بی یایون به (۱)

۱ - عقاید و رسوم مردم خراسان ص ۳۸۸

لغات ترانه :

کو سیا - کوه سیاه ، افتو ک - آفتاب کن ، مشه - میشه ، خنت - خانهات  
پیش برار دیبوت - پیش برادر دیوانه ات .

در آذربایجان نیز به مصلى مىروند و دعا مىکنند بجهها هم چوبى برداشته  
و بر سر آن پارچه‌اى مىپيچند و دسته جمعى مىخوانند :

چمچه‌ى خاتون نه ایستر      آله دان باغیش ایستر  
الی ، قولی ضمیر ده      بیرجه فاشق سو ایستر (۱)

Come -ye Xâturn na Istar

Allahdan yagiw Istar

Ali goli Xamirda

Birca gâwiq su Istar

در بعضى از محل ها نیز بجهها آب را با دستپایشان بطرف ناودانها پرتاب  
مىکنند و چون قطرات آب از ناودان پائین آمد گویند : باران هم خواهد آمد!  
در بعضى جاها ۳۹ یا ۴۰ یا ۳۱ رز بعد از عید نوروز (مخصوصاً در آذربایجان)  
که باران مى آید . طرّف بزرگى را زیر باران مىگذارند و بعداً آنها را در بطرى  
ها مى ریزند و گویند آب نیسان است و خاصیت دارد . (۲)

۱ - ترجمه فارسى :

چمچه خاتون چه مىخواهد ؟      از خداوند بارون مىخواهد  
دسته و بازوش تو خمیر است      تنها به قطره آب مىخواهد

۲ - برای آگاهی بیشتر در زمینه باران و دماهای باران به منابع زیر مراجعه  
فرمائید :

الف - آئین طلب باران و حرمت آب در ایران - فرهنگ ایران باستان ش ۷ و ۱  
سال ۳۸ .

ب - باران نیسان و قلندرو در کرمان - اردشیر کشاورز - فردوسی شماره ۹۲۴

ج - برای اینکه باران بیارد - ابوالقاسم فقیری - کتاب هفته سال ۳۱

د - دعای باران در ممسنی - ابوالقاسم فقیری - پیام نوین شهریور ۳۱

ه - طلب کردن باران - مجید موسوی نسب - فردوسی شماره ۸۸۹

## داستان

داستانهای هرملتی نمایشگر خصوصیات زندگی اجتماعى آنهاست. بخصوص  
که بیشتر نیازها و خواسته‌های انجام نشدنی خود را در قالب داستان ها آورده اند  
و بعلى بی عدالتى هائی که با آن روبرو شده اند از کوچکترین فدا كاری فردى ،  
چهره قهرمانى را ساخته اند ، كچلها : درویش ها ، ویا حیواناتى نظیر روباه ، گرك  
گوسفند ، گاو - طوطى و امثال آنها سمبل اصلى خصوصیات قهرمانهائى شدند كه  
خواسته‌های آنان سراسر غم انگیز و درد آلود بود و بدانجهت بیشتر بعلى اینكه  
در نیازهای خود كامیاب نشده اند خواسته اند در قالب دیگری به آرزوى خود برسند  
همچنانكه اگر كودكى از وجود كودك دیگر رنج ببرد و نتواند او را ازبیت  
كند بناچار عروسكى را بجای او قرار داده و او را بشدت ننبیه مىكند و بدین  
ترتیب خود را آرامش مىبخشد. در بیشتر داستانهای عامیانه قهرمان اصلى بآرزوى  
خود رسیده است و این همان كامیابى و تسلطى نهائى است بر خواسته‌ها و آرزوهای  
نافرجام خویش ( امیر ارسلان و حسین كرد نشان مى دهند كه مردم آرزومند

داستانهای عامیانه بهمین علت بقدری فراوان و متعدد است که مطالعه نك تك آنها بسیار مشکل و باغیر ممکن می نماید و از طرفی روایات متعدد و مخصوصاً نشابه آنها در روستا ها و شهرها و با کشورهای همجوار مشکل را بیشتر می نماید و بنابراین بیشتر داستانهای عامیانه ای كه محلی دارند كه با آرزوهای آنها نزدیکتر بوده است.

در ایران داستانها بنام افسانه ، داستان ، داستان ، سرگذشت ، روایت ، نقل ، قصه مثل و اسطوره و وصف الحال مشهورند .

بطوریکه افسانه هم بمعنی ضرب المثل و جای دیگر به معنی داستان عساری از حقیقت و خیالی و در مقامی دیگر بمعنی معروف و مشهور استعمال شده است (۲).

در زبانهای اروپائی برای انواع مختلف حکایت ها لغات گوناگونی است که دقیقاً مفهوم مشخص و معینی دارند مانند : Historiethe - Apologue - Legend - Recit - Foble Anectode - Mythe .

اما آنچه در ایران هست مفاهیم از هم جدا نشده اند (۳) ولی ما کوشش خواهیم کرد تا جائیکه مقدور باشد آنها را از هم تشخیص داده و جدا نمائیم .

داستانهای عامیانه زائیده توده مردم است و در بین آنان نیز رشد می نماید بعضی از آنها گوینده مشخصی دارد مانند امیر ارسلان ولی تعداد بیشتری از آنها

۱ - دفتر دوسن شماره ۵ ص ۶

۲ - کتاب هفته شماره ۷۷ مطالعه در داستانهای عامیانه فارسی از محبوب

۳ - درباره کلیله و دمنه محبوب ص ۲۰

افسانهها و داستانها جزو کهنترین آثار است که از اندیشه و تخیل بشر برجای مانده است مسلماً پیش از آنکه بشر وارد دوران تاریخی شود و روایتهای مهم زندگی خویش را به یاری نقوش و علائم قابل رؤیت برجای گذارد ، به مدنی دراز افسانهها را در نهانخانه ضمیر و مخزن حافظه های خویش نگاه می داشت و دهان بدهان و سینه به سینه به اخلاف خویش می سپارد ، قدیمی ترین سرگذشت خدایان و کهن ترین توجیهی که از کیفیت آفرینش و ایجاد طبیعت و انسان شده به صورت افسانهها و اساطیر است حتی احکام و دستورهای خدایان نیز در طی افسانه به افراد بشر ابلاغ شده افسانه ها قرنهای پیش از آغاز زندگانی تاریخی بشر پدید آمده است . از همین رو قتها روزنه نورانی و پرتو روشنگری است که به تاریک - خانه قرون و اعصار قبل از تاریخ می تابد . بی بردن به آداب و رسوم و سنن و عقاید دینی و اجتماعی اقوام و قبایل ماقبل تاریخ ، روانشناسی تیره های باستانی ، اطلاع یافتن از آفرمان ها و تمایلات این اقوام تنها از راه مطالعه افسانه های کهن آنان میسر است (۱)

#### منشاء داستانهای عامیانه

۱ - قصه های ایرانی که زاده تخیل قصه گوینان ایرانی است .

۲ - داستانهایی که اصل و ریشه هندی دارد از سانسکریت ترجمه شده (۲)

۱ - مطالعه در داستانهای عامیانه فارسی - محمد جعفر محبوب - کتاب هفته

شماره ۷۷ ص ۹۶ - ۹۴

۲ - بعضی از محققین منشاء افسانه و قصه را در دنیا از کتاب پنجانتترا ( کتاب

پنج بند ) دانسته و عده ای آنرا به هند . تئودر بنفی Theodore Benfey مستشرق بقیه پاورقی در صفحه بعد

۳ - قصه های ایرانی که منشاء آنها حماسه ملی و دانشهای دینی ایران باستان است .

۴ - قصه های دینی و مذهبی .

۵ - قصه هایی که منظور از آن گرفتن نتیجه اخلاقی و تربیتی و دادن اندرز و پند است .

۶ - علاوه بر اینها شرقشناسان به منظور تفنن قصه هایی به سبک افسانه های شرق زمین انتشار داده اند مانند داستان الف النهار اثر *Petits de Lacroix* (پتی دولاکروا) یکی از داستانهای است که به تقلید از هزار و یکشب تألیف شده (۱)

### مشخصات داستانهای عامیانه

خصوصیات قهرمانان داستانها زائیده محیط خودشان است زمانی عیاران

بقیه پاوردنی از صفحه قبل

آلمانی که ترجمه پننا تترای وی پدید آورنده ادب تطبیقی شد اثبات کرده است که قصه و حکایت متعلق به هندیان بوده است در صورتی که افسانه از یونان سرچشمه گرفته البته باید گفت که علت های اقتصادی و اجتماعی چندی باعث شده است که هند سرزمین کهن ترین افسانه های دنیا گردد زیرا تحویل وسیع هندوان را که نتیجه زندگی راکد و کم جوش و خروش آنان است و آب و هوایی که استراحت و تفکر را ایجاد می کند نیز تقویت کرده است و همچنین افزونی تعداد جهان گردان و آوارگان و مرتاضان و گدایانی که مشتریان خویش را با نقل حکایت های عجیب و غریب و جالب توجه گرد خود جمع می کنند و سرانجام وجود این مشرب فلسفی که اصلا هندی بوده و بعد به سایر نقاط دنیا رفته است که جانوران نیز دارای شخصیت و ادراک هستند و در عالمی همانند عالم انسانی زیست می کنند نه تنها زمینهای مناسب برای ایجاد قصه ها فراهم کرد بلکه افسانه های فراوان نیز پدید آورد . درباره کلیله و دمنه - محمدجعفر محجوب سال ۳۹ ص ۲۱ - ۲۰

۱ - مطالعه در داستانهای عامیانه فارسی محمدجعفر محجوب ص ۱۰۱

جوانمردی که سوگند خود مؤمن بودند و زمانی این عیاران و جوانمردان که بسا دولت و حکومت ها سازش کردند لقب دزد گرفتند و آنگاه پهلوافان از عیاران جدا و حامی دین شدند . مطالعه داستانها نشان می دهد که قبل از مغول مردم آرام بودند و بعد از آن حمله تمادل فکری آنها بهم خورد: قتل و غارت، کشت و کشتار، مردم را به فضای آسمانی معتقد کرد و از آن پس در داستانهای عامیانه دیو ها ، جادوگرها بصورت لکه ابر در می آیند ، درین دوره انحطاط، دروغهای شاخدار در داستانها دیده میشود ( اسکندرنامه ) یا رموز حمزه (۱)

بطور کلی با بررسی داستانهای عامیانه ای که بجا مانده مانند داستانهای مشهور رموز حمزه - سلیم جواهری - رستم نامه - چهل طوطی - حسین کرد - اسکندر نامه - امیر ارسلان - ملک بهمن - فلک ناز - عاق والدین - خضر و الیاس و . . . و یا داستانها و قصه های چند سطری ملاحظه میشود که داستانهای عامیانه از نظر موضوع و حجم متفاوت هستند بعضی ها بصورت نظم مانند خرّم و زیبا - حیدریک و بعضی ها بصورت نثر مانند حسین کرد (۲) با توجه به آنچه آمد داستانها و قصه ها و . . . را بصورت زیر تقسیم بندی می کنیم:

#### ۱ - افسانه و داستان

در معنی و تفسیر این کلمات اختلاف است و هنوز هم راه بجائی نبرده اند و اصولا به جز محمدجعفر محجوب و تعدادی اندک درین زمینه پژوهش

۲ - رموز حمزه یا حمزه نامه از داستانهای عامیانه مشترک عرب و ایران است - حمزه عم رسول اکرم بود .

۳ - داستانهای عامیانه - ماهنامه دانشجویان دانش برای عالی سپاه دانش سال ۲ شماره ۱ سال ۴۷ .

نشده است و چون مورد اختلاف بوده به حال خود وا گذاشته اند و نتیجه اش اینست که امروز همه معنی کلمات داستان و قصه و مثل و حکایت را عوضی می گیرند .  
 عدمای را عقیده بر این است که داستان شامل هر نوع نوشته ای است که در آن ماجراهای زندگی بصورت حوادث بنقل گفته شود و بدین معنی که داستان هم شامل حکایت و افسانه و اسطوره ( خواه منظوم و خواه منثور ) خواهد بود ( ۱ ) .  
 افسانه قدیمی تر از همه و دارای عوامل تخیلی است که امکان وقوع ماجرائی بر آن بعید بنظر می رسد و بیشتر در مورد خدایان صحبت میکنند و بدانجهت باید گفت که :

افسانه از انسانیت دور ولی به Mithos نزدیک است اما قصه ها و داستانها به انسانیت نزدیک ولی از Mithos دور است و علاوه مینماید که در بعضی از داستانها علیرغم انسانی بودن از موجودات افسانه ای نیز کمک گرفته شده است .  
 افسانه هم گفته شده است . بطور کلی اگر داستان تنها در مورد خدایان باشد افسانه های اساطیری است و اگر در مورد موجودات و حیواناتی مانند : دیو قالیچه حضرت سلیمان و . . . و افسانه های جادویی یا آنچه از زبان بعضی از حیوانات گفته شده باشد افسانه های حیوانات سخنگو و اگر تنها قهرمانان انسان بوده و از انسانیت بحث میشده داستان است . بعضی از افسانه ها منطقه ای نیستند بلکه جهانی اند .

۱ - هنر داستان نویسی ص ۴۰

۲ - افسانه های دلگش از نخستین پروازهای انسانی - محمد جعفر محبوب - ماهنامه دانشجویان دانشمندی عالی سیاه دانش سال ۳ شماره ۲ .

کلمه افسانه را اوسانه ، اوسونگک و در آذربایجان اوسانا گوینده ( ۱ )  
 و از نمونه داستانها نیز می توان امیر ارسلان - ممیز نامه - مختار نامه - اسکندر نامه -  
 و بدیع الملک - بدیع الجمال را نام برد ( ۲ )  
**داستان و قصه**

گفتیم داستان کل است و طویل ، ولی قصه در عوض کوتاه است ، بعضی از نویسندگان اصطلاحات داستان کوتاه را با قصه یکی گرفته اند ، اما صحیح نیست زیرا يك داستان ممکن است شامل چند قصه باشد ، بنابراین پرسوناژها و قهرمانان در داستان بیشتر خواهد بود ، تازه قصه روایت ساده و بدون طرحی است که

۱ - O - Sānā - در آذربایجان گویند فلانی از اوسانا افتاد - یعنی از زبانها افتاد برای آگاهی بیشتر در مورد افسانه و افسانه ها به کتابهای زیر مراجعه فرمائید :  
 الف - جزیره خارک - خسرو خسروی ص ۹۰

ب - افسانه های از روستائیان ایران ، مرسته - بدون سال چاپ .

ج - افسانه های ایرانی - صادق همایونی - سال ۵۱

د - افسانه های قفقازی - لوریل لیبمن - ترجمه ابوالقاسم سری .

ه - افسانه های کرمانی - ترجمه مهین رادپور - چاپ دوم بدون سال چاپ .

و - افسانه های اشکور بالا - کاظم سادات اشکوری سال ۵۲ تهران ،

ز - اوسونگون - مرتضی هنری سال ۵۲ تهران .

ح - افسانه های یونان و روم - ایران دوست سال ۳۳ تهران .

ط - افسانه های کردی - رودنگو - کریم کشاورز سال ۵۲ .

ی - افسانه های آذربایجان - بهرنکی - دهقانی تهران سال ۴۸

۲ - جهت اطلاع بیشتر از داستانهای ایرانی به منابع زیر مراجعه فرمائید .

الف - قصه های ایرانی ، نجوای شروازی ، تهران سال ۵۲

ب - سمندر چل گیس ، محسن میهن دوست ، تهران ۵۳

ج - فولکلور سیاهان - ترجمه کیورگیس آقاسی تهران بدون سال چاپ

انگای آن بطور عمده بر حوادث و کاراکتریزاسیون است و خواننده یا شنونده هنگامیکه آنرا می‌خواند و یا بدان گوش فرا می‌دهد به پیچیدگی خاص و غافلگیری و اوج و فرود مشخصی بر نمی‌خورد، مانند چهل طوطی (۱) ولی قصه : قصه از داستان‌ها آغاز می‌شود . قصه‌ها با طبیعت درونی انسان سروکار دارد . بنابراین احساس عاطفه و عشق و ... در قصه وجود دارد ، تاریخ برون‌گر است ولی قصه درون‌گرا . قصه واقعی تر از تاریخ است بعلمت اینکه جزء به جزء زندگی درونی قهرمانها در آن تصور گردیده است . مانند : داش آکل ، سه قطره خون - انتری که در لوطیش مرده بود - مدیر مدرسه .

باری قصه‌ها معنی دار هستند ولی باید گفت که حقیقی نیستند ، در آنها زندگی وجود دارد و کلیه صحنه‌های زندگی دیده می‌شود ولی زندگی حقیقی‌مانند است . داستانها هم به شرح کلیه وقایعی که در آن اسانها پیش می‌آید گفته می‌شود (۲)

**داستان و حکایت**

داستان ممکن است جنبه حکایت داشته باشد . داستان قبل از مشروطیت در ایران بهتر است که حکایت نامیم . یکی از خصوصیات يك قصه آن است که

- ۱ - هنر داستان نویسی ، ابراهیم یونسی ، سال ۴۱ تهران ص ۱۰ .
- ۲ - برای اطلاع بیشتر از آنچه در مورد قصه گفته شده به منابع زیر مراجعه فرمائید :  
الف - یکی بود یکی نبود . سید محمد علی جمال زاده چاپ هفتم سال ۴۵ .  
ب - گذری در ادبیات کودکان . لیلی ایمن - میرهادی - دولت آبادی تهران ۵۲  
ج - رموز قصه از دیدگاه روانشناسی ، جلال ستاری سالهای ۳۹ و ۵۰ هنر و مردم .  
د - قصه و داستان - مجاهد پیک جوانان سال ۵۲  
ه - قصه‌های کچل ، ح - صدیق تهران ۳۷  
و - قصه های روپاء ، ح - صدیق ، تهران ۵۲ .  
ز - قصه های آذربایجان - ابوالفضل آزموده - تهران - گوته بک بدون سال چاپ

قصه و روایت :

هر قصه ممکن است به چندین روایت باشد یعنی يك قصه . در تهران واسفهان و مشهد و یا در بلوچستان متفاوت باشد ، بنابراین روایت نوع نقل قصه است .

قصه و مثل

مثل همان قصه است که دارای وزن بوده و از آهنگی برخوردار است و بجه های کم سال از طرفداران پرویا قرص آنها هستند مانند :

سرما خوردم و لرزیدم	به زیر زمی ، خزیدم
زمی به مو ، آب دا	آب دادم به ناهال
ناهال به مو بلكك دا	بلكك دادم به بزك
بزك به مو پشکل دا	پشکل دادم به زمی
زمی به مو گندم دا	گندمه دادم آسیا (۱)

و . . . .

در آذربایجان متلی مانند همین مثل وجود دارد که ترجمه فارسی آن چنین است :  
لرزیدم و لرزیدم - از کوه سیب آوردم - سیبهای فشنگم را از من گرفتند - به من ظلم نمودند - اما من از ظلم بیزار هستم - چاه عمیق می کنم - چاه عمیق و پنج بز - پس تر این بزها کو ؟ بز تر درون ديك می جوشد ( قل می زنه ) - در حالیکه قنبر کنار آن می رقصد - قنبر دنبال هبزم رفت - خاری تو را نش نشست نه ، خاریست بی است ، پنج انگشتش نقره ای است ، وقتی نقره را به تات دادم او هم به من ارزن داد . ارزن را به پرند دادم او هم بمن بال داد . پرزد تا بیرم و در

۱ - عقاید و رسوم عامه مردم خراسان - ابراهیم شکورزاده ص ۳۶۳ و روایت های مختلف از آن .

حق را بکشایم . در حق بسته است و کلیدش در گردن شتر . شتر هم در راه گیلان است - سراسر راه گیلان پر از میمون است ( آهو است ) چون بچه های میمون مرا دیدند گریه کردند و داغی بر سینه ام نهادند ... (۱)

آنچه در این مثل آمده نظمی است بر علیه بیداد گریها . محتوای مثل چنین است :

من از ظلم بیزار هستم ولی آنچه را با هزاران زحمت از بالای کوه آورده بودم بزور از من گرفتند . چاه عمیق وی آبی و وجود بز ، و نبودن یازبه بز تر که در درون آتش جان می کند ، نشانه ای از اوضاع اجتماعی دوره ای است که توان

۱- اوشودم ها او شودم	داغدان آلما داشدم
آلما جییمی آلدیلار	منه ظلوم سالدیلار
من ظلومندان بزارم	درین قویو قازارم
درین قویو بش گچی	هانی بونون ارکچی
ارگگه قازاندا قینر	قنیر پانندا اوینار
قنیر گندی اودونا	تیکان باتدی بودونا
تیکان دکیل قمیشدی	بش بارماقی گوموشدی
گو موشی وردیم تاتا	تات منه داری وردی
دارلی سبتیم قوشا	قوش منه قاناد وردی
قاناد لاندیم اوچماقا	حق قاپوسون آچماقا
حق قاپوسی کلیدلی	کلید دوه بویتوندا
دوه گیلان یولوندا	

گیلان یولی سر بسر ایچنده میمون گذد  
میمونون بالا لاری منی گوردی آغلادی

اورکیمی داغلادی



## فصل دوم

### تمثیل و مثل - ضرب المثل

تشبیه کردن چیزی را با امری به چیز دیگر که متضمن سودی معنوی باشد مثل گفته میشود که جمع آن امثال است (۱) و یا سخن کوتاه مشهوری است که به قصه ای عبرت آمیز یا نکته آموز اشاره دارد و تصور روشن از تجربه دیگران را به خاطر می آورد و جای صراحت با توضیح بیشتر را می گیرد. (۲) پندران ما نیز از این تشبیهات به مقتضای محیط، فهم و درک خود، فراوان داشته اند که امروز با همان سادگی سینه به سینه بما رسیده است. در روستاها بویژه، بیشتر برای روشن نمودن مطلبی مثالی می آورند و می گویند: « بقول قدیمی ها و یا می گویند: بزرگان می گویند ... » اینها همان مثلها هستند که بعللی ماندگار شده اند. امثال در هیچ جای دنیا گویانده مشخصی نداشته است و حتی بسیاری از ریشه های آنها که جنبه دینی دارند با هم شبیه هستند

۱ - کوشی در امثال و حکم فارسی - سیدیحیی برقی سال ۵۱ م ۳

۲ - قصه ها و مثلها شماره ۷ - مهدی آذر پزیدی م ۵-۷

بعضی ها مثل را در مقابل فابل (Fable) (۱) فرانسه گرفته‌اند که در این صورت شامل حکایات بسیار کوچک چند خطی هم خواهد بود. بهر حال اگر بصورت داستان هم آورده شده باشند عموماً دارای یک قهرمان و بمنظور و هدف نشان دادن نکته ای بوده است. باین مثل توجه کنید: مردی شتری را مدعی شد که از آن اوست. صاحب شتر داوری به قاضی برد. قاضی از مدعی پرسید، شترت نر بود یا ماده؟ مدعی که از نر یا ماده بودن شتر اطلاع نداشت در جواب مردد ماند و ناگزیر گفت: اینقدرها هم نر نبود (۲)

بعضی از مثلها هم جنبه تفریحی دارند، بعضی‌ها جنبه نصایح و حکم که ممکن است موزون هم باشند مانند:

به مرگ خر، بود سگ را عروسی (۳) یا، حیا حصار ایمان است (۴)،  
حلاج گرگ بوده (۵)

بعضی از امثال شعرند مانند آنچه در اشعار سعدی و حافظ و دیگران آمده است، و یا بصورت قطعه، رباعی - قصه، بعضی‌ها بصورت ضرب المثل درآمده و

- ۱ - فابل بمعنی نوعی داستان است،
  - ۲ - داستانهای امثال - امیرقلی امینی و اینقدرها هم نر نبود،
  - ۳ - هزار و یک سخن در امثال و حکم تألیف امیرقلی امینی سال ۳۹
  - ۴ - همان اثر ص ۶۵
  - ۵ - تمثیل و مثل، انجوی شیرازی سید ابوالقاسم جلد اول سال ۵۲ ص ۶۵
- اشاره باین است که کسی بعد از آنکه دنبال کاری رفت و سودی نبرد گویند فلانی حلاج گرگ است.

اصطلاحی شده است مانند: مثل اسپند روی آتش می‌برد. (۱) یا، هر کس به اندازه دلش پیر است (۲) و یا آب در هاون سائیدن - به جنک خدا نمی توان رفت - جوچه را دریائیز می‌شمارند. بعضی‌ها نیز دارای داستان مفصلی هستند، تعدادی هم از گفتارهای بزرگان دین است که آنها را حکمت می‌گویند. و بالاخره پاره‌ای هم بصورت تاریخی - حسب الحال آمده است.

با توجه به اینکه امثال را از روی موضوع نیز مطالعه کرده‌اند، به سه دسته امثال - ضرب المثل و تمثیلات هم تقسیم کرده‌اند.

ضرب المثل جمله کوتاه به نظم یا به نثر است که گاهی چند واژه در بردارد، و اگر در زبانها افتد تمثیل نامند. جدا کردن مثلها از بندها دشوار است. وقتی مقداری از مثلها و سخنان حکمت آمیز را در یک جا جمع آوری کنند آنها را هم امثال و حکم نامند (۳)

گاهی چند واژه در آنها دستورهای اجتماعی و اخلاقی و دینی را در چهارمزی بسیار کوتاه به شعر و یا به نثر ارائه نموده‌اند. که این امثال و حکم توانسته است در روستاها به صورت حکمی بیاید، و بدینجهت در روستاها فرادان استعمال میشود. این ضرب المثلها به علت آنکه از دل درآمده و با تجربه‌ها آمیختگی پیدا کرده است در دل روستائیان جای گرفته است.

از نظرگاه جامعه شناسی روحیات و افکار هر قومی می تواند در امثال، چند واژه آنها تجلی نماید. بنابراین با شناخت اینها؛ ذوق، اصالت

- ۱ - ضرب المثلها (نصایح) سیدظاهر جعفری سال ۴۶ ص ۸
- ۲ - برگزیده ضرب المثلهای جهان - مهرداد مهرین ص ۲۶۷
- ۳ - قصهها و مثلها (شماره ۷) مهدی آذر یزدی ص (۷-۵)

اجتماعی آن ملت را میتوان کشف کرد، و اساس کار جامعه شناسی در تجزیه و تحلیل اینها، شناخت اساس و ملزومه آنهاست. با تعیین ارتباط و همبستگی‌هایی که عناصر و عوامل تشکیل دهنده اندیشه‌ها و پنداره‌های اجتماعی یک قوم دارا هستند. (۱)

### چیستان یا لغز و معما

لغز در لغت به معنی پیچیدگی و راه کج و انحراف از راه راست است و در اصطلاح ادبی شعری را لغز گویند که شاعر با ذکر صفات و مشخصات چیزی را بخواهد و آنرا به عباراتی در شعر بیاورد بدون آنکه ذکر صحیحی از نام آن چیز کند و اغلب با لفظ چیست آن شروع میشود. در فارسی آنرا چیستان گویند. مانند:

- ۱ - برای آگاهی بیشتر در مورد مثل و ضرب‌المثل به منابع زیر مراجعه فرمائید:  
الف - امثال و حکم علی اکبر دهخدا.  
ب - مثالها و تمثیلهای فارسی و ضرب‌المثل‌های روسی تألیف خ. گک. کورداغلی ترجمه صادق سرایی - تهران بدون سال چاپ.  
پ - امثال منظوم - احمد اخگر - دو جلد، سال ۱۹ - ۱۳۱۸ شامل ۵۰۰۰ مثل است.  
ت - امثال و حکم در لهجه محلی آذربایجان تألیف علی اسفرجندی، تبریز سال ۱۳۲۴.  
ث - ضرب‌المثل‌های بختیاری - بهرام داوری تهران ۱۳۴۳  
ج - ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی - بروخیم - تهران ۱۳۳۴.  
چ - داستانهای امثال - سید کمال‌الدین استهبانی سال ۴۰.  
ح - برگزیده ضرب‌المثل‌های جهان - تألیف و ترجمه هرداد مهرین - تهران بدون سال چاپ.  
خ - مثل احمد بهمنیار، یغما، شماره ۳۵۲ سال ۲ من ۵۱ - ۵۰.

چیست آن مرغ آتشین منقار که ندارد به آشیانه قرار  
شب و روز اندر آب می‌گوید و فنا ربنا عذاب النار (۱)  
در ادبیات فارسی بصورت قطعه، رباعی، یا بصورت ترانه عامیانه خارج از قواعد عروضی با ضمن قسیده‌ای، معماهای زیادی مطرح شده است. (۲) و بعضی‌ها خیلی به اختصار گفته شده‌اند. مانند:

اندر زمین، اندر هوا، کولا به سر (کلاه به سر)، سبزه قبا  
(قبا سبزه) ؟

البته که خیار منظور است که در مسجد سلیمان باین صورت است:

اندر زمین، اندر هوا، کلاه سری، سبز قبا

(گندم - انگور - انار - خیار) (۳)

معما نیز نوعی لغز است. لغز ساده تر از معما است و بعداً بوجود آمده است مانند:

جعفری دیدم که بر جعفر نشست جعفری میخورد و از جعفر گذشت (۴)

در این بیت چهار جعفر به ترتیب - نام شخص - شتر - هویج - جوی آب  
معنی میدهد.

البته علاوه مینماید که معما بعد از قرن ششم در ایران رواج گرفته است.

- ۱ - منظور قلبان است، چیستان در ادبیات فارسی - محمدجواد بهروزی - تهران سال ۵۰ من ۲۲.
- ۲ - معما در ادبیات فارسی - ابوالقاسم حالت تلاش شماره ۴۰ سال ۵۲.
- ۳ - هنگی ایسه - هنگی نی به - محمد بشری - سال ۵۳ من ۲۷.
- ۴ - چیستان در ادبیات فارسی من ۹۴.

دیوانهای شعری این مطلب را بخوبی نشان می‌دهد. واكوشك هم لغت محلی لغز و چیستان است، نه مانند لغز در بند قافیه و قواعد شعری و نه مثل معما در قید تکلیفات و تعقیدات عجیب و غریب است، بلکه بهترین مضامین و شیرین‌ترین معانی را در قالب الفاظ محلی اغلب بطور سؤال از طرف می‌خواهد. (۱) مانند نه در زمین، نه در هوا، مثل عقیق کربلا (۲) یا چارتا کاکا، تو بک قبا، (چهار برادر داخل بک لباس) که در اولی چهار قاج گردو و در دومی گیلاس منظور است.

بهر حال احتمال فراوان می‌رود که پای تنور و کرسی، بیشتر باعث دوام چیستانها شده است. در بعضی از آنها مطلب به اندازه‌ای قوی و دقیق طرح ریزی شده است که ارزش ادبی پیدا کرده است. مانند:

قالی لب بافته - گل به گل انداخته - قدرت پروردگار - خوب بهم انداخته.  
(آسمان)

انواع چیستانها از نظر موضوع چنین است:

- ۱ - چیستانهاییکه با زندگی داخلی و روزمره ارتباط دارد.
- ۲ - چیستانهاییکه با مارك ارتباط دارد.
- ۳ - چیستانهاییکه با دین و مذهب ارتباط دارد.
- ۴ - چیستانهاییکه با طبیعت ارتباط دارد.
- ۵ - چیستانهاییکه با حیوانات ارتباط دارد.
- ۶ - چیستانهاییکه با انواع گیاهان و سبزه‌ها ارتباط دارد.

۱ - چیستان در ادبیات فارسی م ۱۲۹

۲ - همان اثر م ۱۳۳

- ۷ - چیستانهاییکه با انواع گلها ارتباط دارد.
- ۸ - چیستانهاییکه با انواع مواد خوراکی ارتباط دارد.

## دعاهای عوام

روستائیان برای حفظ و نگهداری خود از بلاهای آسمانی و زمینی و یسا برای دوری از خطر و یا در مواقع ترس، دعاهائی می‌خوانند و معتقدند که این دعاها آنان را از خطرات احتمالی مصون نگه می‌دارد مانند دعا برای دفع ترس، دعا برای نیش نزدن عقرب و مار - دعای برای مستجاب شدن تقاضاها. این دعاها را توسط دعا نویس ها تهیه نموده و به بازوهای خود می‌بندند و یا از سینه شان آویزان می‌کنند. علاوه بر آنچه گفته شد دعا های پایان سفره های نوروزی، دعای زورخانه‌ها و مساجد و یا بعضی از مراسم نیز قابل ذکرند. ( آنچه مردم دعای گویند در حقیقت تمویذ است و برای چشم زخم نه دعا بمعنی دعوت کردن )

## ثناها

روستائیان در قبال خدمتی که برای آنان انجام داده میشود. بجز خدمت متقابل، از نظر مذهبی دعای سلامتی و اجر معنوی برایش طلب می‌کنند. البته این دعا یعنی اشخاص مذهبی در شهرها و روستاها دیده میشود. در جاهاییکه هنوز نقشی از عاطفه باقی است و اساس کارها کاملا بر اقتصاد صنعتی و ماشینی نیست، وجود چنین اعتقاداتی مسلم است. نمونه ای از ثناها چنین است:

الهی که قریونت برم - خداوند عمر طولانی عطا کند - خدا ثروت حضرت ابراهیم بدهد - الهی که از بلاها بدور باشی - الهی که خدا بتو پسری عطا کند.

## سوگند ها

سوگند ، به منزله شفیمی بوده برای انجام کارها . زمانیکه اساس کارها بر پایه اصول مذهبی و اخلاقی بود و اعتقاد مردم بربك پایه استوار بود ، بیشتر معاملات و صحبت ها ، موافق ها و نفاضا ها را سوگند تکمیل می کرد . سوگند ریشه قدیمی دارد ، حتی کتابهای ادبی ما ، می تواند سیر تدریجی آنرا نشان دهد (۱) و این خود احترام و بقای اعتقادات واقعی مردم را نشان میدهد . این سوگندها می تواند پیوند صاحب سوگند را با دیگران و همچنین درجه آنرا نشان دهد . این شخص ممکن است زنده باشد که بیشتر از افراد فامیل است و اگر در حیات نباشد قبر او عزیز است ، مثالهای زیر می تواند نمونه ای باشد .

ترا به خدا . به علی . به امام حسین ، به پیر ، به مرگ مادرم ، به قبر امام هشتم ، ترا به آنچه که دوست داری .

## نفرین ها

مردم حسرت زده و بیشتری قدرت ، چون نمی توانند در مقابل ظلم قدرتمندان ایستادگی کرده و یا تلافی نمایند ، برای تسکین و آرامش درونی خود متوسل به نفرین میشوند و این نفرینها باز مسائلی را از دیدگاه اجتماعی می تواند نشان دهد . نمونه هایی چند چنین است :

کوربشی - الهی جذام بگیري - بی پدر شوی - همیشه در حسرت روز خوش باشی - خدا مرگت بدهد - بی خانمان شوی - روز خوش بینی .

۱ سوگند و رد پای آن در ادبیات پارسی - هلی رهبر - هنر و مردم شماره ۸۲ و ۸۳

## فصل سوم

## موسیقی عامیانه

اصولا هنر انعکاسی از طبیعت است . بنابراین اختصاصات اقلیمی ، وضع جغرافیائی و یا اوضاع اجتماعی ، درین هنر مؤثرند . بدون شك در محیطی که ناله های جگر خراش ، جای قهقهه نشاط آور را می گیرد و مکانی که آه های سینه سوز ، از نهاد بر می آید ، آنجا که اشکها در سکوت مرگبار ، بر گونه ها می غساطند ، آنجا که دانه های زنجیر آهنك جرنك جرنك ساز می کند ، موسیقی نمی تواند منعکس کننده این آلام و دردها نباشد (۱) موسیقی عامیانه موجود با اصول و چهار چوبی علمی موسیقی درست نشده ، بلکه احساسات درونی انسانهاست که در آن قالب طبیعی شکل گرفته است . البته در جهان بی تکلف روستا نشینان که با طبیعت سروکار دارند کمتر هنرمندی بوجود می آید و این نه بدان جهت است که روستائیان را ذوق هنری در سر نیست و استعداد این کار را ندارند ، برعکس آنها به علت سادگی

۱ - هنر و هنرمند ، تألیف مهتدیس غلامرضا اربابی سال ۴۴ تهران ص ۴۱

بدنی، اگر در شرایط زیستی متعادل و مرفهی بسر برند، نشان داده شده است که استعداد های پرورش یافته آنان، آثار بدیع و قابل تحسینی را بوجود آورده است (۱).

توان گفت که موسیقی برای روستائیان تنها یک سرگرمی، یک ارضاء معنوی و یا هنری پرورش یافته به ظاهر هنر نیست، موسیقی پیوندی نزدیک با واقعیات و حرکات زندگی روزمره دارد. موسیقی همراه کننده تمام کارهای مزرعه است! از شخم زنی، جمع کردن سنکها، بندر افشانی، جابجا کردن جوانهها، تابرداشت محصول، خرمن کوبی، از پوست در آوردن نیز هر یک آهنگ های مخصوص بخود دارند. موسیقی در تمام جشنها و مراسم وجود دارد. از جشنهای روستائی یا فصلی گرفته تا دعاها و نذر و نیازها و مراسمی که برای دفع اجنه یا شکرگزاری بدرگاه خدایان و ملائک نگهبان به عمل می آید (۲).

بهر حال صحبت ما، در مورد موسیقی عامیانه است و اینها از نظر موضوع و مضمون متفاوت اند. در تحقیقات فولکلوریک باید چگونگی موضوع آنها بررسی شود. گفتیم موسیقی عوام از آنچه در پیرامونش است متأثر است، بنابراین آهنگها و اشعارش متناسب و مربوط به کاری، اندیشه ای و یا مراسمی است. در مورد موسیقی عامیانه، انواع آنها میتوان چنین نوشت:

۱ - ترانه و تصنیف های حرفه ای، مانند گل گندم شیراز. یا آنچه در

۱ - هنر و هنرمند. تألیف مهندس غلامرضا اربابی، سال ۴۴ تهران ص ۱

۲ - پیام، تیرماه ۵۲.

لرستان بناها و عملها هنگام کار میکنند (۱).

۲ - ترانه و تصنیف های قهرمانی یا حماسی، مانند ترانه های مازندرانی که جنبه قهرمانی و جنگی دارند.

۳ - ترانه و تصنیف های مخصوص کشت و کار.

۴ - ترانه و تصنیف هایی که در تشریفات مختلف (جشن عروسی - تولد - عید و مانند آن) یا شبیه نوروز خوانی، بطور دسته جمعی اجرا میشود.

۵ - ترانه و تصنیف های عشقی.

۶ - ترانه و تصنیف های توصیفی مانند واران واران کردی.

۷ - آهنگهای کودکانه

۸ - لالائی ها (۲)

۹ - ترانه ها و تصنیف های قطعی، زازله و بلاهای آسمانی.

اسامی سازها و طرز ساختن و شکل آنها را نیز، باید جمع آوری نمود. سازهای متداول عبارتند از:

تار، دو تار، دمبک، دایره، نی، کمانچه، تپیر، چگور، بوق، سوتک، قاشق، نی آلبان، سر تا. در بررسی آنها نیز باید به نکات زیر توجه نمود:

نام ساز، از هر نوع که باشد دقیق نوشته شود، (نام محلی) - نام آلات

۱ - هر کجا سنگی کچی

پدا سرو نه چرونم

شیری بگو دو تما او او

شیری بگو سه تما او او

شیری بگو چهارتا، چهارتا ...

۲ - ترانه های عامیانه ایران - مجله موسیقی سال ۱۳۳۵ دوره سوم شماره ۲

موسیقی شبیه بان ساز ( نام محلی ) - شکل ساز ( باید طرح کاملی از آن برداشته شود ) - اسامی قسمت‌های مختلف ساز - نام‌های محلی - نوع دستگاه یعنی زهی است یا ضربی، یا بادی - از چه چیزی ساخته میشود ( چوب - فلز - نی ) آیا برای ساخت آن در ماهیت جنس آن ( مثلاً چوب ) تغییراتی می دهند ؟ بعنوان مثال در تهیه تار، بعضی‌ها، تنه درخت توت را بعد از آنکه مدتی در خاک و یا زیر فضله های کبوتر نکه داشتند، رویش کار می کنند و مانند آن.

مدت زمانی که يك ساز ساخته و پرداخته میشود. ( مواد اولیه آن از کجا تأمین می گردد - قیمت خرید آن ) - قیمت فروش - کار دسته جمعی است یا فردی - چگونه نواخته میشود ( با دست یا پا، یا حرکات لبها ) کدامیک؟ اگر با دست نواخته میشود چگونه است، اگر انگشت ها کمک خواهند نمود، نام آن انگشت، اگر یا نیز کمک میکنند، چگونه؟ اگر با لب انجام خواهد گرفت، طرز استفاده آن - ترسیم شکل آلت موسیقی.

### رقص

رقص و بازی می تواند غرایز درونی انسان را تسکین دهد. با رقص غرایز بصورت طبیعی اطفاء شده در عوض نشاط و آرامش بوجود می آید. بداند جهت رقصها، مخصوصاً وقتی بصورت دسته جمعی اجرا می گردند نشاط فراوان بر می انگیزند. رقص آرامش دهنده آلام درونی نیز هست. همچون رقصهای مذهبی و آئین های بخصوص. از رقص برای تفریح و تفنن در مجالس هم در ایران استفاده میشود.

با مطالعه رقصها، ملاحظه میشود که در ایران بعضی از رقصها جنبه فردی دارد. اینها ضمن اینکه مشکل هستند، شاید بعلمت محیط های جغرافیایی و

اجتماعی بوده که موقعیت را، در مجالس تنها برای هنر نمائی يك نفر مساعد و ممکن می کرده است.

عده ای از جامعه شناسان عقیده دارند که رقص دنباله یابش هاست که در آن صورت بیشتر باید جمعی باشد تا فردی.

بهر حال در مقابل رقص های فردی، در شرق، رقصهای جمعی داریم که نشانه کاملی از وحدت و همکاری را به ما می نمایاند.

بعضی از رقصها تند هستند و بعضی ها آرام. يك بررسی کوتاه و نظری نشان میدهد که هر قدر بطرف شمال در ایران میرویم آهنگ رقصها تند است و در جنوب برعکس. شاید علت جغرافیائی دارد و در جاهائی که هوا سرد است حرکات سریع باعث گرم شدن بیزی می شود. (۱) رقص های ملی ما که در گوشه و کنار این مملکت گسترده شده است، اگر توسط گروه های علمی و هنری نگه داری نشوند از بین خواهند رفت و بهترین روش نگهداری آن تشویق و ترغیب هنرمندان محلی و بومی است. خلاصه در بررسی رقصها می توان حالت، مثلاً حرکت دستها و پاها، گرفتن

دستمال، بستن شال و یا انواع رقصهای شمیر و ... را توضیح داد.

### اصطلاحات فروشندگان دوره گرد

فروشندگان دوره گرد آنهایی هستند که جهت فروش متاع خود بعنوان تبلیغ از اصطلاحات و یا شبه جملاتی استفاده می کنند. که این اصطلاحات نسبت به محل و متاع فرق میکنند. اینها هر چه باشند باز با اندیشه و طرز تفکر و بینش روستائیان ارتباط دارند.

۱ - البته باید متوجه بود که در جنوب ایران که هوا گرم است، پاره ای رقصهای تند مانند ( زار ) وجود دارد که از احساسات درونی افراد سرچشمه می گیرد.

بنابر این این اصطلاحات هم، می‌توانند موضوع فولکلور قرار بگیرند. در تهیه این مطالب باید مستقیماً با ملاحظه فروش، صدای اصلی را از زبان فرستنده ضبط و نگهداری نمود. البته با یکبار شنیدن، نمی‌توان به اصالت و صحت آن اطمینان حاصل کرد، بلکه باید مکرراً آنها را شنید و ضبط کرد و چه بهتر که در مورد این موضوع در محله‌های مختلف آنها را شنید و ثبت نمود.

تحقیق در مورد این دوره گردان موضوعی است بس گسترده، در اینجا فقط هدف اشاره بوجود چنین مطلبی است. در بررسی این موضوع بهتر است در بازارهای فروش، مانند بازارهای هفتگی دوشنبه بازار، سه‌شنبه بازار عملاً نمونه‌های این طوفاغان را یادداشت کرد. نمونه آنها چنین است:

شیر بالال و شور بالال - شور شوره (باقلا) - نوپس بهاره بستنی (بستنی)  
باغت آباد شه انگوری (انگور) - مال فقیره (به همه چیز گویند).

### شوخی و طنز - بذله گوئی

سابق بر این در ایران بعلمت نداشتن وسایل تفریحات سالم، اوقات بیکاری و یا بیکاری پنهانی مردم با شوخی سپری میشد، تاریخ ادبیات ما این سیر تدریجی را نشان میدهد، بطوریکه عده‌ای از شاعران، در شعر خود شوخی و هزل بکار بردند که از آنها میتوان انوری - سوزنی و عبید زاکانی را نام برد. اینان مسخرگی و شوخی را تاحدی بالا بردند که به دشنام و فحش منتهی شد. سوزنی سمرقندی این شیوه را به حدکمال رساند. قآنی شیرازی و یغمای جندقی نیز درین کار سهمیم بوده‌اند. بنابر این، این موضوع ریشه قدیمی دارد و بد جهت نیز تعدادی از شوخیها و خوشمزگیها سینه به سینه تا به امروز رسیده است.

هنگامی که واقعه‌ای اجتماعی پیش می‌آید، شوخی و طنز جان می‌گرفت. همانطوریکه چون مشروطیت پیش آمد، طنزهای فراوانی بوجود آمد. بهر حال بجز جنبه ادبی شوخی و طنز، از دیدگاه اجتماعی میتوان از روی آنها اوضاع اجتماعی آن دوره را جستجو کرد به ویژه اسامی بخصوصی که در طنزها می‌آید، راهنمای خوبی می‌تواند باشد (۱)

سخنان ملا نصرالدین هم برای خود زمینه‌ای داشته است و از آن در بررسی و جشن و یا در نشست و برخاست‌ها، بعنوان مزاح استفاده میشده است.

در ایران بیشتر شوخی‌ها جنبه مسخرگی پیدا کرده است که ریشه آنها را باید از دوران صفویه جستجو کرد، شوخی بمعنای مسخره کردن دیگران! علتش شاید این بوده است که در دوران صفویه عده‌ای را مأمور خندانن مردم کرده بودند و اینان متأسفانه تنها صحبت کردن و راه رفتن و نشستن و خوردن روستائیان را تقلید می‌کردند که با کمال تأسف کینه‌های زیاد در میان افراد ایجاد می‌نمودند. در بعضی از روستاها و محل‌های کوچک، تفریحشان جمعی است مانند آنکه کلاه یکی را برداشته و دست به دست می‌گردانند و صاحب کلاه هم بدنبال آن! مسخره کردن دیگران - تقلید، لطیفه‌گوئی، اساس شوخی‌های مردم را تشکیل میداده است.

در مورد دلقک نیز باید گفت، اینان کسانی بودند که در دوره قاجار نیز می‌زیستند و به مسخرگی می‌پرداختند و گاهی حرفهای بزرگ می‌زدند، پادشاهان قاجار

۱ - برای اطلاع بیشتر از خنده و شوخی به کتاب «یک مبحث جدی درباره خنده و شوخی» از دکتر بازارگادی، چاپ تهران سال ۳۴ مراجعه فرمائید.



تعهد کرده بودند که بخاطر همین حرف زدنهایشان خوششان ریخته نشود و بمقام ترخانی نیز می رسیدند. ترخانی مقامی بود که هر کس در آن جرگه قرار می گرفت، هر چه می خواست می گفت و انجام می داد و از گزندشان در امان بود. کریم شیرای ای زمان ناصر الدین شاه نیز از اینان بود. یکی دیگر از این مسخره های قدیمی، تلخک دربار سلطان محمود غزنوی بود که عبید زاکانی از او یاد کرده است و او را بمناسبت شیرینی سخنانش، برضد آن نامگذاری کرده اند که این کلمه تلخک بعدها به دلقک تبدیل شده است (۱)

### تآتر و بازیهای محلی

تآتر را اگر بخواهیم در گذشته مطالعه کنیم به نقالی و نمایش های آئینی و خیمه شب بازی برخورد می کنیم. نمایش های آئینی سالی یکبار انجام می گرفت در دوره اسلامی هم بعلمت مخالفت با آئین زردشتی به تعزیه حسین (ع) تغییر شکل یافت (۲)

از نمایش های غیر مذهبی، خیمه شب بازی و نقالی را باید نام برد که شروعش معلوم نیست ولی در دوره های اسلامی رواج داشت، در دوره قبل از اسلام نقالی عبارت از بیان وقایع حماسی یا داستانهای عشقی بود که همراه موسیقی اجرا میشد ولی بعدها بعلمت اینکه بین مسلمین موسیقی از محرکات بشمار میرفت لذا در دوره اسلامی نقالان، داستانهای حماسی و ملی را نقل می کردند ولی از اوایل قرن پنجم هجری نقالان، افسانه پرداز شدند.

۱ - مقدمه کتاب کریم شیرای به قلم دکتر محمد جعفر محبوب فردوسی شماره ۸۹۹  
۲ - نگاهی به تاریخ نمایش در ایران دکتر احمد احمدی، هنر و مردم شماره

در دوره مغول نقالی و قصه گوئی به افسانه های شبه حماسی و مذهبی گرائید و در عهد صفوی رواجی فوق العاده یافت و شعبه های آن، چون قصه خوانی - شاهنامه خوانی - حمله خوانی (حمله حیدری) روضه خوانی - سخنوری، رایج شد. در این دوره نقالی رواج داشت تا اینکه قهوه خانه ها در ایران مرکز نقالها شد. (۱)

خیمه شب بازی یا تآتر عروسکی هم باز، یکی دیگر از مراسم نمایش در ایران است که پیشرفتی نکرد و در عوض تقلیدچی ها که از عهد صفوی پدید آمده بودند کارشان رونق گرفت. اینان همانطور که آمد لهجه روستائیان و خصوصیات آنها را تقلید نموده و مردم را می خنداندند. تا اینکه کریم شیرای دلقک مشهور ناصر الدین شاه بیازار آمد و شیرین کاربایش به قهوه خانه ها کشیده شد که چون برای انجام این منظور تخته ای روی حوض می انداختند و روی آن به بازی می پرداختند به روحوضی یا تخت حوضی مشهور شد و نمایش اغلب در جشن های ختمه سوزان انجام می گرفت. بعد ها موضوعات این نوع نمایشات هجو یا مسائل اجتماعی گردید.

با این اطلاعات اولیه در تآتر باید بمسائل زیر توجه نمود:

هنر نقش ایفاگر آن در عروسی ها - سخنان و دیالوگهایی که در مراسم عروسی اجرا میشود - ترانه هایی که دیالوگهای آن توسط دو نفر و یا بیشتر خوانده میشود صحبتگاهی که ما بین دو نفر بصورت برخوردی ناگهانی گفته و خوانده میشود که در آن یکی، آن دیگری را به اصطلاح خیط میکند. مطلب چنین شروع میشود: کرم چنین گفت (در داستان اصلی و کرم) نمایشات ابتدائی که برای مزاح یا هنر

۱ - تاریخ نمایش در ایران - دکتر احمد احمدی ص ۲۰

شکل می‌گیرند - تعاریف بعضی از داستانها مانند داستانهای شاهنامه - تعاریفی که از طرف بعضی از افراد بصورت سنگ شکنی روی سینه اجرا می‌گردد - اصطلاحات موجود درین نمایشنامه‌ها - نمایشات تفریحی - مداحی و موضوعاتشان (نقل یکی از آنها بعنوان نمونه) بازیهای که جنبه نمایشی پیدا کرده است - انواع شعبده - بازیها (شرح اصطلاحات و موضوع) - مارگیری - حاجی فیروز - بازیهای نمایشی مانند کوسه و عروسی کولی ... و بازیهای محلی در بازیهای محلی تعداد شرکت کننده، سن بازیگر - فصل - ابزار - اصطلاحات و دیگر خصوصیات بسایه آورده شود.

### زبان و لهجه های بومی

زبان، یکنوع پدیده اجتماعی است که جبراً به فرد تحمیل می‌گردد. بنابراین بیان کننده محیط اجتماعی و خواسته‌ها و امیال آن محیط خواهد بود. جهت گردآوری زبان و یا لهجه‌های محلی باید در همان محل ماندگار شد و مطالعات چند روزه در مورد زبان یا لهجه‌ای نمی‌تواند مفید واقع شود جمع آوری لغات و پیدا کردن ریشه‌های آنها تخصص ادبی می‌خواهد ولی جامعه شناسان از آنها برداشتهای فراوانی می‌کنند.

با گردآوری مطالبی از یک زبان میتوان به بیشتر ارزش‌هایی برد، بدین منظور محقق ناگزیر است که در مطالب زیر و یا شبه آن جهت شناخت محیط و اعتقادات و دانش عوام به جمع آوری مسائل زیر بپردازد:

ضبط اسامی کلیه اشیاء و بدین منظور باید نام یک جسم را در چندین محل سوال نمود و صحیح آنرا یادداشت کرد - مشخصات لهجه و یا زبان محلی - الفبا دارد یا نه؟ یکدام یک از زبانها نزدیک تر است. مشخصات لهجه - تعداد زیادی از اسامی

ذات و معنی کسه بیشتر بکار گرفته میشود باید نام برد - تشبیهات - استعارات - اصطلاحات مربوط به کارهای فنی - زبان و اصطلاحات مذهبی - زبانهای ساختگی روستا - اصطلاحات داشها - نمونه های اصطلاحات و مثلهای روستا - اسامی جانوران و انواع آن بزبانهای محلی - اسامی ابزار و آلات کشاورزی - اسامی قهرمانان داستانها - نام اندامهای مختلف بدن - تکیه کلامها - کلمات و جملاتی که برایشان ثابو است و بکار نمی‌گیرند (مانند نام امام زمان) - فحشها - القاب - تعارفاتی که مردم هنگام بر خورد باهم دارند و با هنگام غذا خوردن و در مراسم انجام می‌دهند.

### زبان لوترا

زبانی است که ما بین عده‌ای، به ویژه هنگام معامله صحبت میشود، تا به رازی که در مورد متاع دارند می‌برده نشود. نوعی از این میان کودکان رایج است و جنبه محلی دارد، از انواع لوتر میتوان لوتر مطربی - مرغی - کشکی - برگردان لومی - سینی و گوشتی را نام برد (۱). لوتر مطربی میان مطربان رواج داشته و بین نوازندگان و خوانندگان معمول بوده است.

در آذربایجان میان کودکان به زبانی صحبت میشود که شبیه اینهاست و آن شکستن سیلابهاست و برگرداندن جای سیلابها. مثلاً وقتی میخواهند بگویند: حن گویند سن - یا بجای پنجره، گویند: جره - پن، که با تکرار سریع، خود همان کلمه حاصل می‌گردد.

۱ - برای اطلاع بیشتر به شماره ۱۶ کتاب مکتبه - مقاله بلوک باشی مراجعه فرمائید

در زبان زرگری مشهور هم ( ز ) اضافه می شود، یعنی در میان هرجهائی  
يك حرف (ز) درآوردند مانند اصقهان که میشود ازس، فاذا، هازان. وحقه میشود  
هزف - تزه و (من) میشود مزن و (نو) نوزو و (او) را باید اوزو تلفظ نمود. و  
با (ما) را مازا و (شما) شوزو مازا و (ایشان) را ایشان آزان تلفظ می کنند.

#### فصل چهارم

### مسائل حقوقی

حقوق یکی از مسائل روئبای اجتماعی است که در روستاها جنبه ویژه ای  
دارد. بعضی مسائل حقوقی اکثر بصورت عرف حل و فصل می گردند. بنا بر این  
ضبط و نگهداری این عرفها بسیار مهم است و ازین عرفها، حقوقی که در منطقه  
وجود دارد مشخص می گردد مانند: خون بها. در بعضی از روستاها این امکان پیش  
می آید که فرزند مقتول را جهت انتقام گیری بزرگ نموده و او را به انتقام جویی  
بدر تشویق می نمایند. با وجود قوانین و ژاندارمها باز امکان وقوع آن بسیار است  
و نظرات مردم درین مورد مهم است مانند اینکه چه عللی باعث جنکهای خون  
می شود؟ و داستانهایی که درین زمینه گفته میشود.

در مورد مسائل دیگر مانند برخوردهای مردم با فواحش محلی (۱) عکس -  
العملهای مردم در مورد زنان بیوه - شوهر کرده. منظور از گناه و گناهکار چیست -  
در مقابل انواع گناهان چه عکس العملی نشان می دهند - چه اعمالی و حرکاتی در

۱ - در روستاها بعضیها عقیده دارند که برای فواحش در مکانهای مقدس جنائی  
وجود ندارد. ولی برای دزد چنین نیست زیرا دزد قابل اصلاح است.

نظر آنان حرام و ممنوع است - چه حقوقی به زن طلاق گرفته تعلق می‌گیرد -  
 چه مقامی ازین زن‌ها مواظبت میکنند - فریب دادن دختر و مسائل آن - شکل‌های  
 مختلف اغوای دختر - مطالبی که در زبان مردم درین مورد مانده است - چه مسائل  
 حقوقی در مورد برادر نانی و برادر خوانده مطرح میشود - مسائل برادرهای شیر  
 و خونی چگونه است ؟ اوضاع و احوال کودکان ولد الزنا و حرامزاده - کودکان بنام  
 مادرشان و با پدرشان خوانده میشوند - دفاع از شرف چگونه است - معیار اسالت  
 در آن منطقه چگونه است ؟ آیا مربوط به حمیت - ترس - ثروت - مذهب  
 و ... است ؟

### تعبیرات و تفسیرات

اینها هم مانند یند و اندرز هستند ولی چگونگی کمی و کیفی یند را ندارند  
 اما تعبیرات برای خودجائی دارند مانند کلمات و جملات باره و سخیف (بفیوز الدنک).

### فحش‌ها

فحش‌ها هم نمودار طرز تربیت اجتماعی مردم است و بیشتر برای انتقام -  
 جوئی بکار میرود . فحش‌ها میتوانند وضع اجتماعی آن محیط را مشخص نمایند .  
 در مطالعات اختصاصی باید بر حسب موضوع و یا شدت ضعف آن تقسیم بندی نمود .  
 در بعضی جاها فحش در حق مردگان در روستاها از درجه معینی برخوردار است  
 مانند آنکه به مرده دشنام دادن گناه است .

در مورد مرده‌ها ، پدران و مادران ، پیغمبران و امامان ، جهد شده که کمتر بکار  
 رود . ولی در مورد اولی و دومی یعنی مرده‌ها و پدران و مادران محل نیش زدن و  
 حد اعلائی انتقام جوئی بوده است . فحش بمنظور تحقیر و بدگوئی و نفرین بکار

می‌رود . بعضی از مسائل تاریخی و سیاسی نام اشخاصی که مبین دوره‌ای هستند ، در  
 فحش‌ها وارد شده‌اند مثلا در مورد اصطلاح « بریدر آنکس لعنت » داستان زبیر  
 را تعریف می‌کنند :

حاکمی با یکی از مشاوران خود اطراف شهر را میگشت . به پیرمردی که  
 انگور همراه می‌برد ، برخورد میکنند ، همراه حاکم گوید : پیرمرد از انگور  
 بما بده و بول بستان ، جواب میدهد که اینرا برای حاکم خواهم برد . حاکم گوید  
 دو دینار بگیر و انگور را بما بده . قبول نمی‌کند و چون فردا انگور را به حاکم  
 می‌برد ، حاکم دستور می‌دهد دو دینار بار بدهید . پیرمرد ناراحت شده و گوید :  
 تو تفسیر نداری بریدر آن کس لعنت که در روز این نرخ را نهاد .

جمع آوری فحش‌ها و یا وجود فحش نامه از دیدگاه جامعه شناسی ضروری  
 است ، زیرا می‌تواند گوشه‌ای از اعتقادات مردم را نشان دهد . فحش‌های جنسی  
 بسیار آلوده اند و کاملا عقده‌های جنسی حل نشده خود را نشان می‌دهند ، از  
 فحش‌های کوچه و بازار میتوان بعنوان نمونه چنین یاد کرد :

گور پدرش - بی پدر و مادر - فرساق و ...

### تکیه کلام‌ها

هر ملتی برای خود تکیه کلام هائی دارد که بر مبنای آن افکار بعدی خود را  
 در آن فاصله زمانی جمع و جرد می‌کنند . عده‌ای جنبه مذهبی گرفته‌اند مانند :  
 قسم بخدا - بقرآن - به ابوالفضل - به امام هشتم . بعضی ها جهت تقویت دوستی  
 مطلب ادا می‌گردند . به جان تو ، بجان برادرم ، به جان بچه ام ازین گونه اند .  
 در بعضی جاها اسامی مکانهای مقدس نیز آورده میشود مانند : بقر امام هشتم (ع)

در یاره‌ای، اسامی اشخاص معروف مانند: به مولایم، در بعضی ها برای وقت کلام  
واقعه‌ای را نیز مجسم میکنند. مانند: به ابوالفضل نشنه قسم.

### القاب

لقب هم خود نمودار چیزی و مطلبی است و نوعی تشبیه. در جمع آوری باید  
به مسائل زیر توجه نمود:

القابی که به بزرگان داده میشود مانند: کدخدا - شیخ - آقا - سید -  
میرزا. القابی که به طبقه پائین داده میشود مانند آنچه به چوپان داده میشود  
(شیردل) - به اشخاص دیوانه (بهلول) و مطالبی نیز معنی ندارند ولی در زیبایی  
ادای مطلب نقشی دارند مانند: اما راویان اخبار و ناقلان گفتار - یکی بود، یکی  
نبود - آورده‌اند که:

### اصطلاحات مشاغل و حرف

کلیه مشاغل در هر روستا و منطقه‌ای، از اصطلاحاتی برخوردار است که جمع  
آوری آنها گنجینه‌ای خواهد بود و بخصوص که بعضی از آن مشاغل بعلمت پیشرفت  
صنعت از بین میرود بدین ترتیب اصطلاحات مربوط به آن مشاغل نیز فراموشی  
سپرده خواهد شد. در جمع آوری آنها ابتدا وسائل و ابزارها، و آنکام مطالب دیگر،  
مانند آنچه که در جمع آوری اصطلاحات کفشان - قهوه‌چی‌ها - مثنی‌ها و امثال  
آن آمده است و بهتر است ابزار و آلات با طرح اشکالی همراه باشد.

پایان

نام اشخاص - نام جایها

اسدی طوسی ۴	الف
اسکارمان ۶	آخوندوف ۱۲
اصلی وکرم ۱۸، ۲۱۵	آذری دمیرچی ۶۱
افشار، ایرج ۱۶	آذر یزدی ۱۶، ۱۹۹، ۲۰۰
اقبال، عباس ۸، ۲۱۵	آرمینوس ۹
اروج بیک بیات ۱۰	آزموده ابوالفضل ۱۹۲
امیر ارسلان ۱۷ - ۱۹۳	آق اولی، تقی ۱۳، ۱۱۲
امینی امیرقلی ۱۳، ۱۱۰، ۱۶۱، ۱۶۳، ۲۰۰	آل احمد - جلال ۱۵، ۶۹، ۱۵۶
انجوی شیرازی ۱۵، ۲۵، ۱۳۹	ابن خلدون ۵۵
۱۴۳، ۱۲۵، ۲۰۰	احسان یار شاطر ۱۶
ایرج میرزا ۱۳، ۱۲۴	احمدی، احمد ۲۱۴، ۲۱۵
ایوانف ۱۰	اخگر ۱۶، ۲۰۲
ب	ادیب طوسی ۱۶، ۱۸۱
بالار ۳۲	اربابی غلامرضا ۲۰۷، ۲۰۸
بامداد، محمود ۹۴، ۹۵، ۹۶	استراوس لونی ۳۷

برادن، ادوارد ۹، ۱۱۷، ۱۸۲	ترابی، علی اکبر ۲۳، ۴۵
براهنی، رضا ۱۹۵	تیلور ۲۳
برزگر، علی ۳۷	ج
برقعی، سیدیحیی ۱۹۹	جاوید (سن) ۱۵، ۱۴۷
بریکتو ۷	جمالزاده ۴، ۱۲، ۱۴، ۶۷، ۷۰
بشری، محمد ۲۰۳	۱۲۲، ۱۹۲
بلوک باشی، علی ۱۵، ۳۶، ۴۸، ۷۳	جواهر کلام ۱۰
۱۲۳، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۷، ۲۱۷	ح
بهرنگ ۱۶، ۳۲، ۱۸۱، ۱۹۳	حالت ابوالقاسم ۲۰۳
بهبول ۲۲۲	حسین کرد ۱۷، ۱۹۱
بهن بیگی ۱۴، ۱۱۰، ۱۱۳	حکمت علی اصغر ۸۲
بهنیاری، احمد ۲۰۲	خ
بهنام، جمشید ۲۵	خسروی، خسرو ۹۸، ۱۱۲، ۱۱۴
پ	۱۵۷، ۱۹۳
پتی دولاکروا ۶، ۱۹۰	خورش، علی ۱۲۷، ۱۳۶، ۱۳۸
پروین گنابادی ۱۳	۱۴۰، ۱۴۴
پورافکاری نصراله ۴۴، ۴۵	د
پورکریم هاشم ۱۵، ۱۲۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۶۰	دانش پزوه، محمد تقی ۱۶
ت	دانشور محمود ۱۴
تانیول، جاهد ۹۴، ۹۵، ۹۸	دده قورقوت ۱۸
تاورنیه ۵	درویل کاسپار ۶
	دهخدا ۴، ۱۳، ۱۴

کسروی احمد ۱۲۳، ۱۷۷	عبیدزاکانی ۴، ۱۷، ۲۱۲
کشاورز کریم ۱۹۳	عطار ۴
کلثوم تنه ۱۸، ۱۹	غ
کلاویخو ۸	غفاروف عبدالله ۷
کورات ۳۳	ف
کور اوغلی ۴، ۱۸	فردوسی ۴، ۵
کوسه میحال ۶۱	قرزانه ۱۵
گوتتر ۷	فرهوشی ۱۵، ۱۳۹
کوهی کرمانی ۱۴، ۱۶۰	فقیری، ابوالقاسم ۱۶، ۱۸۶، ۱۲۰، ۱۸۱
کیا ' صادق ۱۵	۱۸۲: ۱۸۶
کھی	فوریه ۸
گل سرخی، ایرج ۱۶	فیلولت ۷
ل	ق
لوبله ۵۲	قآئی ۲۱۲
لوریمر ۷	ک
م	کازدان، علی محمد ۴۵
ماسه، هنری ۸	کازنک، عبدالعلی ۱۶
محبی، جواد ۶	کتیرائی، محمدود ۱۶، ۱۸، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۲۱
محبوب، محمد جعفر ۱۲، ۱۵	۱۲۲، ۱۴۹
۱۷، ۱۳۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰	کرمانی، احمد ۱۳
۱۹۳، ۲۱۴	کریمتین سن ۶
مجتهدی، علی اصغر ۱۶، ۲۰۳	کریم شیرهای ۲۱۴

سعدی ۴، ۵، ۷	دبولافوا ۵
سلیم جواهری ۱۷، ۱۹	ذ
سوزلی ۲۱۲	ذکاء، یحیی ۱۵، ۱۲۳
سید اشرف الدین ۱۳	ر
سید جمال الدین ۱۲	رائزل ۵۲
ش	روح الامینی ۳۹، ۴۰
شاردن ۵	رودنکو ۸
شاملو ۱۶	روزنفلد ۸
شعاعی ۱۲۰، ۱۳۳، ۱۳۵	روسک، جوزف ۲۴، ۲۹
شکورزاده ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۴	روماسکوویچ ۸
۱۷۶، ۱۹۶	رهبر، علی ۲۰۶
شکوئی، حسین ۲۲، ۵۲، ۵۵	ز
شهربار ۱۲۹	زریاب خوئی، عباس ۱۶
شیانی، نریمان ۲۳، ۲۶، ۲۷	ژ
۳۶، ۳۷، ۴۶	ژوکوفسکی ۶
ص	س
صبحی ۱۴	سانون ۱۰
صدیق ح ۱۶، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۹۲	سادات اشکوری، کاظم ۱۹۳
ط	ساعدی، غلامحسین ۱۶، ۶۹، ۱۱۰، ۱۱۳
طالببارف ۱۱، ۱۳	ستاری جلال ۱۹۲
ع	ستود منوچهر ۱۵
عاشق غریب ۱۸	سرابی، صادق ۴، ۲۰۳
	سرمرتیمر ۶

کتابنامه

به زبان فارسی

- آذری یا زبان باستانی آذربایجان - احمد کسروی ۵۲ تهران، چاپ پنجم .  
 از خشت تا خشت - محمود کنیرائی ۴۸ تهران .  
 اصلی و کرم  
 افسانه‌ها - صبحی مهتدی جلد اول ۳۸ تهران .  
 افسانه‌های آذربایجان - بهرنک و دهقانی ۴۸ تهران  
 افسانه‌هایی از روستایان ایران - مرسته - بدون سال چاپ  
 افسانه‌های ایرانی - ساتون - ل - ب - ترجمه علی اکبر جواهر کلام ۴۱ تهران  
 افسانه‌های اشکور پالا - کاظم سادات اشکوری ۵۲ تهران  
 افسانه‌های قفقازی - لوریل بیمن - ترجمه ابوالقاسم سری ۵۲ تهران  
 افسانه‌های کردی - رودنکو - ترجمه کریم کشاورز ۵۲ تهران  
 افسانه‌های کرمانی - ترجمه مهین رادیور - بدون سال چاپ - چاپ دوم  
 افسانه‌های کهن - صبحی ۳۹ تهران

- مراغه‌ای: زین الدین ۱۲  
 مرضوی، جمشید ۳۹، ۴۵  
 مرضوی، منوچهر ۱۶  
 مصاحب، غلامحسین ۱۶۶  
 معینی ۱۶  
 مقربی مصطفی ۱۶  
 مکرری، محمد ۱۴، ۱۸۱  
 ملاصرالدین ۱۳، ۱۸، ۲۱۳  
 ملک بهمن ۱۷  
 ملک جمشید ۱۷  
 میرزا آقاخان کرمانی ۱۲  
 میرزا ملکم خان ۱۱  
 موش و گربه ۱۷  
 مولوی ۴، ۵  
 موتسکیو ۵۵  
 مهرین، مهرداد ۲۰۱، ۲۰۲  
 مهندسی خسرو ۳۵  
 ن  
 ناصرالدین شاه ۲۱۴  
 نسیم شمال ۱۳  
 نظامی ۳، ۵  
 نوایی، ماهیار ۱۶  
 نیرمحمدی، ناصر ۲۳  
 و  
 ورجاوند ۴۲، ۴۳، ۸۱  
 ودیعی، کاظم ۹۸  
 ولفسن ۹  
 ویلسون ۷  
 ه  
 هادانک ۷  
 هبله رودی ۱۶  
 هدایت ۱۳، ۱۶، ۲۰، ۲۳، ۴۸  
 ۸۷، ۱۳۵، ۱۶۵، ۱۶۷  
 هزارریکشتب ۶، ۱۸، ۱۹  
 همایونی، سارق ۱۵، ۱۷، ۳۴، ۳۴  
 ۱۸۳، ۱۹۳  
 ی  
 یغمای جندقی ۲۱۲  
 یونسی، ابراهیم ۱۹۳



افسانه‌های یونان و روم - ترجمه ناصر ایران‌دوست ۳۳ تهران  
 امثال سمنانی - منوچهر ستوده  
 امثال شعر فارسی - حمید شعاعی ۵۱ تهران  
 امثال و حکم در لهجه آذربایجان - علی اصغر مجتهدی ۳۴ تبریز  
 انسان و طبیعت جهانگیر صوفی ۳۷ تبریز  
 اورازان - آل احمد ۳۳ تهران  
 اوسانه - صادق هدایت  
 اوسونگون - مرتضی هنری ۵۲ تهران  
 امثال و حکم دهخدا ۳۸ تهران  
 اهل هوا - ساعدی ۴۵ تهران  
 ایرانیان در گذشته و حال - مادام و ، ولفسن - ترجمه میرزا حسن خان انصاری  
 ۱۳۰۹ تهران .  
 بازیهای نمایشی - انجوی شیرازی ۵۲ تهران  
 بامدی ، طایفه‌ای از بختیاری - زیر نظر دکتر ورجاوند ۴۶ تهران  
 بنه - صفی نژاد ، جواد ۵۱ تهران  
 بایاتیلار - فرزانه  
 پیدایش دین و هنر جان دی . مورگان . ترجمه ایرج احسانی . انتشارات  
 گوتنبرگ بدون سال چاپ  
 نجات نشینهای بلوک زهرا - آل احمد ۵۲ تهران  
 تاریخ اجتماعی ایران - مرتضی راوندی ۳ جلد ۴۴ تهران

تاریخ ادیان - جان ناس - ترجمه علی اصغر حکمت ۴۴ تهران  
 تاریخ کیانیان - کریم‌تین سن - ترجمه ذبیح‌اله صفا ۳۶ تهران  
 تاریخ نائین - بلاغی سید عبدالحجّه ۱۳۶۹ قمری تهران  
 تذکرة الاولیاء - شیخ فرید الدین عطار نیشابوری  
 ترانه‌های روستائی خراسان - ابراهیم شکورزاده ۳۸ تهران  
 ترانه‌هایی از جنوب - صادق همایونی ۴۵ تهران  
 ترانه‌های گورانی یا کردی - دکتر محمد مکرری ۲۹ تهران  
 ترانه‌های گیلک - علی اکبر مرادیان ۴۷ رشت  
 ترانه‌های گیلانی - منوچهر ستوده  
 ترانه‌های محلی - ابوالقاسم فقیری ۴۲ شیراز  
 تفریح نامه - چاپ کتابفروشی فردوسی تبریز بدون سال چاپ  
 تمثیل و مثل ، انجوی شیرازی ۵۲ تهران  
 جامعه شناسی روستائی - دکتر پورافکاری ۵۲ تبریز  
 جامعه شناسی روستائی - دکتر علی اکبر نرایی ۴۲ تبریز  
 جامعه شناسی روستائی ایران خسرو خسروی ۵۱ تهران  
 جاهلیت و اسلام - استاد علامه یحیی نوری چاپ سوم ۴۹ تهران  
 جزیره خارک در دوره استیلای نفت - خسرو خسروی ۴۲ تهران  
 جزیره خارک ، در تیم خلیج فارس آل احمد  
 جشن ها و آداب و رسوم و معتقدات زمستان - انجوی شیرازی جلد اول  
 ۵۲ تهران

جشنهای باستانی ایران - علی خوروش دیلمانی ۴۲ تهران

جغرافیای اصفهان - دکتر سیروس شفق ۵۳ اصفهان

جغرافیای تاریخی و تاریخ لرستان - علی محمد ساکی ۴۳ خرم آباد

چرند ویرند - علی اکبر دهخدا - تهران سال ۴۱

چیستان در ادبیات فارسی - محمدجواد بهر روزی ۵۰ شیراز

چهارده افسانه از افسانه‌های روستائی ایران - کوهی کرمانی ۱۳۱۴ تهران

چهل طوطی ، چاپ قدیم بدون سال چاپ

حسین کرد شبستری - بکوشش علی حصوری ۴۴ تهران

حیدر بابا به سلام - محمدحسین شهریار ۴۶ تبریز

خلخال یك لهجه آذری - کارنک ۳۴ تبریز

خلسه مشهور به خوابنامه به کوشش کتیرائی ۴۸ تهران

خیابو یا مشکین شهر - ساعدی ۴۴ تهران

داستانهای امثال - امیرقلی امینی ۵۱ اصفهان ( چاپ سوم )

درباره کلیله و دمنه - محبوب چاپ دوم ۴۹ تهران

دیدنیها و شنیدنیهای ایران - محمود دانشور ( ۲ جلد ) جلد اول ۲۶ -

جلد دوم ۲۷

دون ژونن ایرانی - سیاحتنامه اروج بیگ - ترجمه مسعود رجب نیا

۳۸ تهران -

رابطه اوزان شعر فارسی با اوزان ترانه‌های محلی - ادیب طوسی ۳۲ تهران

رموز حمزه

روش بررسی و شناخت کلی ایلات و عشایر - دکتر ورجاوند ۴۴ تهران

روشهای جامعه شناسی - دکتر جمشید مرتضوی ۵۲ تبریز

روشهای تحقیق در علوم اجتماعی - ترجمه دکتر خسرو مهندسی ۴۶ تهران

روش مردم شناسی - بسنیه - ترجمه علی محمد کاروان ۴۰ تهران

زمینه جامعه شناسی - دکتر آریا نپور ۴۷ تهران

سرگذشت حاجی بابای اصفهانی - جیمز موریه - ترجمه میرزا حبیب اصفهانی

به کوشش دکتر رحیملو ۵۱ تبریز

سفرنامه اوژن فلاندن - ترجمه حسین نوری صادقی ۲۴ اصفهان

سفرنامه ناورثیه - ترجمه ابونراب نوری ۳۶ اصفهان

سفرنامه درویل - ترجمه علی محمد ساکی ۲۳ خرم آباد

سفرنامه دیولافوا ؛ ترجمه ونگارش فرموشی ۲۳ تهران

سفرنامه فردریچاردز - ترجمه مهین دخت صبا ۴۳ تهران

سفرنامه کلاریخو - ترجمه مسعود رجب نیا ۴۷ تهران

سفر اطعمه، تألیف میرزا علی اکبرخان آشبزباشی ۵۳ تهران

سفری به سرزمین دلوران - مریان سی کوپس - ترجمه امیر حسین ظفر

ایلیخان بختیاری ۳۴ تهران

سه سال در دربار ایران - فوریه - ترجمه عباس اقبال ۲۶ تهران

سمندرچل کیس ، محسن مهین دوست ۵۳ تهران

سوگواریهای ادبی در ایران - کوهی کرمانی ۳۳ تهران

سیاحتنامه درویشی دروغین درخانات آسیای میانه - آرمینیوس وامبری -

ترجمه فتحعلی خواجه نوریان ۳۷ تهران

سیاحتنامه ابراهیم بیگ - حاج زین العابدین مراغه‌ای ۴۱ تهران

سیاحتنامه شاردن - ترجمه عباسی ۳۵-۴۵ ، امیر کبیر تهران

سی افسانه از افسانه‌های محلی اصفهان ، امیرقلی امینی ، چاپ اصفهان

شاهنامه فردوسی ، چاپ بروخیم ، تهران

شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه ، عبدالله مستوفی

۴۳ تهران چاپ دوم (۳ جلد)

شیراز در گذشته و حال ، حسن امداد ۲۹ شیراز

صدای یا ... حمید شعاعی ۵۲ تهران

ضرب المثلها - گردآوری مرسته ۴۸ تهران

طالب آباد ، صفی نژاد ۴۵ تهران مؤسسه تحقیقات اجتماعی

طرح مسائل جامعه‌شناسی امروز نیک‌گهر ۴۹ تهران

عاشق غریب ام . یو ، لرمونتف ، ترجمه صادق سرابی ۵۰ تهران

عرف و عادات در عشایر فارس ، بهمن بیگی ۲۴ تهران

عقاید و رسوم عامه مردم خراسان ۴۶ تهران

عقاید النساء و مرآت البلهما - تصحیح کثیرائی ۴۹ تهران

علم اخلاق یا حکمت عملی - دکتر محمود بامداد ۴۲ تهران

فشندهک - هاشم پورکریم ۴۱ تهران مؤسسه تحقیقات اجتماعی

فرهنگ البسه مسلمانان ر . پ . آذری - ترجمه حسنعلی هروری ۴۵ تهران

فرهنگ عامیانه عشایر بویراحمدی و کهگیلویه - دکتر منوچهر لعمه

فرهنگ عوام - امینی ، امیرقلی ، ۵۰ اصفهان

فرهنگ کرمانی - دکتر منوچهر ستوده ، تهران

فرهنگ گیلکی - دکتر منوچهر ستوده ، تهران ۳۲

فرهنگ لغات عامیانه - محمدعلی جمالزاده ، بکوشش محمد جعفر محبوب ،

۴۱ تهران

فلسفه جغرافیا - حسین شکوئی ۴۹ تبریز

فلسفه علوم ، دکتر علی اکبر تراپی ۴۷ تهران

فلک ناز ، گردآوری و تنظیم محشم ۴۸ تهران

فولکلور ارامنه ترجمه گیورکیس آفاسی ۵۰ تهران

سیاهان - ترجمه گیورکیس آفاسی بدون سال چاپ تهران

قاپ بازی در ایران - حسین جهان‌شاه ۵۰ تهران

قصه‌های آذربایجان - ترجمه ابوالفضل آزموده تهران گوئنبرک

قصه‌های ایرانی - انجوی شیرازی جلد اول ۵۲ تهران

قصه‌های کچل . ح . صدیق ۵۲ تهران

قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب - مهدی آذر یزدی ۳۸ تهران

قصه‌های عامیانه - گردآوری مرسته ۴۷ تهران

قصه‌ها و مثلها ، مهدی آذر یزدی چاپ دوم ۵۰ تهران

قصه نویسی دکتر رضا براهنی

کاروند کسروی - احمد کسروی - بکوشش ذکاء ۵۲ تهران

کاروشی در امثال و حکم فارسی - سید بهیسی برقمی ۵۱ تهران

کتاب احمد یا سفینه طالبی - عبدالرحیم طالب اف تجار تبریزی ۴۶ تهران  
 کور اوغلو، چاپ سنگی  
 گزارش گویشهای لری - علی حصوری ۴۲ تهران  
 گذری در ادبیات کودکان - لیلی ایمن (آهی) - میرهادی - دولت آبادی ۵۲ تهران  
 گویش آذری - رحیم رضا زاده ملک ۵۲ تهران  
 گویش گلین قیه (هرزندی) ذکاء ۳۶ تهران  
 گویش وفس و آشتیان - صادق کیا ۱۳۱۸ تهران  
 لباس زنان اسلام از سده ۱۳ هجری تا امروز - ذکاء ۳۶ تهران  
 لیلی و مجنون، نظامی، تصحیح وحید دستگردی تهران ۱۳۱۳ شمسی  
 مثالها و تمثیل فارسی و ضرب المثل های روسی خ - ک کور اوغلی - ترجمه  
 صادق سرابی نشریه شماره ۱۰ از انتشارات گوتنبرگ تهران  
 مجمع الامثال، محمدعلی هبله رودی، ویراسته صادق کیا ۴۴ تهران  
 مجموعه رسائل و اشعار اهل حق - ایوانف ۱۳۱۸ تهران  
 مجموعه مقاله - صمد بهرنگی ۴۸ تهران  
 مختار نامه، شرکت نسبی کانون کتاب، بدون سال چاپ  
 مردمشناسی ژان کازنو - ترجمه ثریا شیبانی ۴۹ تهران  
 مسیب نامه (کلیات) شرکت نسبی کانون کتاب تهران بدون سال چاپ  
 مشهورترین ضرب المثل های جهان - مهرداد مهرین تهران بدون سال چاپ  
 مقدمه ابن خلدون - ترجمه محمدپروین گنابادی ۳۷ - ۳۶ تهران، بنگاه  
 ترجمه و نشر کتاب

مقدمات انسان شناسی، روح الامینی ۵۱ تهران  
 مقدمه ای بر جامعه شناسی - جوزف روسک - ترجمه نبوی - کریمی ۵۰ تهران  
 مقدمه ای بر دوستان شناسی ایران - کانظم ودیعی چاپ دوم ۵۲ تهران  
 مقدمه ای بر مردم شناسی - داکلاس آلیور ترجمه دکتر علی بزرگر ۵۲ تهران  
 ملا نصرالدین - گردآوری محمد رمضان ۳۹ تهران  
 موش و گربه - عبید زاکانی ۳۲ تهران  
 نمونه های فولکلور آذربایجان - گردآورنده س - جاوید ۴۴ تهران  
 بیرنگستان - هدایت ۴۲ تهران، چاپ امیرکبیر  
 واقف - شاعر زیبایی و طبیعت، صدیق ۴۷ تبریز  
 هزارترانه، گردآورنده ا - ع محل چاپ و سال ندارد  
 هزار و یک سخن در امثال و نصایح و حکم - امینی امیرقلی ۱۳۳۹  
 هزار و یکشب، موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی تهران ۱۳۳۷  
 هشت سال در ایران - سایکس ترجمه حسین سعادت توری ۱۳۱۵ تهران  
 هفتصدترانه، گردآوری کوهی کرمانی ۴۲  
 هنر داستان نویسی ابراهیم یونسی چاپ امیرکبیر ۵۱ تهران  
 هنگی ایسه - هنگی قیه - محمد بشری ۵۲ رشت  
 یشتها جلد اول، پورداد، چاپ افست ظهوری  
 یک بحث جدی درباره خنده و شوخی - دکتر پاسارگادی ۳۴ تهران  
 یکسال در میان ایرانیان - ادوارد براون - ذبیح الله منصوری ۲۳ تهران جلد اول

يك هزار و چهارصد ترانه محلی شیرازی، صادق همایونی ۴۸ شیراز

بکی بود، بکی نبود . محمدعلی جمالزاده ۴۵ ، تهران

بوش سیروس طاهباز ۳۲ تهران ، مؤسسه تحقیقات اجتماعی

### مجلات - روزنامه‌ها - نشریات

آموزش و پرورش	روزگار نو
ارمغان	سخن
اطلاعات	سیاه دانش
اطلاعات ماهانه	فردوسی
اطلاعات هفتگی	فرهنگ و زندگی
ایران آباد	کارش
بررسی های تاریخی	کتاب هفته
پیام نو	گیهان
پیام نوین	مسائل ایران
پیک جوانان	موسیقی
تلاش	مهر
جهان نو	تکین
خوشه	وحید
دانشکده ادبیات ، دانشگاه تهران	هنر و مردم
دانشکده ادبیات تبریز	یادگار
دفتر دوستا	بقما
راهنمای کتاب	

## منابع به زبان خارجی

- 1-Contes en Persan Populaire . H. Massec . Paris 1925
- 2- Contes Persans Par A. Bricteux - Paris 1910
- 3 - Croyances et Coutumes Persanes , Paris 1938
- 4 - L' Etat actuel de La Sciense Sociale , Paris 1904
- 5 - Etnologi Sozlugu . Dr. Sedat Veyis ornek ,Ankara 1971
- 6 - San ' at Ve Ahlak Prof Dr. C. Tanyol , Istanbul
- 7 - Sosyolgik acidan Din , Ahlak , Laiklik Ve Politika Prof . Dr. Cahit tanyol Istanbul 1970
- 8 - Sosiologi Tarihi . Prof . Dr N . S- Kosemihal . - Istanbul 1904
- 9 - Standard Dictionary of Folklore Mythology and - Legend Vol 1 1950

## واژه نامه

### چند لغت محلی

آنل بوتول : بیر

آلما : سیب

ارکک : تر

باسلق: نوعی خوردنی از نساسته در شیر

تیکان : خار

سامان : کاه

-جوق : نوعی خوردنی که نشاسته در آن بکار برده باشند و در چم ارشنبه سوری بیشتر فرودخته میشود .

فقیله ای : نوعی آجر

قانع : ماست

قالبور : غربال

قاناد : بر

قوشما: نوعی شعر هجائی در آذربایجان

قوشایارباق: نوعی شعر هجائی در آذربایجان

قویو : چاه

فیل : مدفوع نوزاد در روزهای اول . در آذربایجان (فیر) تلفظ میشود .

کیچی : بز

کولا : کلاه

گرایلی - نوعی دیگر از شعر عاشقی

کل : بزمک واحد آب در آذربایجان

کوزه اللهم : نوعی شعر در آذربایجان

لچک : روسری

## یادآوری

خلاصه ترجمه کتاب اخلاق مسلکی و تراندهای فانی بافان را به صفحات بعد  
موکول کرده بودیم، اینک یادآور میشود که اضطراراً بسیاری از مسائل را خلاصه  
و یا حذف کرده ایم که امید می رود در چاپ دوم کاملتر گردد . در مورد اخلاق  
مسلکی یا شغلی باید گفت که منظور قسمتی از سه درس منتخب از درسمای امیل  
دورکیم است که بنام اخلاق شهری و حرفه ای ، بسالهای ۱۹۰۰ - ۱۸۹۸ در مجله  
Revue de Metaphysique et de Morale 1 (1937)

چاپ شده است .

برای رعایت احترام نویسندگان محترمی که از نوشته ها و آثار آنان  
استفاده شده است الراماً یادآور می شود که در تهیه و جمع آوری شواهد از کتابها  
و نشریات زیر بیشتر سودجویی شده است :

۱ - آثار دکتر محمد جمفر محبوب که بجز کتابهای نام برده شده ، از  
مقالات ارزنده ایشان در فردوسی - سخن - کادش - کتاب هفته - نشریه  
دانشکده ادبیات تبریز - ایران آباد - راهنمای کتاب - تلاش - هنر و مردم - یفا  
بهره گیری شده است .

۲ - فهرست مقالات فارسی ۲ جلد بگردش ابرج افشار

۳ - فهرست مقالات مربوط به علوم اجتماعی، جلد اول موسسه تحقیقات اجتماعی

۴ - فهرست کتابهای چاپی فارسی خان بابا مشار

۵ - کتابها و نشریات مرکز مردم‌شناسی و فرهنگ عامه

۶ - مجله هنر و مردم

۷ - امثال و حکم دهخدا

با بوزش قبل از خواندن کتاب اشتباههای چاپی زیر را درست کنید

صفحه	سطر	نادرست	درست
۵	۱۶	تارویه	تاوریه
۶	۶	ویل دورانت	دورانت
۸	۶	(۱.۱) روماسکوویچ	زائد است
۱۰	۳	کلمه مشهدی به قبل از کلمه گلین سطر ۴ اضافه شود	(زنی بنام مشهدی گلین)
۱۴	۲۱	۲۶	۲۹
۱۵	۱۵	تفرزانه	فرزانه
۱۸	۳	خردنامه	خوابنامه
۴۸	۲۱	۱۲	۱۳
۵۹	۱۱	کشاورزی	کشاورزی
۵۹	۱۸	جستن سنک	جستن جرقه
۶۷	۲۰	فنیله‌ای	فقیله‌ای
۷۲	۱۷	چه نوع مشاغلی پسندیده و مذموم است	
۸۲	۱۸	مسلك اخلاقی	اخلاق مسلکی باشغلی
۷۴	۱۲	فسد	فصد
۸۴	۶	حشیل، هورا (۱)	خشیل (۱) هورا
۹۸	۲۰	مقدمه روستاشناسی	مقدمه بر روستاشناسی



صفحه	ستور	نادرست	درست
۱۲۲	۲	اگر	دگر
۱۲۹	۱	سفید	سعید
۱۳۲	۱۹	دوا	دور
۱۴۰	۲۱	کلمه مجمله اضافی است	
۱۴۶	۱۲	بازشبییه عروس گلی رکوسا با گوشه که گویند و وقتی...	
۱۷۷	۲۱	حقیقت	طبیعت
۱۷۸	۲	سخنی	سخن
۱۷۸	۸	روستائی	روستاها
۱۸۳	۱۰	کم نیست	کم است
۱۸۳	۱۶	(۱)	(۳)
۱۸۶	۳۱	۱۱	۴۱
۱۸۸	۱۴	Legend · Fable	Legend · Fable
۱۹۱	۱	که سوگند	که به سوگند
۱۹۲	۱۷	جهانی اند	جهانی اند (۲)
۲۰۳	۱۴	و بیج	جمفری



موعد تحويل

٧٨١٠٢١ / ١٩٧١ / ١٢ / ١٤

أحمد زاهد

١٣٤٤ / ١٢ / ٢٥

١٣٤٤ / ١١ / ١٤

عزت

١٣٤٤ / ١١ / ٢٥

ابراهيم زاهد

١٣٤٤ / ١١ / ١٤

السر

١٣٤٤ / ١١ / ٢٥  
عزت

RF  
G-RZ90  
P8



18007500083664

کتابخانه مرکزی دانشگاه